www.TPTG.ir

فرهنگ اصطلاحات حقوق بشرو حقوق بین المللی

تهیه و ترتیب

بنفشه " ملکزاد "
پوهندوی محمد محسن " فرید "

مترجم
محمد شریف " پسندی"

تمویل کننده: حکومت کانادا (از طریق نمایندگی بین المللی انکشاف کانادا)

www.TPTG.ir

www.TPTG.ir

ایدلو (2007) حق طبع محفوظ است.

تمام موضوعاتی که محتوای این کتاب را تشکیل میدهد برای استفاده شخصی یوده وغیر تجارتی می باشد. حق طبع آن محفوظ بوده وایلو ویا کسانیکه مؤلف آن است ازآن نظارت می کند.

معرفی کتاب
نام کتاب: فرهنگ اصطلاحات حقوق بشر و حقوق بین المللی
ناشر: سازمان بین المللی انکشاف حقوق
تمویل : حکومت کانادا
چاپ : دوم اصلاح شده .عقرب 1387 مطابق د سمبر 2008
تیراژ: (2000)
طبع : مطبعه حبیب الله حسیب

www.TPTG.ir

مندرجات

سپاسگزاری.....

معرفی.....

فهرست اصطلاحات تعریف شده.....

تعریف اصطلاحات.....

ضمیمه ها:

ضمیمه (I) **اعلامیه جهانی حقوق بشر**.....

ضمیمه (II) **میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی**.....

ضمیمه (III) **میثاق بین المللي حقوق اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي**

ضمیمه (VI) **کنوانسیون منع شکنجه وسایر رفتارها و مجازات**

ظالمانه غیر انساني یا تحقیر آمیز.....

ضمیمه (V) **کنوانیسون بین المللی حقوق اطفال**.....

ضمیمه (IV) **کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان**.....

فهرست منابع.....

بسم الله الرحمن الرحیم

اظهار سپاس

کتاب حاضر تلاشی است برای معرفی لغات و اصطلاحات مربوط به حقوق بشر وحقوق بین المللی. این کتاب میتواند به عنوان یک منبع برای افراد وسازمانهای که به تحوی با مسایل حقوق بشر در ارتباط هستند مفید واقع شود. اینگونه لغات واصطلاحات به طور روز افزون در منابع تخصصی حقوقی ونیز کتب ونشرات عمومی به چشـم می خورد که گویای علاقمندی فوق العاده جامعه جهانی به مسایل حقوق بشر میباشد.
سازمان بین المللی انکشاف حقوق(IDLO) تصمیم گرفت تا به همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این کتاب را از منابع معتبر ترجمه نموده ودر اختیار علاقمندان قراردهد. دراین جا بایستی صمیمانه از زحمات و کمک های محترمه خانم بنفشه " ملکزاده " مشاور حقوقی سازمان بین المللی انکشاف حقوق ومحترم پوهندوی محمد محسن " فرید " مشاور حقوقی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که در ترتیب ، تکمیل وچاپ این کتاب مساعی به خرچ داده اند، اظهار سپاس نماییم. وهمچنین از زحمات آنعده همکاران محترم که در ترجمه این کتاب

بذل مساعی نموده اند، قدردانی نماییم. بدون تلاش خستگی نا پذیر دست اندرکاران، امکان نداشت تا چنین کتابی را در اختیار داشته باشیم. امید واریم در راه خدمت به علم و فرهنگ دراین کشور موفق باشند.
نظریات و پیشنهادات سالم و ارزشمند شما باعث غنا مندی هرچه بیشتر این اثرخواهد گردید، طوریکه درچاپ دوم از نظریات و پیشنهادهای دانشمندان محترم محمد ابولا رار رامیز پور و محترم پوهاند دوکتور ودیر صافی در قسمت تصحیح نهائی متن استفاده گردیده است، از ایشان ابراز سپاس و تشکر مینمایم. منتظر نظریات عالمانهء تان هستیم.

سازمان بین المللی انکشاف حقوق
کابل ـــــــــــــــــــ افغانستان

فهرست اصطلاحات:

آدم ربایی - Abduction (of person)
آسیب غیرضروری - Unnecessary Suffering
آپارتاید – Apartheid
آزادی های مدنی - Civil liberties
آزادیهای چهارگانه(در سخنرانی روزیویلت)- Four Freedoms(Roosevelt speech)
آزادی – Freedom
آزادی های بنیادی - Fundamental Freedoms
آزادیخواهی – Liberalism
آزادی – Liberty
آشوب – Riot
احترام (به حقوق بشر) - Respect (for human rights)
اطاعت اجباری – Servitude
امضاء کننده - Signatory .
امضای قابل تجدید نظر- Signatory/Signature *Ad Referendum*
امضاء- Signature
اصل تساوی حاکمیت -Sovereign Equality
ارائه شکایت – Standing
اعدام غیر قانونی - Summary Execution
انتقال (نورمها) - Transformation (of norms)
اصول (شهر) ترکو ابو- Turku Abo Principles
اعلامیه و برنامه عملی ویانا - Vienna Declaration and program of Action
اصل متممیت (سیستمها/صلاحیتهای قضایی)
Complementarity (of Judicial Systems/Jurisdiction)
التزام مثبت - Affirmative Obligation
اصول بنیادی - Basic Principles
اشد مجازات - Capital punishment
اشیاء غیر نظامی - Civilian Objects

استعمار – Colonialism
اصالت جامعه – Communitarian
اعتراض وجدان (به تعهدات نظامی/ملکی) - Conscientious Objection (To Millitary/Civil Obligation)

www.TPTG.ir

اتفاق رای (رای سازمانی) – Consensus
امپریالیزم فرهنگی - Cultural imperialism
اقدام دیپلوماتیک- Demarche
اعلان الغاء/اتهام نقض (پیمان یا شکایت) - Denunciation(of Treaty or Complaint)
اخراج/ردمرز (فرد از یک کشور)- Deportation
امانت دار(بندمعاهده)- Depository (Clause of Treaty)
انکشاف (روند/حق به) - Development (Process/Right to)
اثر یا تاثیر طرف ثالث (تاثیر وظیفه معیاری) – Drittwirkung (Effect of Normative Obligation)
اکراه – Duress
اطمینان حاصل نمودن از *(احترام به حقوق بشر)* – Ensure *(Respect For Human Rights)*
اخراج اجباری(بیگانه گان از کشور)- Expel/Expulsion (of Alien from state)
استرداد (مظنون جنایی) - Extradition (of criminal suspict)
انتخابات آزادوعادلانه - Free and Fair Election
اختیارت تام - Full Powers
اصول عمومی حقوق(منبع معیاری) General Principles of Law (source of Norms)
اثرافقی (تاثیرتعهد معیاری)
Horizontal Effect/Horizontality (Effect of Normative Obligation)
ازتوان افتاده(جنگجو)- Hors De Combat (Combatant)
(اصل) انسانیت (قانون برخوردهای مسلحانه) –
Humanity (Principle) (LOAC
امپریالیزم- Imperialism
اصل غیر محدود به مرور زمان (تخطی جنایي) Imprescriptability (Criminal Offense)
الحاق (نورمهای بین المللی) - Incorporation (of International Norms)
اصالت فرد - Individualism

اتحاد ملتها – League of Nations
اقلیت زبانی/گروه – Linguistic Minority/Group
استحقاق (یک قضیه/شکایت) – Merits (of a Case/Complaint)
اقلیت (گروهی از مردم) – Minority (Group of People)
امنیت ملی (محدودیت) – National Security (Limitation)
اتهام به نفس
Nemu Tenetur Edere Contra Se (Principle against Self-Incrimination)
اصل عدم تبعیض - Nondiscrimination (Principle)
اصل عدم اخراج - Non Refoulement (Principle)
اصل قانونیت مجازات - NULLUM CRIMEN,NULLA POENA SINE (Principle)
اصول نورمبرگ – Nuremberg Principles (1945)
اعتراض – Objection (To Reservation To Treaty)
اذ یت – persecution
افراد تحت اختیار دشمن - Persons in the Power of Enemy
اراده سیاسی (دولتها) - Political Will (of States)
اصل بری الذمه (قانون جزایی)Presumption of Innocence (Principle of Criminal Law)
اصل (قانون) – Principle (of Law)
اصل تفسیر وتطبیق قانون- Pro Homine (Principle of Application and Interpretion)
اشخاص محفوظ - Protected Persons
امن عامه- Public Safety (Limitation)
اسیر جنگی - Prisoner of War

www.TPTG.ir

اهالی غیر نظامی - Civilians
اعدام ماورای قضائی (اعدام بدون حکم محکمه) – Extrajudicial Execution
اعلامیه – Declaration
اصل دو جانبه Bilateral (Principle)
انارشی – Anarchy
بی نظیر – Sui Generis
به نسبت شرایط – Ratione Conditionis (Principle)
به دلیل موقعیت – Ratione Loci (Territorial Jurisdiction)

به دلیل مادی – Ratione Materiae (Subject Matter Jurisdiction)
به دلیل شخص – Ratione Persone (Personal Jurisdiction)
به دلیل اعتبار – Ratione Standi (Standing)
به دلیل زمان – Ratione Temporis (Temporal Jurisdiction)
به رسمیت شناختن(دولت/حکومت) – Recognition (Of State/Government)
بردگی – Slavery
بردباری/ تحمل پذیری- Tolerance
به اساس پیمان - Treaty Based
با حسن نیت - Bona Fide
به طور واضح وآشکار (قید لاتینی)— *Expressis verbis*
برخورد مسلحانه بین المللی - Internationalized Armed Conflict
به همدیگر وابسته بودن - Interrelatedness
بشردوستانه - Humanitarian
به طورکامل- *IN TOTO*
بطور آشکار دارای شکایت بی اساس – Manifestly ILL-Founded (Complaint)
برخورد مسلحانه مختلط – Mixed Armed Conflict
بی طرفی – Neutrality
بررسی/حقیقت یابی درساحه-On Site Investigation/Fact Finding
باورداشتن به قانون/ اجماع حقوقدانان - Opinio Juris
به خاطر وظیفه - Ex Officio
برتری - Primacy(of judicial Jurisdiction)
بررسی و تفتیش (تلاشی) - Search
بیجا شدگان داخلی - Internally displaced persons
بیسوادی - Illiteracy
بیکاری - Unemployment
بهره کشی یا سوء استفاده از اطفال- Child Exploitation
پیوستن - Adhesion, Adherence
پیروی از رویه قضایی - Stare Decisis
پیمان - Treaty

پذیرش (نص پیمان) – Adoption (of Treaty Text)
پیگرد نمودن/ تحویل دادن (اصل) - Aut Dedere Aut Judicare (Principle)
پناهنده عملی - DE Facto refugee
پرداخت ارفاقی- Ex gratia payment
پیمان عمومی – General Treaty
پیمان، معاهده قانون گذاری – Law-making Treaty
پیوند (با حقوق بشر) – Linkage (to human rights)

www.TPTG.ir

پیمان الگویی – Model Treaty
پیمان چند جانبه – Multilateral Treaty
پروتوکول اختیاری - Optional Protocol
پناهندگی سیاسی- Political Asylum
پروتوکول (پیمان) - Protocol (To Treaty)
پناهجو - Asylum Seeker
پناهنده در محل یا پناهنده مکان - Refugee Sur Place
پناهنده - Refugee
پناهنده غیر متعارف (درمقابل پناهنده پیمانی)- Non Conventional Refugee
تعلیق(شرط حقوق بشر) - Derogation(of human rights clause)
تصدیق - Authentication
توقیف احتیاطی-Preventative Detention
تبعیض نژادی – Racial Discrimination
تصویب (معاهده،سند – Ratification (Treaty, Instrument of)
توجیه (سیستمهای حقوق بشر) – Rationalization (of Human Rights Systems)
تلافی/معامله بالمثل - Reprisal
تلافی جویانه - Retaliation
تعزیرات - Sanctions
تضمین کردن (وظایف حقوق بشر)- Secure (Human Rights Obligations)
تعیین معیار- Standard Setting
ترمیم یا تفسیر صریح قانونی- Strict interpretition/Construction (of law)

تمامیت ارضی - Territorial Integrity
تخطی/نقض- Violation
تجاوز/ محاربه - Belligerence, Belligerency
تصمیم(یک کمیسیون/ کمیته) - Decision (of a Commission/Committee)
تحریک کردن (مردم یا گروه را به تنفر از دیگران) – Demonize/Demonization (people/group)
تدوین قوانین - Codification
تبعیض/فرق گذاری- Discrimination(Principle)
تنوع- Diversity
تصفیه نژادی-Ethnic cleansing
توسل به تمام مراجع دادخواهی داخلی - Exhaustion of Domestic Remedies
تخطی فاحش(حقوق بشری) – Gross Violation (of Human Rights)
تعهدات (وظایف) – Erge Omnes (Obligations)
تطبیق (نورمهای حقوق بشر)- Implementation (of Human Rights Norms)
تفتیش/بررسی به منظور حقیقت یابی- *in loco*(Investigation/Fact-finding/Visit)
تدابیرموقتی- Interim Measures
تفسیر -Interpretation
تجدید نظر قضایی- Judicial Review
تابعیت به اساس خون – Jus Sanguinis (Principle of Citizenship)
تابعیت به اساس خاک – Jus Soli (Principle of Citizenship)
تحت محاکمه/قابل دادرسی -Justiciable
تاثیر (یک قانون) درقلمرو خارجی- Extra territorial Effect (of a law)
تطبیق فرامرزی (نورم)Extraterritorial Application(of Norm)-
تاریخچه قانونگذاری – Legislative History
تحدید – Limitation

www.TPTG.ir

تطبیق/مفاد ماده – Material Application/Scope
تفاهم نامه – Memorandum Of Understanding (MoU)
تخفیف (حکم جزائی) – Mitigation (of Criminal Sentence)
تغییرات لازم را انجام دادن – Mutatis Mutandis

تقابل رضایت /وظیفه – Mutuality of Consent/Obligation
تبعه/ملی- National
تابعیت- Nationality
تعهد نفیی (در مقابل تعهد اثباتی) -Negative Obligation
تداوم رعایت توافق - Pacta sunt servanda
تعهد مثبت-Positive Obligation
تجویزشده توسط قانون -Prescribed by law
تحقق متداوم -Progressive Realization
تناسب-Proportionality
تابعیت- Nationality
تبعیض نژادی- Racial Discrimination
توقیف- Detention
توقف پیگرد - DESISTEMENT
توقیف قبل ازمحاکمه -Pretrial Detention
توقیف اداری یا ماموری (توقیف احتیاطی)- Administrative Detention
جنگ داخلی - Civil War
جرایم عمده - Core Crime
جبران خسارت – Redress
جهان سوم - Third World
جبران - Compensation
جهانی بودن (حقوق بشر) - Universality (of Human Rights)
جنگ - War
جبران داخلی – Domestic Remedy
جبران موثر - Effective Remedy
جوس کوگنس - JUS COGENS (Norm)
جنسیت – Gender
جنگ گوریلایی – Guerrilla War
جرم نفرت- Hate Crime

جرائم بین المللی - International Crimes
چیزهای مطلوب/(واژه لاتینی) - DESIDERATA
حق بشری مطلق / Absolute (Human) Right
حراست / حفاظت - Safeguards
حقوق بشر سکتوری- Sectorial Human Rights
حقوق بشر اجتماعی - Social Human Rights
حقوق همبستگی - Solidarity Rights
حد اقل قواعد معیاری(ملل متحد)- Standard Minimum Rules (UN)
حالت محاصره - State of Siege
(حقوق بشر)امرار معاش Subsistence (Human rights)
حکومت استبدادی- Tyranny/Tyrant
حقوق بشری زنان- Women Human Rights

www.TPTG.ir

حالت مخاصمه - Animus Belligerande
حمله - Attack
حقوق بنیادی بشر - Basic Human Rights
حامل ، دارنده - Bearer
حقوق اطفال - Children Right
حقوق بشر مدنی - Civil Human Right
حقوق کلاسیک - Classical Rights
حق مدنی - Civil Right
حقوق بشر دسته جمعی(درمقابل حقوق بشر فردی)- Collective(human)Rights
حقوق بشر عمده - Core (human) rights
حقوق بشر فرهنگی- Cultural (human)Right
(حقوق بشری) اعلانی – Declaratory (Human Rights)
حقوقی(در مقابل عملی)- DE JURE
حقوق بشرقابل تعلیق - Derogable(Human)Rights
حقوق داخلی/ملی (در مقابل حقوق بین الملل) – Domestic law(Vs.international law)
حقوق اقتصادی (بشری) – Economic (human) Rights

حوزه قضاوت فرامرزی- EXTRA TERRETORIAL JURISDICTION
حل و فصل دوستانه - Friendly Settlement
حقوق (بشر) گروهی – Group (Human) Rights
حقوق سخت وصریح (در مقابل حقوق نرم ومبهم) - Hard Law(vs. Soft law)
حامل ، دارنده(حقوق بشر) - Holder(of Human Rights)
حقوق بشر- Human Right
حقوق بشر فوری(در مقابل حقوق بشر تدریجی)- Immediate Human Rights(VS. Progressive Human Rights)
حبس یا زندانی کردن- Imprisonment(of person)
حقوق غیر قابل انتقال - Inalienable Rights
حمله/اعمال فشار یکسره - Indiscriminate Attack/Force
حقوق فردی (در مقابل حقوق گروهی)- Individual Rights(Vs.Group Rights)
حقوق بین المللی- International Law
حق تمامیت یا کمال- Integrity Right
حق دفاع- JUS ADD BELLUM
حق قابل تغییر - *JUS DISPOSITIVUM*
حق در جنگ – Jus in bello
حقوق فطری - Jus Naturale
حقوق کارگر – Labor Rights
حقوق قانونی – Legal Rights
حق حضور در محکمه – Locus Standi
حکومت نظامی – Martial Law
حد اقل – Minimum
حکومت دموکراتیک- Democratic governance
حقوق اقلیت – Minority Rights
حقوق معنوی – Moral Rights
حرکت آزادی خواهی ملی - National Liberation Movement
حکومت، دولت متشکل ازیک ملت- Nation State
حقوق نفیی- Negative Rights

www.TPTG.ir

حقوق تعلیق ناپذیر - Nonderogable Rights
حقوق (بشر) مشارکتی - Participatory (Human) Rights
حقوق مردم - People Rights
حکومت ، دولت پولیسی - Police State
حقوق بشر سیاسی - Political Human Rights
حقوق مثبت - Positive Rights
حقوق شکلی- Procedural Right
حقوق برنامه ای- Programmatic Rights
حقوق بشر متداوم - Progressive (Human) Rights
حرکت فی نفسه - Proprio Motu
حالت اضطراری عمومی - Public Emergency
جقوق بین الملل عمومی - Public International Law
حبس بدون ارتباط - Incommunicado detention
حمایت اطفال - Children Protection
حق زندگی - The Right to Life
حسابدهی/پاسخگو - Accountability/Accountable
حقوق - Rights
حقوق اقلیت ها - Minority Rights
حقوق بشری زنان – Women Human Rights
حقوق عمومی بین المللی – General International Law
حقوق دستجمعی – Collective Rights
حاکمیت ارضی - Territorial Sovereignty
خدمات مشورتی - Advisory Services
خسارات مادی جنگ - Collateral damage
خسارات- Damages
خارج از حدود اختیارات قانونی- Ultra Vires
خشونت علیه زنان- Violence Against women
خدمت غیر داوطلبانه - Involuntary Servitude

خسارت معنوی – Moral Damage
خارج از دایره قانونی- Extralegal
خود مختاری – Autonomy
دسترسی - Accession/Accede
دلیل تصمیمگیری – Ratio Decidendi
دلیل برای قانون – Ratio Legis
درک وپذیرش (شکایت)- Seize (of Complaint)
دفاع مشروع- Self-Defense
دولت- State
دستور مافوق - Superior Order
درمقابل- Vis a Vis
دعوای افراد (درمقابل دعوای حکومت) - Individual Complaint(VS. State Complaint)
در حاشیه قرار گرفته (شخص/گروه) – Marginalized (Group/Person)
دعوی مردم/ Actio Popularis
درخواستی/ تطبیق - Application
(پیمان) دو جانبه – Bilateral (Principle)

www.TPTG.ir

دفاع مشروع دسته جمعی - Collective self defense
دهه (ملل متحد) - Decade (UN)
دیکتاتوری - Dictatorship
در عمل پیاده شدن/لازم الاجراشدن – Enter/Entry Into Force
درواقع یا حقیقی - IPSO FACTO
در نظر اول – Prima Facie
دولت عضو- State Party
دستگیر (کردن) - Arrest
رفیق محکمه - Amicus Curiae
رعایت / مطابقت - Compliance
رویه بالمثل - Retorsion
رفتار/مجازات بی رحمانه - Cruel Treatment/punishment

روند حقیقت یابی/در مسافرت ها وماموریت ها- Fact Finding Process/Mission/Trip
رهنمودها – Guidelines
روندهلسینکی - Helsinki Process
رفتارانسانی (با افراد در برخوردهای مسلحانه)
Human Treatment (of persons in armed conflict (Vs. Immune Treatment)
رفتارغیرانسانی - Inhumane Treatment
رفتار یا مجازات غیر انسانی- Inhumane Treatment/Punishment
رفتار ملی- National Treatment
رفتار متفاوت- Differential treatment
رژیم استبدادی - Authoritarian Regime
زندانی فکری- Prisoner of Conscience
زندانی یا اسیرجنگی-Prisoner of war
سند نهایی هلسینکی - Helsinki Final Act (of 1975)
سوء استفاده از حق دادخواهی و نظر - Abuse of Right of Petition/Submission
سند -Document
سرکوبی - Repression
سند بخشی (حقوق بشر)-Sectional(Human Rights) Instrument
سوء استفاده از حق - Abuse of Right
سوء نیت - Actus Reus
سبب ائتلاف – Casus Foederis
سازمان اجتماعی - Community Based organization
سازگار/سازگاری – Compatible/Compatibility
سیستم حقوقی دوگانه – Dualist Legal System
سازمان غیر حکومتی تعیین شده از سوی حکومت – Government Appointed Nongovernmental Organization (GANGO
سلاح های آتش زا- Incendiary Weapons (LOAC)
سازمان های بین الحکومتی- Intergovernmental Organizations(IGO)
سازمان غیردولتی بین المللی- International Nongovernmental Organization(INGO)
سند - Instrument

سیستم قیمومت – Mandate System
سیستم پیمانهای اقلیت ها – Minorities Treaties System
سبک پذیرش صلاحیت قضایی - Opt-out

www.TPTG.ir

شرط لازم- Sine Qua Non
شکایت گم نام - Anonymous Complaint
شرط نگهدارنده - Saving Clause
شهروند - Citizens
شبه قضایی- Quasi-Judicial
شورای امنیت (ملل متحد) - Security Council (UN)
شرط اشتراک عمومی- *Si Omnes Clause*
شفافیت/شفاف - Transparence/Transparent
شکایت - Complaint
شخصیت حقوقی بین المللی- International Legal Personality
شکایت یا دادخواهی بین الدولی- Interstate Complaint
شورشی/شورش - Insurgent/Insurgency
شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد – Economic and Social Council of the United Nations
شرط مارتین – Martens Clause
شرط اختیاری - Optional Clause
شأن و شرف انسان - Honor and Dignity
شکنجه – Torture
صلاحیت مشورتی Advisory Jurisdiction
صدمه بیش از اندازه ضرورت - Superfluous Injury
صلاحیت قضایی خودکار (اتوماتیک) - Automatic Jurisdiction
صلاحیت قضاوت داخلی - Domestic Jurisdiction
صحت عامه - Public Health
صلاحیت - Competence
صلاحیت جهانی - Universal Jurisdiction
ضرورت دموکراتیک - Democratic necessity

ضوابط رفتاری - Code of Conduct
ضرورت در جامعه دموکراتیک - Necessary in Democratic Society
ضرورت نظامی – Military Necessity
طی مراحل قانونی – Due Process (of Law)
طرزالعمل1235 ملل متحد(UN) 1235 Procedure
طرزالعمل 1503ملل متحد (UN) 1503 Procedure
طرزالعمل/گزارش یا میکانیزم موضوعی – Thematic Procedure/Report/Mechanism
طرزالعمل حقوقی- De Plano
طفل دختر – Girl Child
طبقه - Category
طرفین معظمین متعاقدین - High Contracting Party(To a Treaty)
طرف - Party
طغیان/شورش - Rebellion
طی مراحل قانونی - Due Process
طرز حکومت/ اداره سالم – Good Governance
ظرفیت فردی- Individual Capacity
ظلم - Oppression
عمل دکترین دولت - Act-of-State Doctrine
عمل ، اقدام مثبت - Affirmative Action
عمل متقابل – Reciprocal

www.TPTG.ir

عملیات امداد – Relief Operation
عرض حال - Communication
عقد(پیمان) - Conclusion
عدم مداخله - Noninterference
عدم رجعت قانون به ماقبل - Non retroactivity of Criminal\Penal Law
عدلی- Juridical
عملکرد دولت- State Practice
عاملین غیر دولتی- Non State Actors

عینیت (در بررسی وضع حقوق بشر)-Objectivity
عهدنامه – Pact
عریضه - Petition
عدم استعمال - Desuetude
عملی واقعی- DE Facto
عبارت نمونه،ماخذ معمول – Locus Classicus
عدم تبعیض در تطبیق قانون - Indiscrimination while practicing law
غیرنظامی - Civilian
غیر جانبداری - Impartiality
غیر التزامی - Nonbinding
غرامت - Indemnity
غیر لازم الاجرا فی نفسه – Non-self-executing
فصل هفتم/!!Chapter V
فاشیزم- Fascism
فرهنگ - Culture
فرعی - Subsidiary
فرهنگ حقوق بشر- Culture of human rights
فرضی/غیر واقعی – In Abstracto
فرهنگ معافیت - Culture of impunity
(شان/حق) فطری - Inherent(Dignity/Right)
فریب – Perfidy
فرد غیرنظامی - Noncombatant
فی نفسه،به خودی خود - Per Se
قبول (پیمان) – Acceptance (Of Treaty)
قابل قبول - Admissibility, Admissible
قساوت - Atrocity
قواعد پکنگ - Beijing Rules
قانون شکنی - Breach
قانون صلیب سرخ – Red Cross Law
قاعده - Rule
قاعده های طرزالعمل - Rules of Procedures
قضیه محکوم بها - Res Judicata
قطعنامه- Resolution
قرارداد اجتماعی- Social Contract
قانون انعطاف پذیر- Soft Law
قاعده اختصاص- Specialty
قانون موضوعه اصولنامه Statute

www.TPTG.ir

قواعد توکیو- Tokyo Rules
قربانی/متضرر- Victim
قانون اساسی - Constitution
قضاوت قضیه متنازع فیه- Contentious jurisdiction
قانون پیمانی بین الملل - Conventional(international) la
قانون عرفی بین المللی - Customary International law

قانون سازی درباره اعمال گذشته- Ex post facto law
قانون هاگ – Hague Law
قاعده هاگ – Hague Regulation
قانون گذاری اجرایی- Implementing Legislation
قابل قبول نبودن- Inadmissible/Inadmissibility
قوه قضاییه بی طرف ومستقل- Independent and Impartial Judiciary
قابل تقسیم نبودن(حقوق بشر)- Indivisibility(of Human Rights)
قلمرو صلاحیت ذاتی(کشور/محکمه)-Inherent Jurisdiction(of country/Court)
قانون بین المللی حقوق بشر- International Human Rights Law
قضاوت- Judgment
قضایی - Judicial
قانون – Law
قانون برخورد مسلحانه – Law of Armed Conflict
قانون ملتها – Law of Nations
قانونیت – Legality
قانون ملتها – Lex Tentium
قانون تولید شده – Lex Lata
قانون خاص – Lex Speciales
قیمومت – Mandate
قتل عام – Massacre
قصد جرمی – Mens Rea
قانون داخلی – Municipal Law
قلمرو اشغالی - Occupied Territory
قطعی ، معیار مطلق – Peremptory Norm
قاعده معترض مُصِر – Persistent Objector Rule
قانون شکنی، تخلف سیاسی- Political Offence
قانون بین المللی مثبت-Positive International Law
قوم – Tribe

کمیسیون - Commission
کمیسیون حقوق بشر - Commission on Human Rights
کمیته - Committee
کمیسیون فرعی در رابطه به جلوگیری از تبعیض و حفاظت اقلیتها
Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities
کمیسیون حقیقت یابی- Truth Commission
کنوانسیون ویانا در باره قانون پیمانها (ملل متحد 1969) Vienna Convention on the Law of Treaties (UN 1969)
کنارگیری (ازپیمان)- Withdrawal
کنوانسیون - Convention
کشورهای درحال توسعه- Developing Countries
کنوانسیون نسل کشی (ملل متحد 1948) – Genocide Convention (UN 1948)

www.TPTG.ir

کمک های انسان دوستانه- Humanitarian Assistance
کمیته بین المللی صلیب سرخ- International Committee of the Red Cross
کشور/دولت عضو – Member State
کارهای مقدماتی - Preparatory Works
کمیساری عالی برای حقوق بشر High Commissioner for Human Rights
کنوانسیون اروپایی حقوق بشر—European Convention(on human Rights)
کشتن - Killing
کشتار (قتل عام) - Massacre
کشتار(قتل) نژادی - Racial Killing
گزارش،میکانیزم وطرزالعمل بر اساس کشور- Country-specific procedure/mechanism/reports
گزارشگر – Rapporteur
گزینش- Selectivity
گزارشگر خاص - Special Rapporteur
گروه کاری- Working Group
گفتار نفرت آور- Hate Speech
گزینشی نبودن (بررسی وضع حقوق بشر)-Non selectivity
گرسنگی و سوء تغذیه - Hunger and Malnutrition
گروه محرومین- Disadvantaged group
گروه اقلیت - Minority Group
لازم الاجرا ، الزام آور - Binding
لازم الاجرا فی نفسه – Self-executing
لایحه وظایف -Term of Reference
لایحه حقوق بین المللی- International Bill of Rights
منازعات مسلحانه داخلی- Internal Armed Conflict
موقت - Ad Hoc
میکانیزم/طرزالعمل مربوط به کنوا نسیون- Convention(al)mechanism/procedure
محقق - A Fortiori
منشور افریقا روی حقوق بشر و مردم - African Charter on Human and Peoples' Right
معاوضه - Quid Pro Quo
محدودیت - Restriction
مقصر شمردن خود - Self Incrimination
مصونیت حاکمیت - Sovereign Immunity
مقام مشورتی خاص- Special Consultative Status
معیار- Standard
مسوولیت دولت برای رفتار با اتباع بیگانه - State Responsibility for the treatment of Aliens
معنای دقیق و صریح -Sricto Sensu
مراقبت/نظارت جلسه قضایی - Trial Monitoring/Observation
منشور ملل متحد - UN Charter
موافقت - Agreement
مخالف با یهودیان - Anti-Semitism
ماده - Article
محارب - Belligerent
مرکز حقوق بشر/Centre for human rights
مقدمه - CHAPEAU
منشور- Charter
ماده قانون- Clause

www.TPTG.ir

ماده تحدید یا انحصار – Claw Back Clause
مجازات دسته جمعی - Collective Punishment
مسوولیت فرماندهی - Command Responsibility
ماده سوم مشترک - Common Article 3
مصالحه - Conciliation
ملاحظه(در پیمانها،معاهده ها وقطعنامه ها) - Consideranda
ملاحظه(در باره شکایت) - Consideration
مطابقت – Compliance
مقام مشورتی - Consultative status
مجازات جسمی - Corporal punishment
محکمه – t Cour
میثاق (معاهده سند)- Covenant(treaty instrument)
مجازات مرگ- Death penalty
مثلث دموکراسی،انکشاف وحقوق بشر- Democracy-Dvelopment –Human Rights Triad
مسایل داخلی(در مقابل مسایل بین المللی)- Domestic Affairs
مخاطره دو برابر – Double Jeopardy
موثریت – Effectiveness
مشاهده/نظارت انتخابات – Election Monitoring/Observance
مساوات – Equality
مساوات نیرو – Equality of Arms
مصادره (املاک خارجی)— Expropriation(of foreign owned property)
میکانیزم غیر پیمانی- Conventional Mechanism/Procedure Extra
محاکمه عادلانه- Fair Trial
مجمع - Forum/Fora(pl)
مجمع عمومی – General Assembly
مساعی جمیله – Good Offices
میکانیزم جنبه انسانی(سازمان همکاری وامنیت اروپا)- Human Dimension Mechanism
مدافعین حقوق بشر- Human Rights Defenders

مهاجرین- Immigrants
مصونیت (از محاکمه به جرم نقض حقوق بشر)
Impunity (From prosecution for human Rights Violation)
محاکمه در غیاب(متهم) - In Absentia Trial
مسوولیت جنایی انفرادی - Individual Criminal Responsibility
محدودیت های ذاتی (حقوق)- Inherent Limitation(of Rights)
میان چیزهای دیگر- Inter Alia
مداخله(درامور داخلی)- Interference(with Domestic/Internal Affairs)
محکمه بین المللی عدالت - International Court Of justice
مداخله - Intervention
معنای وسیع – Latu Sensus
مثبت گرایی قانونی – Legal Positivism
مشروعیت – Legitimacy
میزان درک قدر یا بهای چیزی – Margin of Appreciation
مهاجرت جمعی – Mass Exodus/Migration
میانجیگری – Mediation

www.TPTG.ir

میتودها یا وسایل (نبرد) – Methods or Means (of Combat)
معنویات – Morals
ملت- Nation
ملت گرایی- Nationalism
منفعت ملی- National(Self) Interest
مذاکره- Negotiation
منشور/قاعده/قانون نورمبرگ – Nuremberg Charter/Rule/Law
مقصود-Object
مکلفیت - Obligation
مکلفیت درعمل - Obligation of Conduct
مکلفیت درنتیجه - Obligation of Result
مامور رسیده گی به شکایات – Ombudsman
مداخله لفظی - Oral Intervention

مثل این موضوع – Pari Materia
مشخصات- Particularities
مردم/مردمان – People
مرتکب(تخطی ها) – Perpetrator
مقدمه - Preamble
مقدماتی - Preliminary
محاکمه زبانی - Process-verbal
محافظت (ازحقوق بشر)-Protection
محکمه نظامی - Military Court
منسوبیت قومی قومیت - Ethnicity،
مهاجر - Immigrant
مکلفیت - Obligation
نظریه مشورتی - Advisory Opinion
نژاد/نژادی – Race/Racial
نژاد پرستی – Racism
نسل دوم حقوق بشر- Second Generation(Human) Rights
نورمها/حقوق ذاتی - Substantive Rights/Norms
نقض مداوم حقوق بشر- Continuing(Human Right) Violation
نسبیت فرهنگی - Cultural Relativism
نیروهای خطرناک- Dangerous forces
نژادی ، قومی- Ethnic
نسل اول (حقوق بشر)- First Generation(Human Right)
ناپدید شدن اجباری- Forced Disappearance
نظریات عمومی – General Comments
نسل کشی – Genocide
نماینده گی عالی برای حقوق بشر(دفتر ملل متحد)- High Commissioner for Human Rights
نماینده گی عالی ملل متحد درامور پناهنده گان- High Commissioner for Refugees(UNHCR)
ناسازگاری(عریضه)- Incompatibility

نابردباری - Intolerance
نقض ماده – Material Breach
نظارت ، ناظر – Monitor

www.TPTG.ir

نهاد های ملی- National Institutions
نفی دوتعقیب قانونی به خاطر یک جرم - Ne(or Non) Biss in idem
نهاد غیر دولتی - Nongovernmental Entity
نظم عمومی - Ordre Public
نگهداری اختیاری، بازداشت خود سرانه درازمدت - Prolonged Arbitrary Detention
نیروی محافظت کننده-Protecting Power
نظم اجتماعی- Public Order
نفرت از بیگانه گان و دولت های اجنبی،(بیگانه هراسی) - Xenophobia
وسعت نظر - Broad mindedness
ویژه گی ها - Specificities
وضعیت فوق العاده ، حالت اضطرار- State of emergency
وراثت (وظایف پیمان) – Succession (to treaty obligation)
واقعی – In Concreto
وقوع جنگ – Casus Belli
وظیفه – Duty
وابسته گی متقابل- Interdependence
وحدت گرایی – Monism
همه سوزی (قتل عام یهودی ها توسط نازی ها) - Holocaust(World War II)
همکاری های فنی (وخدمات مشورتی) – Technical Cooperation (and advisory services)
هیات نظارتی پیمان - Treaty(Monitoring/Supervising) Body
هدف مشروع – Legitimate Aim
هنجار ،معیار، میزان – Norm
هنجار، معیاری - Normative
هدف و مقصد (پیمان)- Object and Purpose (of Treaty)
یادداشت غیر رسمی – Memorial

تعریف اصطلاحات

آدم ربایی - Abduction (of person)

گرفتن و ربودن یک فرد بطور غافلگیرانه، اسارت مخفیانه و بطور اجباری که برخلاف میل فرد میباشد. مثلا که پولیسی که شخص مخالف یا رهبر یک اتحادیه را بخاطر خاموش ساختن سر و صدا میرباید.
ویا آدم ربایی عبارت از ربودن شخصی برای فروش، اجرا مقاصد دیگر اعم از سیاسی، منافی اخلاقی وغیره می باشد.
هرگاه آدم ربایی توسط مامورین حکومت انجام یابد، معمولا این آدم ربایی یک تخطی حقوق بشری میباشد و ممکن است شامل چندین تخطی های دیگر حقوق بشر گردد. مثل محروم ساختن از آزادی گشت و گذار، آزادی و امنیت شخص، آزادی

www.TPTG.ir

از شکنجه یا ظلم، ستمگری، یا رفتار خفت آور؛ یا حتی حق حیات. اغلبا آدم ربایی به "ناپدیدی اجباری" اطلاق میشود وقتی که مقامات یک رژیم قربانی را در کوته قلفی یا در حالتی بدون وسایل ارتباط قرار میدهند و اسارت شخص را تکذیب میکند.

آسیب غیرضروری - Unnecessary Suffering

طبق این اصل بشر دوستانه، جنگجویان در جریان جنگ از وارد کردن آسیب های غیرضروری به دشمنان شان، آسیب هایی که فراتر از حد ضرورت برای حاصل کردن اهداف نظامی است، باید پرهیز کنند. طبق قانون بین المللی جنگ، استفاده از اسلحه یا روش جنگی که به دشمن آسیب غیرضروری وارد کند، ممنوع وغیر قانونی است. درقانون بشردوستانه، این اصل، اصل انسانیت به حساب می آید و این اصطلاح از لحاظ معنا با اصطلاح زخم های غیر ضروری (Superfluous) ارتباط نزدیک دارد.

آپارتاید - Apartheid

یک روش تبعیض قومی، مذهبی و نژادی با تسلط اقلیت براکثریت می باشد. این روش معمولا توسط جداسازی منطقه ای و فزیکی اقوام و توزیع تبعیض آمیز منافع و خدمات عامه مشخص میگردد. آپارتاید اعمال بردگی مابانه را بالای یک بخش از نفوس به اساس مشخصات آنها تحمیل مینماید. این یک تخطی حقوق بشر و یک جرم مستدل بین المللی میباشد.

آزادی های مدنی - Civil liberties

ضمانت های حقوقی از طرف حکومت های جامعه های دموکراتیک، برای کاهش ندادن آزادی های فردی. آزادی برگذاری انجمن های صلح آمیز وحق برخوردار بودن از محاکمه جنایی نمونه های از آزادی های مدنی درجامعه دموکراتیک به حساب می آیند. یا تضمین حمایت از حقوق افراد در مقابل مداخله خود سرانه مقامات حکومتی می باشد . آ زادی های مدنی به ضمانت هایی حقوقی ای گفته می شود که در جوامع دموکراتیک برای حفظ حقوق شهروندان به رسمیت شناخته شده است.

آزادیهای چهارگانه (در سخنرانی روزیویلت)
Four Freedoms(Roosevelt speech)

آزادی های چهارگانه به سخنرانی تاریخی آقای "فرانکلین دیلانو روزیویلت" در جون سال 1941 اشاره دارد. آقای روزیویلت در سخنرانی تاریخی اش اعلان کرد که صلح جهانی به چهار آزادی عمده بستگی دارد. این آزادی ها شامل آزادی بیان، آزادی عبادت، آزادی از ضرر (از طریق امنیت اقتصادی) وآزادی از ترس (از طریق کاهش دادن اسلحه) می باشد. این سخنرانی بعدا برای کوشش ها درراستای تاسیس سازمان ملل متحد، نقش سند کلیدی و سنگ تهدابی را بازی کرد و زمینه را برای ارتقای حقوق بشر نیز فراهم کرد. آقای روزیویلت سخنرانی اش را پیش از وارد شدن ایالات متحده در جنگ جهانی دوم ایراد کرد و جنگ جهانی دوم سخنان آقای روزی را تایید کرد.

آزادی - Freedom

توانایی وظرفیت انجام دادن یک عمل بدون کدام فشار بیرونی؛ نبودن محدودیت ها؛ توانایی شخصی در انتخاب عمل مخصوصا در برابر دولت. از لحاظ معنا، آزادی معادل "Freedom"، قوی تر وجامع تر از آزادی معادل "Liberty" است و دایره معنای "Freedom" وسیعتر از دایره معنای "Liberty" است .
معمولا این کلمه بیشتر در اصطلاح "آزادی های بنیادی" دیده می شود که مراد ازاین آزادی آزادی است که برای برقراری وحفاظت مقام انسانی دریک جامعه سازمان یافته، کاملا ضروری پنداشته می شود .

آزادی های بنیادی - Fundamental Freedoms

آزادی بنیادی که برای حفاظت ونگهداری وقار وعظمت فطری یک شخص کاملا ضروری به حساب می آید. این اصطلاح تقریبا با " کلمه حقوق بشر" هم معنا است و اصطلاح " حقوق بشر و آزادی های اولیه" در اکثر اعلامیه ها وکنوانسیونها دیده می شود. این آزادی ها در حفظ بزرگی فطری انسان ها نقش اساسی را بازی می کند.

آزادیخواهی – Liberalism

یک ایدئولوژی قرن بیستم که خواهان نهادهای سیاسی آزاد، آزادیهای فردی مثل بیان آزاد و تحمل مذهبی میباشد و حمایت از این مفکوره که حکومت باید یک نقش قوی در تنظیم رژیم سرمایه داری (کاپیتالیسم) بخاطر مفاد عامه و ساختن یک حالت رفاهی که در آن ضروریات فقرا را به بهترین وجه پاسخگو باشد، میباشد. ویا عبارت ازحفظ آزادی های فردی همراه با مسئولیت هایی اجتماعی می باشد.

آزادی – Liberty

چگونگی یا حالت آزاد بودن؛ توان انجام دادن چیزهای مطابق میل؛ بهره مندی مثبت از حقوق یا امتیازات گوناگون اجتماعی، سیاسی ، اقتصادی؛ آزادی از تحت کنترل بودن استبدادی؛ و آزادی از پیروی حاکمیت قانون. آزادی (لیبرتی) به آزادیهای مشخص و عدم محدودیت اشاره میکند.

آشوب - Riot

در اصطلاح، بروز فتنه و نا آرامی در نظام سیاسی است ویا عبارت از گردهمائی تعداد کثیر از افراد با استفاده از قوه، و تخریب و ازبین بردن جدی تاسیسات عامه ، بی نظمی عامه که معمولاً به ملکیت ها ضرر جدی میرسانند. ویا مختل کردن نظم،به وسیله عده ای به منظور اجرای عملی از طریق غیر قانونی. آشوب به جان هم افتادن گروه ها و دسته ها وبه یغما بردن مال و اموال مردم میباشد.

احترام (به حقوق بشر) - Respect (for human rights)

به رسمیت شناختن حقوق بشر در سطح انفرادی و گروهی وهماهنگ کردن رفتار با معیارهای حقوق بشر. معمولا احترام به حقوق بشر جز تعهد یک کشور به معاهده حقوق بشر به حساب می آید.
درقانون بین المللی بشر دوستانه این اصطلاح در ماده های اول کنوانسیونهای چهارگانه ژنیوا به طور واضح بیان وتعریف شده است. این اصطلاح به این معنا است که کشورهایی که معاهده حقوق بشر را تصویب کرده اند نباید تعهد شان را نقض کنند وکشورهای تصویب کننده باید به طور مثبت وفعال از اصول حقوق بشر پیروی کنند وکشورهای دیگر حتی کشورهای غیر تصویب کننده را نیز وادار کنند تا اعمال و رفتارشان را با اصول حقوق بشر مطابق وهماهنگ سازند. تضمین احترام به حقوق بشر به معنای وادارکردن کشور های دیگر به اطاعت از اصول حقوق بشر است.

اطاعت اجباری - Servitude

مراد ازاین نوع اطاعت که به اطاعت غیر داوطلبانه نیز یاد می شود این است که کسی در موقعیت وحالتی قرارداشته باشد که تابع اراده ومیل کسی دیگر باشد و درانتخاب عمل و روش زندگی اش از خود اختیار و آزادی نداشته باشد. مجبورکردن افراد به انجام دادن کارهایی که بر خلاف خواسته و میل شان باشد از قبیل شکنجه دادن وغیره و کارهای دیگری که افراد با میل و اراده خودشان آنرا انجام ندهند، استثمارکردن افراد از لحاظ اقتصادی، نداشتن آزادی وقدرت تصمیم گیری در روش

www.TPTG.ir

زنده گی. شکل های مخصوص از کارهای اجباری از قبیل خدمات نظامی و کارهای اجباری در زندان معمولا استثنا می باشند واین اصطلاح شامل این موارد نمی شود.
توجه: خدمت یا اطاعت اجباری رعیتی، با برده داری کاملا فرق دارد زیرا در برده داری، صاحت برده، برده را ملک خودش می پندارد.

امضاء کننده - Signatory

کشور یا شخصیت حقوقی که توسط نماینده دیپلوماتیک وبا اختیارش سند معاهده حقوقی را امضا می کند ونیتش برای تعهد قانونی به معاهده از طریق تصویب بعدی آن (امضاء)، را اظهار می کند. دربعضی شرط های صحیح معاهده، این نکته ذکر شده است که برای ملزم شدن به معاهده، تنها امضا کافی است ومعاهده، بعد ازامضاء لازم الاجرا می گرد که چنین امضاء، درتمام قضایا در معرض استثنا، بیانیه یا تفاهمی که ازجانب کشور امضا کننده ارایه می شود، قراردارد.

امضای قابل تجدید نظر
Signatory/Signature *Ad Referendum*

امضای قابل تجدید نظر به امضایی گفته می شود که توسط نماینده تام الاختیار یک دولت یا شخصیت حقوقی صورت گرفته باشد ودرمعرض بررسی دوباره توسط سازمان های حکومتی ازطریق روند قانونی ومطابق قانون اساسی به منظور تصویب آن، قرار داشته باشد. خلاصه امضای قابل تجدید نظر امضایی است که کشور امضا کننده حق دارد برای تصویب آن دوباره آن را مورد ملاحظه و بررسی قراردهد. بعد از تصویب امضا توسط کشور امضا کننده معاهده لازم الاجرا می گردد.

امضاء- Signature

امضاء عملی است که دولت یا شخصیت حقوقی دیگر توسط نماینده تام الاختیارش آن را انجام می دهد وبا این امضاء، نیتش را برای تعهد به معاهده از طریق تصویب بعدی امضاء، اظهار می کند. بعض معاهده ها طوری است که صرف امضاء، آن را بالای کشور امضا کننده لازم الاجرا می سازد یعنی برای لازم الاجرا شدن یک معاهده، تنها امضای آن کافی است بی آنکه هیچ نیازی به تصویب بعدی آن باشد. زمان امضا ء، بعد از اتفاق آراء تمام شرکای معاهده در باره انتخاب متن درست و دقیق آن، آغاز می شود.

اصل تساوی حاکمیت - Sovereign Equality

طبق این اصل حقوقی بین المللی تمام کشورها صرف نظر از جمعیت، وسعت خاک، قدرت وغیره، از حقوق مساوی بهره مند می باشند یعنی طبق قانون بین المللی، تمام کشورها در قلمرو جامعه جهانی هیچ گونه برتری حقوقی وقضایی بر کشور دیگر ندارند وهمه دارای حقوق مساوی و یکسان می باشند.

ارائه شکایت - Standing

حق فرد، افراد یا گروه برای ارایه کردن شکایت راجع به نقض حقوق بشر، برای وارد کردن اعتراض به قابل ملاحظه بودن شکایت، برای درخواست کردن تصمیم یا درخواست کردن نظر مشورتی، برای اقدام کردن به طور شریک دعوا و حاضر شدن در محکمه ای که صلاحیت حل وفصل قضیه های مربوط به نقض حقوق بشر را دارد.

www.TPTG.ir

به طور عموم منظور از این اصطلاح این است که فرد یا گروه حق دارد راجع به مساله خاص حقوق بشر در داخل نظام حقوق بشر اقامه دعوا کند. قانون مدون یا قواعد محکمه به طور معمول اقسام شرکاء را که از این حق برخوردارند، مشخص می کند.

اعدام غیر قانونی - Summary Execution

کشتن عمدی وغیر قانونی کسی به دستور یا با همدستی دولت، توسط مقامات حکومتی یا اشخاص دیگر، بدون محاکمه قضایی و قبلی وی از جانب محکمه با صلاحیت.

انتقال (نورمها) - Transformation (of norms)

روندی که حکومت برای تبدیل کردن قانون بین المللی به قانون داخلی آن را انتخاب می کند. مثلاً: روند تصویب قانون گذاری اجرایی توسط نمایندگان سنای امریکا در یک معاهده تصویب شده، اصل قانونی آن معاهده را به قانون داخلی تبدیل می کند.

اصول (شهر) ترکو ابو- Turku Abo Principles

این اصول، در سال 1990 طی کنفرانسی در فنلاند تحت عنوان **حقوق بشر قابل اجرا در جنگ های غیر بین المللی**، به شکل سند ارایه گردید.
این اصول که معیارهای بشر دوستانه حد اقل و قابل اجرا در جنگ های غیر بین المللی را بیان می کند مجموعه از حقوق بشر کلاسیک دوران صلح و حقوق بشر در قانون بشر دوستانه است که موارد برخوردهای مسلحانه غیر بین المللی را شامل می شود.

اعلامیه وبرنامه عملی ویانا - Vienna Declaration and program of Action

اعلامیه نهایی کشورهای عضو سازمان ملل که درکنفرانس جهانی (1993) ملل متحد در باره حقوق بشر در شهر ویانا حضور داشتند. در کنفرانس مذکور این اعلامیه و برنامه عملی به عنوان بند مفصل توافق عمومی همه کشورهای عضو را به منظور توجیه کردن تمام میکانیزم ملل متحد به منظور موثریت و سودمند بودن بیشتر آن، تصویب و تدوین شد. این اعلامیه همچنان توافق نظر کشورها را راجع به مسایل خاص و کلیدی حقوق بشر از قبیل جهانی بودن حقوق بشر و غیره در بردارد.

اصل متممیت (سیستمها/صلاحیتهای قضایی)
Complementarity (of Judicial Systems/Jurisdiction)

اصل بیانگر رابطه بین دوسیستم حقوقی یا قضایی که یک سیستم طوری مکمل سیستم دیگر باشد که رسیدن به هدف نهایی (مثل اجرای معاهده حقوقی بین المللی برای عدالت جنایی) را مسلم و قطعی سازد. در اصطلاح "محکمه بین المللی جنایی"، این لفظ برای توصیف ارتباط بین اختیارات قانونی همین محکمه بین المللی و محکمه جنایی داخلی استعمال می شود.
تطبیق این اصل در محکمه دایمی بین المللی به این معناست که این محکمه صلاحیت این را دارد که آن عده از قضایاء را که در محاکم داخلی اصلا تعقیب قانونی نشده اند یا به طور جدی تعقیب قانونی نشده اند، مورد پیگرد قرار دهد.

التزام مثبت - Affirmative Obligation

www.TPTG.ir

تعهد دولت برای اقدام مثبت به اساس نورم یک پیمان و دریغ نکردن از یک چنین اقدام. مثلا: حق تعلیم التزام مثبت را بالای یک دولت تحمیل میکند تا مکاتب را بسازد و معلمین را آماده نماید.

اصول بنیادی - Basic Principles

یک مجموعه از اصول تحریر شده که توسط یک سازمان مثل سازمان ملل متحد تسوید گردیده تا منحیث راهنمای عمومی برای مقامات کشورها مورد استفاده قرار گیرد تا اجراات دولت را با التزامات حقوق بشر بین المللی هماهنگ نماید. مثلا: در 1985، ملل متحد اصول خویشرا در رابطه به استقلال قضایی صادر کرد که هدف آن کمک به کشورها برای تامین حقوق و آزادی افراد و حقوق محاکمه عادلانه اشخاصی که در محاکم کشورها صورت میگیرد، میباشد. این اصول با ملاحظه تمام سیستم های حقوقی و سیاسی جهان تسوید گردیده است. این اصول بطور قانونی اجباری نیست گرچه تطبیق آن در قوانین و اجراات داخلی سفارش گردیده است.

اشد مجازات - Capital punishment

مجازات مجرم به مرگ که به این نوع از مجازات، اشد مجازات یا اعدام نیز گفته می شود.

اشیاء غیر نظامی - Civilian Objects

این اصطلاح به تمام اشیای فزیکی موجود درساحه جنگی صدق می کند. اگر چه این اشیا از لحاظ ماهیت، موقعیت ، هدف و استعمال هیچ گونه کمک نظامی و ایجاد توانایی به کدام گروهی نمیکند. گرفتن و یا تخریب کلی یا قسمی این اشیاء هیچ گونه مفاد نظامی برای هیچ طرفی نخواهد داشت. اصطلاحی است که درقانون برخوردهای مسلحانه استفاده میگردد تا بین یک هدف نظامی و ملکی فرق بوجود آورد. طبق قانون برخوردهای مسلحانه، هدف قرار دادن اهداف غیر نظامی جایز نیست اما بر خلاف، هدف قرار دادن اهداف نظامی جایز است.

استعمار - Colonialism

کنترول یک کشور توسط یک کشور دیگر، معمولا توسط کشور دور با فرهنگ بیگانه، از طریق انتقال افراد ازکشور استعمارگر به مستعمره برای کنترول کشور مستعمره از لحاظ سیاسی و اقتصادی. مثلاً کشور اندونزیا که زمانی مستعمره هلند بود.

اصالت جامعه - Communitarian

نوعی ازنظریه ایست که برای جامعه نسبت به افراد ترجیح و اولویت عملی و ایدیولوژیکی قایل است و اهمیت خود مختاری افراد و حقوق بشر را به اندازه اهمیت نیازمندیهای جامعه به رسمیت نمی شناسد.

اعتراض عقیدتی (به وظیفه نظامی/ملکی)
Conscientious Objection (To Millitary/Civil Obligation)

یعنی سرباز زدن از خدمت وکار نظامی یا ملکی به خاطر تضاد آن خدمات با اعتقادهای مذهبی یا فلسفی شخص. دراین موارد وجدان می گوید که این کار درست نیست. معمولا به خودداری از انجام چنین وظایف از این جهت اعتراض وجدان می گویند که چنین کارها، دستورهای وجدان را نقض می کند. معمولا این در مقابل مطالبات حکومت صورت میگیرد.

www.TPTG.ir

اتفاق رای - Consensus

این لفظ بیانگر روندی از تصمیم گیری اعضا ی است که در آن هیچ گروه یا عضو اعتراض اساسی ندارد و در مقابل این نوع از تصمیم گیری، تصمیم گیری های دیگری چون تصمیم گیری توسط نظر اکثریت، رای دو سوم و غیره وجود دارند. این لفظ از نظر معنا نزدیک به **اجماع** یا حد اقل **رای بدون اعتراض** می باشد.

امپریالیزم فرهنگی - Cultural imperialism

یعنی تحمیل دیدگاه یا فرهنگ خارجی بر مردم دیگر. معمولا این نکته زیاد شنیده می شود که تحمیل دیدگاه جهانی از حقوق بشر بالای کشور های خاص به طور خاص کشورهای غربی، نوعی از امپریالیزم فرهنگی است.

اقدام دیپلوماتیک- Demarche

لفظ فرانسوی است که در قانون روابط بین الملل به معنای طرزالعمل برای شناسایی و حل یک موضوع دعوا یا مشکل با کشور دیگر، استعمال می شود .حرکت یا مانور دیپلوماتیک، اظهار دیدگاه ها از راه دیپلوماسی به مقامات کشورهای دیگر.

اعلان الغاء/اتهام نقض (پیمان یا شکایت) - Denunciation(of Treaty or Complaint)

این لفظ دومعنا دارد یکی درباره پیمانها و دیگری در باره شکایات تخطی های حقوق بشر:

1. در باره پیمان(اعلان الغا):عبارت است از اقدام دولت با اعلان سند بین المللی برای دست کشیدن از پیمان بین المللی که این دولت قبلا آنرا به تصویب رسانده است. با این اقدام، دولت اعلان می کند که ازاین بیش پیمان را به رسمیت نمی شناسد وهیچ تعهدی به پیمان نخواهد داشت. روند اجرا و طرزالعمل الغای پیمان در "بند الغا" پیمانها وجود دارد. (رجوع شود به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده 65)
2. شکایات: عبارت است ازاتهام نقض کتبی یا بعضی اوقات شفاهی که بر علیه یک دولت صورت میگیرد وآن را به نقض حقوق بشر متهم می کند. اتهام نقض ممکن است از جانب یک فرد، یک گروه یا دولت باشد اما اغلباً توسط گروه یا دولت صورت میگیرد. این اتهام نقض یک دولت برای عدم مطابقت داشتن آن با تعهدات حقوق بشری میباشد.

اخراج/ رد مرز (فرد از یک کشور)- Deportation

عبارت است از اقدام دولت برای اخراج تبعه بیگانه وخارجی از کشور وفرستادن وی به کشوری که قبلا این شخص از آنجا آمده است. دولت این اقدام را از این جهت انجام می دهد که حضور این شخص را در کشور، غیرقانونی و برای امنیت ملی و آسایش مردم زیان آور می بیند.

امانت دار(بند معاهده)- Depository (Clause of Treaty)

عبارت است ازکشور یا سازمانی که برای دریافت، نگهداری و حفاظت متن اصلی یک قرار داد و اسناد مربوط به آن پیمان مثل تصاویب و پروتوکول هایی که از جانب کشورهای تصویب کننده ارایه شده، گماشته می شود. کشور یا سازمان امانت دار، در"فقره بایگانی" پیمان مشخص می شود. برای معلومات بیشتر، به ماده 48 (میثاق بین المللی درباره حقوق سیاسی ومدنی) رجوع شود.

انکشاف (روند/حق به) - Development (Process/Right to)

تعریف انکشاف چه به حیث روند و چه به حیث حق ذاتی، یک مفهوم مشکل است که در هردو صورت بطور عمومی به حیث یک روند و به حیث یک حق ذاتی بشری تعریف گردد.
به حیث یک روند، این توسط بعضی ها به معنی یک روند جامع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعریف گردیده است که هدف آن انکشاف پیوسته تمام افراد در یک اجتماع به اساس اشتراک فعالانه، آزاد و معنا دار در انکشاف و در توزیع عادلانه منافع که از یک چنین انکشاف ناشی میگردد، میباشد.
به حیث حقوق بشر، "حق انکشاف" یک حق عینی بشری گروه هایی از افراد برای داشتن آزادی، همکاری، میتودها و وسایل خودی برای رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به حیث یک جامعه مدنی و نیل به اهداف حقوق بشر میباشد. امکان پذیری انکشاف کامل شخصیت انسانی هر فرد در اجتماع، این یک "نسل سوم حقوق (بشر)" میباشد و معمولا راجع میگردد به مفکوره های جمعی/گروهی. اندازه و محتوی آن بسیار بحث برانگیز بوده و حتی بسیاری از مردم آنرا منحیث حقوق بشری قبول ندارند.

اثر یا تاثیر طرف ثالث (تاثیروظیفه معیاری)– Drittwirkung (Effect of Normative Obligation)

یک لغت آلمانی که مربوط میشود به تاثیر طرف ثالث یا تاثیر افقی التزامات حقوق بشر. یک تئوری از چگونگی التزامات حقوق بشر در دو معنی مختلف که مربوط به تاثیر التزامات میباشد بیان میگردد.
اول، التزام نه تنها بالای یک دولت (التزام عمودی) و حقوقی که بین دولتها و افراد وجود دارد میباشد بلکه همچنان بین افراد نیز وجود دارد. بنابر این، افراد میتوانند از تخطی هایی که توسط دیگر افراد صورت میگیرد شاکی باشند (تاثیر افقی).
دوم، دولت نه تنها مسئول اینست که خود مرتکب کدام تخطی نگردد بلکه همچنان ملزم میباشد که گامهایی را بردارد (مثل وضع نمودن قوانین یا تصویب قواعد تا از اعمال خصوصی حمایت کند) تا اطمینان حاصل گردد که افراد اعمالی را مرتکب نمیگردند که به حقوق بشری دیگران لطمه وارد شود.
اصطلاح کامل آن چنین میباشد: Drittwirkung der Grudrechte

اکراه – Duress

در عموم به این معناست که فکر انسان تحت یک اجبار خارجی قرار میگیرد و شخص دیگری توسط تهدید به اعمال زور و یا دیگر عواقب وخیم یا دیگر اطرافیانش مثل همسر، اطفال یا خویشاوندان، شخص را مجبور میسازد تا کاری را کند که در حالت عادی شخص حاضر به انجام آن نباشد، مثل یک جرم تخطی حقوق بشری.
ادعای مُکرِه واقع شدن بعضی اوقات در دفاع از محکوم شدن به نسبت جرایم جنگی استفاده میگردد. زمانیکه متهم ادعا میکند که او دست به آن کار بخاطری زد زیرا که خودش در صورت انجام ندان آن حکم مورد تهدید قرار میگرفت. اکراه همچنان به معنی اجبار بیان شده است. مثلا: تهدید یک سرباز در حال وظیفه نظامی به مرگ در صورتیکه که او دستور غیر قانونی فرمانده را مبنی بر کشتن افراد ملکی قبول نکند. اگر چه این به معنای اوامر مافوق نمیباشد که این خود یک دفاعی است مبنی بر اینکه اوامر افسر مافوق نظامی را باید انجام داد.
مُکرِه واقع شدن به ندرت یک دفاع کامل در مسئولیت های جزایی میباشد هرچند که ممکن است یک فکتور تخفیف مجازات واقع گردد. در مجموع اعمال تهدید که منجر به اکراه میگردد باید قریب الوقوع، واقعی و اجتناب ناپذیر بوده باشد و اعمال وارده به سبب اجبار نباید زیان بیشتری را نسبت به عواقبی که به سب نپذیرفتن اجبار حاصل میابد در قبال داشته باشد و نیز اینکه نباید منتج به مرگ شده باشد.

www.TPTG.ir

اطمینان حاصل نمودن از *(احترام به حقوق بشر)* – Ensure *(Respect For Human Rights)*

لغتی که در بعضی از پیمانهای حقوق بشر دیده میشود که چگونگی تعهد کشورهای طرف را در رابطه به درک و احترام نورم های حقوق بشر در پیمان شرح میدهد. این به معنی اخذ اطمینان، یقین یا محفوظ بودن و تضمین دادن از طریق یک وثیقه یا اعلامیه میباشد. این لغت اکثراً بعد از مقدمه یک پیمان دیده میشود.
در زمینه کنوانسیون و پروتوکول 1949 ژینو، عبارت "اطمینان یافتن از حرمت به" در ماده اول آن سند وجود دارد که به این معنی است که هر کشور طرف به آن نگاه کند که دیگر کشور های طرف و در حقیقت امر تمامی دیگر طرفین، افراد و گروه ها به این نورم های بشری احترام میگذارند.

اخراج اجباری(بیگانه از کشور)
Expel/Expulsion (of Alien from state)

عبارت است از اخراج اجباری و فراری دادن بیگانه ها از کشور به کشوری که قبلا این ها(بیگانه ها) از آنجا آمده اند، یا به نزدیک ترین کشور ویا به کشوری که شخص بیگانه با آن پیوند مذهبی، قومی، نژادی داشته باشد.اخراج اجباری شبیه تبعید تبعه خارجی از کشور است، که بعد از طی مراحل قانونی صورت می گیرد.

استرداد (مظنون جنایی) - Extradition (of criminal suspict)

عبارت است از تسلیم شدن متهم یا محکوم به جرم، توسط یک کشور و فرض این است که شخص متهم جرم را در قلمرو ارضی کشور دیگر انجام داده باشد و کشور تقاضا کننده از کشور دیگر یا مقامات قانونی دیگرکه توانایی پیگرد قانونی را داشته باشد تقاضا می کند تا متهم را به این کشور تسلیم کنند. استرداد فراری مجرم چه محکوم باشد یا مظنون معمولا بر اساس شرایط پیمان دوجانبه بین دو کشور استواراست و پیمانها یا قانون دوجانبه بین کشورتقاضا کننده یا کشور ومقامات قانونی کشور دیگر، اساس قانون تبادله مجرم را تشکیل می دهد.

انتخابات آزاد وعادلانه- Free and Fair Election

این اصطلاح در جامعه جهانی وتوسط جامعه جهانی برای توصیف انتخاباتی استعمال می شود که در یک کشور طوری و درشرایطی صورت می گیرد که افراد واجد شرایط برای رای دهی، بدون کدام مانع و فشار بتوانند در رای دهی سهم گرفته و به کاندید مورد نظر شان رای دهند و شرایط و اوضاع اساسی انتخابات طوری باشد که نتیجه انتخابات، بازتاب دهنده عدالت و شفافیت انتخابات از همه جهات و بازتاب دهنده رای واقعی رای دهندگان باشد. بعد از مراقبت و نظارت ازانتخابات توسط ناظران جهانی، ناظران جهانی بیانیه ای را راجع به عادلانه بودن و آزاد بودن انتخابات صادرمی کنند. اگر انتخابات از نظر ناظران بین المللی آزاد وعادلانه باشد در این صورت اعتبار این انتخابات و مشروعیت حکومت منتخب در سطح جهانی از جانب ناظران اعلان می شود.

اختیارات تام- Full Powers

عبارت است از ظرفیت وتوانایی یک شخص که از جانب یک کشور رسماً برای نماینده گی ازآن کشور در مذاکره، انتخاب وتصویب متن یک قرار داد گماشته می شود تا موافقت و رضایت دولت از آن پیمان و تعهد دولت در قبال آن پیمان را اعلان نماید یا کارهای دیگری را راجع به پیمان انجام دهد. طبق ماده 1(C) پیمان 1969 در ویانا، معنای این اصطلاح چنین است:" مدرک وسندی ارایه شده از طرف مقامات با صلاحیت یک کشور به منظور گماشتن فرد یا افراد برای نماینده گی از آن کشور در امر مذاکره، انتخاب و تصدیق متن یک پیمان واظهار رضایت و تعهد از جانب آن کشور در قبال آن پیمان یا

انجام دادن کارهای دیگری که به نوعی به پیمان مربوط شود." به شخصی که این اختیارات را دارا است نماینده تام الاختیار(Plenipotentiary) نیز گفته می شود.

اصول عمومی حقوق (منبع معیاری)
General Principles of Law (Source of Norms)

یک دکترین حقوقی که در میان قانون بین المللی و قانون ملی واقع گردیده و راجع میگردد به اصولی که در اکثر سیستم های حقوقی مشترک میباشد. این منبع بیشتر چنین پنداشته میشود که نورمهای طرزالعمل یا مدارک را معرفی میکند. این نیز منحیث اصول قانون خصوصی و عامه پنداشته میشود که تجارب حقوقی ملتهای متمدن را که منحیث یک اصل معتبر برای دیگران قابل قبول است بازرسی مینماید.

اثرافقی (تاثیرتعهد معیاری)
Horizontal Effect/Horizontality (Effect of Normative Obligation)

این نظریه عبارت است از اثر به اصطلاح، طرف سوم اصول حقوق بشر. مراد از اثر افقی این است که اصول حقوق بشر مکلفیت ها و تعهدات را دربین افراد غیر دولتی به وجود می آورد و مسوولیت دولت این است که به افراد اجازه ندهد حقوق همدیگر را پامال کنند. درحالی که در اثر عمودی تعهدات و مکلفیت های اساسی بین افراد عادی و دولت است .
نظریه اثر افقی درباره مکلفیت های حقوق بشر در سطح افقی بین افراد عادی بحث می کند. نتیجه این نظریه قرار ذیل می باشد:

1. دولت میتواند برای اعمال خصوصی معین درصورت ناکامی یا سرپیچی از خاتمه دادن تخلفات یا جلوگیری آن مسئول دانسته شود.
2. افراد عادی که حق آن ها توسط افراد عادی دیگر پامال شده اند می توانند از افراد پامال کننده تقاضای جبران خساره کنند وحق مطالبه جبران خساره را دارند.

ازتوان افتاده(جنگجو)- Hors De Combat (Combatant)

این اصطلاح حقوقی به جنگجو یا عسکری استعمال می شود که در زیر قدرت خصم قرار دارد و قصدش را برای تسلیم شدن اظهار می کند .همچنان فرد نظامی ای که درحال بیهوشی قراردارد یا از نظر جسمی توانایی جنگیدن بیشتر را ندارد. طبق حقوق بشر جهانی، آسیب رساندن به چنین عسکری جایز نیست.

(اصل) انسانیت (قانون برخوردهای مسلحانه)
Humanity (Principle) (LOAC)

طبق قانون بین المللی در برخورد های مسلحانه، جنگجویان حق ندارند برای تسلیم کردن تمام یا بعضی از دشمنان شان، هیچ نوعی از جنگ را که با کمترین مصرف وقت، تلفات، جراحات، زخم ومنابع مادی همراه نباشد، انتخاب کنند.
اصل انسانیت عبارت است از طرز تفکر یا احساس حسن نیت فعال نسبت به همنوعان.

www.TPTG.ir

امپریالیزم- Imperialism

عبارت است از تسلط یا قدرت یک دولت بر دولت دیگر با وسایل گوناگون به قصد استثماروکسب امتیازات اقتصادی سیاسی و ایجاد رابطه آمرانه و مادونانه بین کشور سلطه جو و کشور مطیع که معمولا این سلطه و رابطه از راه زور اعمال می شوند. استعمار، نمونه قرن بیستم امپریالیزم می باشد.

اصل غیرمحدود به مرور زمان (تخطی جنایی) Imprescriptability (Criminal Offense)

عبارت است از اصل قانون جنایی که طبق آن اصول قانون جنایی خاص موضوع هیچ گونه محدودیت قانونی واقع نمی شود. یعنی در صورت نقض این اصول مسوولیت این نقض با مرور زمان هرگز پایان نمی یابد وشخص پامال کننده همیشه مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد. نسل کشی، نمونه از این گونه جرایم است.

الحاق (نورمهای بین المللی) Incorporation (of International Norms)

اصلی که براساس آن بعضی از قوانین و حقوق بین المللی بخشی از حقوق شهری یا داخلی به حساب می آید. روند تبدیل شدن قوانین بین الملل به قانون داخلی و ملی. در برخی از کشورها قوانین بین المللی خود به خود به قانون داخلی بدون روند الحاق تبدیل نمی شود.

اصالت فرد - Individualism

عبارت است از نظریه ای که بسیاری ازحکومت های دموکراتیک براساس آن استوار است. طبق این نظریه هدف اصلی حکومت فراهم کردن شرایطی است که آسایش افراد را ارتقاء داده و به هر فرد جامعه اجازه دهد تا از استعداد های شان در جامعه به بهترین وجه استفاده کنند.

اتحاد ملتها / جامعه ملل– League of Nations

اولین سازمان بین المللی بین الحکومتی که در سال 1920، بعد از جنگ جهانی اول تاسیس شد. این سازمان از طریق پیمان Versailles Treaty تاسیس گردید و فقط دارای 58 کشور عضو بود که ایالات متحده شامل آن نگردید. گرچه اتحاد ملتها پیش از جنگ جهانی دوم منحل گردید، این بحیث یک تجربه سابقه استفاده شد و یک مدل خوبی برای ایجاد ملل متحد در سال 1945 گردید. بعضی از ارگانها و فعالیتهای این اتحادیه مثل سازمان بین المللی کار، قیمومت و سیستم اقلیتها منحیث پیشایندی برای ایجاد نهادها و قوانین مدرن حقوق بشر بین المللی استفاده گردید.

اقلیت زبانی/گروه – Linguistic Minority/Group

"گروه زبانی" یک اصطلاحی است که برای یک گروه از مردمی که به یک زبان مشترک صحبت میکنند استفاده میگردد. اگر زبان همان گروه توسط اکثریت نفوس یک کشور صحبت نشود، در اینصورت این گروه بحیث اقلیت زبانی یاد میگردد.

www.TPTG.ir

استحقاق، (یک قضیه/شکایت)
Merits (of a Case/Complaint)

در یک قضیه ای که در آن شکایت از تخطی های حقوق بشری توسط یک دولت وجود دارد و وقتیکه توسط قضاء یا کدام شعبه قضایی در مورد شکایت تصمیم گرفته میشود، تحلیل و تطبیق قوانین بالای حقایق قضیه "استحقاق" نامیده میشود. یک شکایت اولا قبل از اینکه هیات، استحقاقی بودن آنرا بررسی کند، باید بررسی شود و قابل قبول پنداشته شود. هدف تحلیل استحقاقی بودن اینست تا در جریان بررسی مدارک ارائه شده توسط شاکی تثبیت گردد که آیا شاکی با ارائه این مدارک یک تخطی حقوق بشری یا نقض یک پیمان را که کشور مدعی علیه یا نقض کننده باید آنرا جبران کند، ثابت ساخته است یا نه. تثبیت یک استحقاق، بعد از مشوره مجمع در یک یافته (تصمیم/قضاوت/نظریات و غیره) منتج به این میشود که آیا کدام تخطی وجود دارد یا نه.

اقلیت (گروهی از مردم) – Minority (Group of People)

اصطلاحی که برای تعریف یک گروه انسانها استفاده میشود که میان اشخاص دیگر بخاطر نژاد، زبان، دین، قوم یا ملیت شان در یک جامعه بزرگ طبقه بندی شده و بالای چیزی مهمی مسلط نمیباشند. یک تعریف رسمی یا عادی از "اقلیت" در قانون بین المللی حقوق بشر تا هنوز وجود ندارد .گر چه جامعه بین الملل، بطور عمده تحت حمایت ملل متحد، برای حمایت از اقلیت ها معیارهای حقوق بشر تعیین می کند. تعریف "اقلیت" در اصطلاح عام که امروزه استفاده میشود، تعریف کاپتوریتی میباشد: یک گروه اقلیت از حیث تعداد مادون به بقیه نفوس یک کشور میباشند، که در یک موقف غیر مسلط قرار دارند، اعضای آن ملیت همان کشور میباشد، دارای مشخصات نژادی، مذهبی یا زبانی هستند که از دیگر نفوس تفاوت دارد و بطور ضمنی دارای یک حس همبستگی برای حفظ فرهنگ، سنتها، مذهب و زبان خویش میباشند. عین اصطلاح اقلیت ملی، در اینجا هم هیچ تعریف واحدی قبول شده رسمی وجود ندارد. دو تعریفی که وجود دارد در حال حاضر استفاده میشود، یکی آن در سیستم ملل متحد و دیگر آن در انجمن اروپا.
تعریف اولی راجع میشود به اعضای یک گروه در یک کشور که شهروندان آن کشور میباشند که متضاد آن غیر شهروند واقع میگردد. در تحت این تعریف، یک کشور تنها مسئول خواهد بود تا به حقوق اقلیت که اعضای آن شهروند آن کشور میباشند احترام بگذارد.
ثانیاً، این اصطلاح به این مفهوم استفاده میگردد که طبقه بندی صورت بگیرد، مثل "اقلیت مذهبی" و نیز راجع میگردد به یک گروه از اشخاص که شهروندان کشوری که در آن زندگی میکنند نیستند. مثلا: یک گروه شهروندان کشور الف که در کشور ب زندگی میکنند، اقلیت ملی در کشور ب بحساب خواهند آمد.

امنیت ملی (محدودیت) – National Security (Limitation)

حفاظت امنیتی دولت در مقابل تجاوز خارجی، جنگ داخلی، بحران های جدی اقتصادی، حادثات طبیعی، فتنه و آشوب، قتل عام، کوشش برای راه اندازی کودتا یا انقلاب و بی قانونی عامه که ثبات ملت را تهدید کند.
از نظر قانونی حفاظت امنیت ملی به یک کشور اجازه میدهد تا برای تطبیق بعضی از حقوق بشری محدودیت ایجاد کند. مثلا، دولت میتواند حق آزادی بیان را با آنکه یک حق مسلم حقوق بشری است برای حفظ امنیت ملی اش محدود کند. *رجوع شود فقر3 ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.*

اتهام به نفس
Nemu Tenetur Edere Contra Se (Principle Against Self-Incrimination)

این واژه لاتینی به معنی این است که دولت (پولیس، څارنوالی و محکمه) حق ندارد کسی را مجبور کند بر خلاف خودش شهادت دهد یا چیزی به ضرر خودش بگوید، یا بر ضرر خودش مدارک فراهم کند.این، شبیه به حق سکوت در مقابل اتهامات جنایی است.

اصل عدم تبعیض - Nondiscrimination (Principle)

اصل عدم تبعیض یکی از اصول حقوق بشر است که طبق آن هیچ کسی به خاطر ویژه گی های نژادی، مذهبی، جنسی، اجتماعی، زبانی وموقعیت های دیگر اش نباید در بهره برداری از حقوق بشری شان محروم گردند. این اصل به این معنا است که دولت نباید براساس ویژه گی های ذکرشده برای بهره مند شدن افراد از حقوق بشر شرط و قید تعیین کرده و آن را محدود کند. دولت نمی تواند در بهره برداری افراد از حقوق بشر با آن ها رفتار تبعیض آمیز را در پیش گیرد زیرا هیچ دلیل معقول و پذیرفتنی برای این کار وجود ندارد.
بند عدم تبعیض در پیمان های حقوق بشر گنجانیده شده است و این بند به طور واضح اصل عدم تبعیض را بیان می کند. برای معلومات بیشتر ماده 21 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی را مطالعه کنید و برای وضاحت بیشتر مطلب تعریف کلمه متضاد(تبعیض) این لفظ را نگاه کنید.

اصل عدم اخراج - Non Refoulement (Principle)

[واژه فرانسوی] بیانگراصل قانون عرفی بین المللی است که بیشتر درزمینه قانون مهاجرین دیده می شود. طبق این اصل هیچ کشور نمیتواند کسی را به مرزهای کشوری برگرداند که درآنجا آزادی یا زندگی این شخص به خاطر وابستگی سیاسی، مذهبی، ملی یا به خاطرعضویت در گروه اجتماعی خاص در معرض خطرباشد. این اصل درماده 33 " کنوانسیون (1951) درباره مهاجرین " به عنوان اصل قانون عرفی گنجانیده شده است.

اصل قانونیت مجازات
NULLUM CRIMEN,NULLA POENA SINE (Principle)

اصطلاح لاتینی و بیانگراصل حقوقی بین المللی است که بنا برآن، عملی که در سابق انجام داده شده ودروقت انجام دادن جرم نبوده در حال و آینده پیگرد قانونی ندارد وشخصی که آن عمل مجاز را درگذشته انجام داده است از نظر قانونی بری می باشد. این اصل دارای این معنا نیز می باشد که قانون به طور دقیق باید طوری تدوین شود که دردسترس همه باشد و همه بدانند که فلان عمل در قانون منع شده است. درغیراین صورت دولت نمی تواند هیچ کسی را بدون وجود داشتن قانون واضح درسابق، به خاطر عمل گذشته اش مجازات کند.
رجوع شود به اصل "عدم رجعت قانون به ماقبل".

اصول نورمبرگ – Nuremberg Principles (1945)

اصول چهارگانه گرفته شده از منشور نورمبرگ در باره مسوولیت های جنایی فردی مجرمان جنگی نازی که به محاکمه شدن آن ها در پایان جنگ جهانی دوم منجر شد. این اصول کسانی را که مرتکب جرم بین المللی شده بودند مسوول و سزاوار مجازات ثابت کرد زیرا قانون ملی ازعدم مسوولیت کسانی که مرتکب جرم بین المللی شوند دفاع نمی کند و حتی رئیس دولت و مقامات حکومتی نیز اگرمرتکب جرم شوند از پیگرد قانونی مصئون نمی مانند. طبق قانون بین المللی حتی همدستی در انجام جرایم ذکر شده در منشور نورمبرگ نیز جرم به شمار می آید.

اعتراض (شرط گذاشتن به معاهده)
Objection (To Reservation To Treaty)

www.TPTG.ir

اظهار بیانیه کتبی از جانب کشور تصویب کننده دراعتراض به قید وشرطی که ازجانب کشورتصویب کننده دیگر برای پیمان ارائه شده است. با اظهار این بیانیه کشور اعتراض کننده، قید را بی اعتبار و درتضاد با هدف ومقصد پیمان اعلان می کند.

اذ یت –persecution

یعنی آزار واذیت کردن کسی، وارد کردن آسیب یا غم به کسی، محرومیت جدی وعمدی کسی ازچیزی توسط دولت یا نماینده گانش. نقض سیستماتیک حقوق بشر بنیادی.
در زمینه جنایت علیه بشریت، قانون مدون محکمه جنایی، آزار و اذیت را چنین تعریف می کند "محروم کردن عمدی وسختگیرانه گروه های خاص را از حقوق بنیادی آن ها به خاطرشناخت گروهی وجمعی آنان و یا
محروم کردن عمدی و شدید از حقوق اساسی بر خلاف حقوق بین الملل به دلیل هویت آن گروه یا جمعیت".

افراد تحت اختیار دشمن -Persons in the Power of Enemy

کسی که در جنگ داخلی یا غیر بین المللی در اسارت یا بازداشت عملی گروه جنگجو قراردارد. این اصطلاح بیشتر به جای اصطلاح "اسیرجنگی" به عساکر شورشی و چریکی که اسیر شده اند، استعمال می شود. زیرا اصطلاح اسیرجنگی در جنگ داخلی به کار برده نمی شود.

اراده سیاسی (دولتها) -Political Will (of States)

اراده سیاسی یک دولت عبارت است از تصمیم ونیت حکومت برای انجام دادن یک عمل در سطح بین المللی با اسفتاده ازوسایل سیاسی به منظور رسیدن انفرادی یا دسته جمعی به مقصدی که نفع آن مشترک و بین المللی باشد. البته این تصمیم و نیت حکومت به تعقیب معیارها، اصول و طرزالعمل های خاص به وجود می آید. اراده سیاسی با بیان لفظی و بدیعانه حکومت به نفع حقوق بشر، فرق دارد زیرا در بیان لفظی و بدیعانه حکومت به نفع حقوق بشر، سیاست، عمل و حتی نیت واقعی کردن چنین موقعیت، وجود ندارد.

اصل بری الذمه (قانون جزایی)
Presumption of Innocence (Principle of Criminal Law)

عبارت است از اصل حقوق بشر در مسایل جنایی که طبق آن فرد مظنون و متهم به ارتکاب جرم تا وقتی جرمش درمحکمه ثابت نشود بی گناه محسوب میگردد. این اصل درتمام قضیه های جنایی پیاده می شود حتی جایی که مظنون به جرم نقض واضح و آشکار قانون گرفتارشده باشد. طبق این اصل برای ثابت کردن جرم فرد مظنون ، مسئولیت فراهم سازی مدارک و شواهد بر دوش حکومت سنگینی می کند یعنی حکومت مکلف است تا با آوردن شواهد ومدارک معتبر، جرم فرد مظنون را ثابت کند. این حق در ماده 14 میثاق بین المللی حقوق سیاسی ومدنی نیز دیده می شود.

اصل (قانون) –Principle (of Law)

عبارت ازقانون جامع وبنیادی، دکترین یا فرضیه، قاعده عمومی یا ضوابط اخلاقی وعملی می باشد که در اصول قانون گذاری مراعات می شود.
اصول عبارت اند از بیانیه های عمومی گرفته شده از قانون های حقوقی مخصوص برای فراهم کردن دلیل های معین برای آن قوانین. اصول "چرا" قواعد را برای ما توضیح می دهد. مثلاً در قانون بین المللی جنگ، اصل تشخیص بین نظامیان و غیر نظامیان، این نکته را تضمین می کند که تنها نظامیان هدف حمله قرارگیرند وغیر نظامیان از آسیب محفوظ بمانند.

اصل تفسیر وتطبیق قانون- Pro Homine (Principle of Application and Interpretion)

این اصل درقانون بین المللی حقوق بشر دیده می شود. طبق این اصل، تمام حقوق بشر باید به گونه ای تفسیر وتطبیق شود که به طورکامل و کافی انسان ها را حفاظت کند. جایی که در قضیه خاص دو اصل قانونی وجود داشته باشد، آن اصلی که به افراد آزادی وحفاظت بیشتر فراهم می کند براصلی که کمتر فراهم می کند، باید مقدم شود. هرتفسیر و تطبیق اصولی که بیشتر به نفع افراد باشد و ازعظمت فطری انسان بیشتر حمایت کند، باید ترویج و شایع شود.
مثلاً فرض کنید قانون برای محکوم به خاطرجرمش مجازاتی را معین می کند و بعد از مدتی، قانون، مجازات همان جرم را کاهش می دهد. در این صورت درحق محکوم باید قانون دوم تطبیق شود تا محکوم از تبدیلی قانون بهره مند شود و مجازاتش کاهش یابد.

اشخاص محفوظ -Protected Persons

در کنوانسیون های چهارگانه ژینو این اصطلاح به کسانی استعمال می شود که به عنوان قربانی برخوردهای مسلحانه و در جریان برخوردهای مسلحانه، حق حفاظت و رفتارانسانی به آن ها اعطا شده است.

امن عامه (محدودیت)-(Public Safety (Limitation

محافظت دولت از رفاه و بهزیستی مردم. تدابیری که برای حفاظت ساکنین یک کشور گرفته می شود. محافظت از امنیت ملی، یکی از اهداف مشروع محدود سازی حقوق بشر به شمارمی آید و این قید در بسیاری ازمعاهده های حقوق بشر موجود می باشد. امنیت ملی باآنکه یکی از عناصر تدابیری را که برای حفظ نظم اجتماعی گرفته می شود، محسوب می شود با نظم اجتماعی فرق دارد. محفوظیت از اعمال طبیعی خاص و محفوظیت ازاعمال مضر افراد یا گروه، همه در این اصطلاح شامل می باشد.

اسیر جنگی- Prisoner of War

اسیر جنگی کسی است که جزء یکی از دسته های زیر باشد و بدست دشمن بیفتد :
1 ـ افراد نیروی مسلح هر یک از طرفهای متخاصم و هم چنین افراد غیر نظامی یا دسته های داوطلبی که بخش از نیروهای مسلح باشند.
2 ـ افراد سایر گروههای غیر نظامی و دسته های دواطلب ، از جمله افراد متشکل نهضت های مقاومتی که متعلق به یکی از طرفهای متخاصم باشند و در داخل و خارج کشور خود به عملیات بپردازند. حتی اگر این خاک به اشغال در آمده باشد، مشروط به آنکه این گر وههای غیر نظامی و دسته های داوطلب و افراد متشکل نهضت های مقاومت ،دارای شرایط ذیل باشند:
الف : تحت فرماندهی شخصی عمل کند که مسئولیت افراد خود را بپذیرد .
ب : علامت مخصوص وثابتی داشته باشند .
ج : اسلحه خود را علناً حمل کنند.
د : عملیات نظامی خود را مطابق با قوانین و رسوم جنگ انجام دهند.

بدین منظور اعمال زیر همیشه وتحت هر شرایطی با افراد فوق الذکر ممنوع است :
الف : بر جسم و جانشان صدمه واردکردن، علی الخصوص کشتن به هر شیوه یی که باشد،قطع عضو، رفتار بی رحمانه و شکنجه و عذاب دادن.
ب : گرو گان گیری .
ج : هتک حرکت اشخاص ، خصوصاً رفتار و بر خورد تحقیر آمیز و خوار کننده داشتن .
د : صدور حکم حبس یا اعدام اشخاص ، بدون آنکه حکم آنرا از محکمهء ذیصلاحی صادر کرده باشد . چنین محکمه یی باید از کلیه تضمین های قضائی که از نظر مردم متمدن ضرور است ،بر خودار باشد.

اهالی غیر نظامی- Civilians

کسانیکه مستقیماً در جنگ شرکت ندارند ،هم چنین افراد نیرو های مسلحی که سلاح بر زمین می گذارند و کسانیکه بدلیل مریضی ، جراحت ، بازداشت و یا هر علت دیگری قادر به ادامه جنگ نیستند ، اهالی غیر نظامی محسوب می گردند. در هر شرایط در مقابل همچو اشخاص رفتار انسانی ، بدون هر گونه تبعیض ناشی از نژاد ، رنگ ، ومذهب یا عقیده ، جنس ، اصل و نسب ، ثروت ویا سایر ضوابط مشابه آن صورت گیرد.
اهالی که در جنگ اشتراک ندارند ، در هر نوع عملیات نظامی مصئونیت دارند. اما در وضعیت جنگ ،اهالی غیر نظامی که جزء نیرو های مسلح اند، مسئولیت هایی در عملیات نظامی متوجه شان می گردد.
ویا بنابرماده (50) میثاق بین المللی ژنیو مورخ (12 اگست 1949) گفته می توانیم که :
اهالی غیر نظامی همه اشخاص غیر نظامی را معین می کند . مفهوم غیر نظامی به کسانی گفته می شود که نیرو های مسلح، افراد چریک غیر نظامی یا دسته های داوطلبی بخشی از نیرو های مسلح،افراد متشکل نهضت های مقاومتی متعلق به نیروی نظامی نباشند.
اهالی غیر نظامی که در عملیات نظامی اشتراک می کنند ، هر چند که مقام اشخاص نظامی را ندارند، در عملیات های جنگی مصئونیت خویش را از دست می دهند.
در ماده (51) پرو توکول ضمیمه قرارداد های ژنیو (12 اگست 1949) بر حمایت اشخاص غیر نظامی تاکید می کند: افراد ملکی در برابر خطر ایجاد شده نظامی باید از حمایت عمومی بر خودار گردند. افراد غیر نظامی نباید مورد حمله قرار گیرند.اعمال و تهدید های خشونت آمیز ، که هدف اصلی آن ایجاد وتوسعه وحشت در بین اهالی غیر نظامی است ، ممنوع می باشد.. هم چنین این ماده حملاتی را ممنوع قرار میدهد که عبارتاست اند از :
الف : حملاتیکه به اهداف مشخص نظامی توجیه نشده باشد.
ب : حملاتی که در روش ووسایل جنگی استفاده به عمل آمده باشد که نتواند به اهداف مشخص نظامی هدایت داده شوند،یا
ج : حملاتی که درآن روش ووسایل جنگی تاثیرات آن محدود نباشد.

اعدام ماورای قضائی (اعدام بدون حکم محکه)
Extrajudicial Execution

عبارت از قتل مخالفان سیاسی یا اشخاصی که به ارتکاب جنایت مظنون میباشند، با استفاده قوای مسلح، مجریان قانون و یا گروه های که از جانب دستگاه حکومت حمایه میشوند ، است.
این اصطلاح مهفاهم کشتار سیاسی یا قتل های عمومی را فرا میگیرد.

اعلامیه - Declaration

1.سند سیاسی: یعنی سند کتبی اظهار اصول قانونی توسط سازمان بین المللی ، البته این اصول به این معنا نیست که از لحاظ قانونی لازم الاجرا باشد اما ممکن است اعتبار و اقتدار سیاسی و اخلاقی قابل ملاحظه را دارا باشد و ممکن است لایحه وظایف یک ارگان را نیز تشکیل دهد. این اصول ممکن است، به مرور زمان، به حیث یک موضوع قانون عرفی بین المللی، هرگاه مدرک باور وجود داشته باشد که اجراات دولت مطابق به قانون (opinio juris) است و نه منحیث یک موضوع نزاکت و ضرورت، الزامی میگردد. اعلامیه، سند قانونی به حساب نمی آید بلکه توسط قطعنامه بین المللی و بین الدولی تسوید و اتخاذ میگردد. اعلامیه جهانی حقوق بشر نمونه ای از این نوع اعلامیه است.
2. سند پیمان: یعنی سندی که هنگام تصدیق معاهده توسط یک کشور تقدیم می شود که در آن، کشور تصدیق کننده، حدود مسوولیت ها و تعهدات اش را بیان نموده و شرایط خاصی را نیز ذکر می کند مثلا حدود جغرافیایی و مادی ممکن است این اعلامیه مربوط به پذیرش صلاحیت هیات اجرایی برای رسیدگی به شکایات علیه دولت باشد. این اعلامیه معمولا همراه با شرایط (Reservation) و تفاهم (Understanding) در پرونده گذاشته می شود که هردو باهم مخفف RDUS را در یک پیمان تشکیل می دهند.

www.TPTG.ir

(اصل) دو جانبه – Bilateral (Principle)

پیمان دو جانبه عبارت است از تفاهم قانونی بین المللی بین دو دولت. حقوق وتعهدات بین دو دولت توسط پیمان های دو جانبه به وجود می آید وتوسط قانون بین الملل اداره می شوند. پیمان های بین بیشتر از دو دولت به نام پیمان های چند جانبه یاد می شوند.

انارشی - Anarchy

یک حالت هرج و مرج، بی نظمی و بی قانونی سیاسی در یک دولت که نسبت نبود یک حکومت، عدم موفقیت مقامات دولتی یا عدم موجودیت احترام به حاکمیت قانون بوجود میاید. عدم موجودیت هرگونه ممانعت در اجراات دولت یا رفتار افراد. یک باوری که حکومت و قانون باید از میان برداشته شود وتوسط همکاری متقابل انسانها جایگزین گردد.

بی نظیر Sui Generis

این اصطلاح لاتینی در تفسیر حقوقی به چیزی استعمال می شود که شبیه ونظیر نداشته باشد. اشیای یگانه به چیزهای گفته می شود که کاملا ممتاز ومتمایز باشد برعکس چیزهایی که شبیه و نظیر دارد.

به نسبت شرایط – Ratione Conditionis (Principle)

اصل قانون بشری که صراحت دارد، سلاحها و میتودهای جنگ که زیانهای بیشتر و غیر ضروری را بوجود میاورد ،ممنوع میباشد. این اصل مربوط میشود به استفاده سلاحهایی که زیان و خسارت غیر ضروری بوجود میاورد و نیز سلاحهایی را مشخص میسازد که فقط باید اهداف نظامی را هدف گیرد نه اینکه به اشیاء و مردم ملکی خسارت بوجود بیاورد. این اصل سلاحهای "کور" و استفاده بمباران منطقه ای و استفاده سلاحهای آتشزا مانند بمب آتشی را منع میکند.

به دلیل موقعیت – Ratione Loci (Territorial Jurisdiction)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثل یک کمیسیون، محکمه/دیوان، یا کمیته که شکایات فردی یا بین المللی را رسیدگی میکند ، اطلاق می شود. این یک اساس پذیرفتن یک شکایت میباشد. این باید در جائیکه در آن تخطی نورم یک پیمان حقوق بشری ادعا گردیده است صورت گیرد. سوال اینست که آیا تخطی در یک موقعیت جغرافیایی در حدود صلاحیت کشور مدعی علیه اتفاق افتاده، یا اینکه آن محل در غیر اینصورت، موضوع تطبیق پیمان بود مانند قلمرو خارجی یک دولت یا بوسیله تطبیق برون مرزی. اگر یک تخطی بنابگفته بعضی، در جایی اتفاق میافتد که موضوع نورم پیمان نمیباشد، در اینصورت شکایتی که ادعای تخطی آنگونه اعمال را میکند، غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد. مثلا، نظر به جائیکه تخطی ادعا شده در آنجا اتفاق افتاد. این بدین معناست که نورم در آنجا یا بالای کشور طرف، الزامی نبوده است. این اصطلاح معمولا در تصامیم/قضاوتها در مورد قابل قبول بودن شکایات حقوق بشری دیده میشود. وقتیکه این اصطلاح در قانون بشری استفاده میگردد، این مطلب مربوط به جایست که نورم پیمان بشری در آنجا قابل تطبیق میباشد. مثلا تطبیق ارضی یک پیمان. این همچنان منحیث یک اصطلاح عمومی به معنای "به دلیل جائیکه چیزی اتفاق میافتد یا تطبیق میگردد" استفاده میشود.

به دلیل مادی
Ratione Materiae (Subject Matter Jurisdiction)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثل محکمه حقوق بشری، کمیسیون یا کمیته که شکایات انفرادی یا بین المللی را رسیدگی میکند. این اساس در جایی در نظر گرفته میشود که آیا حقایق که ادعا میشود اتفاق افتاده باشد میتواند به یک نورم ماهوی حقوق بشری که در یک پیمان وجود دارد، ربطی داشته باشد، و آیا اعمال در "حیطه مادی" یا مواد اساسی نورم پیمان میباشد. یک شکایت فقط وقتی قابل قبول پنداشته میشود اگر حقایق یک تخطی ماهوی نورم قابل تطبیق پیمان را برملا سازد. اگر شکایت حقایق را از یک تخطی در حیطه مادی یک پیمان نشان ندهد، در آنصورت شکایت غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد. مثلا: ادعا صورت میگیرد که نظر به کنوانسیون حقوق بشری اروپا شخص حق ماهوی دارد تا به مصرف دولت به کره ماه سفر کند. در حیطه مادی کنوانسیون حقوق بشری اروپا این چنین حقوق بشری هیچ وجود ندارد. ادعای چنین حقی غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد.
این اصطلاح همچنان در دیگر زمینه ها به معنی "به دلیل یا در حیطه مادی/تطبیق بعضی چیز" استفاده میگردد. این اصطلاح معمولاً در تصامیم/قضاوتها در باره قابل قبول بودن شکایت حقوق بشری دیده میشود.

به دلیل شخص
Ratione Persone (Personal Jurisdiction)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثلاً محکمه حقوق بشری، کمیسیون یا کمیته که شکایات فرد یا بین الدول را رسیدگی میکند. این اساس مربوط به شخص یا دولتی میگردد که یک شکایت را تسلیم کرده است و مشخصاً اینکه :
(1) آیا طرف شاکی "شرایط" را دارد تا شکایت را ارائه کند،
(2) در باره کشور مدعی علیه، آیا آن کشور در هنگام تخطی ملزم به موضع پیمان بود، یا
(3) آیا کشور مدعی علیه در حقیقت تنها کشوری است که ادعای تخطی موضوع نورم یک پیمان بالای آن صورت گرفته است. این یک اساس برای قابل قبول بودن یک شکایت است. اگر شکایت کدام شرایط را تکمیل نکند یا کشور مدعی علیه کاملاً مدعی علیه نمیباشد، در اینصورت شکایت غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد.
شخص به پیمان، قانون موضوعه یا قواعد اصولی یک مجمع نگاه میکند تا اساس صلاحیت را ببیند. این اصطلاح همچنان در تطبیق قانون کنوانسیونهای بشری استفاده میگردد تا به انواع معین اشخاص تحت الحمایه اشاره صورت گیرد. این اصطلاح معمولا در تصامیم در باره قابل قبول بودن شکایات حقوق بشری دیده میشود. در عموم این اصطلاح به معنی "به دلیل/به نسبت/با توجه به اشخاص یا طرفین ذیدخل" استفاده میگردد.

به دلیل اعتبار – Ratione Standi (Standing)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثلاً محکمه حقوق بشری، کمیسیون یا کمیته. این بدین منظور است که آیا شخص، گروه یا کشور، در تحت پیمان حقوق بشری حق ارائه یک شکایت را دارند یا نظر به قواعد یک مجمع حق ارائه یک قضیه را دارند تا شاکی باشند. این یک اساس برای قابل قبول بودن یک شکایت است. این اساس معمولا در جایی عملی میگردد که آیا یک شخص "قربانی/متضرر" مستقیم یا غیر مستقیم یک تخطی است (مثلا: متضرر شکنجه یا همسر یک شخص اعدام شده)، یا آیا غیر متضررین نیز میتوانند شکایت را درج کنند. این یک اصطلاحی است که معمولا در رابطه به تحلیل مسائل "اعتبار" دیده میشود. اگر طرفی که یک شکایت حقوق بشری را درج کرده است طرف شایسته برای چنین کاری نباشد، طرف دارای فقدان به دلیل اعتبار محسوب می گردد. در اینصورت مجمع شکایت را غیر قابل قبول پنداشته وبه شکایت گوش نخواهد داد. بعضی اوقات این اساس منحیث "به دلیل غیر قابل قبول بودن شخص" بیان میگردد. هر سیستم پیمان حقوق بشری نورمهای مختلفی با توجه به اینکه کی مستحق درج یک شکایت از ادعای تخطی های حقوق بشری است، میباشد.

به دلیل زمان
Ratione Temporis (Temporal Jurisdiction)

اساس صلاحیت یک مجمع قضایی یا شبه قضایی مثلا محکمه حقوق بشری، کمیسیون یا کمیته که شکایات فرد یا بین الدول را رسیدگی میکند. این درمواردی استفاده می شود که آیا تخطی ادعا شده حقوق بشری در زمانی اتفاق افتاد که یک نورم خاص پیمان حقوق بشری بالای کشور متخطی الزامی بود ه یا خیر. این یک اساس برای قابل قبول بودن یک شکایت است.

این اساس معمولا در مورد تخطی هایی استفاده می شود که استدلال میشود که قبل از اینکه یک کشور موضوع پیمان را تصویب نماید، اتفاق افتاده است. اعمال قبل از اینکه یک دولت طرف پیمان را تصویب کند اتفاق بیافتد، معمولا تخطی از نورم یک پیمان شمرده نمیشود.
یادداشت: بعضی اوقات حقایقی که قبل از الزامی شدن تعهد بوقوع میپیوندد، منحیث تخطی دوامدار نورم در نظر گرفته میشود و از طرف مجمع قابل درک خواهد بود. مثلا، تصویب قبلی، ملی سازی/ضبط اموال غیر منقول که تا هنوز هم به صاحب اصلی آن سپرده نشده باشد.
اگر تخطی در حقیقت وقتی اتفاق افتاد که دولت مدعی علیه ملزم یک پیمان نبوده ، در اینصورت مجمع ممکن است شکایت را غیر قابل قبول بپندارد و شایسته شنیدن موضوع تخطی نباشد. این اصطلاح بصورت عمومی به معنای تطبیق موقتی یک پیمان میباشد مثلا، وقتیکه در طی آن نورم پیمان الزامی است. این اصطلاح معمولا در تصامیم مبنی بر قابل قبول بودن شکایات حقوق بشری دیده میشود.

به رسمیت شناختن(دولت/حکومت)
Recognition (Of State/Government)

در قانون بین المللی این به معنی، عمل یک دولت در قبول کردن و تصدیق کردن یک دولت تازه بنیاد شده یا یک دولت جدید که بطور نا منظم در داخل یک دولت موجود پدیدار میشود، میباشد. این به معنی قبول کردن شخصیت قانون بین المللی و حقوق و وظایف آن میباشد مثلا، دفاع خودی/حاکمیت/عملکردهای دیپلماتیک. این عمل معمولاً با تبادله دیپلماتها صورت میگیرد. مضایقه داشتن از به رسمیت شناختن، عدم رضایت دولت مضایقه کننده یا عدم رضایت حکومت اش را آشکار میسازد.

بردگی –Slavery

یعنی انسان در موقعیتی باشد که مالک خود نبوده بلکه متعلق به شخص دیگر باشد، یعنی به طور ملکیت شخصی در اختیار کس دیگر قرار گیرد. شخص برده از خود اختیار ندارد ومطابق میل آقایش رفتار می کند.
برده داری جرم جنایی و یکی از نقایض عمده حقوق بشر به حساب می آید.

بردباری ، تحمل پذیری- Tolerance

عبارت است از طرز تفکر برای پذیرفتن دیگران با تمام اختلافات نژادی، مذهبی، سیاسی و عقیده ای آن ها. تحمل یعنی پذیرفتن دیگران آنچنانیکه آن ها هستند وخود داری از هر عملی که به دیگران این باور را به وجود بیاورد که تفاوت نژادی، مذهبی و غیره شان قابل قبول نیست. برای احترام به حقوق بشر، تحمل شرط لازم به شمار می آید.

به اساس پیمان - Treaty Based

این اصطلاح به ارگان، یا میکانیزمی که براساس معاهده بناشده باشد استعمال می شود. ارگان یا میکانیزم مبنی برمعاهده به ارگانی گفته می شود که پشتوانه اختیارات قانونی اش را معاهده تشکیل بدهد. ارگان مبنی برمعاهده با ارگان غیرمبنی برمعاهده که به نام ارگان مبنی برمنشور یا قانونی اساسی نیز یاد می شود، فرق دارد زیرا اساس و پشتوانه قانونی دوم (غیرمبنی برمعاهده) را قانون اساسی یا منشور تشکیل می دهد.
کمیته حقوق بشر ملل متحد و کمیسیون سابق حقوق بشر اروپا نمونه های ارگان های مبنی برمعاهده می باشد.

با حسن نیت - Bona Fide

این لفظ از نظر دستوری اسم است. وبه معنای طرز تفکر ذهنی است که ازطرف فرد، گروه یا دولت اظهار می شود که این ها (افراد، گروه یا دولت) برای حاصل کردن نتیجه مطلوب، طبق آنچه از نظر اخلاقی راه درست به حساب می آ ید، عمل

می کنند. این لفظ، به معنای صداقت، صراحت و عدالت درارتباطات است. این یک اصل ارتباط بین المللی است که بر اساس آن، دولت ها طبق توقعات جامعه جهانی و سا یر کشورهای هم ارتباط، با روش صادقانه و شفاف، برای ترقی ثبات، صلح و ارتباطات بین المللی هماهنگ، عمل می کنند.
معنای وصفی این کلمه: چیزی که اصلی و خالی از فریب باشد و هدف آن همان چیزی باشد که گفته میشود.

به طور واضح وآشکار (قید لاتینی)— *Expressis verbis*

عبارت است از بیان قیدی لاتینی که در تفسیر معاهده ها یا پیمان ها استعمال می شود ومعانی این لفظ عبارت اند از: " به طور واضح"، "آشکارا"، "بی پرده". این لفظ برای صراحت و وضاحت بیشتر عبارت به کار می رود و در مقایسه با آنچه ممکن است واضح نباشد یا آنچه نیازمند تفسیر قضایی است، استعمال می شود. برای مثال حق اعتراض وجدان، به طور واضح(Expressis verbis)، در "میثاق بین المللی حقوق مدنی وسیاسی " بیان نشده است.

برخورد مسلحانه بین المللی
Internationalized Armed Conflict

جنگی که در ابتدا داخلی و تنها در محدوده یک کشور بوده ولی بعدا نیروی خارجی به طور داوطلبانه یا به تقاضای گروه مسلح مخالف برای کمک آن گروه و به نیابت ازحزب مورد حمایتش مداخله نظامی می کند و جنگ داخلی به جنگ بین المللی تبدیل می شود. "برخورد مسلحانه بین المللی شده" به جنگی که در پروتوکول 1 کنوانسیون ژینو 1977 بیان شده است نیز گفته می شود و آن عبارت است از جنگ غیر بین المللی که مردم برای به دست آوردن خود مختاری بر علیه اشغال بیگانه گان، تسلط استعماری آن ها و تبعیض بین سیاه پوست و سفید پوست، آن را راه اندازی میکنند.

به همدیگر وابسته بودن - Interrelatedness

ارتباط دوجانبه یا متقابل بین تمام حقوق بشر. طبق این اصل حقوق بشر، تمام حقوق بشر به طور دقیق به همدیگر ارتباط و پیوند ناگسستنی دارند. برای مثال حق غذا، حق بیان، حق گشت و گذار، حق رای دهی که همه ازهم جدا ناشدنی است.
بین تمام حقوق بشر یک نوع رابطه حقوقی و مفهومی وجود دارد که این رابطه دراجرا و تفسیرحقوق بشر باید دست کم گرفته نشود.

بشردوستانه - Humanitarian

عبارت است ازهرچیزی که برای نوع بشر به طور عموم یا برای گروهی ازمردم در شرایط خاص مفید باشد واحترام به بزرگی فطری انسان را تضمین کند.

به طورکامل- *IN TOTO*

قید لاتینی است و به معنای به طورکامل، هر بخش، تمام اجزا استعمال می شود در مقابل به طور جزیی، به طور اندک. برای مثال عبارت "کشور ب، پیمان ژینو را به طور کامل (*IN TOTO*) تصویب کرد" به این معنا است که کشور ب، تمام اجزا و مواد پیمان ژینو را پذیرفت.

به طور آشکارا شکایت بی اساس
Manifestly ILL-Founded (Complaint)

یک اصطلاح که یک شکایت و غیره را تعریف میکند که قابل قبول نمیباشد و بنظر نمیاید تا یک وضعیتی را که موضوع مورد بحث یک مجمع، کمیسیون یا محکمه قرار گیرد، ارائه کند. این یک اساس برای عدم قبولیت یک شکایت میباشد. اگر دیده شود که یک شکایت دارای شالوده بی اساس بطور آشکارا میباشد، در اینصورت موجه پنداشته نخواهد شد و مزیت

شکایت مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. دریافت شالوده بی اساس بطور آشکارا در مرحله قبولیت صورت میگیرد. اساس همچو یافته چنین خواهد بود، مثلاً: وقتیکه مجمع تشخیص می دهد که واقعیت های ارایه شده برای ثابت کردن تخطی از کنوانسیون کافی نیست، زیرا طبق مدارک ، وقایع ارایه شده توسط شاکی، نادرست میباشد. مثلاً شاکی یک قضیه مشهود از تخطی کدام ماده پیمان را ارائه نکرده است. این معیار عدم قبولیت اکثراً در سیستم کنوانسیون اروپا روی حقوق بشر استفاده میگردد. در مورد تطبیق معنای دقیق این اصطلاح اختلاف نظر زیادی موجود بوده است. بطور اساسی این یک یافته ای است که شاکی فاقد عین حالت میباشد. در سیستم داخلی امریکا این اصطلاح را "بطور آشکارا بی اساس" استفاده میکنند. (رجوع کنید به ماد 47 IACHR).

برخورد مسلحانه مختلط – Mixed Armed Conflict

یک برخورد مسلحانه بین یک حکومت و یک گروه اپوزیسیون که در داخل یک کشور انجام میابد و توسط یک دولت دیگر که در جنگ شامل میگردد تا به نفع یک طرف بجنگد، حمایت میشود. (مثلا: ویتنام، افغانستان). این همچنان یک برخورد مسلحانه بین المللی شده یاد میگردد.

بی طرفی - Neutrality

موقعیت حقوقی بین المللی که یک کشورآشکارا و بی پرده و به طور رسمی از شرکت در برخورد مسلحانه بین المللی خودداری می کند. هنگامی که یک کشور درحال جنگ قرارداشته باشد قوانین مخصوص بر کشورهای بی طرف، تعهدات وحقوق آن ها اجرا می شود. درقانون بین الملل، "هیات قانون" به نام قانون بی طرفی وجود دارد که این قانون، اصول حقوقی بین المللی را درباره بی طرفی بیان میکند.

بررسی/حقیقت یابی درساحه
On Site Investigation/Fact Finding

رفتن به جاهایی که مسایل و نقض حقوق بشر در آنجا رخ می دهد، برای بررسی دقیق قضیه و برای به دست آوردن مدارک و اطلاعات دست اول. بازرسان به منطقه یا کشور دیگر سفر می کنند و با مقامات حکومتی، شاهدان عینی، سازمان های غیردولتی و افراد عادی راجع به مساله مورد نظر مصاحبه می کند تا حقیقت آنچه را واقع شده یا آنچه درحال وقوع است درک کند. البته معنای ضمنی این مطلب این نیست که حتما قضیه یا شکایت درمورد نقض حقوق بشر درج شده باشد بلکه ممکن است این بررسی ها به منظور تهیه گزارش کلی از یک کشور یا یک موضوع باشد ولی معمولا هدف از این بررسی ها برای به دست آوردن اطلاعات موثق بعد از رخ دادن قضیه واقعی و دایر شدن دعوا، صورت می گیرد زیرا ممکن است اطلاعاتی که توسط حکومت فراهم شده موثق نباشد.

باورداشتن به قانون، اجماع حقوق دانان -Opinio Juris

یکی از دو عنصر دکترین قانون عرفی بین المللی (دیگر آن اجراات سازگار دولت) می باشد. باور داشتن به قانون مربوط می شود به عنصر روانی همراه با عمل دولت در عرصه بین المللی که به این باور انجام یافته که یکی از الزامات قانون بین المللی میباشد و نه یک موضوع تواضع، نزاکت، ضرورت یا مصلحت بینی. این یکی از دو اجزای موضوعی و کیفی یکی از دومنبع قانون عرفی بین المللی است که یک منبع نورمهای حقوق بشر را تشکیل می دهد.
اصطلاح کامل لاتینی آن، opinio juris sive necessatis میباشد.

به خاطر وظیفه - Ex Officio

واژة است لاتینی وعبارت است از انجام دادن یک چیز بر مبنای اینکه آن چیز حصه از کار دفتری و وظیفه کسی است. مورد استعمال دوم این لفظ این است که مقام یا عضویت کسی در یک دفتر یا یک ارگان براساس مقام و منزلت این شخص در دفتر دیگر باشد. مثلا سران کشورهای اروپایی، اعضای کمیته وزیران شورای اروپا نیز می باشند و این عضویت به

www.TPTG.ir

خاطر مقامی است که این ها در کشورهای خودشان دارند. رئیس جمهور افغانستان سمت سر قوماندانی اعلی قوای مسلح افغانستان را نیز دارد و این مقام دوم یعنی سمت فرماندهی بر اساس مقام اول یعنی ریاست جمهوری وی است.

برتری - Primacy(of judicial Jurisdiction)

اولیت حقوقی وقضایی یک محکمه نسبت به محکمه دیگر به نام برتری قضایی یاد می شود. وقتی برای قضاوت کردن در باره قضیه مورد نزاع، دو محکمه وجود داشته باشد. حق قضاوت نهایی برای محکمه ای است که از حق اولیت و برتری حقوقی برخوردار باشد. محکمه ای که برتری قضایی دارد می تواند محکمه دیگر را کنار زند و قضاوت نهایی در باره قضیه را خود به دست گیرد. معمولا برتری در مورد ارتباط بین محکمه داخلی و محکمه بین المللی معنا و مفهوم پیدا می کند. مثلا طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، درمورد پیگرد قانونی مجرمان جنگی، از جانب شورای امنیت ملل متحد به محکمه جنایی بین المللی برای یوگسلاوی سابق، برمحاکم داخلی، حق برتری اعطا شده بود یعنی برای تعقیب قانونی مجرمان جنگی، محکمه جنایی بین المللی نسبت به محاکم داخلی حق برتری حقوقی داشت.

بررسی و تفتیش (تلاشی)- Search

به زور داخل شدن درخانه ای کسی به مقصد بررسی و تفتیش (تلاشی). چنین طرز وارد شدن به منزل شخص ، حق حرمت منزل، حق زندگی خصوصی و امور خانوادگی شخص را پایمال میکند ولی اگر داخل شدن به منزل به اجازه محکمه صورت بگیرد، قانونی میباشد.

بیجا شدگان داخلی- Internally displaced persons

فراریان جنگ های داخلی ، آسیب های طبیعی و تناقضات قومی و قبیله یی و ... نیز گروه بزرگ آسیب پذیر را تشکیل می دهد.
اصطلاح بیجا شده گان به گروه اطلاق میشود که بنابر عوامل ناشی از تناقضات محلی، قومی، مذهبی، زبانی و غیره مجبور به ترک محل اصلی شان می شوند ولی از مرز های سر زمین خویش بیرون نمی روند. حالت این گروه، از حالت شهروندی پناهنده (مهاجر) فرق دارد چون مرز های کشور اصلی را عبور نکرده اند.

بیسوادی- Illiteracy

به نداشتن توانائی خواندن و نوشتن اطلاق می شود. طبق احصائیه های معاصر بین المللی در جهان، 900 ملیون تن از اشخاص بزرگ سال بیسواد میباشند. گراف بیسوادی در کشورهای فقیر و عقب مانده جهان بالاتر میباشد. بیسوادی با علل و عوامل مختلف همچو فقر، عدم دسترسی به خدمات صحی، عمرکوتاه، محیط زیست ناسازگار، دسترسی نداشتن به آب صحی، ارتباط عمیق دارد.

بیکاری- Unemployment

حالتیست که بر اثر ان افرادی دارای قابلیت کاری با سبب های ساختاری، سیاسی یا اجتماعی نمیتوانند به کار مشغول شوند. مشغول کار بودن معنی اشتغال با مزد را میدهد که برای فرد موقع بدست آوردن اعاشه برای خود و فامیلش را میدهد.

بهره کشی یا سوء استفاده از اطفال- Child Exploitation

بهره کشی یا سوء استفاده از اطفال عبارت از عمل بیرحمانه یا استفاده اطفال به مقاصد تجارتی و صنعت میباشد، بهره کشی اطفال شامل: بهره کشی جنسی اطفال برای تامین نفس یا دریافت پول، کارشبانه، بکار گیری اطفال که از روی سن وسال

باید تعلیم ابتدائی گیرند، کار درشرایط خطرناک ومضر برای سلامت انسان مربوط به استحصال یا تولید دارو های منع شده، خرید و فروش اطفال، کار تحقیر آمیز و بیرحمانه.
مقصد دراز مدت سازمان ملل متحد از بین بردن تمام انواع بهره کشی اطفال میباشد.

Adhesion, Adherence - پیوستن

یک عملکرد بین المللی که بموجب آن یک کشور به سطح بین المللی موافقت رسمی خویشرا مبنی بر پیوستن به یک پیمان بیان میکند. این چنین پیوستن در یک سند بین المللی قانونی نوشته میشود که مشابه به یک سند قبولی، توافق یا دسترسی میباشد. اصطلاح الحاق وقتی استفاده میشود که دولت امضاء کننده پیمان اصلی که توسط دیگر دولتها تصویب شده است، نمیباشد. توسط همچو یک سند، به یک دولت گفته میشود تا به تعهدات این پیمان بپیوندد. این تقریبا به معنای دسترسی میباشد. ارائه یا سپردن سند الحاق، دولتین را به طور قانونی مکلف به اطاعت از مواد پیمان میکند.

Stare Decisis - پیروی از رویه قضایی

قانون مشترک ودکترین بنیادی فلسفه حقوق مشترک. یعنی محکمه وظیفه دارد تا در باره یک قضیه مثل فیصله های سابق این محکمه در باره قضیه های دیگر فیصله کند و صدور رای باید برمبنای فیصله سابق باشد. یعنی مدعی می تواند درمورد یک قضیه به فیصله هایی که در باره قضیه های سابق صورت گرفته است استناد کند.
این اصطلاح اگرچه اصطلاح حقوق بشری نیست اما گاه گاهی در ادبیات حقوق بشر هنگام بحث در باره قضاوت سابقه محکمه، استعمال می شود.

Treaty - پیمان

در مفهوم عمومی، پیمان عبارت از یک قرارداد مذاکره شده میباشد که بصورت تحریری بین دو یا بیشتر مقامات سیاسی (مثل دولتها و حاکمیتها)، رسماً توسط نمایندگان با صلاحیت امضاء گردیده و توسط مقامات قانونگذار دولتها تصویب میگردد.

ماده1 پیمان دفاع کنوانسیون ویانا به مثابه یک موافقت بین المللی به شکل تحریری بین دولتها عقد گردیده و توسط قانون بین المللی، چه در یک یا دو سند درج گردیده باشد یا در بیشتر اسناد مربوطه وجود داشته باشد و چه بطور ویژه تعیین گردیده باشد، اداره میگردد.
لغت "پیمان" یک اصطلاح عمومی بوده که در همه انواع سندهای بین المللی قابل تطبیق میباشد. مثلا: کنوانسیون، میثاق، عهد، موافقت، پروتوکول ها و بعضی اوقات هم در منشورها و قوانین موضوعی، ممکن است بخودی خود عنوان تعیین کننده یک پیمان باشد. مثلا، پیمان دوستی، تجارت و دریانوردی بین کشور الف و کشور ب.

یک پیمان بدین منظور است که هدف آن داشتن یک مشخصه و تاثیر الزامی حقوقی میباشد بخاطریکه به حیث موضوع اصل قانون بین المللی pacta sunt servanda پنداشته میشود و بدین معناست که موافقت باید رعایت گردد.

Adoption (of Treaty Text) – پذیرش (نص پیمان)

عملکرد رسمی که توسط یک قطعنامه، موافقت دولتها را برای گفتگو در مورد یک پیمان مبنی بر چگونگی نص و شکل پیمان بیان میکند. پذیرش (نص پیمان) میتواند بعد از ترتیب مسوده پیمان، که توسط آراء تکمیل و در یک قطعنامه موافقت تمام دولتهای مذاکره کننده را معین مینماید، صورت گیرد. تاریخ قبولی یک پیمان معمولاً در زیر عنوان پیمان همراه با تاریخ که پیمان نافذ میگردد، میباشد.

پیگرد نمودن/ تحویل دادن (اصل)

www.TPTG.ir

Aut Dedere Aut Judicare (Principle)

یک اصل قانون جزایی بین المللی که در رابطه به استراد مجرمین/فراریان جنایات بین المللی تطبیق میگردد. این اصل بیانگر آن است هرگاه یک شخص مظنون ارتکاب جرایم معین بین المللی از یک کشوری باشد و در کشور دیگر مقیم شود، کشوریکه مدعی علیه در آن مقیم است، تحت التزام قانونی قرار دارد تا مدعی علیه را دستگیر و مورد پیگرد قانونی قرار دهد و یا شخص مدعی علیه را به هر مقامی که خواستار استرداد چنین شخص باشد باید تسلیم نماید. این نوع التزام در بعضی از پیمانها مثل کنوانسیون برعلیه شکنجه گنجانیده شده است. در انگلیسی بعضی اوقات این اصطلاح را "پیگرد و تحویلدهی" مینامند.

پناهنده عملی - DE Facto refugee

عبارت است ازکسی که از کشورش به کشور دیگر فرارکرده و نمی خواهد یا نمی تواند مثل پناهنده پیمانی خواهان شناسایی حقوقی شود یا کسی که به دلایل معقول نمی تواند یا نمی خواهد به کشور اصلی اش برگردد.

پرداخت ارفاقی-Ex gratia payment

عبارت است از پرداخت جبران از طرف یک کشور به کشور یا به فرد دیگر برای حل نقض حقوق بشر که کشور دریافت کننده بر علیه کشور پرداخت کننده در محکمه بین المللی آن را ادعا می کند. البته کشور پرداخت کننده این جبران را به رضایت خود برای جلب رضایت مدعی، قبول می کند بدون آنکه به نقض حقوق بشر اعتراف کند یا مسوولیت نقض حقوق بشر را به عهده بگیرد. این غرامت به طور حسن نیت و برای فرونشاندن اختلاف پرداخت می شود.

پیمان عمومی – General Treaty

یک پیمانی که در سطح جهانی یا منطقه ای اتخاذ میگردد که تمام یا قسمتی زیادی از نورمهای بشری را در بر میگیرد و قابل تطبیق بالای همه کشور ها، میباشد. یک مثال آن میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است. این از پیمان مشخص "بخشی"، "ویژه" یا "موضوعی" که فقط یک طرح محدود را احتوا میکند تفاوت دارد مثل نسل کشی یا شکنجه یا اشخاص معین مثل اطفال و پناهجویان.

پیمان ،معاهده قانون گذار – Law-making Treaty

یک موافقت بین المللی که به مقصد وضع قواعد عمومی نورمهای اجرائوی در بین تعداد قابل ملاحظه دولتها عقد و تصویب گردیده است. این پیمان نورمهای اجرائوی را وضع و به رسمیت میشناسد و بالای تمام دولتهای طرف پیمان از لحاظ حقوقی لازم الاجرا میباشد. دولتهای شامل عقد این پیمان همچنان میتوانند این قواعد را تغییر یا از بین ببرند. یک پیمان قانونگذاری، یک معیار ساختن یک سند است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یک پیمان قانونگذاری است.

پیوند (با حقوق بشر) – Linkage (to human rights)

عمل، قانون یا پالیسی تاسیس یک پیوستگی اجباری بین پدیرفتن نورمهای حقوق بشر و بعضی اهداف دیگر مثلا تجارت، برسمیت شناختن یک دولت یا تعهد کمک های خارجی میباشد. پیوند یک معاوضه را بوجود میاورد تا که پاسخگو دولت را با معیارهای حقوق بشر ارتقاء دهد.

پیمان الگویی – Model Treaty

یک پیمانی مانند سندی که ساحه معین از نورمهای حقوقی را احتوا میکند که توسط یک سازمان بین الدولتی مثل ملل متحد تهیه میگردد تا برای استفاده دولتها منحیث یک الگو برای بحث و تسوید سند های دوجانبه و چندین جانبه، با این عقیده که

این سندها بطور قانونی تعهدی شود، قرار گیرد. پیمانهای الگویی بدین منظور تحریر میگردند تا با تعهدات موجود حقوقی بین المللی و قوانین عرفی که در دیگر پیمانها وجود دارد سازگار باشد. اینها اکثراً برای سندهای دو جانبه استفاده میگردد. مثلا: پیمان الگویی روی استرداد مجرمین. پیمان های الگویی قانوناً تعهدی نمیباشند.

پیمان چند جانبه – Multilateral Treaty

یک پیمان (میثاق، کنوانسیون، عهد، موافقت، پروتوکول) که بین بیشتر از دو طرف انعقاد یابد. پیمانهای چند جانبه معمولاً موضوعات مشترک المنافع تمام طرفین را بین بیشتر از دو کشور احتوا میکند. نوع دیگر آن پیمان "دو جانبه" است که فقط بین دو کشور میباشد. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یک پیمان چند جانبه میباشد.

پروتوکول اختیاری -Optional Protocol

سند پیمانی که معاهده موجود را اصلاح یا ترمییم می کند و به کشورها در انتخاب کردن یا نکردن این اصلاح اختیارمی دهد. از نظر حقوقی هیچ کشوری به این پروتوکول ها ملزم نمی باشد و این پروتوکول ها بالای هیچ کشوری لازم الاجرا نیست حتی کشورهایی که پیمان اساسی این پروتوکول ها برآن ها لازم الاجرا است. معمولا اینگونه پروتوکول، اصول حقیقی ومیکانیزم های عملی جدید را بیان می کند از قبیل رسیده گی به شکایات افراد از کشورهای نقض کننده، خواستن تعدیل در قانون گذاری یک کشور از قبیل خواستار شدن لغو اعدام از یک کشور و غیره.
این نوع پروتوکول بیشتر در پروتوکول های اختیاری میثاق حقوق سیاسی و مدنی ملل متحد (1966) که یکی از چهارسند لایحه قانون بین المللی است، دیده می شود.
این پیمان برای کشورها زمینه را فراهم کرد تا رضایت شان را از صلاحیت قانونی کمیته حقوق بشرملل متحد اظهار کنند و صلاحیت این کمیته را برای شنیدن شکایات افرادی که ادعا می کنند حقوق آنان توسط این کشورها نقض شده، بپذیرند.

پناهندگی سیاسی-Political Asylum

وضعیت یا دعوای پناهندگی سیاسی را کسی می تواند داشته باشد که به خاطرعقیده سیاسی اش در کشورش یا آخرین کشور اقامتگاهش مورد اذیت و آزار قرار گرفته است یا از اذیت شدن در کشورهای یاد شده هراس دارد.

پروتوکول (پیمان) -Protocol (To Treaty)

این اصطلاح بیشتر به سند حقوقی بین المللی که به منظوراصلاح و ترمیم پیمان موجود تاسیس شده است، استعمال می شود.
از پروتوکول، برای تاسیس اصول حقیقی جدید و همچنان اصلاح اصول حقوقی موجود، تاسیس میکانیزم تطبیقی جدید و اصلاح میکانیزم تطبیقی موجود کار گرفته می شود. پروتوکول معمولا بعد ازمعاهده برای اصلاح آن به وجود می آید اما گاهی همزمان با معاهده نیزاستعمال می شود. برای مثال پروتوکول اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی. این کلمه در زمینه های دیگر دارای معانی دیگر است اما در زمینه حقوق بشرصرف به معنای سند اصلاح کننده یا ترمیم کننده پیمان، استعمال می شود.
ازآنجا که پروتوکول به ذات خود پیمان مستقل است مانند سایر معاهده ها برای ورود به مرحله لازم الاجرا، باید تمام مراحل و تشریفات طرزالعملی را (ازقبیل مذاکره، انتخاب، تصویب، واگذاری به امانت دار) طی کند.

پناهجو- Asylum Seeker

www.TPTG.ir

منظور از پناهجو بیشتر پناهنده سیاسی می باشد. پناهنجو به کسی اطلاق می گردد که کشور اصلی خویش را بنابر عوامل مختلف از قبیل دهشت، تعقیب و پیگرد سیاسی ، عضویت در احزاب سیاسی و داشتن عقاید مذهبی و تعلقات به گروپهای مختلف اجتماعی و اقلیت های قومی ترک گفته، از کشور دیگری تقاضای پناهندگی می نماید. یا :
پناهنجو و یا متقاضی پناهندگی به کسی اطلاق می شود که در کشور اصلی اش نسبت فعالیت های عقیدتی ، جنس ، نژاد، زبان ، ملیت ، و قوم مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته ویا عملاً در خطر شکنجه ، زندان و مرگ قرار داشته باشد.

پناهنده در محل یا پناهنده مکان- Refugee Sur Place

شخص مقیم در کشور خارجی زمانی پناهنده محسوب میشود که در کشور اصلی او تحولاتی رخ دهد و بخاطر خوف از تعقیب عدلی بنابر مسائل نژادی، مذهبی، قومی، سیاسی و یا عضویت در گروهای اجتماعی مانع برگشت او میگردد. مثال آن چنین خواهد بود که یک دیپلومات کشور الف، در کشور ب، زمانی پناهنده خواهد شد که نظام سیاسی کشورش تغییر کند و در صورت عودت به کشورش (کشور الف) مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. پناهنده در محل، شخصی نیست که کشور خود را ترک میکند بلکه زمانی پناهنده گفته میشود که خود را در حالاتی میبیند که تحول در کشورش صورت گرفته است.

پناهنده- Refugee

پناهنده عبارت از شخصی است که کشورش را بمقصد نجات از زجر و اذیت ترک کرده است. پناهنده در کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل متحد سال 1951 چنین تعریف گردیده است: پناهنده به کسی اطلاق میشود که در کشور بومی اش نسبت فعالیت های عقیدتی، جنس، نژاد، زبان، ملیت و قوم مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته باشد و یا عملا در خطر شکنجه (روحی و فزیکی)، زندان و مرگ قرار گرفته باشد.

پناهنده نا متعارف (درمقابل پناهنده پیمانی)
Non Conventional Refugee

کسی که از کشورش فرارکرده اما شرایط لازم را برای پناهنده بودن پیمانی ندارند. یعنی شرایطی راکه یک پناهنده پیمانی باید داشته باشد، ندارد. پناهنده پیمانی درمعاهده پناهنده گان ملل متحد (1951) به طور واضح تعریف شده است.

تعلیق(شرط حقوق بشر) - Derogation(of human rights clause)

عبارت است ازاقدام دولت برای به تعویق انداختن بعضی از حقوق بشر بعد از اعلان حالت اضطراری که زنده گی مردم و تمام ملت را متاثر می سازد. در مدت حالت اضطراری برای معامله با حالات اضطراری گرفتن تدابیرلازم حتی اگر منجر به نقض حقوق بشر شود جایزاست. حقوق خاص که در حالت اضطراری به حال تعلیق می آید در "بند ابطال" پیمانها بیان می شود. برای مثال ماده 4 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی "بند ابطال " این پیمان را تشکیل می دهد. "ابطالات" می تواند توسط ارگان بین المللی که وظیفه تطبیق این ابطالات را به عهده دارد، نظارت شود .

تصدیق - Authentication

جریان عمل پیمان حقوقی بین المللی ای که بموجب آن متن قطعی یک پیمان در آن درج میگردد. این طرزالعمل خود ممکن است در متن پیمان تنظیم گردد یا توسط امضاء و همه پرسی نماینده گان دولت ها صورت گیرد. این روند همچنان زبان رسمی متن را که تصدیق شده پنداشته شده است تنظیم مینماید (مثلا: فرانسوی، انگلیسی یا روسی).

توقیف احتیاطی-Preventative Detention

www.TPTG.ir

گاهی حکومت فردی را پیش ازحاضر شدن در محکمه و پیش از ثابت شدن جرمش به زور زندانی می کند. زیرا طبق باور و گمان مقامات اجرایی مسئول، آن شخص برای امنیت ملی و حفاظت عمومی تهدید به حساب می آید. بیم دولت ازعضویت فرد مظنون در باندها و حرکت های جنایی (از قبیل بم گذاری های تروریستی) و سهمگیری احتمالی وی در حرکت های خشونت آمیز باعث می شود تا قبل ازمعلوم شدن حقیقت برای جلوگیری از پیامد های سوء احتمالی، فرد مشکوک را توقیف کند.

تبعیض نژادی – Racial Discrimination

در ماده اول کنوانسیون ملل متحد روی محو هرگونه تبعیض نژادی (سال 1965)، تبعیض نژادی چنین تعریف گردیده است: " تبعیض نژادی اطلاق می شود به هرنوع تمایز وممنوعیت یا محدودیت یا رجحانی که براساس نژاد ورنگ یا نسب ویا منشا ملی، قومی مبتنی بوده هدف یا اثرآن ازبین بردن ویادر معرض تهدید ومخاطره قراردادن شناسایی یا تمتع یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر وآزادی های اساسی در زمینه سیاسی، اجتماعی وفرهنگی ویا در هر زمینه ای دیگری از حیات عمومی باشد".

تصویب (معاهده) سند
Ratification (Treaty, Instrument of)

مرحله ای که به موجب آن یک کشور قانوناً ملزم یک پیمانی که آنرا امضاء نموده است ، میگردد. به مفهوم ملی این مرحله ای است که بموجب آن یک کشور قانوناً قبولیت/موافقت خود را از تعهداتی که در پیمان گنجانیده شده است، ابراز میدارد. این تصویب در مفاد قانون اساسی میباشد هنگامیکه یک قانونگذار یا دیگر مقامات توظیف شده ملی تصمیم میگیرد که آیا عملکرد دولت را در امضای پیمان تصدیق کند یا نه. این به معنی تصدیق امضای نماینده خویش میباشد. یک کشور مجبور نیست که حتما باید تصدیق کند؛ ممکن است از تصدیق نمودن خود داری نماید یا ممکن است اینکار را نظر به احتیاط، بیانات، درک و تفسیر، که ممکن است آنرا همراه با سند تصدیق خویش ارائه کند، انجام دهد. در زمینه بین المللی، این به معنی تائید نهایی میباشد که توسط کشورهای طرف به یک پیمان داده میشود و توسط نمایندگان آنها منعقد میگردد.
"تصدیق" یک لغتی است که استعمال آن مربوط به تصویب توسط یک کشوری از کشورهایی بوده که در ابتدا مذاکره مینمود و متن اسناد را پذیرفته است. از لحاظ طرزالعمل، دولتهایی که در ایجاد یک پیمان نوعی چند جانبه حقوق بشر ذیدخل میباشند، از قرار ذیل طی مراحل صورت میگیرد:

1. مذاکره بالای متن مواد سند پیمان.
2. پذیرش متن موثق رسمی از طریق رای دادن بالای یک قطعنامه.
3. افتتاح یک پیمان برای امضاء توسط دولتها یا نماینده یک دولت که دارای صلاحیت کامل میباشد.
4. کشور امضاء کننده سند پیمان را به منظور تصدیق، تصویب یا امضاء به حکومت خویش می سپارد.

روی آنچه که دولت تصدیق کننده بعمل میاورد و "سند تصدیق" خویش را به بخش ذخیره اسناد ومدارک که معمولا در متن پیمان مشخص گردیده، میسپارند.
این اصطلاح زمانی استعمای میشود که به همه نوع تصدیق و تصاویب رسمی یک دولت راجع گردد. مانند دسترسی، الحاق یا توالی، تمام اینها اعمالی است که توسط آن یک دولت رضایت خود را مبنی بر ملزم بودن توسط سند ابراز میدارد.

توجیه (سیستمهای حقوق بشر)
Rationalization (of Human Rights Systems)

www.TPTG.ir

جریان بررسی کار اصلی، ساختار، پروسه و نتایج سیستم حقوق بشر است که موثریت آن ارزیابی گردیده و تثبیت شود که سیستم تغییر یابد تا بیشتر موثر، سود مند، کم مصرف ترو به امید اینکه بیشتر از پیش موثر گردد. این اصطلاح در پروسه بررسی کشورهای عضو از سیستمهای حقوق بشری ملل متحد بطور بخشی از کنفرانس جهانی ویانا سال 1993 روی حقوق بشر تطبیق گردید. هدف پروسه این کنفرانس، مخصوصا در طی کارهای پیگیر آن، توجیه فعالیت های حقوق بشری ملل متحد در تمام ارگانهای آن و روش های پیمان آن بود. این پروسه، طور مثال، سعی خواهد کرد تا رویهم قرار گرفتن و فعالیت تکراری را که به اساس پیمان یا میکانیسم های منشور ها وجود دارد، کشف و از آن اجتناب ورزد و نارسایی و مصارف بیجا را کشف و از بین ببرد. این اصطلاح به عموم میتواند برای تطبیق به یک پروسه در هر گونه سیستم حقوق بشر که بیشترین موثریت را با کمترین مصرف بدست آورده است، استفاده گردد.

تلافی یا معامله بالمثل- Reprisal

یک اصطلاح روابط بین المللی مخصوصا مندرج قانون برخوردهای مسلحانه و عبارت است از اعمال غیر قانونی و مضر یک کشور برعلیه کشور دیگر به منظور تلافی کردن اعمال غیرقانونی کشور دوم در حق کشور اول. معمولا کشورها با گرفتن انتقام و اعمال تلافی جویانه شان می خواهند از تعدی ها و تجاوزهای بیشتر کشور دیگر جلوگیری به عمل آورند. در قانون بین المللی اعمال تلافی جویانه که به منظور مجبور کردن کشور آغازکننده تخلف، به تن دادن به صلح و مسالمت آمیز صورت می گیرد مجاز است. در دکترین کلاسیک، باید اعمال تلافی جویانه مسبوق به هشدار باشد تا کشور متخلف بتواند رفتارش را تغییر دهد.
در معنی سیاسی تلافی یکی از وسایلی است که دولتها برای مجبور کردن طرف به حل مسالمت آمیز اختلافات به آن متوسل میشوند. در این حالت هر دولت روشها و اعمال ممکنه را برای وادار کردن طرف به تسلیم شدن به نظر خود به کار میبرد.

تلافی جویانه - Retaliation

در قانون روابط بین الملل این اصطلاح به عمل تلافی جویانه وانتقام جویانه که از جانب یک کشور در عکس العمل به عمل مضر وتهاجمی کشور دیگری اتخاذ می شود، استعمال می شود. این اصطلاح از لحاظ معنا با کلمه تلافی Reprisal تفاوت چندان ندارد و تقریبا هم معنا است. برای معلومات بیشتر در باره این اصطلاح به اصطلاح Reprisal مراجعه شود.

تعزیرات - Sanctions

عبارت است از اقدامات اتخاذ شده ازجانب مقامات با صلاحیت سازمان ملل متحد مانند یک یا چند کشور، برای حمایت از قانون و برخلاف کشور دیگری به اتهام نقض حقوق بشر. ممکن است کشوری، کشور دیگر را به خاطر نقض تعهد حقوقی اش مجازات کند. محکوم کردن کسی به زندان، بر کناری مقامات حکومتی از مقام های شان، تحریم اقتصادی، محاصره دریایی یا هوایی، اخراج دیپلومات ها و به تعلیق آوردن یا لغوکردن عضویت کسی در یک سازمان بین المللی همه از موارد مجازات به حساب می آیند.

تضمین کردن (وظایف حقوق بشر)
Secure (Human Rights Obligations)

تضمین کردن چیزی عبارت است از نجات دادن آن از خطر گم شدن یا به دست نرسیدن. تضمین کردن حقوق بشر، مسلم ساختن، قطعی ساختن احترام به حقوق بشر و اطمینان دادن برای اجرای آن است . این کلمه ماهیت تعهد یک کشور به حقوق بشر را توصیف می کند. معمولا بیانیه تضمین تعهد به حقوق بشر به دنبال مقدمه گنجانده می شود. برای معلومات بیشتر دراین زمینه ماده 1 معاهده اروپا در باره حقوق بشررا مطالعه شود.

تعیین معیار- Standard Setting

عبارت است از روندی که یک مجتمع جهانی از قبیل سازمان ملل متحد برای تاسیس اصل های حقوقی از طریق پروسه ساختن پیمانها، مثل میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آن را انتخاب می کند. به بیان دیگر، تعیین معیار یعنی روند مذاکره وانتخاب معیارهای معین رفتار در موضوعات ومسایل خاص از قبیل شکنجه، پناهنده گان ، حقوق زن وغیره. به طور معمول، روند تعیین معیار، زمانی شروع می شود که یک یا چند کشور یا سازمان غیر دولتی پیشنهادش را به یک سازمان بین المللی برای گرفتن تصمیم راجع به تعیین معیارهای حقوق بشر در زمینه های مخصوص، ارایه می کند. بعد از گذشتن از این مرحله یعنی مرحله تصمیم گیری، نوبت به مذاکره و انتخاب بیانیه ای می رسد که در آن معیارهای حقوق بشر تذکرداده می شود. در نتیجه این روند به انتخاب و تصویب سندهای حقوقی بین المللی و لازم الاجرا که درآن معیارهای حقوقی مثبت بیان شده، منجر می شود.

ترمیم یا تفسیر صریح قانونی
Strict interpretition/Construction (of law)

مقصود از این دکترین حقوقی این است که بعض قوانین مشخص، باید به طور دقیق مطابق با زبانی که قانون با آن بیان شده است تفسیر شود. این داکترین، برای تفاسیر متبادل دیگری زمینه را محدود می کند. بطور مثال ماده های استثنایی یا قیدی، قوانینی اند که باید به طور دقیق و محدود تفسیر شود تا دولت تصویب کننده از کمترین حد ممکن استثنا یا قید، برخوردار شود.

تمامیت ارضی Territorial Integrity

تمامیت ارضی عبارت است از اصل عمومی قانون بین المللی که بر اساس آن یک کشور برای حفاظت و نگهداری قلمرو خاکی اش، حق مستقل و طبیعی دارد. طبق این اصل که در ماده 2 (4) منشور ملل متحد گنجانده شده است هیچ کشور نمی تواند برخلاف تمامیت ارضی کشور دیگری از زور یا تهدید استفاده کند. کلمه تمامیت ارضی اگرچه با کلمه خود مختاری هم معنا نیست اما بین این دو کلمه ارتباط معنایی نزدیک وجود دارد.

تخطی/نقض- Violation

ناکامی یک کشور در انجام دادن تعهدات حقوقی اش به معاهده های حقوق بشر وپیروی ازآن، تخطی یا نقض گفته می شود که از طریق راه حل های داخلی یا بین المللی باید جبران شود.
این کلمه به طور متبادل به جای کلمه نقض(Breach) نیز استعمال می شود.

تجاوز/ محاربه - Belligerence, Belligerency

برخورد مسلحانه ملی یا بین المللی که توسط قانون بین المللی اداره میگردد. وقتیکه در برخورد غیر بین المللی تطبیق گردد، این بدین معناست که سطح برخورد به آن حدی رسیده است که یک کشور حالت محاربه را برسمیت میشناسد بطوریکه متضاد شورش و طغیان میباشد. وقتیکه در برخورد بین المللی تطبیق گردد، این بدین معناست که کشورهای ذیدخل نبرد یا برخورد را برسمیت شناخته اند بطوریکه به یک سطع محاربه رسیده اند اما با آنهم قوانین بین المللی را تطبیق میکنند.

تصمیم(یک کمیسیون/کمیته)

www.TPTG.ir

Decision (of a Commission/Committee)

عبارت است از تصمیم گیری کمیسیون یا کمیته بعد از بررسی شکایت وادعای نقض حقوق بشر. این تصمیم گیری در باره پذیرش شکایت است. یعنی آیا شکایت، شرایط لازم برای ملاحظه شدن را دارد یا نه؟ و یا این تصمیم گیری، در باره ارزش و اعتبار شکایت است آیا شکایت مطرح شده واقعیت دارد یا نه؟.
از لحاظ قانونی،" تصمیم ها" لازم الاجرا نمی باشند. در حا لیکه قضاوت ها وفیصله های محکمه لازم الاجرا می باشند.

تحریک کردن (مردم یا گروه را به تنـفر از دیگران) Demonize/Demonization (people/group)

عبارت است از روند تحریک کردن مردم به تنفر وانزجاراز گروه یا افراد خاص با انتشار بیانیه های توهین آمیز و منفی در باره صفات و شخصیت یا تاریخ گروه دیگر. معمولا اعضای یک گروه می کوشند تا از طریق بیانیه های کتبی یا شفاهی به مخاطبین وابسته شان تفهیم کنند که گروه دیگر به طورفطری شرانگیز، ظالم، غیرقابل اعتماد، پایین از درجه انسانیت اند که حق زنده گی را نداشته سزاوار تبعید و نابودی می باشند. این تنفر، درنتیجه، این احساس را به وجود می آورد که جنگ، تبعیض علیه گروه دیگر یا حتی نابود سازی و تبعید این گروه، عادلانه و حتی گاهی فریضه ملی است. این نکته در اوایل دهه 1990 درجنگ بوسنی نیز مشاهده می شود که در آن هر گروه می خواست با بی اعتبارکردن و بی آبروکردن گروه حریف، گروه حریف را بکشند، تصفیه نژادی نموده و هر نوع آسیب به آن ها وارد نمایند. این نوع عمل در بین گروه های نژادی، مذهبی و ملی بیشتر دیده می شود.

تدوین قوانین - Codification

منظم کردن، طبقه بندی و مختصر کردن نورمهای مختلف قوانین به شکل یک اصل و ضابطه قانونی.
روند اختصارکردن قانون های عرفی و ضوابط بین المللی و نوشتن آن به شکل یک اصل که این اصل، توسط کشورها به عنوان پیمان بر گزیده می شود. برای مثال قوانین بازرگانی 1907، خلاصه و مجموعه از اصل های قانون عرفی جنگ بود.

تبعیض/فرق گذاری- Discrimination(Principle)

این لفظ در حقوق بشر دارای دومعنای کاملا متفاوت می باشد:
1: معنای اول بیشتر در باره رفتار انسان ها است که به اشکال گوناگون ومتفاوت دیده می شود. برای مثال رفتارمتفاوت با یک شخص به خاطر مذهب، نژاد، رنگ وعقیده اش. در تعریفی که در"ماده 1 کنوانسیون ملل متحد در باره پایان دادن به تبعیض نژادی" دیده می شود. تبعیض نژادی این چنین z `ویا منشا ملی، قوم مبتنی بوده هدف یا اثر آن ازبین بردن ویا درمعرض تهدید ومخاطره قراردادن شناسایی یا تمتع یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر وآزادی های اساسی در زمینه سیاسی، اجتماعی وفرهنگی ویا درهرزمینه دیگری از حیات عمومی باشد".

2: اصل تشخیص درقانون برخوردهای مسلحانه: معنای دوم این لفظ در باره معیار حقوق بشر است که طبق این معیار همیشه افراد جنگجو باید دشمنان جنگجوی شان را از افراد ملکی تمییز و تشخیص دهند و تنها دشمنان نظامی شان را هدف حمله قرار دهند.

تنوع- Diversity

www.TPTG.ir

یعنی وجود افراد مختلف با فرهنگ ها، نژادها، رنگ ها، مذاهب، زبان ها و ملیت های مختلف در منطقه یا جامعه واحد.

تصفیه نژادی-Ethnic cleansing

این واژه برای اولین بار دراوایل دهه 1990 در جنگ بوسنی به وجود آمد که به معنای تصفیه و حذف نژاد ها از طریق ایجاد ترس تهدید و حتی تصفیه اجباری نژاد مخصوص از مناطق خاص و جای گزین کردن نژاد واحد درآن مناطق استعمال می شد. خلاصه تصفیه نژادی یعنی: اخراج تمام افراد نژاد های دیگر از یک ناحیه و مستقر کردن نژاد خاص در آن ناحیه.

توسل به تمام مراجع دادخواهی داخلی
Exhaustion of Domestic Remedies

عبارت است از اصل عمومی که طبق آن هر کسی که می خواهد طبق قانون بین الملل در محاکم جهانی شکا یت ارائه کند، باید پیش ازمتوسل شدن به محاکم قضایی یا شبه قضایی مثل کمیسیون حقوق بشر، به تمام چاره جویی ها وراه حل های موجود وموثر داخلی مراجعه کند البته موارد استثنا از این اصل نیز وجود دارد مثلا جایی که متوسل شدن به چاره های داخلی سودی نداشته باشد یا دولت از استفاده از این اصل جلوگیری کند که در چنین موارد می توان به طور مستقیم در محکمه بین المللی شکایت کرد.

این به این معنا است که کسی که ادعای نقض حقوق بشر می کند باید پیش از اقامه دعوا در محاکمی جهانی اول به بلند ترین محاکم کشور خودش مراجعه کند. در صورت مراجعه نکردن به راه حل های داخلی، راه ورودی بر شکایت در محاکم جهانی، بسته می شود واین شخص نمی تواند در محاکمی جهانی اقامه دعوا کند.

تخطی فاحش (حقوق بشری)
Gross Violation (of Human Rights)

یک اصطلاحی است که استفاده میگردد اما در قطعنامه ها، اعلامیه ها و پیمانهای حقوق بشر تعریف نگردیده است. بطور عموم به معنی تخطی سیستماتیک نورم معین حقوق بشر به یک شکل گشترده آن مثل آپارتاید، تبعیض نژادی، قتل، برده گی، نسل کشی، آزار و اذیت مذهبی به اندازه بزرگ آن میباشد که منحیث یک عمل رسمی انجام میابد. تخطی بزرگ منتج به ضرر غیر قابل ترمیم به متضررین میباشد.
در ملل متحد کوشش مداوم وجود دارد تا تخطی بزرگ تعریف گردد. طرزالعمل 1503 ملل متحد روی زمینه های تخطی بزرگ سر و کار دارد.

تعهدات ، وظایف – Erge Omnes (Obligations)

یک حق یا تعهد "erge omnes" مطلق است که بالای تمام دولت ها لازم الاجرا بوده و تخطی از آن بالای تمام کشورها تاثیر میگذارد. این یک حق یا تعهدی است که در مقابل تمام جوامع بین المللی وجود دارد بخاطریکه تخطی از آن بالای تمام جوامع بین المللی تاثیر زیان بخشی به بار می آورد. مثلا: نسل کشی، جنایات برعلیه بشریت.

تطبیق (نورمهای حقوق بشر)
Implementation (of Human Rights Norms)

www.TPTG.ir

عبارت است از اقدام های قانونی، سیاسی و عملی برای اثربخشیدن به حقوق بشر و تضمین بهره برداری واقعی افراد از حقوق بشر از طریق تدابیر استوار. گاهی به جای این کلمه، کلمه (Enforcement) استعمال می شود که معنای ضمنی دوم، " در عمل پیاده کردن" است. حقوق بشر تطبیق شدنی است.
تطبیق، کلمه ای است که برای توصیف هرگونه روش و وسایل تحقق حقوق بشر استعمال می شود.
سیستم گذارش دهی، محکمه، تبلیغات بد یا بد گویی علیه ناقضین همه تدابیر اجرایی حقوق بشر به حساب می آیند.

تفتیش، بررسی به منظور حقیقت یابی
in loco(Investigation/Fact-finding/Visit)

تفتیش و بازرسی از جایی (کشوری) که درآن یا نزدیک آن نقض حقوق بشر صورت گرفته باشد. این تفتیش معمولا توسط هیات اجرایی یا نظارتی در امور حقوق بشر اجرامی شود که این هیات برای جمع آوری معلومات دست اول، فوری و دقیق و قابل اعتبار و گذارش دادن آن معلومات به هیات، نماینده اش را به ناحیه می فرستند که این نماینده برای جمع آوری معلومات و حقیقت یابی در باره نقض حقوق بشر برای هیات فرستاده شان گذارشات لازم را تهیه می کند و می فرستد.

تدابیرموقتی- Interim Measures

تدابیری که ازطرف ارگان بین المللی چون محکمه یا کمیسیون برای تثبیت و برقراری وضعیت موجود فعلی بعد از دایرشدن شکایت، دستورداده می شود یا تقاضا می شود. محکمه یا کمیسیون برای جلوگیری از اقدام های دولت چون اعدام و اخراج که به شاکی ضررهای جبران ناپذیر وارد می کند، به گرفتن این تدابیر دستور می دهد تا از آسیب رساندن دولت به شخص شاکی جلوگیری به عمل آید. یکی از تدابیر موقتی این است که از دولت خواسته می شود تا از اعدام یا اخراج شاکی موقتا صرف نظر کند تا محکمه یا کمیسیون تحقیقات لازم را در باره ادعای شاکی و نقض حقوق بشر توسط دولت انجام داده ودر باره ارزش ها و اعتبارات عریضه و ادعای نقض حقوق بشر توسط دولت، تحقیق کند.
درخواست برای این تدابیر ایمنی، گاهی از جانب شاکی/متاثر دایرمی گردد و گاهی محکمه یا کمیسیون با استفاده از اختیارات قانونی اش به چنین تدابیر دستور می دهد یا چنین تدابیر را درخواست می کند.

تفسیر -Interpretation

1: تفسیر عمومی: جستجوی معنای حقیقی یک اصل پیمان برای به دست آوردن معنایی که درحالت خاص قابل تطبیق باشد. بررسی متن دقیق پیمان مطابق مقصد پیمان و معانی رایج اصطلاحات آن درتفسیر پیمان لازم و ضروری است. برای کمک بیشتر درباره تفسیر، ممکن است کسی به اقدام های بعدی دولت و سند نیز نگاه کند. رجوع شود به کنواسیون ویانا سال 1969، مواد 31 و 32.
2 تفسیرسندی: سند قانونی که در آن، کشورتصویب کننده هنگام تصویب پیمان، برداشت اش را ازماده یا لفظ خاص پیمان به طورکتبی اظهارمی کند. این معمولا زمانی اتفاق می افتد که کشور تصویب کننده، معنای ماده خاص پیمانرا مبهم و دوپهلو احساس می کند و می خواهد این ماده به شکل تصمیم محکمه یا قانون اساسی آن کشور فهمیده شود.
معمولا کشورها سند تفسیر را همراه و همزمان با شرایط و بیانیه های شان تسلیم می کنند.

تجدید نظر قضایی- Judicial Review

توانایی محکمه یا دیوان برای بررسی و مرور تصمیم یا عمل دولت به منظور بررسی مشروعیت و عدم مشروعیت آن. اختیارات قضایی برای تایید یا رد تصامیم دولت. بررسی ارزش ها و اعتبارات یک اقدام، توسط محکمه عالی یا بالاتربعد از ارایه درخواست از جانب طرف دعوا.

تابعیت به اساس خون
Jus Sanguinis (Principle of Citizenship)

www.TPTG.ir

این اصطلاح لاتینی که ترجمه تحت الفظی آن " قانون خون " می باشد بیانگر اصلیست که فرد هنگام تولد تابعیت والدین خود را کسب می کند. برای تابعیت، نقش اساس حقوقی را دارد.این اصل عبارت است از رابطه حقوقی و بیولوژیکی بین انسان و تبعه دیگر (پدریا مادر)، معمولا طفل هنگام تولد حق شهروندی یا تابعیت را از پدر و مادر شان به ارث می برد. یعنی مبنا و اساس تابعیت رابطه بیولوژیکی بین طفل و پدر و مادر است. اما طبق اصل JUS SOLI اساس تبعیت، کشوری است که یک فرد در آنجا به دنیا می آید. اکثرمردم تابعیت کشوری را که درآن تولد می شوند خود به خود حاصل می کنند.

تابعیت به اساس خاک
Jus Soli (Principle of Citizenship)

ترجمه تحت الفظی این اصطلاح عبارت از (قانون خاک) می باشد. این اصل اساس دیگر حق تبعیت را بیان می کند.این اصل تولد شدن در یک کشوررا اساس تابعیت می داند. ویا اصلی که به موجب آن تابعیت شخص به وسیله محل تولد مشخص می شود وقتی کسی در یک کشور تولد می شود خود به خود حق تابعیت آن کشور را حاصل می کند.

تحت محاکمه ، قابل دادرسی -Justiciable

یعنی فلان قضیه ازنظر حقوقی صلاحیت این را دارد که از طریق متوسل شدن به روند قضایی حل و فصل شود یا نه؟ وقتی سوال می شود که فلان قضیه قابل دادرسی است یانه؟ این سوال بدین معنا است که محکمه یا دیوان صلاحیت حل آن را دارد یا نه؟حل این مساله در حوزه اختیارات قضایی محکمه است یانه؟.بعض مسایل خاص، از طریق محکمه قابل حل نیست و باید توسط قوه اداری یا اجرایی یا از راه دیپلوماتیک حل و فصل گردد. صلاحیت محکمه و طبیعت قضیه هر کدام در قبال دادرسی بودن قضیه نقش دارد یعنی گاهی محکمه صلاحیت حل قضیه را ندارد و گاهی طبیعت قضیه طوری است که از طریق محکمه حل و فصل نمی شود. قضیه های سیاسی، غیر قابل محاکمه به حساب می آید و برای حل چنین قضایا به مجتمع غیر قضایی نیازمی باشد.

تاثیر (یک قانون) درقلمرو خارجی
Extra territorial Effect (of a law)

اثر قانونی که درخارج از مرزهای جغرافیایی یک کشور روی می دهد تطبیق قانون در فراسوی مرزهای قضایی کشوری که این قانون از آنجا نشاءت وسرچشمه گرفته باشد.

تطبیق فرامرزی (نورم)
Extraterritorial Application(of Norm)

عبارت است از سعی یک دولت در گسترش دادن واجرای اختیارات قانونی اش در بیرون از حدود منطقوی وحقوقی اش. مثلا:سعی یک کشور در متوقف کردن کشتی حامل مهاجرین در دریای آزاد به منظور توسعه دادن حقوق مهاجرین این کشور. تمرین و ممارست یک کشور در اجرای قضاوتش در خارج از قلمرو این کشور.

تاریخچه قانونگذاری – Legislative History

www.TPTG.ir

مجموعه ثبت تحریری بحث ها و تاریخچه تسوید یک نورم یا پیمان، متن ها و ارائه های شفاهی و تحریری تسوید کننده گانرا درج میکند. این راجع میشود به منبع متمم بخاطر کمک در تثبیت تفسیر درست یک متن.

Limitation – تحدید

یک شرط در ماده پیمان حقوق بشر که محدودیت های دولت را در اجرای حقوق ذاتی بیان میکند. معمولاً این تحدید ها باید توسط قانون بیان و لازم (در یک جامعه دموکراتیک) پنداشته شود تا به یک هدف مشروع نائل آید.مثل حمایت از صحت عامه، امنیت، نظم، رفاه، اخلاقیات یا حقوق و آزادیهای دیگر مردم. این اصطلاح در معنی عین محدودیت میباشد. اینها یک نوع شناخت است که تمام حقوق مطلق نمیباشد و اینکه بسیاری از حقوق در واقع بدیهی میباشد که میتوانند تحدید شوند. ماده های تحدید اکیداً در مقابل دولت تفسیر میگردد. منحیث یک مثال، مراجعه شود به فقره 2 ماده 10 کنوانسیون اروپا در رابطه به حقوق بشر. ماده های تحدید یک توازنی برای اداره کردن ضروریات یک حکومت و ضروریات آزادی فردی میباشد.

Material Application/Scope – تطبیق/مفاد ماده

مفاد مفهومیکه اعمال و نیازمندیهای بشر در پارامتر یک نورم مخصوص شامل است؛ تمام چیزهائیکه حقوق بشری از آن حمایت میکند. این مسئله است که آیا یک سعی برای تطبیق یک نورم به یک عمل یا نیازمندی مخصوص بشری مجاز است یا نه. مثلاً، آیا سقط جنین در داخل مفاد ماده جداگانه یا تنهایی یک حق بشمار میاید. این اصطلاح را در لاتین " Ratio Materiae" یاد میکنند.

Memorandum Of Understanding (MoU) – تفاهم نامه

یک سند کمتر رسمی بین المللی، اکثراً شامل ترتیبات اجرائیوی در یک چهارچوب موافقت بین المللی یا به طور دیگر با موضوعات تخنیکی و مفصل سر و کار دارد. یک تفاهمنامه دارای یک اجبار سیاسی و اخلاقی میباشد اما الزام آور نمیباشد.

Mitigation (of Criminal Sentence) – تخفیف (حکم جزائی)

تقلیل یا تخفیف یک مجازات یا حکم به نسبت یک دلیل معتبر. مثلا: در یک جنایت جنگی که ناشی از پیروی دستور مافوق بوده باشد. ارتکاب جنایت بخشوده نمیشود اما میتواند منحیث یک فکتور برای تخفیف مجازات تلقی گردد و سبب تخفیف مجازات شود.

Mutatis Mutandis – تغییرات لازم را انجام دادن

یک اصطلاح لاتین که در تفسیر قضایی هنگام تطبیق یک اصل یا یک قضیه تصرفی/حقوق را در یک قضیه یا حالت مختلف در بر دارد، استفاده می شود. این به معنای موضوع مانند "از طریق قیاس نمودن" میباشد. این بدین معناست که اگر یکی تفصیلات حقیقی (اسامی، تاریخ، مکانها) یک قضیه مختلف را تغییر میدهد، عین اصل/تصرف/حقوق در قضیه حاضر به اساس حقایق موجود تطبیق خواهد گردید.

Mutuality of Consent/Obligation – تقابل رضایت/وظیفه

اصل کلاسیک قانون بین المللی صراحت دارد که محدود شدن موافقت هر کشور توسط تعهدات قانونی یک پیمان تابع و متقابل روی موافقت و اجراات تعهدات مربوطه هر کشور دیگر میباشد. بدین گونه که اگر یک کشور تعهدات پیمان خود را نقض میکند، مثلا با نقض کردن یک نورم مهم پیمان، دیگر کشور یا کشورها ممکن از انجام تعهدات حقوقی شان رهایی یابند یا حد اقل در مقابل از مسئولیت انجام نورمها خلاصی میابند. در تحت قانون بشر مدرن، تعهدات حقوقی دیگر اصل موضوع نمیباشد. اینها غیر متقابل و غیر دوجانبه هستند. (رجوع شود به ماده 60 کنوانسیون ویانا سال 1969).

www.TPTG.ir

تبعه/ملی- National

این واژه دارای دومعنا است:
1. معنای اسمی این واژه موقعیت حقوقی یا سیاسی کسی را بیان می کند: یعنی تبعه یک کشور.
2. معنای دوم(ملی) این لفظ عبارت است از مشخصات فرد، نهاد یا اشیایی که به یک کشور مربوط باشد در مقابل مشخصات بین المللی که به هیات و سازمان بین المللی تعلق دارد.

تعهد نفیی یا وظیفه منفی (در مقابل تعهد اثباتی) Negative Obligation

تعهد دولت برای خود داری از اقدام درمقابل افراد. چنانچه دولت تعهد کند که کسی را شکنجه نکند. تعهد نفیی یعنی خود داری حکومت از اقدام و عمل. (البته اقدام زشت و غیر قانونی)
با درنظرداشت حقوق بشر، یک کشور هم تعهد مثبت و هم تعهد منفی را می تواند داشته باشد. برای مثال: تعهد دولت برای برداشتن گام های استوار برای جلوگیری از انجام شکنجه توسط عاملین غیر دولتی، تعهد مثبت به حساب می آی

تداوم رعایت توافق - Pacta sunt servanda

این لفظ لاتینی بیانگر اصل عمومی درقانون بین الملل است که طبق آن کشورها از معاهده هایی که آن را تصویب کرده اند باید پیروی نمایند. این به این معنا است که معاهده ها بالای کشورهای تصویب کننده لازم الاجرا است. اگر کشوری به تعهدش پابند نباشد و تعهدش به معاهده را برآورده نکند، ناقض این اصل به حساب می آید که نقض این اصل، صرف نظر از جایزبودن و نبودنش در قانون اساسی آن دولت، مسوولیت حقوقی، جبران یا تحریم اقتصادی آن کشور را در پی دارد.

تعهد مثبت-Positive Obligation

عبارت است از تعهد حقوقی یک کشوربه اقدام های لازم از قبیل فراهم کردن مراقبت های صحی، جلوگیری ازقتل. اقدام هایی که طبق اصول حقوق بشر برای برآوردن تعهد حقوقی یک کشور کاملا ضروری است. وظیفه نجات دادن یک فرد از آسیب، از تعهدات حقوقی مثبت یک دولت می باشد. گاهی به چنین تعهدی تعهد اثباتی (Affirmative) نیز گفته می شود.

تجویزشده توسط قانون -Prescribed by law

این اصطلاح که در عده ای از اصول حقوق بشر دیده می شود بندهای شرطی یا قیدی را در بردارد. این نکته به صراحت در بندهای شرطی ذکر شده است که شرط ها/قیدها/محدودیت ها باید توسط قانون تجویزشده باشد یعنی قید باید پشتوانه قانونی داشته و از منابع با اختیار قانونی صادرشده باشد، به اندازه کافی باید قابل دسترس بوده و با موشکافی های دقیق باید تنظیم شده باشد تا افراد چگونگی تنظیم رفتارهای شان با این قید را بدانند. بیشتر اوقات قید یا شرط، حوزه بصیرت و صلاحدید مقامات با صلاحیت را نیز بیان می کند.
این مفهوم در سند های دیگر که لفظ "مطابق قانون" را در بردارد، نیز قابل شناسایی است.

تحقق متداوم-Progressive Realization

این اصل نوظهورکه به نسل دوم حقوق بشر یعنی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط می شود ، در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گنجانده شده است. طبق این اصل، حکومت باید با استفاده از تمام امکانات موجود برای تطبیق دادن و واقعیت بخشیدن به این حقوق، گام های لازم و ضروری را در بر دارد و در این زمینه ترقی دایمی و تدریجی لازم و ضروری است . این اصل در ماده 2 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان و در اصول شهر Limburg تایید شده است.

Proportionality-تناسب

مقصود ازاین اصل رایج در تمام قوانین بین المللی این است که دولت و تمام نمایند گان و دستگاه های آن از قبیل نیروهای مسلح، پولیس، قضات. قانونگذاران، تنها حق دارند تدابیری را اتخاذ کنند که معقول بوده و با هدف و مقصد خودش در تضاد نباشد. وضع کردن مجازات جنایی، تاکید برعمل دفاعی مسلحانه یا انتقام نظامی همه ازجمله مثال های این تدابیر به شمار می آید.
محکوم کردن سارق مغازه به جرم سرقت مغازه برخلاف این اصل است. زیرا جرم سرقت مغازه آنقدر سنگین نیست که مجازات مرگ را به دنبال داشته باشد یعنی بین مجازات مرگ وسرقت مغازه تناسب وجود ندارد، انداختن بمب اتم بالای شهر دشمنی که با امکانات نظامی اندک از خود دفاع می کند، با اهداف و قواعد نظامی سازگاری ندارد و برخلاف این اصل است.
طبق این اصل، دولت باید برای حفاظت جامعه، از نیروهای مسلح، قضاییه، پولیس و غیره به طور معقول و متناسب با اهداف استفاده کند.

Nationality -تابعیت

تابعیت عبارت از صفت یا کرکتری است که به واقعیت ارتباط یک شخص به ملتی یا دولتی، دلالت میکند.
تابعیت، حالتی سیاسی فرد را با توجه به وفاداری و تبعیت شخص، تعیین میکند و اقامتگاه حالت مدنی شخص را. یک فرد میتواند با درنظر داشت مقتضیات قانون اساسی یک کشور دررابطه به قانون تابعیت و برخورداری از تمام حقوق مدنی و سیاسی، تابع آن کشور شود. تابعیت یک وجیبه پیمانی است که شخص تابع ملزم به وفاداری و تبعیت از کشور متبوع خود بوده و در عوض کشور متبوعش حفاظت تبعه ای خود را تضمین مینماید.
میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب 16 دسامبر 1966 تصریح میدارد که هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد، در حالیکه میثاق آمریکایی حقوق بشر سال 1978 تصریح میدارد که هر شخص حق تابعیت را دارد. کلمه "کسب تابعیت" در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نسبت به "تابعیت به شکل اتوماتیک" در میثاق آمریکایی حقوق بشر، معتدل تر میباشد. و همچنان کنوانسیون حقوق اطفال با ذکر کلمه "کسب تابعیت" این حق را ملایم تر میسازد. بنأ، کلمه کسب به یک شرط و یا هم پروسه ای راجع میگردد که این شرط توسط دولت به منظور تامین حقوق اتباع مقید میگردد. مانند تولد فرد در داخل خاک یک کشور و یا اقامت شخص در داخل خاک یک کشور. طبق قانون اطفال، حد اکثر سن اطفال الی 18 سال میباشد. طبق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بر خلاف کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر که در آن حق تابعیت به شکل وسیع تر آن در نظر گرفته شده، این حق برای اشخاص هژده ساله یا بالاتر از آن وجود ندارد. به هر حال، حقوق بین الملل حق هر دولت را در رابطه به وضع قانون تابعیت در توافق با قانون اساسی ایشان به رسمیت میشناسد که این مقررات مربوط به تابعیت با ملحق شدن کشور ها در کنوانسیون های بین المللی که در زمینه تابعیت و شهروندی صراحت دارند، تکمیل میگردد.

Racial Discrimination -تبعیض نژادی

تبعیض از لحاظ لغوی، جدا کردن برخی را از برخی دیگر، برخی را قبول و برخی را رد کردن و بعضی را بر بعضی تر جیح دادن است.
تبعیض نژادی به معنی هر گونه تبعیض، محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و نسب، یا ریشه ملی و قومی است که در شناسائی، بر خورداری یا اجرای مساوی حقوق بشر و آزادی های سیاسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه های مربوط به زندگی لطمه وارد می سازد.
در ماده (55) منشور سازمان ملل متحد، با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأ مین روابط مسالمت آمیز و دوستانه بین المللی بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد ، جنس و زبان یا مذهب تاکید شده است.

توقیف- Detention

توقیف عبارت از محروم ساختن شخص از آزادی های او میباشد که توسط مقامات با صلاحیت و قانونی به حیث اقدام احتیاطی در جریان کشف و تحقیق صورت میگیرد. و یا توقیف عبارت است از تحت نظر گرفتن شخص توسط مقامات با صلاحیت، به منظور گرفتن جواب به اتهاماتی جنایی که علیه او وارد شده، میباشد. به مفهوم وسیع آن و در چوکات حقوق بشری، در وقت توقیف شخص، موارد ذیل مد نظر گرفته شود: 1) خودداری از توقیف خودسرانه، 2) توقیف بر مبنای قوانین، 3) اطلاع دادن شخص توقیف شده از دلایل گرفتاری اش، 4) اطلاع دادن شخص توقیف شده از اتهاماتی که علیه او وارد است، و 5) دادن اطمینان به شخص بازداشت شده از اینکه وی نزد مقامات قضایی با صلاحیت برای صدور حکم برده خواهد شد.
تشریفات درست قانونی در موضوع توقیف شامل اصل برائت، حق ضمانت، و حقوقی که مربوط به بازداشت و شرایط بازداشت میباشد، هم میشود. بنابراین، مفهوم توقیف وسیعتر است نسبت به آنچه که محرومیت از حق آزادی در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر کنوانسیون ها و اعلامیه ها خوانده میشود. این در واقع توسعه تشریفات درست قانونی را در رابطه به توقیف در قرن بیستم به ما بازگو میکند.
باید متذکر شد که ماده 9، پاراگراف 3، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی "اتهامات جزایی" را مشخص میسازد. مفاد این پاراگراف برای تصامیم قضایی در یک اتهام مدنی غیر قابل تطبیق است. باوجود این، مقررات پاراگراف 4 این قانون برای تعیین غیر قانونی بودن بازداشت هنوز هم قابل تطبیق است.

توقیف پیگرد - DESISTEMENT

واژه فرانسوی و عبارت است از دست کشیدن از اقدام حقوقی درمورد شکایت مطرح شده در محکمه بین المللی حقوق بشر. این معمولا وقتی اتفاق می افتد که شکایت کننده و مدعی علیه از راه حل صلح آمیز به توافق می رسند و شکایت کننده نمی خواهد برای گرفتن حکم از محکمه در باره شکایت خودش بیشتر اقدام کند. این مورد شبیه ناکامی در پیگرد قانونی یا سرپیچی از پیگرد قانونی یک عمل مدنی است. این عمل به این معنا است که شکایت یا دعوا عفو شده و بیشتر مورد بررسی قرار نمی گیرد.

توقیف قبل ازمحاکمه -Pretrial Detention

نگهداری مظنون یا متهم در نظارت خانه یا توقیف خانه قبل و الی شروع محاکمه برای مشخص کردن جرم واقعی اش.

توقیف اداری یا ماموری (توقیف احتیاطی)
Administrative Detention

عبارت است از توقیف اجباری شخص بخاطر یک خطر متوقع که به امر مامور ضبط قضائی صورت می گیرد بدون حضور شخص در محکمه قانونی به تعقیب اتهام قبلی جرمی، بدون داشتن مدارک اثبات کننده جرم و یا صحت درک خطر توسط مامور اجرائیوی میباشد. اکثراً اساس همچنین توقیف ها را ترس دولت از وابستگی شخص با سازمانها، جنبشها، و یا توطئه جرمی که ارتباط با عمل نامشروع خشونت آمیز داشته باشد تشکیل میدهد. جواز همچو توقیف را اکثراً حفظ سلامت عامه، و حتی امنیت ملی میدانند که با مانع شدن شخص از ارتکاب اعمال هراس افگن مانند بمبگذاری تروریستی اتفاق مي افتد. در اصل این اصطلاح مشابه "توقیف احتیاطی" میباشد.

جنگ داخلی - Civil War

WWW.TPTG.ir

جنگ مسلحانه عمومی بین نهادهای غیر دولتی حریف یا بین دولت و گروه مخالف مسلح که تمام این خشونت ها در داخل خاک یک کشور صورت می گیرد.

جرم عمده - Core Crime

جرم عمده در حوزه قضایی بین المللی مساله اصلی و مورد بحث به شمار می آیند. و این لفظ برای تعیین جرایم نهایت مهم که در محکمه با آن ها پرداخته می شود و همچنان به جرایمی که در حوزه قدرت ذاتی این محکمه قرار دارند اطلاق مي شود. جرم عمده که در حوزه صلاحیت محکمه جنایی بین المللی قرار دارند به کارمی رود. عبارت اند از نسل کشی، جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت و در آینده جنایت تجاوز و تعرض (بعد از تعریف و تائید تجاوز به عنوان جرم).

جبران خسارت – Redress

عبارت از به کار گرفتن وسایل و امکانات برای جبیره کردن نقصان عایده می باشد.

جهان سوم Third World

گروهی از کشورهای جهان که در دوران جنگ سرد به نام غیر متعهد یاد می شدند. زیرا این کشورها نه جانب شوروی سابق را گرفتند و نه جانب ایالات متحده را. بسیاری از این کشورها در آسیا، افریقا وامریکای لاتین موقعیت داشتند و بیشتر شان کشورهای درحال توسعه نیز بودند.

جبران - Compensation

عبارت است ازپرداخت پول ازجانب یک کشور برای مشخص شدن تعهد قانونی آن کشور، به حکم محکمه قضایی یا شبه قضایی، به آنهایی که طبق حقوق جهانی ،حقوق انسانی آن ها پامال شده باشد.
پرداخت غرامت یا ارفاقی پرداختی است که یک دولت بعد از مذاکره وبحث آن را می پذیرد اگرچه آن کشور هنوز به خطا وتخلفش اعتراف نکرده باشد و یا هنوزتخلفش ثابت نشده باشد.

جهانی بودن (حقوق بشر)
Universality (of Human Rights)

طبق این تیوری حقوق بشر که بنام تیوری جهانی بودن حقوق بشر یاد می شود، حقوق بشر در هیچ کشور قابل تغییر و تبدیل نیست و در تمام کشورها باید به طور یکسان اجرا و تفسیر شود. طبق این نظریه، تفاوت های زبانی، مذهبی، نژادی و فرهنگی باعث به وجود آوردن انواع مختلف حقوق بشر نمی شود یعنی تنوع و تفاوت فرهنگی کشورها باعث تنوع و تفاوت حقوق بشر در آن کشور ها نیست بلکه حقوق بشر صرف نظر از همه این تفاوت ها در همه جا ثابت و یکسان است.
این نظریه، درست در مقابل نسبیت فرهنگی حقوق بشر قرار دارد که طبق آن حقوق بشر در هر کشور باید بر اساس فرهنگ آن کشور تطبیق و تفسیر شود.

جنگ - War

عبارت است از موقعیت رسمی و قانونی خصومت مسلحانه بین کشورها که توسط قانون بین المللی جنگ اداره می شود، "قانون برخوردهای مسلحانه" مثل قواعد 1899 و 1907 هاگ وقرارداد های چهارگانه ژنیو سال 1949. از آنجا که حالت

جنگ عبارت است از وضعیت قانونی روابط بین دو یا چند کشور، معمولا وقوع آن با اعمال خشونت آمیز و مسلحانه توام می باشد که این اعمال خشونت آمیز گاهی پیش از اعلان جنگ و گاهی بعد از آن صورت می گیرد. اما جنگ، بدون روی دادن خشونت مسلحانه نیز می تواند وجود داشته باشد زیرا جنگ وضعیت حقوقی است نه عین خشونت مسلحانه.
این اصطلاح که در قانون جنگ به طور شایع استعمال می شود نه تنها جنگ های بین المللی بلکه جنگ های غیر بین المللی را نیز شامل می شود.

جبران داخلی – Domestic Remedy

یک جبران حقوقی یا اداری یا طرزالعملی که در یک سیستم اجرایی یا حقوقی تعیین گردیده است که اگر به آن توسل صورت گیرد، حمایت واقعی حقوق بشری یک شخص را فراهم میکند. این با جبران های بین المللی متباین میباشد. Domestic به معنی در داخل قانون شهری یا داخلی میباشد. دولتها به طور عموم در رابطه به پیمانهای حقوق بشری ملزم میباشند تا یک جبران داخلی را مطابق لازمه های پیمان اگر در سیستم کشوری شان از قبل وجود ندارد، بنآ باید آنرا فراهم کنند.

جبران موثر - Effective Remedy

این اصطلاح راجع میشود به تعهد یک دولت در بسیاری از پیمانهای حقوق بشر تا یک پیمان به سطح بین المللی از طریق ایجاد جبران های داخلی بخاطر تخطی ها عملی گردد. این جبرانها همچنان باید جبرانهای موثر و قابل دسترس باشند و قابلیت انجام دادن نورم ها را نظر به شکایت دارا باشد. این به معنای یک جبران داخلی است که واقعآ کارا باشد. این نیز میتواند یک جبران حقوقی و اجرایی باشد. شرط یک جبران موثر در یک پیمان همانست که تعهد را تعیین مینماید. رجوع شود به بند الف فقره 3 ماده دوم میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی.

جوس کوگنس -JUS COGENS (Norm)

عبارت ازمجموعه قوانینی که عدم مراقبت ازآن ها به ذات سیستم حقوقی این قوانین ضربه جبران ناپذیروارد می کند.جوس کوگنس، آزادی کشورهای تصویب کننده پیمان ها را نهایت محدود می کند. قوانین این اصل بالای همه کشورها درهمه زمان هالازم الاجرا می باشد.یکی ازنتایج این دکترین این است که توافق های عقد شده بین کشورها را در صورتی که بر خلاف این اصل باشد، باطل وغیر قانونی اعلان می کند.بنیاد واساس این اصل بر حفاظت از مسایل مهم ومشترک بین المللی استواراست.هدف این اصل حفاظت جامعه جهانی ونهادهای آن از پیامد های مضر توافق های انفرادی است که این توافق ها نظم مشترک بین المللی را برهم می زند.نسل کشی،برده داری وشکنجه نمونه هایی از جوس کوگنس به حساب می آیند.

جنسیت – Gender

یک اصطلاح مباحثه ای در معانی مختلف است که عموماً هیچکدام آنها قبول نشده است. معنی عامتر و شاید هم بیشتر که قبول شده است اینست که این لغت به نوع جنسیت مذکر و مونث راجع میگردد. در دیگر زمینه ها، گفته شده است که به رابطه بین زنان و مردان به اساس نقشهای تعیین شده اجتماعی که به یک جنسیت یا دیگر آن سپرده شده، راجع میگردد. بعضی دیگر میگویند که این لغت راجع میشود به رفتارها، حالتها، فعالیتها و ویژگی های فرهنگی و روانی که با یک جنسیت یا دیگر آن همبسته میباشد. در قانون موضوعه محکمه جزایی بین المللی صراحت دارد که اصطلاح جندر به جنسیت مرد و زن در زمینه یک جامعه ارتباط می گیرد.

جنگ گوریلایی – Guerrilla War

تعریف آن چنین است: یک سرباز یا نوع جنگ مسلحانه که در آن جنگویان شامل میباشند و بر علیه یک نیرویی که یک قلمرو را اشغال نمود، به یک حالت غیر منظم میجنگند. اکثر اوقات یونیفورم های مشخص نظامی بر تن ندارند تا از دیگر مردم ملکی متمایز گردند و سلاحهای خویش را تا قبل از انجام یک حمله بطور مخفیانه حمل میکنند. تاکتیک های گوریلایی معمولا شامل حملات مخفیانه، غافلگیرانه و حیله آمیز میباشد.

www.TPTG.ir

جرم نفرت- Hate Crime

بطور عموم به معنی تقصیرهای جنایی میباشد. عناصری که این جرم را تشکیل می دهند عبارت اند از: استعمال خود سرانه نیرو یا تهدید به منظور وارد کردن زخم، ترس، ظلم یا خساره به افراد یا املاک آن افراد به خاطر ویژه گی های آن افراد ازقبیل نژاد، رنگ،مذهب، قوم، وابستگی ملی، معلولیت یا جنسیت آن افراد میباشد.از جانب دستگاه های قضایی گوناگون، تعریف های گوناگون برای جرم نفرت ذکر شده است.

جرائم بین المللی - International Crimes

جرم های جهانی جرم هایی اند که برعلیه نوع انسان باشد. این جرم ها در پیمانهای بین المللی و درمنابع قانون عرفی بین المللی بیان شده است. در زبان لاتینی به این جرم *delicit jursi gentium* گفته می شود. سرقت دریایی، برده داری، شکنجه، نسل کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه انسانیت همه جرایم بین المللی به حساب می آیند. جرم بین المللی بر خلاف قانون ملت ها می باشد در حالی که جرایم داخلی بر خلاف قانون داخلی همان کشور است.

چیزهای مطلوب/(واژه لاتینی) - DESIDERATA

لفظ لاتینی وعبارت است ازچیزهایی که مردم آرزوی دیرینه شان را دارند مثل صلح جهانی، محیط زیست پاک، روابط بین المللی دوستانه. معمولا این لفظ به چیزهای استعمال می شود که هنوز قانونی نشده باشد و کسی بخواهد آنها را از طریق قانون به دست آورد. به بیان دیگر DESIDERATA عبارت است از مقاصد مطلوب چنانکه در مقابل واقعیتها قرار میگیرد.

حق بشری مطلق / Absolute (Human) Right

حقی که در تمام مدت وجود دارد و میشود که از آن، بدون توجه به در میان آمدن حالات، دفاع کرد. این حق نمیتواند که محدود یا مقید باشد. این حق غیر قابل تعلیق میباشد حتی در حالات اظطراری عمومی. آزادی از شکنجه یک مثال از حق مطلق بشری میباشد. این در نظر اول متباین با حقوق بشر است که میتواند محدود یا فسخ گردد. مثلاً: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده 16 حق مطلق را بیان میکند در حالیکه ماده 12 *prima facie* حقوق بشر را در نظر اول بیان میکند.

حراست ، حفاظت - Safeguards

مجموعه اقدامات پیشگیرانه کتبی که خبره گان درملل متحد آن را می نویسند و در اسناد غیر لازم الاجرا می گنجانند. این اقدامات به کشورها کمک می کند تا تدابیر خاص را در سطح ملی با همکاری سکتورهای حکومتی اجراکنند تا رفتارهای حکومت طوری باشد که با معیارهای حقوقی و بین المللی حقوق بشر هماهنگی داشته باشد. بطورمثال:
تد بیرحفاظتی ملل متحد از محافظت کسانی که به اشد مجازات محکوم شده اند، به حکومت خصوصا به مسوولین زندان کمک می کند تا اعدام یا اشد مجازات را طوری اعمال کنند که با حقوق بشر وعظمت فطری فرد اعدامی- صرف نظر از هرگونه جرمی که مرتکب شده است- درتضاد نباشد. این اقدامات اگرچه به عنوان قانون بین المللی لازم الاجرا نیست اما سازمان ملل متحد علاقه مندی نشان می دهد تا این اقدامات را لازم الاجرا بسازد و تحت قانون ملی یا داخلی ازهر راه ممکن آن را عملی سازد.

حقوق بشر سکتوری- Sectorial Human Rights

این اصطلاح با اصطلاح حقوق بشر بخشی هم معنا است یعنی حقوق بشری که به افراد یا حالات خاص مربوط باشد. حقوق اطفال و پناهندگان ازجمله حقوق بشر سکتوری است.

حقوق بشر اجتماعی -Social Human Rights

حقوق بشر اجتماعی در مقابل حقوق بشر فرهنگی و اقتصادی:
1. حقوق بشر اجتماعی یکی از سه طبقه نسل دوم حقوق بشر(حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) را تشکیل می دهد. حقوق بشر اجتماعی عبارت است از حقوق افراد بر اساس روابط اجتماعی شان بطور مثال حق ازدواج، حق تشکیل خانواده و حق تشکیل اتحادیه کارگران همه از حقوق بشر اجتماعی می باشند.
2. حقوق بشراجتماعی در مقابل حقوق بشر کلاسیک: گاهی حقوق بشر اجتماعی به حقوق بشر فرهنگی و اقتصادی به عنوان نوع ممتازی از حقوق بشر در مقابل حقوق بشر کلاسیک نیز استعمال می شود و حقوق بشر کلاسیک عبارت است از حقوق مدنی وسیاسی. پس حقوق بشر اجتماعی در مقابل حقوق بشر سیاسی و مدنی قراردارد. به معنای جامع تر، حقوق بشر کلاسیک تمام نسل اول حقوق بشر را در بر می گیرد در حالیکه حقوق بشر اجتماعی تمام نسل دوم حقوق بشر را شامل می شود.

حقوق همبستگی - Solidarity Rights

این اصطلاح در دو مورد کاملا متفاوت استعمال می شود.

1. این حقوق شامل نسل سوم حقوق بشر می شود حقوق همبستگی یعنی نسل سوم حقوق بشر. دلیل نام گذاری نسل سوم حقوق بشر به حقوق همبستگی این است که طبیعت این حقوق طوری است که برای اثر بخشیدن به آن به همکاری های بین المللی و فعالیت های مشترک نیاز است. بطور مثال حق صلح حق نگهداری محیط زیست و غیره که برای به دست آوردن این ها به همکاری مشترک و دسته جمعی نیاز است.
2. حقوق همبستگی عبارت است از حقوق خاص در فهرست نسل سوم حقوق بشر و تعریف این حق چندان هم آسان نیست و تقریبا عبارت است از حق کارکردن مشترک با کشورها یا سازمان های دیگر برای حاصل کردن هدف های حقوق بشر. وابستگی متقابل کشورها به همدیگر از معنای دوم ضمنی این اصطلاح است.

حد اقل قواعد معیاری(ملل متحد)
Standard Minimum Rules (UN)

عبارت است از مجموعه قواعدی که توسط سازمان ملل متحد پیش نویس شده است . این قواعد به کشورها کمک می کند تا رفتار های شان را در زمینه های معین با معیارهای بین المللی حقوق بشرمطابقت دهند. جامعه جهانی این قواعد را پایینترین معیار قابل قبول که با عظمت انسانی سازگاری دارد، میدانند. این قواعد اگرچه از نظر حقوقی لازم الاجرا نیستند اما ازکشورها به شدت و رغبت تمام خواسته می شود تا این قواعد را در عمل پیاده کنند و حتی این قواعد را به قانونی ملی شان تبدیل کنند. بطور مثال: پایینترین دستورهای معیاری ملل متحد در باره زندانیان نمونه ای از پایینترین دستورهای معیاری است که در سال 1957 توسط سازمان ملل متحد ایجاد شد.

حالت محاصره State of Siege

این اصطلاح حقوقی عبارت است از حالت اضطراری که زندگی مردم را در یک جامعه متاثر می سازد ودرنتیجه حمله مسلحانه یا تهدید شدن حکومت ازجانب حکومت دیگر، به وجود می آید. وجود و اعلان وضعیت اضطراری به حکومت اجازه می دهد تا برای به دست آوردن وضعیت عادی، بعض حقوق بشر را به حال تعلیق در آورد زیرا در وضعیت

www.TPTG.ir

اضطراری، حکومت به رعایت تمام اصول حقوق بشر مکلف نیست. دوره اضطراری که به آن دوران وضعیت فوق العاده نیز گفته می شود دوران استثنایی نیز یاد می شود زیرا در این مدت اجرا نکردن بعض حقوق بشر که با امنیت ونظم ملی سازگار نباشد، مجاز و مستثنا است.

Subsistence (Human rights (حقوق بشر) امرار معاش

این اصطلاح آن عده از حقوق بشر را بیان می کند که ضروریت های اولیه و نیازمندی های بنیادی انسان ها را از قبیل حق بهره مند بودن از نان، لباس، خانه، معالجه طبی برآورده می سازد. یعنی حقوقی که برای حفظ عظمت بنیادی انسان وزنده ماندن انسان ضروری است، حقوقی که زندگی بدون آن ممکن نباشد.

Tyranny/Tyrant -حکومت استبدادی

حکومتی استبدادی حکومتی است که در آن تمام قدرت به دست یک فرد باشد و حاکم مستبد کسی است که هیچگونه محدودیت قانونی را نمی شناسد، کسی که قانون اساسی برایش هیچ ارزش و اعتبار نداشته باشد و بدون احساس مسوولیت به طور ظالمانه بر مردم حکومت کند و هرگونه عملش را مجاز و مشروع بداند.

Women Human Rights -حقوق بشری زنان

این اصطلاح به آن عده از حقوق بشر که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به جنس مونث مربوط باشد، اشاره دارد. تبعیضات جنسی، تجاوز جنسی، تولید مثل و حقوق اقتصادی همه از مسایلی است که به حقوق بشری زنان مربوط می شوند. کنوانسیون سازمان ملل برای ختم تبعیض علیه زنان (سال 1979) یکی از نمونه های ادبی است که حقوق زنان را بیان می کند.

Animus Belligerande - حالت مخاصمه

نیت درونی یک کشور که برای وارد شدن به حالت قانونی جنگ (حالت مخاصمه) ضروری میباشد. این به معنای نیت رسمی ذهنی است که جنگ برعلیه یک کشور دیگر به سبب یک حادثه یا عمل تخطی تصادفی برپا میگردد.

Attack - حمله

یک عمل خشونت که بر علیه یک خصم چه در حالت تهاجم و چه در حالت دفاع، انجام میابد.

Basic Human Rights - حقوق بنیادی بشر

این اصطلاح به صورت عموم به آن نوع حقوق بشری اطلاق میگردد که در عموم چیزهای لازم و ضروری حقوق بشری در هردو قانون ملی و بین المللی گنجانیده شده است. این حقوقی است که ضروریات مادی و غیر مادی بشر را رفع میکند که این خود نمایانگر هستی بشری است. کدام لست عمومی از این چنین حقوقی وجود ندارد اما اکثراً شامل حق زندگی، غذا، سرپناه، معالجه، آزادی از شنکجه و آزادی مذهبی وسایر حقوق اساسی انسان ها میباشد.

Bearer - حامل ، دارنده

شخصیت حقوقی چه یک کشور باشد، یک گروه یا یک فرد، هر کسی که موضوع حقوق میباشد. در قوانین بین المللی بحیث حامل یا دارنده حقوق شناخته شده است. دارنده یا حامل حقوق هردو همسان هستند. کسی که دارنده و مالکیت بر

حقوق را دارد یا میتواند قانوناً ادعا حقوق بنماید. این همچنان به شخصی اطلاق میگردد که حق دفاع از چنین حقوقی را دارد. بشر اصل حاملین حقوق بشر میباشد نه کشورها.

حقوق اطفال - Children Rights

مجموع اصول قرار دادی قانون رایج جهانی برای حفاظت اطفال از طریق تاسیس معیارهای اصولی مربوط به حقوق اطفال که مورد قبول حقوق جهانی ومورد قبول سیستمی است که خواهان اجرای آن اصول است.
کنوانسیون 1989 سازمان ملل در مورد حقوق اطفال، از نمونه و مثال های حقوق اطفال است.

حقوق بشری مدنی - Civil Human Rights

حقوق بشر مدنی، مربوط به توده مردم، فعالیت ها، ضروریات و مسایل کشوری آنها میشود که این مسایل مدنی جدا از مسایل (مذهبی و نظامی) خاص است.
اصطلاحی که توصیف کننده یک طبقه از حقوق بشر است که همان حق افراد برای لذت بردن از آزادی در جامعه مدنی و برابری با دیگران است. حقوق بشر مدنی یک حصه از نسل نو حقوق بشر است. حقوق وآزادیهای فردی از قبیل آزادی حق زند گی، آزادی بیان، آزادی مذهب و آزادی نهضت، عدم تبعیض طبق روند قانون، آزادی از شکنجه، آزادی و امنیت افراد.
البته این حق مدنی، با حق بشر مدنی که در ایالت متحده به کار برده می شود فرق دارد، اگر چه بعضی از حقوق مدنی حقوق بشر مدنی نیز هست: برای مثال برابری نژادی و عدم تبعیض.

حقوق کلاسیک - Classical Rights

اصطلاحی که برای طبقه های از حقوق سیاسی و مدنی استعمال می شود و از نظر تاریخی عبارت از اولین حقوقی اند که باید به رسمیت شناخته شوند. هدف از این حقوق، حفاظت افراد از اقدام حکومت است و این حقوق در مقایسه با حقوق اجتماعی که به عنوان جامع بر حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی دلالت دارد، استعمال می شود.

حق مدنی - Civil Right

این کلمه بیشتر در ایالات متحده استعمال می شود. و مراد از این حق، حق غیر سیاسی اتباع، حق آزادی و حق برابری است که در قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی گنجانیده می شوند.
هدف حقوق مدنی، تضمین احترام به افراد در جامعه مدنی است و این حق از طرف دولت از طریق قانون گذاری، به افراد داده می شود. هدف حقوق مدنی، به وجود آوردن جامعه هماهنگ، جامعه امن و جامعه با ثبات است. دولتی که این حق را اعطا می کند، حق لغو یا اصلاح قانون گذاری حقوق مدنی را نیز دارد.
اما حقوق بشر بر خلاف حقوق مدنی، از طرف دولت ها اعطا نمی شود. بلکه وجود حقوق بشر در تمام انسانها ذاتی و فطری است. کار دولت ها در این زمینه، به رسمیت شناختن حقوق بشر در سند و پیمان حقوق بشر است و دولتها حق ابطال، لغو یا تصحیح حقوق بشر را ندارند اگر چه بعضی از این حقوق بشر در شرایط اضطراری، قابل تحدید و تعلیق میباشند.

حقوق بشر دسته جمعی(درمقابل حقوق بشر فردی)- Collective(human)Rights

این گونه از حقوق بشر یکی از دوقسم ذیل است:
1 حقی که مال گروه و دسته از مردم است اما برای منفعت اعضاء و افراد.
2 حق افراد و اعضاء اما برای منفعت دسته جمعی همه گروه.
این حق در مقابل حقوق فردی است که عبارت از حق فردی افراد است. این حق صرف نظر از وابستگی افراد به کدام گروه مربوط است. حقوق اقلیت ها و حقوق بومی از نمونه های حقوق گروهی یا دسته جمعی اند. البته نظریه حقوق گروهی مورد پذیرش همه نیست و هنوز مورد اختلاف است.

www.TPTG.ir

حقوق بشر عمده - Core (human) rights

این واژه به طور دقیق تعریف نشده و اینکه کدام حقوق بشر عمده به شمار می آیند در تعریف این لفظ بیان نگردیده است. حقوق عمده شامل حق زند گی، حق آزادی سخن و حق آزادی از شکنجه می باشد. این حقوق برای وجود عظمت انسان ها کاملا ضروری شمرده می شوند. این واژه معادل است با لفظ (Nonderogable right) یعنی حقوق فسخ ناشدنی.

حق بشری فرهنگی- Cultural (human)Right

یک کتگوری از حقوق بشر که به طور عموم از حق انسان برای شرکت در زنده گی فرهنگی برای سهم گیری در پیشرفت علمی و برای حمایت ازمنافع اخلاقی و مادی در عرصه های تولیدات علمی، هنری وادبی و برای به دست آوردن تعلیم و حفظ شناخت فرهنگی ،سنت وزبانش، حمایت می کند. این حقوق انسان را در باره به دست آوردن معلومات، آموزش برای بهره گیری از داشته ها و ارزش های فرهنگی اطمینان می دهد. حق تعلیم یکی از عمده ترین حق فرهنگی است. برای حقوق فرهنگی تعریفی کاملا جامع که مورد پذیرش همه باشد وجود ندارد. این حقوق فرهنگی بخشی از حقوقی موسوم به "نسل دوم حقوق بشر" همراه با حقوق اجتماعی واقتصادی، می باشند.

(حقوق بشری) اعلانی – Declaratory (Human Rights)

حقوق اعلانی عبارت اند از حقوق بشری که در بیانیه ها و گاهی در پیمان ها توسط یک هیات با اختیار سازمان جهانی چون ملل متحد بیان شده باشد ولی این به این معنا نیست که این اعلامیه ها اصول الزامی را می سازند. بلکه تنها حقوقی را اعلام می کنند که از نظر یک هیات، حقوق بشر به حساب می آید. حقوق اعلانی برای اصول حقوقی پیمانها نقش اساس و پایه را دارد. تعریف کلیدی حقوق اعلانی این است که این حقوق از نظرقانونی لازم الاجرا نیستند. وقتی این حقوق اعلانی همراه با اصطلاح "حقوق بین المللی رایج" استعمال می شود این به این معناست که آیا پیمان خاص باعث رشد حقوق بین المللی رایج می شود یا نه؟ و این، به این معنا نیز هست که پیمان خاص به قصد تدوین اصل های حقوقی موجود تهیه شده که به چنین پیمان "اظهاریه قوانین رایج بین المللی" گفته می شود.

حقوقی(در مقابل عملی)- DE JURE

چیزی که وجودش خواسته قانون باشد. یعنی قانون وجودش را تقاضا کند و در نتیجه اجرای قانون به وجود آید در مقابل DE FACTO که عبارت از وجود خارجی یک چیز، توسط اعمال انسانها است.

حقوق بشرقابل تعلیق - Derogable(Human)Rights

حقوق قابل تعلیق به حقوقی گفته می شود که در حالات اضطراری عمومی صلاحیت این را داشته باشند که توسط اعلان دولت در ادامه و به تعقیب پیمان حقوق بشر، به حال تعلیق در آیند. تا زمانی که حالت اضطراری ادامه داشته باشد همه حقوق به حال تعلیق در می آیند و دولت حقوق غیر معلق را معین می کند و بقیه حقوق همه قابل تعلیق به حساب می آیند.

حقوق داخلی/ملی (در مقابل حقوق بین المللی)
Domestic law(Vs.international law)

معمولا عبارت است ازقانون ملی یک کشور که تنها در قلمرو خاکی آن کشور قابل اجرا است. اصطلاحات حقوق ملی یا شهری برای تمیز و تفکیک از قانون بین المللی استعمال می شوند که در سطح بین المللی بر همه کشورهای تصویب کننده قابل اجرا است ناگفته نماند که حقوق بین الملل با حقوق خاص و جزایی خانواده گی و حقوق مخصوص حکومت شهری سر و کار ندارد.

www.TPTG.ir

توجه: اصول بین المللی حقوق بشر که در معاهدات حقوق بشر موجود می باشد، صلاحیت این را دارند که از طریق قانون اساسی به حقوق وطنی یا ملی تبدیل شوند در نتیجه در سیستم قضایی یک کشور به عنوان قانون ملی لازم الاجرا گردند.

حقوق اقتصادی (بشری) – Economic (human) Rights

یک کتگوری حقوق بشر که هدف آن اطمینان یافتن از این است که بشر توانایی بدست آوردن و برقرار داشتن یک معیار مناسب زندگی را که سازگار با شان انسانی باشد، دارد. حقوق ویژه آن شامل حق داشتن غذا، خدمات صحی، امنیت اجتماعی، کار و فراغت و حق تشکیل اتحادیه تجاری میباشد. حقوق اقتصادی منحیث حقوق برنامه ای یا جلو رونده ملاحظه میگردد. اینها بخشی از "تولید دوم" حقوق بشری را همراه با حقوق اجتماعی و فرهنگی شکل میدهد.

حوزه/ صلاحیت فرامرزی
EXTRA TERRETORIAL JURISDICTION

عبارت است از حد تمرین و اقدامات حقوقی یک کشور یا سعی یک کشور در توسعه دادن صلاحیتها و اقدامات قانونی اش در کشوری که خارج از حوزه قضایی این کشور می باشد یا جاهای که اصلا کشور و دولتی وجود ندارد مثل فضا و دریا های آزاد.

حل و فصل دوستانه - Friendly Settlement

عبارت است ازنتیجه روند مصالحه رسمی یا گفت وگوی غیر رسمی بین عارض/شاکی/تقاضا کننده و کشوری که به زیر پا گذاشتن اصول حقوق بشر و نقض تعهداتش در قبال حقوق بشر متهم است که در این مصالحه، مدعی و مدعی علیه در مورد چگونه گی حل و فصل قضیه مورد نزاع به توافق می رسند. اگر برای حل قضیه کدام توافق پیدا شود در این صورت گفته می شود که دو طرف به حل وفصل دوستانه رسیده اند. معمولا دولت به مدعی غرض الغا یا اصلاح قانون یا قطع کردن روند دادخواهی مقداری پول می پردازد. روند مصالحه یا آشتی معمولا توسط اعضای محکمه ای انجام داده می شود که شکایت در آن جا دایر شده باشد از طریق اجرای مصالحه، مدعی و مدعی علیه را به حل و فصل دوستانه برسانند.
محکمه این نکته را باید تضمین نماید که حل و فصل دوستانه باید مطابق و سازگار با اصول حقوق بشر باشد.

حقوق (بشر) گروهی – Group (Human) Rights

مساویست با "حقوق دستجمعی". اینها حقوق بشری هستند که گفته میشود که:

1. از یک گروه یا افراد عضو همان گروه میباشد.
2. از افراد عضو گروه بخاطر فایده همان گروه میباشد؛ و بعضیها میگویند که این حقوق از دسته ای از یک گروه میباشد.

این حقوق در عموم متباین با حقوق افراد میباشد که هر فرد بدون توجه به متعلق بودن به یک گروه دارد. بعضی حقوق مثل حقوق اقلیت و ذاتی گفته میشود که حقوق دستجمعی یا گروهی میباشد. مفهوم حقوق دستجمعی گروهی بحث برانگیز است و بطور جهانی قبول نشده است.

حقوق سخت وصریح (در مقابل حقوق نرم ومبهم)
Hard Law(vs. Soft law)

نورمهایی که حقوق و تعهدات قانونی دقیق و به طور عموم مورد قبول را بوجود میاورد. نظام هنجاری حقوق بین الملل که در قانون پیمانی، قانون عرفی بین المللی و معیارهای عمومی قانون گنجانیده می شود و کشورها از آن پیروی می کنند.
قانون سخت در تباین قانون نرم واقع می شود که بیشتر مبهم است و اکیداً غیرصریح بوده و از نظر قانونی لازم الاجرا نیست اما ممکن است نفوذ اخلاقی و سیاسی داشته باشد.

www.TPTG.ir

حامل یا دارنده (حقوق بشر) - Holder(of Human Rights)

کسی که صاحب حق باشد و بتواند آن را ادعا و ازآن دفاع کند. شخصیت حقوقی فرد باشد یا گروه که در حقوق بین الملل موضوع حقوق بشر باشد، به نام حامل آن حق یاد می شود. معمولا این واژه به کسی که حق دفاع از چنین حقی را داشته باشد نیز گفته می شود. انسانها حاملین و مالکین حقوق بشر اند نه دولتها و حکومتها.

حقوق بشر- Human Right

حقوق بشر حقوق فطری و ذاتی انسانها اند که انسانها به خاطر ویژه گی ها و خصوصیات انسانی شان این حقوق را دارا می باشند و حقوقی نیستند که ازجانب مقامات دیگر چون شاه، دولت یا مقامات مذهبی و سیکیولر قابل اعطا باشند. اینها حقوقی اند که به انسان ها اجازه می دهد تا نگذارند عظمت فطری شان مورد سوء استفاده قدرت حکومت یا عاملین غیر حکومتی قرار گیرد. عاملینی که حفاظت افراد از شر این عاملین وظیفه دولت وحق افراد بر دولت می باشد. به حقوق بشر حقوق اولیه و بنیادی نیز گفته می شود. این حقوق بشر با حقوق مدنی که در ایالات متحده وجود دارد یکسان نیست زیرا حقوق مدنی در ایالت متحده حقوقی اند که از جانب قوه مقننه به افراد اعطا می شود در حالی که حقوق بشر حقوق فطری و ذاتی انسانها است که از جانب کسی اعطاء نمیشود.

حقوق بشر فوری (در مقابل حقوق بشر تدریجی)
Immediate Human Rights (Vs. Progressive Human Rights)

به آن حقوق بشر گفته می شود که بعد از تصویب یک پیمان توسط دولت، افراد، آن حقوق بشری را که در پیمان گنجانیده شده از دولت حاصل می کنند و از آن استفاده می کنند. این درمقایسه با حقوق بشر تدریجی استعمال می شود که در حقوق بشر تدریجی، وظیفه دولت تنها اقدام به اجازه دادن اجرای نهایی حقوق بشر میباشد. حقوق گنجانیده شده در "میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی" و" کنوانسیون اروپا در باره حقوق بشر" از نوع حقوق بشر فوری میباشند.

حبس یا زندانی کردن (فرد)- Imprisonment(of person)

محروم کردن کسی از آزادی های شخصی اش در نتیجه محاکمه نهایی آن فرد به خاطر جرمی که مرتکب شده است.

حقوق غیر قابل انتقال - Inalienable Rights

حقوقی را توصیف می کند که حد اقل درحد تیوری و نظری به هیچ وجه قابل انتقال نباشند. حقوقی که دارنده گان آن به صورت داوطلبانه یا غیر داوطلبانه نمی توانند به کسی دیگر واگذار کنند یا انتقال دهند و هیچ کشور یا کسی دیگر نمی تواند این حقوق را از دارنده گان آن ها سلب یا اخذ کند. این به این جهت است که حقوق بشر در انسان ها به طور ذاتی و فطری وجود دارد که این حقوق گرفتنی یا دادنی نیست.

حمله/اعمال فشار یکسره
Indiscriminate Attack/Force

بمباران، حمله یا استفاده از نیرو بر علیه دشمنی که درحال دفاع یا تجاوز باشد که دراین حمله یا بمباران تنها هدف های نظامی مورد حمله نیست بلکه اهداف نظامی و غیر نظامی به طور یکسان از حمله یا بمباران متاثر می شوند یا سیستم

جنگی طوری است که نمی شود هدف های نظامی را از هدف های غیر نظامی تشخیص داد که این سیستم جنگی به افراد و اشیای نظامی و غیرنظامی به طوریکسان آسیب می رساند. طبق پیمان بین المللی برخوردهای مسلحانه، حمله یکسان وعمومی ممنوع و غیر قانونی می باشد زیرا این نوع از حمله "اصل تشخیص" را نقض می کند.
بمباران منطقه یا مناطقی که نظامیان و غیرنظامیان درآنجا به طور مختلط زنده گی می کنند، آتش زدن جنگلاتی که درآن افراد نظامی و ملکی موجود باشند، پرتاب گلوله و موشک به طرف اهداف نظامی اما نه به طوری که از آسیب رساندن غیرنظامیان آگاهانه پرهیز شود تا غیر نظامیان آسیب نبینند، همه مثال ها و نمونه هایی از حمله یکسان می باشد.

حقوق فردی (در مقابل حقوق گروهی)
Individual Rights(Vs.Group Rights)

حقوق بشری که دارنده گان آن افراد می باشند صرف نظر از عضویت یا وابسته گی این افراد به کدام گروه یا سازمان.

حقوق بین المللی- International Law

مجموعه قواعد تعهد آور برای دول و سایر اشخاص بین المللی در رابطه متقابل آنها و یا حقوق بین المللی عبارت است از معیارهای رفتار برای کشورها یا نهاد هایی که موضوع هیات این قانون باشد. روابط دو جانبه یا چند جانبه بین دولت ها، بین دولتها و نهادهای بین المللی، روابط بین افراد و نهاد های غیر دولتی، حقوق افراد و نهادهای غیر دولتی که برای جامعه جهانی اهمیت داشته باشد، همه در حقوق بین المللی گنجانیده شده است. قانون بین المللی حقوق بشر که قانون بشر دوستانه بین المللی را نیز شامل است، بخشی از این هیات قانون میباشد.

حق تمامیت یا کمال یا حق کرامت- Integrity Right

یکی از حقوق بشری ویژة که هدف آن حفاظت ذهنی، اخلاقی و انسجام جسمی انسان می باشد. معانی Integrity یعنی تمامیت، سلامتی، ایمنی که این ها همه از معانی این لفظ می باشد.
مثال های حق تمامیت عبارت اند از: حق زنده گی، حق آزادی ازشکنجه، حق آزادی مذهب، حق تشکیل خانواده و حق زنده گی خصوصی.

حق دفاع- JUS ADD BELLUM

این واژه لاتینی وعبارت است از قانون بین المللی که به کشور و نماینده گانش به طوردسته جمعی یا جداگانه اجازه می دهد تا با متحدانش برخلاف کشور یا کشورهای دیگر طبق قانون بین المللی در برخوردهای مسلحانه سهم بگیرند و این اصل بخشی از قانون بین المللی جنگ را تشکیل می دهد. مثلا، طبق قانون بین المللی جنگ کشوری که مورد تجاوز قرار می گیرد حق دفاع (just add bellum) را دارد.
حق دفاع زمینه را برای قانونی بودن جنگ فراهم می کند و به کشور و افراد اجازه میدهد تا وقتی حقوق بشر را نقض نکنند. بدون هراس از پیگرد قانونی در جنگ سهم بگیرند و آزادانه از کشور شان دفاع کنند.

حق قابل تغییر -*JUS DISPOSITIVUM*

قانون/قاعده/اصلی که با توافق قانونی مخالف یا رضایتی کشور ها قابل اصلاح یا تبدیل باشد. یعنی صلاحیت این را دارد که به قانون متضاد دیگر تبدیل شود. این درمقایسه با اصول قانون نهایی استعمال می شود که قابل اصلاح و تبدیل نیست.

www.TPTG.ir

Jus in bello – حق در جنگ

مراد ازاین اصطلاح لاتینی اصول و قوانین بین المللی است که درجنگ/برخوردهای مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی قابل اجرا می باشند. این اصل با حفاظت قربانیان و روشهای اتخاذ شده در این خصومتها سر و کار دارد و به طور عمده از قراردادهای چهارگانه ژینو سال 1949 و همچنین معاهده های 1899 و1907 شهر هاگ و ضمیمه این معاهده تشکیل یافته است. این اصل عرصه های چون اسلحه شیمیایی، گاز وغیره را در برمی گیرد و شبیه قانون بشر دوستانه است.

Jus Naturale - حقوق فطری

این لفظ لاتینی و به معنای قانون طبیعی است. ضروریات اخلاقی که به هیچ نهاد انسانی وابسته نباشد و از دلیل درست و محکم بناء یافته باشد.
یک بدنه قانون که در چگونگی طبعیت وجود دارد که جهان و انسانها بطور لازم به آن عمل کنند. یک بدنه قانون یا یک اصل مشخص که از طبیعت گرفته شده است و بالای اجتماع انسانی در غیاب یا علاوه بر قانون مثبت الزامی میباشد.

Labor Rights – حقوق کار

یک نوع حقوق بشر که هدف آن حمایت از حق کار کردن و سر و سامان دادن دستجمعی برای منافع عمومی میباشد. این، شامل حق معاملات دستجمعی و اعتصاب کردن، مزد مساویانه برای کار مساویانه، فراغت و استراحت و محیط امن کاری میباشد. اکثر حقوق کارگری در پیمان قانون سازمان بین المللی کار وجود دارد ولی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز شامل این نوع حقوق میباشند.

Legal Rights – حقوق قانونی

حقوقی که توسط یک مقام باصلاحیت تضمین و برسمیت شناخته شده است تا اعلام و تضمین شود و در حضور یک محکمه که آنرا حکم میکند از آن دفاع گردد.

Locus Standi – حق حضور در محکمه

حق درج یک شکایت و حضور در جلسه/محکمه، کمیته یا کمیسیون که صلاحیت اخذ و حل و فصل قضایای تخطی های حقوق بشر یا حق تقاضای یک نظریه را دارد. این یک وضعیت پذیرفتن یک شکایت تحریری است که طرف شاکی باید حق حضور در جلسه/محکمه را داشته باشد که معمولاً بدینطور است که طرف شاکی خود متضرر تخطی شده باشد. اگر طرف شاکی حق حضور در محکمه را ندارد، در اینصورت قضیه غیر قابل قبول پنداشته خواهد شد. اصطلاح کامل برای حق حضور در جلسه/محکمه "locus standi in judicio" میباشد.

Martial Law – حکومت نظامی

استفاده نیروهای نظامی برای حکمرانی موقتی بالای افراد ملکی منحیث یکی از ضروریات عامه. این نوع حکومت اغلباً با به تعلیق آوردن آزادیهای معین یا یک دوره ابطال که در آن حقوق معین بشری فسخ میگردد یا در طی همان مدت به تعلیق درآورده میشود، همراه میباشد. این اصطلاح اکثراً در زمینه فسخ حقوق بشری شنیده میشود. در تحت حکومت نظامی، جامعه ملکی نه بلکه نظامی بالای دولت و مردم حکومت میکند. حکومت نظامی یک حالت استثنایی میباشد.

Minimum – حد اقل

www.TPTG.ir

کمترین سطح طرزالعمل معیاری قبول شده بین المللی توسط یک کشور و تمام افراد آن کشور به شمول خارجی های مقیم یک دولت ممکن است با بعضی از افراد تحت صلاحیت خود رفتاری بهتر نسبت به این حد اقل معیار داشته باشد اما به هیچ صورت نباید پائینتر از این معیار حد اقل با فردی رفتار شود. مثلاً یک بیگانه (خارجی) غیر قانونی محکوم به جزا. این معیار حد اقل همواره در حال افزایش نمایندگی از نورمهای جوامع بین المللی میکند تا که معیارهای طزالعمل کشور ها مطابق به موازین جامعه جهانی گردیده و صلح جهانی، هماهنگی و انکشافات بدست بیاید. بسیاری خواهند گفت که معیارهای حد اقل در کل مطابق سطح طرزالعمل میباشد که در معیارهای قانون بین المللی حقوق بشر گنجانیده شده است. این اصطلاح معمولا در جایی استفاده میگردد که یک کشور با یک خارجی چگونه رفتار میکند مخصوصا با خارجی غیر قانونی در داخل قلمرو دولت. این اصطلاح گاهی اوقات در پیمانهای دوستی، تجاری و دریایی استفاده میگردد تا یک معیار دوجانبه مواظبت رفتاری یک دولت را با اتباع دولت دیگر تعیین کند. این معیار یکی از دو معیارهای کلاسیک رفتار دولت با خارجیها میباشد. معیار دوم آن "معیار رفتار ملی" میباشد.

حکومت دموکراتیک- Democratic governance

عبارت است از نظریه مطرح شده که حکومت نظام منتخب ودموکراتیک بر مردم را از حقوق بشر مردم می داند. یعنی تقاضای حقوق بشر افراد این است که نظام حاکم باید دموکراتیک و منتخب باشد. بنیاد و اساس این نظریه بر این مطلب نهاده شده که خواست و اراده مردم، بهترین منبع برای قدرت و اختیارات حکومت است و اولین وظیفه حکومت، حمایت و حفاظت از حقوق بشر است. چیزهایی را که این نظریه در بردارد عبارت اند از: اصول مسوولیت دموکراتیک، احترام به حاکمیت قانون، شفافیت حکومت و اشتراک آزاد مردم در حکومت. این حقوق از طریق رای گیری، رقابت برای مقام های انتخابی، شرکت درمذاکرات عمومی و تجمع های معلوماتی (خصوصا توسط کسانی که از رفتار حکومت زیاد متاثر شده اند) و درخواست رسیده گی به شکایات علیه حکومت، اعمال و اجرا می شود.

حقوق اقلیت ها – Minority Rights

یک اصطلاحی که عموماً حقوق بشری را برای حمایت از گروه های اقلیت نژادی، قومی، ملیتی، مذهبی و زبانی معین میکند. این اصطلاح شامل اشخاص دیگر در مقرره های مشخص سندهای حقوق بشر مثل ماده 27 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، و حتی سندهای خارج از پیمان مثل اعلامیه در باره اشخاص وابسته به یک اقلیت ملیتی یا قومی، مذهبی و زبانی (1992 ملل متحد) و نیز فعالیت های شورای حقوق بشر ملل متحد بخاطر جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت ها تا حدیکه با مسائل اقلیت سرو کار دارد.

حقوق معنوی – Moral Rights

ارزش هایی که توسط گروها یا افراد روی اصول بیطرفی در عرف، نژاد، عدالت یا معتقدات مذهبی صورت میگیرد. حقوق معنوی قانوناً تعهدی نمیباشند.

حرکت آزادی خواهی ملی
National Liberation Movement

حرکت نظامی یا سیاسی که بیشتر در کشورهای در حال توسعه به منظور بیرون راندن قدرتهای استعمارگر و نیروهای اشغالگر بیگانه برای به دست آوردن استقلال و تشکیل ملت خود مختار، به وجود می آید.

حکومت؛ دولت متشکل ازیک ملت- Nation State

مراد ازاین اصطلاح گروه مشخصی است که خود را به عنوان یک ملت، گروه مستقل و از لحاظ سیاسی دولت می دانند ولی هنوز در محدوده دولتی که توسط اداره واحد رهبری می شود زنده گی می کنند خواه این گروه از نظر قانونی به رسمیت شناخته شده باشد یا نه.

حقوق نفی- Negative Rights

حقوق بشر عدمی یعنی حق نداشتن چیزی یا حق نبودن در موقعیتی، حق نپذیرفتن چیزی در مقابل حقوق بشر مثبت که حق پذیرفتن، داشتن و غیره است. این حق به دارنده اش اجازه می دهد تا عملی را انجام ندهد یا چیزی را نپذیرد یا در موقعیتی قرار نگیرد. همانطور که در حقوق مثبت صاحب حق، حق انجام دادن چیزی یا انتخاب چیزی را دارا است. در حقوق نفیی حکومت نمیتواند حق نداشتن یا حق نبودن یا حق انتخاب نکردن را از مردم سلب کند. همانطور که در حقوق مثبت حق داشتن، انتخاب کردن و غیره را از مردم سلب نمی تواند. برای مثال حق اظهار نکردن رای، حق سهم نگرفتن در کدام اتحادیه، حق شکنجه نشدن همه حقوق نفیی است اما حق اظهاررای، حق عضویت در کدام اتحادیه، حقوق مثبت است.

برای وضاحت بیشتر: یک تبعه حق دارد از طرف دولت مورد مراقبت و جاسوسی قرار نگیرد و حق دارد دولت مکالمه هایش را استراق سمع نکند.

حقوق تعلیق نا پذ یر- Nonderogable Rights

حقوق فسخ ناشدنی به آن عده حقوقی گفته می شود که در حالت اضطراری از قبیل جنگ داخلی یا تهاجم بیرونی به حال تعلیق در نمی آیند و این نوع حقوق در پیمان حقوق بشر معین و مشخص شده است.
یکی از نمونه های حقوق فسخ ناشدنی حق آزادی از شکنجه است که در هیچ صورتی این حق به حال تعلیق در نمی آید. حقوق فسخ ناشدنی درهمه حالت و در تمام شرایط تخفیف داده نمی شود و همیشه باید به آن احترام شود. برای معلومات بیشتربه ماده 4.2 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی مراجعه شود که در آن حقوق فسخ ناشدنی این پیمان بیان شده است.

حقوق (بشر) مشارکتی- Participatory (Human) Rights

حقوق افراد برای سهم گیری در توسعه و انکشاف جامعه از طریق وارد شدن در مسایل عمومی برای تضمین و تحقق بخشیدن به حقوق بشری شان از قبیل حق غذا، حق تعلیم، حق ادای مناسک مذهبی و غیره.
برای مثال طبق ماده 25 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، هرتبعه حق دارد تا در مسایل عمومی سهم بگیرد.سهمگیری قابل توجه و آزاد افراد درجامعه، باعث انکشاف دموکراسی و انکشاف اقتصادی می شود. حق رای دهی و حق رفتن برای پُست های ملی از جمله حقوق مشارکتی به شمار می آیند.

حقوق مردم- People Rights

این اصطلاح درعنوان "منشورافریقا درباره حقوق بشر ومردم" به کار برده شده است و درمعنای افریقایی آن، عبارت است از حقوق دسته جمعی که به گروه های قبیله ای افریقا مربوط می شود. هدف از حقوق مردم حفاظت از حقوق دسته جمعی انجمن ها یا گروه ها مخصوصا قبیله ها، در افریقا است. این اصطلاح گاهی در بیرون از AFR (منشورافریقا درباره حقوق بشر ومردم) نیزبه کار برده می شود.

حکومت (دولت) پولیسی- Police State

کشوری که حکومت بر سر اقتدار آن برای برقراری نظم و فرمانبرداری اجتماعی از تهدید، زور، پولیس و نظامیان به شیوه خشونت آمیز و استبدادی استفاده می کند و برای این کار حتی حقوق بشر را نیز نادیده می گیرد. معمولا در چنین موارد، شبکه گسترده اطلاعاتی دولت برفعالیت های مردم نظارت میکند.

حقوق بشر سیاسی -Political Human Rights

حقوق بشری که به افراد (درمقابل انجمن) مربوط می شود. رفتار حکومت نسبت به سهم گیری افراد در تغییر اثرات در جامعه به نفع خودش. این نوع از حقوق بشر به افراد اجازه میدهد تا در تغییر دادن سیاستهای حکومتی، پیشنهاد دادن در مورد سیاستهای حکومتی و اداره سیاستهای حکومتی خصوصا در مسایلی که به افراد مربوط می شود، شرکت کنند. حقوق بشر سیاسی قسمی از نسل اول حقوق بشر است که از حق افراد برای شرکت در جهت دادن به جامعه و انکشاف آن حمایت و حفاظت می کند. حق رای دهی و حق اداره دفاتر دولتی را می توان از مثال های حقوق بشر سیاسی برشمرد. حقوق بشر سیاسی همراه با حقوق بشر مدنی نسل اول حقوق بشر را تشکیل می دهد.

حقوق مثبت -Positive Rights

حقوق مثبت به صاحبان حق (افراد) اجازه می دهد تا کاری را بدون مداخله حکومت انجام دهند و گاهی دولت را ملزم می کند تا برای صاحبان حق کارهایی را انجام دهد.
حقوق مثبت عبارت است حق داشتن چیزی، حق انجام دادن کاری، حق انجام دادن کاری برای خودش و حق فراهم کردن چیزی برای خودش توسط دولت. درمقابل حقوق منفی که حق نداشتن (چیزی) و حق نکردن(کاری)است. این حقوق مثبت، دولت را ملزم می کند تا از اقدامات خاص برخلاف افراد از قبیل جلوگیری ازگشت وگذار و آزادی بیان خودداری کند و برای افراد خدمات و اجناس فراهم کند. گاهی به حقوق مثبت حق دسترسی به خدمات و اجناس نیز گفته می شود اما بسیاری از حقوق سیاسی و مدنی از قبیل حق رای دهی، حق تلاش برای رسیدن به مقام های ملی، حق اجراات مناسک دینی نیز در حقوق مثبت شامل میباشد.

حقوق شکلی-Procedural Right

اصول و حقوقی که طرزالعمل تطبیق و اجرای حقوق ماهوی را فراهم می کند. این حقوق به فرد، گروه یا کشور اجازه می دهد تا با اقدام های طرزالعملی شان، از حکومت خواهان اطاعت از اصول حقیقی معاهده و جبران نقض آن اصول شوند. یعنی با چنین اقدامی، از حکومت بخواهند تا دولت از اصول حقیقی معاهده پیروی کند و اصول نقض شده را باید جبران کند. این نوع حقوق با جبران نقض اصول حقیقی و طرز اجرای آن سر و کار دارد.
بعضیها، تعدادی از حقوق ماهوی مسلم را از قبیل حق محاکمه علنی، حق استماع عادلانه دعوا در حضور قاضی بی طرف، حق احضار شاهد در قضیه های جنایی را حقوق طرزالعملی نیز می دانند.

حقوق برنامه ای-Programmatic Rights

این اصطلاح وصفی، طبیعت حقوق بشر نسل دوم را از قبیل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان میکند. این حقوق، ازحکومت میخواهد تا برای برآورده کردن تعهد اش، برنامه هایش را از قبیل برنامه های صحی، ساختمانی، و تعلیمی بر اساس امکانات و منابع موجود اجرا کند. این حقوق که به حقوق تدریجی نیز یاد میشود در مقایسه با حقوق فوری استعمال می شود. حقوق فوری حقوقی است که بعد از تصویب، فورا و بدون لازم داشتن تدابیر اجرایی از آن بهره برداری می شود.

حقوق بشر متداوم -Progressive (Human) Rights

حقوق بشرتدریجی از نسل دوم حقوق بشر و عین حقوق بشر برنامه ای است و هیچ تفاوتی بین این دو اصطلاح وجود ندارد. طبق این حقوق دولت برای انجام دادن تعهدش باید اقدام های تدریجی را (ازقبیل ساختن مکاتب، فراهم کردن کار و شغل) انجام دهد. در مقابل این نوع حقوق، حقوق بشر فوری قرار دارد.

حرکت فی نفسه - Proprio Motu

اقدام کردن به میل و انگیزه خود، به رغبت خود بدون درخواست از جانب کسی یا نهادی. وقتی یک مقام رسمی مثل تعقیب کننده قانونی یا هیاتی مثل کمیسیون یا محکمه، در مورد کدام قضیه حرکت فی نفسه "Proprio Motu" می کنند، این بدین معنا است که فرد یا هیات به میل و انگیزه خود اقدام میکند بدون اینکه کسی، دولت یا کدام سازمان غیر دولتی از فرد یا هیات چنین اقدام را درخواست کند. مثلا، اگر یک پیگرد کننده قانونی درمحکمه بین المللی جنایی، بعد از دریافت اطلاع در باره ارتکاب جرم، تفتیش جنایی را شروع کند بدون اینکه شخص سومی ازقبیل شورای امنیت یا عضوی از اعضای این محکمه چنین درخواستی را بکند، در این صورت گفته می شود که پیگرد کننده در مورد فلان قضیه، اقدام Proprio Motu کرده است و طبق قانون مدون محکمه بین المللی جنایی، این اقدام دارای مشروعیت و جزء وظیفه و کارهای دفتری پیگرد کننده قانونی به حساب می آید.
مشروعیت و عدم مشروعیت چنین اقدام را باید در لایحه وظایف دفتر یا هیات جستجوکرد. اگر اختیارات چنین اقدام برای هیات یا یک فرد در لایحه وظایف یک دفتر یا هیات گنجانیده شده است، در این صورت هیات یا فرد عضودفتر، حق چنین اقدام را دارد و در غیر این صورت از چنین حقی برخوردار نمیباشد.

حالت اضطراری عمومی -Public Emergency

این اصطلاح حقوقی به فاجعه ها یا مصیبت هایی که حیات و موجودیت یک کشور را تهدید می کند، استعمال می شود. فرق نمی کند فاجعه سیاسی باشد، مثل انقلاب یا نظامی مثل حمله و تجاوزمسلحانه و یا طبیعی مثل زلزله، آتش فشان طوفان دریایی و غیره که در تمام این حالات، دولت وضعیت اضطراری اعلان می کند.
حالت اضطراری که در بند تعلیقی کنوانسیونها دیده میشود، به تعویق انداختن بعضی حقوق بشر را موجه و قانونی می سازد. حالت اضطراری به حکومت اجازه می دهد تا برای کنترول کردن این حالت، حقوق بشری خاص را تاهنگامی که حالت اضطراری وجود دارد به حال تعلیق درآورد.
البته حقوق بشر فسخ ناشدنی از قبیل حق آزادی از شکنجه، حق زندگی و غیره حتی درحالات اضطراری نیز قابل تعلیق نمی باشند.

حقوق بین الملل عمومی- Public International Law

نظام قانونی که روابط بین کشورها ، بین کشور ها و افراد، بین کشورها و گروه ها یا بین کشورها و سازمان های بین المللی را تنظیم می کند. قانون حقوق بشر ملل متحد مجموعه ای از قانون بین المللی عامه است.

حبس بدون ارتباط - Incommunicado detention

واژه اسپانیایی که عبارت است قادر نبودن شخص محبوس به داشتن ارتباط (با دیگر اشخاص). این بدین معناست که یک شخص، برخلاف میلش توسط دولت یا عاملین دولت گرفتار و توقیف میگردد و حبس آن بطوری میباشد که هرگونه تماس شخص با محیط بیرون ناممکن میشود. محل حبس محبوس پنهان نگهداشته میشود یا اجازه هیچ گونه تماس با چنین شخصی داده نمیشود. معنای دیگر آن، جلوگیری هدفمندانه شخص محبوس از هر گونه تماس در توقیف رسمی میباشد.

حمایت از اطفال- Children Protection

اطفال باید مانند بزرگسالان از همه حقوق انسانی بر خودار باشند. برعلاوه، موارد ذیل در رابطه به اطفال باید مد نظر گرفته شود:

www.TPTG.ir

با اطفال باید طوری بر خورد گردد که حس ارزش و کرامت در آنها که باعث بر گشت آنها به اجتماع می گردد و برای تامین و منافع و اقتضای سنی آنها ضروری است، تقویت یابد. طفل نباید مورد شکنجه، رفتار ظالمانه و غیر انسانی، تعذیب جسمی قرار گیرد. توقیف و حجز کودکان باید تدبیر نهائی برای آنها بوده، توقیف شان باید کوتاه ترین وقت ممکن را در بر گیرد. اطفال باید از زندانیان بزرگسال جدا نگهداری شوند. اطفال توقیف شده باید حق دیدار با اقارب و خانواده را داشته باشند. به مطالب محرمانه اطفال باید احترام شده و گزارش کامل و محفوظ از آنها یادداشت و سری نگهداری شود.
کار مندان مسئول در رابطه به اطفال باید آموزش دیده و برای این کار مناسب باشند.

حق زندگی- The Right to Life

حق زندگی اساسی ترین و بنیادی ترین حق بشریت است. بنا برآن، این حق باید توسط قانون دولت یا قوانین حوزهء که شخص در آن زندگی می کند، حمایت گردد. هیچ شخصی را نمی توان خود سرانه (بدون مجوز قانونی) از زندگی محروم کرد. این یک نوع وجیبه دولت است تا کسی یا کشوری دیگری نتواند از حق حیات، کسی را خود سرانه محروم سازند. ممنوعیت از گرفتن حق حیات کسی به شکل خود سرانه از جمله قواعد طی مراحل قانونی است که هر گاه شخص در معرض خطر قضاوت خود سرانه قرار گیرد، از آن جلوگیری نماید. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح میدارد که هیچ استثنایی در رابطه به حق حیات وجود ندارد در حالیکه پراگراف 2، 4، 5 و 6 ماده 6 این قانون در رابطه به مجازات اعدام به عنوان استثنای حق حیات نام برده اند.
منابع حق زندگی در حال تغییر است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در رابطه به حق زندگی به عنوان حق ذاتی یاد میکند که ریشه در تاریخ حقوق طبیعی دارد.
شروع به زندگی یک موضوع بحث بر انگیز است. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق اروپایی حفاظت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، و منشور آفریقایی حقوق بشر در زمینه خاموش اند. منشور آفریقایی حقوق بشر تصریح میدارد که حق زندگی از زمانی که القاح صورت میگیرد باید توسط قانون حفاظت گردد. لحظه القاح در رویه قضایی متفاوت است. در اعلامیه اسلامی حقوق بشر در مصر آمده است که طفل از لحظه تولد به بعد دارای حق شناخته میشود زیرا زندگی در همان لحظه آغاز میگردد. جالب است بدانیم که در قانون اساسی ویرجنیا در سال 1776 آمده است که مرد ها دارای بعضی از حقوق ذاتی از زمانی که داخل اجتماع بشری میگردند، میباشند. باالفرض که شخص با تولد شدن داخل اجتماع میگردد. علوم طبی و تکنولوژی عصری درپی موضوع انکشاف جنین با استفاده از تکنیک های دیگر میباشند. بر علاوه، این علم و تکنولوژی امروز توانایی آنرا دارند که زندگی فزیکی را اضافه تر از زندگی مغز انسان ادامه بدهند. رویه قضایی باید تعریف زندگی را با توجه به این موضوعات بحث بر انگیز در نظر بگیرد.

حسابدهی؛ پاسخگو - Accountability/Accountable

یک التزام یا رضایت که به موجب آن مسئولیت قانونی، سیاسی و معنوی در رابطه به عملکرد ها در مقابل جامعه پذیرفته میشود. یک تئوری سیاسی دموکراتیک که مسئولیت نهایی را بالای مردم یک جامعه بخاطر اعمال تمام مامورین میگذارد.

حالت و چگونگی موظفین خدمات عامه/نماینده گان/مامورین، مثلا؛ پولیس، سرباز، جنرال، وزیر دفاع، وزیر داخله، رئیس جمهور مبنی بر داشتن التزام یا رضایت برای قبول نمودن مسئولیت شخصی مثلاً برای اعمال شان در مقابل شهروندان یا جامعه بین المللی بخاطر چاره جویی، مجازات، تحذیر یا جبران غرامت برای هرگونه تخطی حقوق بشر.

حقوق- Rights

حقوق عبارت است از مجموع قواعد کلی که بر رفتار اشخاص که در جامعه زندگی می کند و یا بر ارگانهای حکومت که اداره جامعه را به عهده دارند، و بر ارتباط افراد با ارگانهای حکو مت و در ارتباط با دیگر واحد های سیاسی، ظاهر می شود و اجرای آن از جانب دولت تضمین می گردد.

حقوق اقلیت ها- Minority Rights

اقلیت های مقیم در یک جامعه باید حقوق یکسان با سایر گروه های بزرگ و یا اکثریت جامعه داشته باشند و با هیچ گونه تبعیض اجتماعی ،سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مواجه نگردند.
اقلیت ها، گروهی ازجمعیت های یک کشور را گویند که در حاکمیت شرکت فعال نداشته و از نظر تعداد کمتر از سایر جمعیت باشند. اقلیت ها ویژگیهای متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در جهت حفظ فرهنگ ، اداب و رسوم ، مذهب یا زبان خود هستند.

حقوق بشری زنان- Women Human Rights

زنان مستحق استفاده از حقوق انسانی مساویانه در همه ساحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی وعرصه های دیگر اند. این حقو ق، شامل حق زندگی مساوات، آزادی، مصئونیت شخصی، مساوات در مقابل قانون، آزادی از تبعیض، بر خورداری از صحت جسمی و روانی کامل، شرایط عادلانه و مناسب کار، آزادی از شکنجه و اعمال دیگر ظالمانه و بر خورد غیر انسانی می گردد.

خشونت علیه زنان به هر شکلی که باشد حق زنان را در استفاده از حقوق و آزادی های اساسی و انسانی شان پایمال و آسیب پذیر می سازد.

زنان دستگیر شده و توقیف شده نباید از تبعیض متضرر شوند و باید از هر گونه خشونت و سوء استفاده در امان بمانند. زنان توقیف شده باید توسط زنان تلاشی، نظارت و اداره شوند. برای زنان حامله و مادران شیر ده باید تسهیلات لازم آماده گردد.

حقوق بین المللی عمومی – General International Law

یک اصطلاح گنگ و مبهم با دو معنی عمومی. برای بعضی ها این اصطلاح به مفهوم نورمهایی که در دو منبع قانون بین المللی وجود دارد به حیث کنوانسیون میباشد مثلاً قانون پیمان و قانون عرفی بین المللی تا اندازه ای که این نورمها بالای تمام کشورها قابل تطبیق میباشد در حالیکه بعضی دیگر میگویند که این اصطلاح فقط به قانون عرفی بین المللی راجع میگردد بخاطریکه بالای تمام کشورها تطبیق میگردد. معنی اول این اصطلاح احتمالا بهترین آن است.
اگهی: قانون عمومی بین المللی مثل اصول کلی قانون نمیباشد.

حقوق دستجمعی- Collective Rights

حقوق که به طبیعت و خصوصیت های خود به جوامع تعلق دارد. چنین حقوق، حقوق اقلیت ها را که از شمار معین افراد عبارت بوده و به همدیگر پیوند ملی، مذهبی یا زبانی دا رند، تشکیل می دهد.
حقوق مردم، حق خود شناسی، حق رشد و انکشاف، حق صلح و امنیت، حق داشتن محیط زیست سالم و غیره را در بر می گیرد.

حاکمیت ارضی Territorial Sovereignty

خودمختاری ارضی یکی ازاصول عمومی قانون بین المللی است که طبق آن یک دولت حق دارد اختیارات قانونی اش را بالای اشیا واشخاصی که در محدوده جغرافیایی اش قراردارد اجرا نماید وکشورهای دیگر حق ندارند اختیارات قانونی شان را در محدوده جغرافیایی کشور دیگر پیاده نمایند.

www.TPTG.ir

خدمات مشورتی - Advisory Services

وظیفه یک دفتر یا سازمان بین المللی بین الحکومتی که بموجب آن دولت عضو را در رابطه به مشکلات مربوط به حقوق بشر یا در کوشش برای تحکیم زیربناء های ملی کمک مینماید (مثلاً در عرصه سیستم حقوقی: قانون اساسی، قوانین، قواعد، قضایی، څارنوالی)، که برای تطبیق معیارهای بین المللی حقوق بشر ضروری میباشد. یک چنین دفتری دارای کارمندان متخصص در عرصه حقوق بشر میباشد که به کشورها در رابطه به ایجاد و کاربرد سیستم ملی مشورت میدهند تا به بهترین وجه با معیارهای بین المللی مطابقت داشته باشند. بهترین مثال در این رابطه دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر میباشد که چنین خدمات و مساعدت را از طریق سیمینارها، کارشناسی حقوقی، کورسهای آموزشی و کمک هزینه تحصیلی ارائه مینماید. دفتر کمیشنری عالی ملل متحد مساعدت خود را به کشورهایی که تقاضای مساعدت را بکنند، یا بعضی اوقات نظر به ارجاع در رابطه به یک کشوریکه مورد بررسی بخاطر تخطی های حقوق بشر قرار گیرد، ارائه میکند.

خسارات مادی جنگ - Collateral damage

آسیب های وارده به اشخاص و اشیای غیر نظامی در جریان حمله در جنگ های مسلحانه و فرارفتن آسیب ها از هدف های نظامی به اشیا و اشخاص غیر نظامی می باشد.

خسارات- Damages

عبارت است از ضررهایی که در نتیجه اعمال غیرقانونی بین المللی به افراد یا دارایی آن ها وارد می شود که این ضررها از طریق پرداخت غرامت یا پول با ید جبران شود.

خارج از حدود اختیارات قانونی- Ultra Vires

عملی/اقدامی که بیرون از محدوده اختیارات قانونی باشد. وقتی سازمان یا محکمه ای عملی را انجام دهد که در لایحه وظایف آن گنجانده نشده باشد یعنی عملی را انجام دهد که ازاختیارات قانونی اش خارج باشد وصلاحیت انجام دادن آن را نداشته باشد در این صورت به چنین عملی، عمل خارج از حدود اختیارات قانونی گفته می شود.
عمل های خارج ازحدود اختیارات قانونی، غیرقانونی وفاقد جنبه مشروعیت می باشد زیرا این اعمال هیچ گونه پشتوانه قانونی ندارند وازاین جهت سازمان یا محکمه بزرگتر حق دارد این عمل را ابطال یا تصویب کند یعنی محکمه یا محکمه بالاتر علاوه بر حق ابطال ،حق دارد این اعمال را قانونی ومشروع نیز اعلان کند.

خشونت علیه زنان- Violence Against women

هرگونه خشونت مبنی برجنسیت از قبیل تهدید، اجبار ،سلب آزادی وغیره که به زنان آسیب جسمی، روحی یا جنسی وارد کند و زندگی فردی یا اجتماعی آن ها را متاثر سازد ، می باشد.

خدمت غیر داوطلبانه - Involuntary Servitude

مجبورکردن افراد به انجام دادن کارهایی که بر خلاف خواسته ومیل شان باشد از قبیل شکنجه وغیره وکارهای دیگری که افراد با میل واراده خودشان آنرا انجام نمی دهند،استثمارکردن افراد ازلحاظ اقتصادی،نداشتن آزادی وقدرت تصمیم گیری در روش زنده گی.شکل های مخصوص از کارهای اجباری ازقبیل خدمات نظامی وکارهای اجباری در زندان معمولا استثنا می باشند واین اصطلاح شامل این موارد نمی شود.خدمت اجباری رعیتی با برده داری کاملا فرق دارد زیرا در برده داری، برده دار برده را ملکیت خودش می پندارد.

www.TPTG.ir

خسارت معنوی – Moral Damage

اعطای حکم یک محکمه برای یک عارض در یک قضیه متداوم تا اعمال خراب وضعیت متهم را فراتر از خسارتی واقعی که اتفاق افتاده است، مجازات نماید. ویا آ نچه که شئونات معنوی شخصی را خدشه دار سازد، گفته می شود.

خارج از دایره قانونی- Extralegal

کاری که خارج از کارهای مجازباشد،کارهای غیر قانونی و خارج از دایره قانون،کاری که بدون تصدیق قوه مقننه،مجریه و قضایی صورت بگیرد برای مثال اعدام غیر قانونی که توسط حکومت بدون طی کدام مرحله قانونی صورت بگیرد.

خود مختاری- Autonomy

مفهوم دقیق این اصطلاح خود اداره کردن است این اصطلاح یکنوع تصور مستقلیت و صاحب اختیاری را بر می انگیزد، در نظریه عنعنوی بین المللی تمام دولتها خود مختار میباشند یعنی تابع حکومت بیرونی نمیباشند. حالا خود مختاری نه همچون درجه مطلق استقلالیت بلکه درجه نسبی به شمارمی آید زیرا اکنون دولتها تا اندازه معین باهم ارتباط متقابله دارند. اصطلاح خود مختاری دیگر اصطلاح مستقل را عوض کرده نمی تواند پرنسیب استقلال تنها به دولت ها ارتباط دارد و پرنسیب خود مختاری میتواند برای هرگونه حدودی که زیر نظارت دولت نیست، بکار برده شود.

دسترسی / الحاق کردن- Accession/Accede

یک عملکرد بین المللی که بموجب آن یک دولت در یک سطح بین المللی پیمانی را امضاء مینماید. چنین عملکرد دسترسی در یک سند بین المللی نوشته میشود که در معنا مشابه به یک سند قبولی یا تصدیقنامه، تصویب، الحاق یا دسترسی میباشد. اصطلاح دسترسی وقتی استفاده میشود که دولت امضاء کننده پیمان اصلی که به قدر کافی توسط دیگر دولتها تصویب شده است، نمیباشد. توسط همچو یک سند، به یک دولت گفته میشود تا به تعهدات این پیمان بپیوندد. این تقریبا به معنای الحاق میباشد. ارائه یا سپردن سند دسترسی، دولتین را به طور قانونی مکلف به اطاعت از مواد پیمان میکند.

دلیل تصمیمگیری – Ratio Decidendi

یک اصطلاح قضایی لاتین به معنی دلیل در عقب تصمیم یک قضاوت در یک قضیه میباشد. این به معنی دلایل یا اصول عمومی است که به اساس آن روی یک قضیه یا مسئله تصمیم گرفته شده است. اکثر اوقات، این اصطلاح در زمینه محکمه استفاده میگردد تا توضیح دهد که چرا محکمه یا دیوان چنین تصمیمی گرفت.

دلیل برای قانون – Ratio Legis

دلیل برای وضع قانون. تا اندازه ای عین هدف و مقصد یک پیمان میباشد. اصلی که به اساس آن یک قانون وجود دارد.

درک وپذیرش (شکایت)- Seize (of Complaint)

این اصطلاح توسط دستگاه قضایی چون محکمه، یا دستگاه غیر قضایی از قبیل کمیسیون یا کمیته که برای حل وفصل شکایات رسمی ماموریت داشته باشند، به کار برده می شود. منظور از این اصطلاح این است که محکمه قضایی یا شبه قضایی قابل ملاحظه بودن شکایت راجع به نقض حقوق بشر را پذیرفته اند ومی خواهند برای حل و فصل قضیه، از صلاحیت واختیارات قضایی شان استفاده کنند.

دفاع مشروع- Self-Defense

طبق این اصل حقوقی بین المللی، هرکشور براساس قانون عرفی بین المللی حق دارد برای حفظ استقلال وتمامیت ارضی اش از تجاوز بیرونی، از نیروی نظامی استفاده کند.دفاع مشروع گاهی انفرادی وگاهی دسته جمعی است ودفاع دسته جمعی حالتی است که چند کشور از یک کشور به طور مشترک دفاع کنند. برای معلومات بیشتر به ماده 51 منشور ملل متحد مراجعه شود،با اینکه چنین دفاع حق مشروع هرکشور است اما اصل های دیگرازقبیل اصل تناسب برای این حق، یک سلسله محدودیت ها نیز ایجاد کرده است.

دولت- State

یک سازمان وقدرت سیاسی وحقوقی که ویژه گی های ذیل را دارا باشد:

1. هیات مشخص ودایمی مردم.
2. قلمرو کم یا زیادی که این نهاد آن را دربرمی گیرد.
3. حکومت منظم که صلاحیت کنترول موثر این قلمرورا داشته باشد.
4. ظرفیت ایجاد وادامه روابط بین الملل.

بیشتر این نکته نیز گفته می شود که یک کشور باید طبق قانون بین المللی وبرای احترام به حقوق بشر تعهدش را انجام دهد.

دولت باید مستقل باشد واستقلالش را در قلمروی خودش باید اعمال کند دولت دارای شخصیت حقوقی است که از حق خود مختاری برابر برخوردار بوده واز نظر قانونی با همه کشورهای دنیا برابر می باشد.

دستور مافوق - Superior Order

این اصطلاح عبارت است از دفاع حقوقی سربازان نازی درمحاکمه ای که در پایان جنگ جهانی دوم برای مجرمین جنگی برگزارشده بود. عساکر نازی به بهانه اطاعت از دستور فرمانده ارشد شان اظهار بی گناهی وازخود دفاع می کردند، آن ها می گفتند که سربازان هیچ تقصیری ندارند زیرا آن ها صرف به وظیفه شان عمل می کنند. این نوع دفاع جنایی اگرچه برای نجات یافتن ازتقصیر ومسوولیت جنایی کافی نیست اما مجازات سربازانی را که مرتکب جنایت جنگی شده اند کاهش می دهد.

درمقابل- Vis a Vis

معانی این اصطالح لاتینی عبارت است از " درمقابل" ،"درمقایسه با". برای مثال حقوق بشر حقوقی است که افراد درمقابل حکومت،آن را دارا می باشند.

دعوای افراد (درمقابل دعوای حکومت)
Individual Complaint(VS. State Complaint)

دعوایی که توسط یا ازطرف فرد یا افراد برعلیه دولت دایر شده باشد که درآن دولت را به نقض حقوق بشر متهم می کنند واین نوع از دعوا درمقایسه با دعوای بین الدولی استعمال می شود.

در حاشیه قرار گرفته (شخص/گروه)
Marginalized (Group/Person)

وضعیت اشخاص یا گروه هایی که در یک موقف غیر مهم و بدون قدرت در یک جامعه محول شده اند و بعضی اوقات به اجبار به یک ساحه دور مرزی، غیر انکشاف یافته، از لحاظ سیاسی کم اهمیت یا انکار از حق ایشان برای اشتراک در عرصه سیاسی حتی در موضوعاتی که بالای منافع آنان تاثیرگذار میباشد صورت پذیرفته است. بعضی اوقات این اصطلاح در عموم برای این استفاده میگردد که کدام شخص از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کم اهمیت، محروم یا بدون قدرت در مقایسه با دیگر افراد جامعه واقع شده است یا میشود.

دعوی مردم Actio Popularis

یک لغت لاتین است که اکثراً در سیستم کنوانسیون حقوق بشر اروپایی دیده میشود که به معنی یک عرض حال است که ادعای تخطی بالقوه را توسط یک دولت به اساس قانون یا قاعده که تا هنوز تطبیق نگردیده است ، مینماید. این تا اندازه ای وابسته به دعوی دسته جمعی است که به نماینده گی از اشخاص زیادی صورت گرفته است و همه اشخاص در شرایط مشابهی بوده اند. مانند شکایت نمودن به نماینده گی از هر کسی که از تطبیق قانون متاثر شده اند میباشد. این اصطلاح وقتی بکار میرود که محکمه/کمیسیون روی قبولیت تحریک دعوی بحث میکنند، که آیا شخص عارض خود یکی از قربانیان این تخطی میباشد یا نه.
شکایت Actio Popularis در عموم قابل قبول در صلاحیت متنازع فیه نمیباشد. در سیستم ECHR هم غیر قابل قبول میباشد در حالیکه این اصطلاح اغلبا دیده میشود.

درخواستی/ تطبیق – Application

1. یک شکایت: یک شکایتنامه اتهامی به یک مجمع حقوق بشر بین المللی که ادعای تخطی حقوق بشر را توسط یک دولت مینماید. بعضی از سیستم ها اصطلاح "درخواستی" را به عوض عریضه یا شکایتنامه استفاده میکنند. معنای_ همه اینها یکسا ن است. یک چنین درخواستی به یک مجمع قضایی یا شبیه مجمع قضایی بین المللی ارائه میگردد تا در مورد تخطی حقوق بشری که اتفاق افتاده است راه حل را جستجو یا قضاوت نماید. این نوع درخواستی میتواند توسط افراد، سازمانهای غیر دولتی یا حتی کشور ها ارائه گردد که البته این مربوط به سیستمی میگردد که این را بررسی میکند. (مثلاً: ملل متحد یا انجمن اروپا).
2. تطبیق نورم ها: اجراء عملی و استفاده نورمهای حقوق بشر توسط یک کشور – رفتن از کلمات به متن و از متن به واقعیت و در عمل. بعضی اوقات برای رجوع به اجرات واقعی یک کشوری استفاده میشود که نظر به نورم های قابل تطبیق مورد قضاوت واقع میگردد. یک کشور اصولا مستلزم تطبیق نورمها در امورات عامه روزانه خویش میباشد تا بتواند اجرات خویشرا هماهنگ با معیارهای بین المللی نماید. "تطبیق" اعمال واقعی یک کشور در راه انجام التزامات حقوق بشر میباشد. این همچنان مربوط میگردد به اینکه یک کشور چطور نورمها را تطبیق میکند.

دفاع مشروع دسته جمعی - Collective self defense

حق بین المللی ورایج هر کشور برای شامل شدن در توافق نامه و اقدام های مشترک دوجانبه یا چند جانبه با کشورهای دیگر برای دفاع مشترک از کشوریا کشورهای عضو که مورد حمله قرار می گیرند.این حق فطری و ذاتی هر کشور است که از

خودش دفاع کند و از دیگران برای دفاع کمک بخواهد. دفاع دسته جمعی وقتی مشروعیت دارد که به آن ضرورت عاجل احساس شود وهیچ راه انتخاب دیگر برای بررسی وجود نداشته باشد. کارها واقدام های دفاع دسته جمعی باید به تناسب حمله صورت گیرد. دفاع دسته جمعی درماده 51 منشور ملل متحد ذکر شده است.

دهه (ملل متحد) - Decade (UN)

عبارت است از برنامه مبارزه ده ساله علمی و تبلیغاتی سازمان ملل درباره موضوعات یا گروه خاص از مردم.این برنامه ده ساله ملل متحد، در قطعنامه مجلس عمومی ملل متحد برای آگاهی وترقی در عرصه های مورد علاقه ملل متحد اختصاص می یا بد. برای مثال دوره ده ساله 1995-2004، دهه "تعلیم وتربیه حقوق بشر" ملل متحد بود که در این دهه فعالیت های ملل متحد بیشتر روی تعلیم وتربیه حقوق بشر متمرکزبود.

دیکتاتوری - Dictatorship

حکومت توسط فرد واحد، حزب یا گروهی که مسوول و پاسخگوی مردم یا نماینده های منتخب مردم نباشند.

در عمل پیاده شدن ؛ لازم الاجرا شدن
Enter/Entry Into Force

به معنی پروسه، نقطه زمانی و غیره میباشد که بموجب آن یک پیمان قابل اجرا میگردد و کاملا بالای کشور های طرف امضاء کننده که پیمان را تصویب کرده اند، لازم الاجرا می شود. معمولا در عمل پیاده شدن بصورت مخفف انگلیسی EIF نوشته میشود و این به تعقیب یک مقرره مخصوص در جریان تصویب یک تعداد از مصوبه های دولتها واقع میگردد. وقتیکه تعداد مقتضی سندهای مصوبه فراهم میگردد، بعد از آن این پیمان در عمل پیاده می شود. معمولاً دو تاریخ مشخص در رابطه به ذکر یک پیمان وجود دارد: (1) تاریخ تصویب پیمان و (2) تاریخ در عمل پیاده شدن پیمان. مثلاً: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال 1966 اتخاذ گردید و در سال 1976 در عمل پیاده گردید.

درواقع یا حقیقی -IPSO FACTO

این لفظ لاتینی است وبه معنای حقیقی وچیزی که واقعیت عینی وخارجی داشته باشد استعمال می شود.برای مثال انسان چهارساله واقعا ودر حقیقت(ISPO FACTO)طفل است. نه چیزی که وجودش در دنیای قانون فرض وخواسته شده باشد.

در نظر اول – Prima Facie

1. در زمینه قضیه وشکایت:
این اصطلاح لاتینی به قضیه یا شکایتی استعمال می شود که در نظر اول وقبل ازبررسی مدارک وشواهد، درست وپذیرفتنی به نظر برسد.واقعیتی که در قدم اول وتا ثابت شدن نادرستی اش درست فرض می شود.برای مثال قضیه **Prima Facie** در مورد نقض حقوق بشر به قضیه ای گفته می شود که قبل ازبررسی شواهد ومدارک ،واقعی ودرست به نظر برسد یعنی ظاهر قضیه طوری است که گمان می رود واقعا نقض حقوق بشر صورت گرفته است.وهمین طور شکایت **Prima Facie** شکایتی است که قبل ازطی مراحل شواهد ومدارک، حق ودرست به نظر برسد.
2.درزمینه حقوق بشر:
در مورد حقوق بشر این اصطلاح لاتینی به حقوق بشری استعمال می شود که در نگاه اول مطلق،غیرقابل تعلیق وفسخ ناشدنی به نظر می رسد اما به دنبال این حقوق، شرط ها وقید های ذکرشده است که این حقوق را از مطلق بودن خارج می کند وآن را مقید یا قابل تعلیق می سازد.نمونه از این نوع حقوق بشررا می توان در ماده 19.1 میثاق بین المللی

حقوق سیاسی ومدنی یافت وآن عبارت است ازآزادی بیان که درقدم اول مطلق و فسخ ناشدنی می نماید اما در ماده 19.2 همین معاهده قیدها وشرایطی ذکرشده که آزادی بیان را محدود ومقید می سازد زیرا طبق همین ماده در صورت وقوع وضعیت فوق العاده برای حفاظت از صحت عامه،امنیت وآسایش ملی حکومت می تواند برای آزادی بیان محدودیت ایجاد کند.
درمقابل حقوق بشر**Prima Facie**، حقوق بشر مطلق به حقوقی گفته می شود که درهیچ صورت وشرایط حتی در وضعیت فوق العاده نیز برقوت خود باقی باشد: مثل حق آزادی از شکنجه که هیچگونه محدودیت زمانی ومکانی را نمی پذیرد وحقی است که همیشه مطلق وغیر قابل تعلیق است.

دولت عضو- State Party

کشور عضو به کشوری گفته می شود که معاهده را امضا وتصویب نموده و تعهد قانونی اش را به آن اعلان کرده باشد.هیچ کشوری را که معاهده حقوق بشر را امضا نکرده است نمی توان به نقض حقوق بشر متهم کرد. یعنی نقض حقوق بشر در حق کشوری که معاهده حقوق بشر را امضا نکرده است معنا ندارد.برای این معنا (کشور عضو) اصطلاحات جداگانه از قبیل شریک، طرف عالی معاهده وغیره در نظام های مختلف معاهده ها وجود دارد که هریکی از این نظام ها یکی ازآن اصطلاحات را برای این معنا به کار می برند.

دستگیر (کردن)– Arrest

دستگیر کردن عبارت گرفتاری شخص است که توسط ارگانهای امنیتی روی شواهد یا دلایل ویا هم برخلاف احکام قا نون وارزشهای حقوق بشری صورت می گیرد.
هر کس حق آزادی ، مصئونیت فردی دارد. هیچ کس نباید معروض به دستگیری خود سرانه شود.
هیچ کس نباید از حق آزادی محروم شود؛ مگر مطابق به احکام در قانون نافذ شده است.
هر کس که دستگیر می شود باید بدون معطلی در موقع دستگیری از دلیل دستگیری اش آگاه ساخته شود. هر کسی که دستگیر می شود،باید بدون معطلی از اتهام وارده علیه وی آگاه وبزودی به مقام عدلی و قضائی آورده شود.شحص دستگیر شده حق حضور در یک مقام عدلی و قضائی بخاطر مشروعیت دستگیری وتوقیف خود را بدون معطلی دارد.
در صورتی که توقیف موصوف غیر قانونی ثابت شود ، باید رها گردد.هم چنین کسی که دستیگیر می شود حق دارد در یک وقت معین و معقول مورد محاکمه قرار گیرد و در صورت به اثبات نرسیدن جرم ، رها گردد.
تمام اشخاص دستگیر شده ویا توقیف شده باید به وکیل مدافع ویا نماینده قانونی دیگر ، دسترسی داشته وفرصت کافی برای تماس با نماینده قانونی خود داشته باشند. به فامیل شخص دستگیر شده باید فوراً از دستگیری وی معلو مات داده شود. هیچکس نباید مجبور ساخته شود تا علیه خودش شهادت بدهد. در صورت ضرورت در وقت استنطاق ترجمان استخدام شود.

رفیق محکمه - Amicus Curiae

(به زبان لاتین) به شخص یا گروهی میگویند که حق اقدامات حقوقی را منحیث یک طرف دعوی ندارند اما توسط محکمه اجازه دارند تا استدلال حقوقی یا معلومات واقعی را در رابطه به یک مسئله تعیین شده ارائه نماید تا محکمه را در فهمیدن یک مسئله بغرنج یا مسئله جدید کمک نماید. این اشخاص یا گروه توسط محکمه احضار میگردند و معمولاً از طریق درج یک آگاهی مختصر حقوقی موقعیت خویشرا تعیین میکنند. در قضایای بین المللی، "رفیق محکمه" اجازه دارد تا برای اشتراک در یک محاکمه یا مرحله استیناف درخواست نماید اما فقط با داشتن اجازه قبلی محکمه.

رعایت / مطابقت - Compliance

یعنی مطابقت رفتار یک دولت با معیار های رفتاری که در یک اصل قانونی به وجود آمده باشد. به دولتی که رفتارهایش مطابق این معیارها نباشد، متخلف از تعهدات هنجاری گفته می شود.

رویه بالمثل - Retorsion

در قانون بین المللی این اصطلاح به اعمال غیرقانونی که یک کشور به عنوان عکس العمل در مقابل اعمال غیرقانونی کشوردیگر اتخاذ می کند، استعمال می شود. کشوری که مورد تعدی کشور دیگر قرار می گیرد با کشور دوم رویه بالمثل می کند بطور مثال وقتی یک کشور دیپلومات های کشور دیگر را اخراج کند کشور دوم نیز دیپلومات های کشور اولی را به عنوان انتقام از خاکش اخراج می کند. عملی که یک دولت در مقابل عمل دولت دیگری انجام میدهد و عمل اخیر کاملاً مشابه رفتاری است که از دولت اولی سر زده بوده است.

رفتار/مجازات بی رحمانه - Cruel Treatment/punishment

عبارت است از رساندن درد، رنج، زخم و اندوه توسط دولت بدون از احساسات انسانی که معمولا دراصول پیمانهای حقوق بشر همراه با اعمال ضد انسانی و مجازات توهین آمیز دیده می شود.موارد ذیل همه مرحله هایی از مجازات شدید می باشند:

1. رفتار بی رحمانه: اگر رفتار بی رحمانه به منظور مجازات شخص به خاطر جرم سابقه اش، انجام می شود، در اینصورت این عمل به رفتار بی رحمانه صدق می کند.
2. مجازات بی رحمانه: اگر عمل بی رحمانه به منظور مجازات شخص به خاطر جرم سابقه اش انجام داده شده است اینجا نیزمجازات بی رحمانه صدق می کند.

مجازات ورفتار بی رحمانه هر دو با عظمت فطری شخص ناسازگار بوده ونقض حقوق بشر به حساب می آیند. (برای معلومات بیشتر به ماده هفتم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مراجعه شود).

روند حقیقت یابی/در مسافرت ها ومامووریت ها
Fact Finding Process/Mission/Trip

1. روند: عبارت است از هرگونه فعالیت به منظور یابیدن حقایقی که به مساله یا حالت مورد نزاع مربوط می شود.
2. ماموریت/سفر:عبارت است از میکانیزم بازرسی حقوق بشربرای حقیقت یابی که این میکانیزم، افراد یا گروه از افراد را موظف می کند تا با رفتن به کشور های دیگر در مورد مسایل وحالات مربوط به حقوق بشر تفتیش لازم را به عمل آورده، معلومات اصلی را به دست آورند واز معلوماتی که در حقیقت یابی مورد استفاده قرار می گیرد پرده برداری نمایند.

این تیم تفتیشی، گذارش های شان را در مورد حقیقت یابی به جایی تسلیم می کنند که این تیم ازآنجا برای تفتیش موظف شده است.

این تیم تفتیشی از طریق مصاحبه با افراد متاثر وقربانی تخطی،شاهدان،مقامات دولتی یا غیر دولتی مثل سازمان های غیر دولتی،رهبران اتحادیه ها،مقامات کلیسا ومساجد که همه این ها می توانند در باره مسایل عمومی حقوق بشر اطلاعات حقیقی را فراهم کنند،اطلاعات لازم را جمع آوری می کنند. این تفتیش معمولا وقتی صورت می گیرد که واقعه ای مثل قتل عام وناپدید شدن افراد در جایی رخ می دهد که در این صورت این تیم برای جمع آوری مدارک ویافتن حقایق به این مناطق سفر می کنند.معمولا این تفتیش در دفتر های دولتی،محل قبرهای دسته جمعی،زندان ها،مقر پولیس وپایگاه های نظامی انجام داده می شود. گذارش های موضوعی ،وضعیت عمومی یک کشور یا حقایق مربوط به یک قضیه مورد نزاع که براساس شکایت رسمی مطرح شده باشد همه مو ضوعات حقیقت یابی را تشکیل می دهند.

رهنمودها – Guidelines

www.TPTG.ir

یک مجموعه نوشته شده از ملاحظات، معیارها و اقدامات پذیرفته شده بین المللی است که دولت باید آنرا رعایت و به آن عمل نماید و در وضع قوانین و سایر اجرات ملی آنرا تطبیق نماید چنانکه بالای یک گروه مخصوص از مقامات دولتی در یک جامعه، مثلا پولیس تطبیق میگردد. این رهنمودها که توسط ملل متحد تهیه گردیده است، نورمهای حقوقی در یک سند حقوقی نمیباشد اما هر گاه این نورمها توسط یک دولت از طریق آموزش و تدریس قبول شود و عملاً اجراء گردد، اینها گروه فاعل را بر آن خواهد داشت تا بطوری عمل کنند تا حقوق بشری اعضای جامعه محافظت و احترام گردد. مثلاً یک مجموعه از رهنمودهای ملل متحد برای ځارنوالان وجود دارد که در سال 1990 اتخاذ گردید که هدف آن محفوظ داشتن و ارتقاع موثریت، بیطرفی و انصافمندی ځارنوالان در پیگردهای جزایی میباشد. دولتها میتوانند که تطبیق این رهنمودها را نظر به سیستم های داخلی خود قبول یا رد کنند. هدف این رهنمودها اینست تا مقامات ملی دولتها را کمک کند تا از تخطی های حقوق بشری اجتناب ورزند.

روند هلسینکی -Helsinki Process

این اصطلاح به طور غیر رسمی برای توصیف فعالیت های سازمان امنیت وهمکاری اروپا یا کنفرانس همکاری و امنیت اروپا درکشورهای عضو در زمینه حقوق بشر،استعمال می شود.این فعالیت ها در لایحه وظایف سند نهایی توافق هلسینکی ذکر ودر سند میکانیزم بعدی این توافق تطبیق شده است.

رفتارانسانی (با افراد در برخوردهای مسلحانه)
Human Treatment (of persons in armed conflict (Vs. Immune Treatment))

این اصطلاح بیشتر در قانون بشری برای بیان رفتارهای انسانی دیده می شود.این اصطلاح می خواهد به افرادی که دراختیارکسی دیگر قراردارد از آب،نان،حفاظت وامنیت،لباس ومراقبت های طبی محروم نمانند ومورد هیچگونه بی احترامی جسمی و روحی یا رفتاربد دیگرواقع نشوند.
رفتاری که به عظمت فطری انسان ها احترام گذارد وبا حداقل معیار رفتارانسانی در منازعات مسلحانه مطابقت داشته باشد.

رفتارغیرانسانی - Inhumane Treatment

شبیه به رفتارغیر انسانی در برخوردهای مسلحانه است یعنی اعمال خشن،وحشیانه وبی رحمانه با افراد گروه مخالف در برخوردهای مسلحانه از جانب کسانی که کمترین معیارهای انسانی را در برخورد های مسلحانه مراعات نمی کنند. نبود رحم بر مجروحین ورنج دیده گان، رفتار غیر انسانی به حساب می آید.

رفتار یا مجازات غیر انسانی
Inhumane Treatment/Punishment

یعنی مجازات ورفتار دولت با فرد محاکمه شده طوری باشد که نشان دهد آن فرد به طبقه پایین انسانیت تعلق دارد واین گونه رفتارها به طورآگاهانه به طرف ،آسیب های شدید ذهنی وجسمی برساند.این نوع رفتار اگرچه پایین تر از درجه شکنجه است اما طبق قانون بین المللی مثل شکنجه عمل غیر قانونی وممنوع می باشد.اعمالی که درجه بربریت و خشونت را بیان می کند وبابزرگی وعظمت فطری انسان ها در تضاد است قرار ذیل می باشد:(توجه: مجازات غیرانسانی را با مجازات انسانی خلط نکنید)

1."رفتارغیرانسانی": این اصطلاح وقتی صدق می کند که رفتارغیرانسانی بایک فرد به خاطرجرم وتخطی سابقه اش نباشد.

2. "مجازات غیرانسانی": وقتی رفتارغیرانسانی بایک فرد به خاطرجرم وتخطی های سابقه وی باشد این جا "مجازات غیر انسانی" استعمال می شود.
درهر دوصورت،هریک ازمجازات ورفتارغیرانسانی با عظمت فطری انسان ناسازگار ونقض حقوق بشر به حساب می آید.
برای معلومات بیشتر ماده هفتم " پیمان حقوق سیاسی ومدنی" را مطالعه شود.

رفتار ملی- National Treatment

ستاندارد رفتارملی یعنی نظام عدلی یک کشور مکلف است با اتباع بیگانه یا خارجی که درقلمرو کشور زنده گی می کنند طوری رفتارکند آنچنانکه با اتباع کشور خودش رفتارمی نماید . معیاررفتار با اتباع بیگانه کمتر ازمعیار رفتاری نباشد که اتباع این کشور ازآن بهره مند می شوند .معیاررفتارملی از معیارهای کلاسیک دیگر ومعیار های حداقل بین المللی کمتر نیست .

رفتار متفاوت- Differential treatment

عبارت است از رفتار حکومت با افراد یا گروه از مردم که این رفتار با رفتارحکومت با افراد وگروه دیگر کاملا فرق دارد و حکومت این رفتار تبعیض آمیزرا برمبنای خصوصیات وویژه گی های این گروه انجام می دهد. مثلا بر اساس نژاد،مذهب ورنگ که همه مثال های از این ویژه گی ها می باشند.

رژیم استبدادی- Authoritarian Regime

نوع از رژیم سیاسی بوده که برعکس دموکراسی میباشد و این نوع رژیم نیاز به حمایت و موافقت جامعه ، رهبران دولت ندارد.
انتخابات و مباحثه ها غرض نشاندهی قانونیت و دموکراسی استفاده میشود و حالانکه در اصل نظارت کامل بدست حکومت داران میباشد. حکومت داران قدرت طلب حکومت خود را بر اساس اصول های که خصوصیت مذهبی و یا ملت گرائی دارند تشکیل می دهد، حکمرانی آنها اساساً نه به محدودیتهای قانون اساسی بلکه به مجبوریت تکیه میکنند. چهار عامل اساسی که باعث تضعیف حکومت استبدادی میگردد و امکان رهائی از آن را فراهم میآورند عبارت اند:

1. حکومت استبدادی موقتی بودن وضعیت راکه باعث بوجود آمدن آن گردیده است در ک میکند و بنابر این در صورت عدم ضرورت به همچون نظام، این نظام از هم میپاشد،
2. حکومت مشروعیت خود را از دست میدهد چون حکومت بدون مشروعیت ، حمایت و توافق جامعه نمی تواند وجود داشته باشد، ناگزیر برهم میخورد،
3. حل وفصل نزاع های داخلی دسته حکمران مخصوصاً در داخل بلاک نظامی امکان پذیر میگردد و بعضی از بلاک حکمرانها تصمیم میگیرند تا برای بدست آوردن حمایت خارجی تلاش کنند. بنابراین بلاک حکمران چون گروه مستقل از بین میرود،
4. فشار ازجانب قدرت های بزرگ که خواهان دموکراسی در کشور میباشند زمامداران استبدادی را به سازش کاری وادار میکنند.

زندانی عقیدتی-Prisoner of Conscience

کسی که به خاطرعقیده،اصالت نژادی،جنس اش، زندانی،بازداشت یا در محدودیت فیزیکی باشد.این تعریف، درقانون مدون سازمان عفو بین الملل نیز دیده می شود.تعریف عفو،صلاحیت کسی را که دست به خشونت نزده است وازآن حمایت نکرده است، شامل می شود.

زندانی یا اسیرجنگی-Prisoner of war

عضو گروه مسلح مخالف که ازطریق اسیرشدن،تسلیم شدن،زخمی شدن یا بیهوش شدن به دست دشمن اش افتاده باشد.طبق کنوانسیون 1994 ژینو و پروتوکول 1 سال 1997, اسیران جنگی دارای حفاظت حقوقی ومستحق برخورد و رویه انسانی می باشند و به خاطر این موقعیت از بسیاری حقوق دیگر نیز بهره مند می باشند.

سند نهایی هلسینکی - Helsinki Final Act (of 1975)

سند سیاسی غیر لازم الاجرا که در سال 1975 در شهرهلسینکی در کانفرانس همکاری و امنیت اروپا که فعلا به سازمان امنیت وهمکاری اروپا یاد می شود، انتخاب شد. سازمان امنیت و همکاری اروپا سازمان سیاسی است که بعد از جنگ جهانی دوم تاسیس شد و کشورهای چون ایالت متحده، کانادا و تعداد زیادی از کشورهای اروپایی تا حال درآن عضویت دارند. این توافق که شامل 10 اصل راهنما است اول توسط 33 عضو اصلی این سازمان انتخاب شد. ماده !!V به طورواضح حقوق بشر و همین طور چهار فصل را در زمینه های مختلف راجع به همکاری با حقوق بشر، مشخص می کند. مخصوصا فصل دوم و سوم که به صراحت از کشورهای تصویب کننده می خواهد تا طبق قانون بین الملل به تعهدات شان در قبال حقوق بشر پابند باشند و مسوولیت های شان را در این راستا انجام دهند. این توافق با آنکه لازم الاجرانیست، بسیار موثر و پرمعنی ثابت شده است و میکانیزم تعقیبی همین توافق بود که راه را برای تاسیس " میکانیزم بعد انسانی" سازمان امنیت وهمکاری اروپا هموار کرد.

سوء استفاده از حق دادخواهی و نظر
Abuse of Right of Petition/Submission

ماده (شرط) ای در یک پیمان است که به مثابه اساس رد و عدم قبولیت شکایت میباشد. در یک اجتماع قضایی یا شبیه اجتماع قضایی، در ارائه شکایت، نویسنده شکایتنامه، نه بخاطر دفاع از موضوعات خوب پیمان هنجار های حقوق بشر بلکه توسط دلایل و بخاطر هدفمندی مورد تحریک قرار میگرفت. مثلا: بخاطر استعمال کفر گویی یا فقط بخاطر دلایل سیاسی، این هردو پیشوندی به معنی بالا در سوء استفاده از حق میباشد. این شامل مراحل مختلف قانونی میباشد (مثلا: درج یک شکایتنامه) نه بخاطر تعقیب ادعای تخطی های حقوق بشر از طریق طی مراحل شکایتنامه بلکه بخاطر ضرر رساندن به یک شخص یا یک دولت. همچنان رجوع شود به: ماده 27 کنوانسیون حقوق بشر اروپایی و ماده 3 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی.

سند -Document

عبارت است از ورقه اصلی که در مسایل اداری، سیاسی، یا قضایی به عنوان اساس، مدرک و موید برای چیزی یا نزاع و مخاصمه ای از آن استفاده و بر آن اعتماد می شود. گاه گاهی به پیمان ها و پیمان های بین المللی حقوق بشر در معانی و موارد خاص نیز سند گفته می شود. این اصطلاح معادل و مترادف کلمه سندInstrument است وبه جای این کلمه به طور متبادل استعمال می شود. برای مثال به اعلامیه جهانی حقوق بشر سند و مدرک گفته می شود.

سرکوبی - Repression

1. معنای اول این اصطلاح عبارت است از سرکوب کردن اعمال غیرقانونی که توسط عاملین یک کشور، برای جلوگیری از وقوع بیشتر آن عمل صورت می گیرد. شکنجه کردن افراد ملکی در دوران برخورد های مسلحانه یکی از مثال های این اعمال غیرقانونی به حساب می آید. قانون بشر دوستانه از کشورها می خواهد تا نا قضین حقوق بشر را سرکوب کنند.
2. بطور عموم این اصطلاح اکثراً راجع میگردد به وضعیت، عمل و روند حاکمیت دولت دیکتاتور که با استفاده از نیرو هرگونه مخالفت را سرکوب نموده یا هرگونه فعالیت های عادی یا بیانات مردم را، معمولا به یک طریقی که با موازین احترام به حقوق بشر و آزادی بنیادی سازگار نمیباشد، محدود مینماید.

www.TPTG.ir

سند بخشی (حقوق بشر)
Sectional(Human Rights) Instrument-

بیانیه یا معاهده حقوق بشر که موضوعات خاص حقوق بشر ازقبیل شکنجه،تعلیم و تربیه وغیره یا گروه خاص مردم از قبیل زنان، اطفال، پناهندگان وغیره را دربر می گیرد. هدف این سند، محافظت بیشتر ازحقوق یا افراد مخصوص است.تفاوت سند بخشی حقوق بشر با سند عمومی حقوق بشر این است که دایره سند عمومی وسیع است. حقوق وافراد بیشتر را شامل می شود درحالیکه دایرسند بخشی حقوق بشر محدود است وتنها حقوق وافراد خاص را شامل می شود. بطور مثال حقوق سیاسی ومدنی در سند عمومی حقوق بشر وحقوق سیاسی زنان در سند بخشی حقوق بشر گنجانده شده است.

سوء استفاده از حق - Abuse of Right

یک اصل یا شرط در یک پیمان را تعریف میکند که یک دولت یا دیگر اشخاص یا گروه از این پیمان تخلف خواهند کرد. چنانچه استعمال حقوق بخاطر انجام تعهدات تحت این پیمان باشد. یک چنین حالتی که به حق دیگران تجاوز و یا ضرر رسانده شود به قسمیکه دیگران را از استعمال حق مشروع شان یا از رعایت حقوق بشر در تحت این پیمان باز داشته شوند.

سوء نیت - Actus Reus

رفتاری که بخاطر آن یک شخص از نظر قانون جزاء مسئول و مشمول جزاء واقع گردد. این ممکن است شامل عمل یا عدم موفقیت در عمل (به سبب غفلت) و یا ترکیب هردو باشد. یکی از دو بخش لازمی جرم: عملی جرمی (actus reus) و ترصد داشتن عمل جرمی (mens rea) میباشد. در اکثر جنایات، باید ثابت گردد که مدعی علیه ترصد قبلی برای ارتکاب عمل جرمی (مثلاً سرقت اموال) داشته است.

سبب ائتلاف – Casus Foederis

عمل و واقعه بین المللی، رویدادی که اجرای پیمان دفاعی دوجانبه یا دسته جمعی را ضروری می سازد چنانچه حزب یا نیروی سوم، یکی از هم پیمانها را مورد حمله قرار دهد مثلا حمله بالای یکی از اعضای پیمان اتلانتیک شمالی(ناتو).

سازمان اجتماعی - Community Based organization

سازمان کاملا مردمی که از درون یک اجتماع به اساس قانون واصول کاری خود به وجود آمده باشد برای معامله با مسایلی مختص به همان اجتماع از قبیل انکشاف و محیط زیست.

سازگار/سازگاری – Compatible/Compatibility

یعنی یک چیز در موقعیتی باشد که صلاحیت وابستگی، هماهنگی وهم آوایی با چیزدیگر را داشته باشد.این کلمه درروش دادخواهی حقوق بشر به معنای مطابقت داشتن عریضه با شرایط وخواسته های اصول وروش پیمان،استعمال می شود.اگر عریضه با آن شرایط وخواسته ها مطابق باشد،قابل قبول بوده ومورد بررسی قرارمی گیرد.چیزهایی که به عنوان شرایط درنظرگرفته می شوند عبارت اند از: شخص عارض،زمان وقوع روی داد،مکان وقوع روی داد و اعتبار دعوای نقض پیمان وپیمان.
اگر عریضه یا دادخواهی همه شرایط را دارا باشند،پس این عریضه با معاهده بسته شده سازگاربوده واز جانب محکمه، برای ارزشیابی عریضه،مورد ارزیابی قرار می گیرد.
تصمیم گیری درباره سازگاربودن وقابل قبول بودن عریضه در مرحله اول وورودی توسط کمیسیون یا محکمه صورت می گیرد.

www.TPTG.ir

سیستم حقوقی دوگانه – Dualist Legal System

یک فلسفه ای است که قانون بین المللی را در منازعات بین المللی بالای قوانین ملی ارجحیت می دهد و قوانین ملی رادرمنازعات داخلی بالای قوانین بین المللی ارجحیت دارد. این قانونی را میسازد که در دو سیستم جداگانه وجود دارد. قانون داخلی و بین المللی.

سازمان غیر حکومتی تعیین شده از سوی حکومت
Government Appointed Nongovernmental Organization (GANGO)

بیشتر به NGO توظیف شده دولتی یا GANGO معروف میباشد. یک سازمانی که منحیث یک سازمان غیر دولتی عمل میکند اما در حقیقت توسط یک حکومت اداره و رهبری میشود، معمولا در ظاهر منحیث یک وسیله خصوصی ارتباطات عامه بخاطر واکنش نشان دادن/مبارزه کردن با انتقادات دولت بخاطر تخطی های حقوق بشر میباشد. اعضای آن توسط حکومت انتخاب میگردند.

سلاح های آتش زا- Incendiary Weapons (LOAC)

سلاح های نظامی ساخته شده از موادی که با ایجاد شعله های آتش،حرارت وگرما اشیا را تخریب می کند.به طور مثال: بمب ناپالم وبعضی از سلاح های شیمیایی که به هرچه اصابت کند آن را طعمه حریق می سازد.

سازمان های بین الحکومتی
Intergovernmental Organizations(IGO)

سازمان هایی که قلمرو عضویت شان جهانی یا منطقوی بوده و کشور های عضواین سازمان ها دارای مسایل ونیازهای مشترک باشند.برای مثال شورای اروپا یک سازمان بین الدولی منطقوی است وسازمان ملل متحد سازمان بین الدولی جهانی است وهردو، سازمان بین الدولی بین المللی استند.

سازمان غیرحکومتی بین المللی
International Nongovernmental Organization(INGO)

سازمان غیردولتی که حدود وفعالیت های شان درسطح بین المللی باشد.دارای دفاتردرکشورهای مختلف وبامسایل مختلف بین المللی سروکارداشته باشد.

سند -Instrument

عبارت است ازدیدگاه ها ورهکارهای رسمی نوشتاری دولت یا دولت ها که درسندی چون پیمان بیان می شود که در آن یک کشور توجه و نیتش را در باره حقوق بشر ابراز می کند.بعضی ازاین سندهای حقوقی اصول حقوق بشر غیر لازم الاجرا را بیان می کنند وبعضی دیگر از این سندها حقوقی آن عده از اصول حقوق بشر را بیان می کند که بالای کشورهای تصویب کننده لازم الاجرا است.رایج ترین سندهای حقوق بشر پیمان ها وپیمان هایی اند که اصول ماهوی حقوق بشر ومیکانیزم اجرایی حقوق بشر را بیان می کنند. به پیمان های چون "میثاق بین المللی حقوق سیاسی ومدنی" و"پیمان اروپایی حقوق بشر" سند گفته می شود وبسیاری از سازمان ها می توانند ازاین پیمان ها به طور لایحه وظایف استفاده کنند.انواع واقسام این سند ها قرار ذیل می باشد:

1. سند جهانی: این سند شامل تمام کشورهای جهان می شود مثل قرارداد ژینو که سند جهانی است.
2. سند منطقوی: این سند تنها کشورهای خاصی را که درمنطقه مخصوص واقع باشد یا درسازمان سیاسی مخصوص عضویت داشته باشد شامل می شود.
3. سند ملی: تنها شامل یک کشور می شود.
4. سند فرعی: موضوعات وموارد فرعی را شامل می شود مثل پیمان درباره مهاجرین.
5. سند قانونی: سندی که از نظر قانونی لازم الاجرا باشد.
6. سند غیر قانونی:سندی که از نظر قانونی لازم الاجرا نباشد.
7. سند سیاسی:سندی که از نظرقانونی لازم الاجرا نیست اما از نظر سیاسی اجباری است.
8. سند بخشی: سندی که حقوق بشر مخصوص یا گروه خاصی از مردم را شامل می شود.
9. سند برشی: شامل حقوق بشر درپیمان مخصوص می شود که این حق بشر از پیمان عمومی دیگر درباره حقوق بشر گرفته شده است.این سند باعث تقویت حق ومیکانیزم اجرایی آن می شود تا حق بشر بهتر تعریف و به آن احترام شود.

سیستم قیمومت – Mandate System

یک سیستم سیاسی که نظر به ماده 22 میثاق 1920 اتحاد ملتها بوجود آمد و قابل تطبیق در دولتهای مستعمره که در جنگ جهانی اول از بین رفتند بود. این سیستم قدرتهای معین مختلف را، مثل فرانسه و کشور متحد پادشاهی (بریتانیا)، منحیث قدرتهای دارا قیمومت بوجود آورد تا بالای مستعمره های مشخص تا اندازه ای سازگار با رفاه و انکشاف مردم حکمرانی کنند. سیستم قیمومت با از بین رفتن اتحاد ملتها خاتمه پیدا کرد و تا یک اندازه در سیستم قیمومت ملل متحد بطور توالی قرار گرفت.
این سیستم منحیث یک پیشینه ای تاریخی برای سیستمهای مدرن حقوق بشری در نظر گرفته میشود. طوریکه یک معیار بین المللی را تعیین میکند که یک دولت چگونه ممکن است با مردم تحت کنترول خویش رفتار نموده و یک میکانیزم بین المللی و یک طرزالعمل گزارشدهی را بنا نهد تا معلوم کند که قیم چگونه وظایف خویشرا انجام میدادند.

سیستم پیمانهای اقلیت ها – Minorities Treaties System

یک مجموعه از پیمانهای که توسط اتحاد ملتها بعد از جنگ جهانی اول به میان آمد. این پیمانها بین اتحاد ملتها و کشورهایی که جدیداً عضویت میگرفتند بود، میباشد .مثل پولند، هنگری، یوگوسلاویا و هدف آن محافظت گروه های اقلیت نژادی، زبانی یا مذهبی در داخل کشور های جدید بود. اولین آن با پولند در سال 1919 بود و منحیث یک نمونه برای دیگران گردید. در تحت آن پیمان، کشور جدید، متعهد میشد تا از تبعیض در مقابل یک تعداد اقلیتهای مورد حمایت قرار گرفته ، خودداری نماید و حقوق ویژه ای را برای اقلیتها وعده می سپارد تا تمامیت آنها را محافظت نماید به شمول حق استفاده رسمی از زبان گفتاری، داشتن مکاتب و اجرای مناسک دینی خودشان.

سبک پذیرش صلاحیت قضایی -Opt-out

درارتباط با قانون مدونی که صلاحیت های قانونی محکمه را تصویب می کند،این اصطلاح سبک پذیرش موضوع اصلی صلاحیت های قضایی را درهنگام تصویب قانون مدون بیان می کند.بعد ازتصویب قانون مدون،تمام موضوعات صلاحیت های قضایی که درقانون مدون بیان شده است، بالای کشور تصویب کننده لازم الاجرا می گردد.منع اسلحه های خاص جرم اعلان کردن اعمال خاص را می توان به عنوان نمونه ازاین موضوعات اختیاری ذکرکرد اما کشوری تصویب کننده اموری را که نمی پذیرد باید در فهرست جداگانه بیان نموده وآن را به محکمه تقدیم کند.بعد از اعلان این بیانیه موضوعات اختیاری که دربیانیه ذکرشده است بالای کشورتصویب کننده لازم الاجرا نیست اما موضوعات اختیاری که در فهرست گنجانده نشده است لازم الاجرا است .
این سیستم پذیرش در بسیاری ازپیمانها دیده می شود وبه کشورها اجازه می دهد تا در تصویب شان انتخاب های لازم را انجام دهندوخوشبختانه این نوع پذیرش باعث می شودتا تعداد کشورهای تصویب کننده بیشتر گردد.

تفاوت این سبک پذیرش با دیگر سبک های پذیرش چون"طبیعی" در این است که در سبک های دیگر هنگام تصویب پیمان، تمام موضوعاتی که در پیمان بیان شده است بالای کشورتصویب کننده لازم الاجرا می شود وکشورنمی تواند موضوعاتی که نمی پذیرد استثنا کند.

شرط لازم- Sine Qua Non

واقعیت، شرط یا عنصری که وجودش برای وجود یا واقع شدن چیز دیگر صد در صد ضروری باشد. شرط لازم به چیزی گفته می شود که بدون وجودش وجود چیز دیگر ناممکن باشد. مثلا: تنفس شرط لازم برای زندگی انسان است زیرا بدون تنفس زندگی ممکن نیست وهمین طور انتخابات شرط لازم دیموکراسی است یعنی دموکراسی بدون انتخابات خارج از امکان است.
این اصطلاح در معاهده های بین المللی به شرط ابتدایی یا پیش شرطی که مورد قبول همه شرکاء واقع می شود نیز استعمال می شود.

شکایت گم نام - Anonymous Complaint

به معنی بدون اسم، از یک مرجع نامعلوم و بی نام یا اینکه نام مولف آن مخفی نگهداشته میشود. یک شکایت یا دیگر تماسهای تحریری (عرایض/درخواستنامه) بدون نام به یک مجتمع قضات یا مجتمع شبیه قضات توسط یک فرد یا گروه که نام مولف آن ذکر نشده است، ارائه گردد شکایت بی نام میباشد. در بسیاری از سیستم های حقوق بشر مثلا: ICCPR, ECHR شکایاتی که بی نام میباشند در کل قابل قبول نمیباشند و مورد ملاحظه قرار نمیگیرند. بعضی سیستم ها ممکن است در شرایط خاص، بی نام بودن یا گمنام بودن را اجازه بدهند در صورتیکه افشاء نام زندگی شخص شاکی را به خطر مواجه سازد.

شرط نگهدارنده - Saving Clause

درمعاهده حقوق بشر،این اصطلاح به ماده ای گفته می شود که به کشورها اجازه نمی دهد تا معاهده را طوری تفسیر کنند که باعث تقیید یا تحدید حمایت شان از حقوق بشر شود. یعنی این ماده، هرنوع تفسیر را که به ایجاد محدودیت یا تعلیق برای حمایت ازحقوق بشر موجود، منجر شود،منع می کند و به هیچ کشوری اجازه نمی دهد تا تعهدش را درباره حفاظت از حقوق بشر کاهش دهد.هدف از این ماده ها یا بندها این است که کشورها تا آخرین حد امکان، به تعهد حقوقی شان به حمایت از حقوق بشر پایبند باشند وبا تفسیرخودسرانه شان ،از معاهده ها به طور عذر، برای احترام نکردن به سایر حقوق بشر سوء استفاده نکنند.

شهروندان - Citizens

جایگاه قانونی که در آن،افراد به عنوان عضوجامعه کشور،هم دارای حق وهم دارای مسوولیت می باشند و این مقام یا از طریق تولد درهمان کشوربه دست می آید و یا از طریق طبعیت گرفتن که عبارت است از روند اداری درخواست از حکومت برای اعطای تابعیت.

شبه قضایی-Quasi-Judicial

ارگان،هیات یا محکمه ای که شکایت ها را بررسی می کند .اما برخلاف محکمه رسمی، درباره قضیه ها وشکایات، قضاوت نهایی را صادر نمی کند.دستگاه شبه قضایی کارهای جمع آوری شواهد،بررسی قابل ملاحظه بودن شکایت

وارزشیابی قضیه را به عهده دارد.یعنی شکایت ارایه شده از شرایط لازم برای قابل ملاحظه بودن برخورداراست یانه؟ نقض حقوق بشر که ازجانب شاکی ادعا می شود حقیقت دارد یا نه؟ اما فیصله نهایی را درباره قضیه مورد نزاع، دستگاه قضایی صادر می کند نه شبه قضایی. برای مثال کمیسیون سابق حقوق بشر اروپارا می توان از دستگاه های شبه قضایی برشمرد.

شورای امنیت (ملل متحد) - Security Council (UN)

ارگان عمده سازمان ملل که وظیفه برقراری صلح وامنیت جهانی را به عهده دارد.این شورا ازپنج عضو دایمی(ایالت متحده،بریتانیا،فرانسه،روس وچین) و10 عضو دورانی تشکیل شده است. شورای امنیت صلاحیت معامله با اعمال ظالمانه ومسایلی که صلح جهانی رابر هم زده و یا تهدید می کند دارد.معمولا شورای امنیت با مسایلی که نقض حقوق بشر را شامل می شود سروکار دارد.

شرط اشتراک عمومی- *Si Omnes Clause*

این اصطلاح لاتینی هم معنای اصطلاح General Participation Clause وعبارت است از شرط یا قیدی که درمعاهده های کلاسیک قانون بین المللی موجود می باشد.طبق این شرط معاهده تنها درمسایلی تعهد آور است که همه کشورها یا کشورهای تصویب کننده در آن شامل باشند.این شرط یا قید رابطه حقوقی دوجانبه ومتقابل بین کشورهای تصویب کننده به وجود می آورد وبیشتر در مسایل برخورد مسلحانه تطبیق می شود.

شفافیت/شفاف - Transparence/Transparent

شفافیت عبارت است از آمادگی ورضایت حکومت برای هرگونه نظارت ،بررسی وتحقیق درباره فعالیت هایش.یعنی حکومت شفاف تمام فعالیت هایش را در معرض تحقیق وبررسی داخلی وبین المللی قرارمی دهد وبدین طریق صداقت، مسوولیت ودرستکاری اش را به مردم نشان می دهد ودر آن ها احساس اعتماد را به وجود می آورد.
برای حل مشکلات عمومی خصوصا مشکلات عمده وحساس که منافع مردم را متاثر می سازد وبرای رفع شک وبد گمانی مردم ، شفافیت کاملا ضروری است ومعمولا باعث جلب اعتماد مردم وتقویت نظام می شود.

شکایت - Complaint

یعنی سند نوشتاری رسمی که توسط آن یک فرد یا یک گروه(برای مثال سازمای غیر دولتی) از کدام ارگان بین المللی(برای مثال حقوق بشر) یا محکمه یا از کشور متخلف می خواهد تا در باره پیمان یا تعهد قانونی نقض شده توسط آن کشورمتخلف، توجه نمایند.
الفاظ چون دادخواهی،عریضه وشکایت همه به همین معنا استعمال می شوند وهر نظام حقوق بشر یکی ازاین اصطلاحات را به کار می برند.

شخصیت حقوقی بین المللی- International Legal Personality

معنای این اصطلاح حقوقی این است که یک نهاد به عنوان عضو جامعه ملل، دارای حقوق وتکالیف مشخص می باشد.شخصیت های حقوقی بین المللی را به طورعمده ملت ها تشکیل می دهند اما سازمان های بین المللی بین الدولی،گروه های متخاصم،سازمان های غیردولتی وحتی افراد غیردولتی نیز بعض جنبه های شخصیت حقوقی بین المللی را برای هدف های خاص دارا می باشند.واین امر،در عرصه حقوق بشر بین المللی به طورخاص وفزاینده مشاهده می شود.

شکایت یا دادخواهی بین الدولی- Interstate Complaint

www.TPTG.ir

شکایتی که ازجانب کشور یا کشورهای عضو پیمان برخلاف کشور عضو دیگر درمحکمه قضایی یا شبه قضایی برگذارمی گردد درحالی که کشورهای شاکی ومدعی علیه هرکدام صلاحیت قضایی محکمه را قبول دارند.درچنین شکایت یا دادخواهی،کشوریا کشورهای شاکی ،کشور دیگر را به نقض تعهداتش به پیمان تصویب شده متهم می کنند وطبق پیمان حقوق بشر، کشورمتهم را ناقض حقوق بشر می دانند واز محکمه می خواهند تا مساله را مطابق پیمان عقد شده حل وفصل کند.

شورشی/شورش - Insurgent/Insurgency

شورش یعنی طغیان برعلیه حکومت غیرنظامی،مقامات حکومتی.نظام سیاسی که با استفاده اززور پیاده شود. شورشی به کسی گفته می شود که چنین طغیان را راه اندازی یا چنین نظامی را به وجود آورد.

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد
Economic and Social Council of the United Nations

یک ارگانی که در آن کمسیسون حقوق بشر ملل متحد و کمیسیون های فرعی آن بخاطر حمایت از اقلیت ها وجود دارد و اکثر فعالیت های ملل متحد در عرصه حقوق بشر توسط همین کمیسیون ها انجام میابد.

شرط مارتین – Martens Clause

بند مارتین در اکثر پیمانهای بین المللی حقوق بشر وجود دارد که تحت کمیته بین المللی صلیب سرخ، اساساً قرارداد چهارم ژنیو سال 1949 و پروتوکول های در سال 1977 اتخاذ گردید. (رجوع کنید به قرارداد چهارم ژنیو، ماده 142، پروتوکول 1، ماده 1). این نوع بندها اصلاً در مقدمه کنوانسیون دوم هاگ سال 1899 وجود دارد. در ماهیت، این چنین صراحت دارد که "تا وقتی که مجموعه مکمل تحریری قوانین بشری صادر گردیده است، طرفهای بلند پایه پیمان کننده این را مصلحت آمیز میپندارند تا اعلام کنند که، در قضایایی که شامل قواعد اتخاذ شده توسط آنها نیستند، ساکنان و متحاربین و قاعده اصول قانون ملتها، چنانکه از کاربردهای ساخته شده در میان مردمان متمدن، از قوانین بشریت و دیکته های وجدان عمومی منتج میشود، تحت حمایت قرار دارند. این بند بعضی اوقات راجع میشود به "de Martens Clause"، یک مصونیت قانونی خاص بطور هنجاری ساحاتی را احتوا میکند که توسط قانون قطعی کنوانسیون بشری احتوا نگردیده است. این دولتهای طرف/متحاربین را وا میدارد تا یک راه حل برای مسائل ویژه نظر به اصول اساسی بشری که هیچ نورم پیمانی برای آن وجود ندارد پیدا کنند تا عواقب مضر برخورد مسلحانه مقابل جنگجویان و غیر نظامیان را تخفیف یا به حد اقل برساند.

شرط اختیاری -Optional Clause

شرط اختیاری در یک پیمان به چیزی گفته می شود که پذیرفتن ونپذیرفتن آن برای کشور تصویب کننده اختیاری است. مسایلی از قبیل استعمال اسلحه های خاص، جرایم مخصوص و حقوق اقتصادی مخصوص وهمه قانون های اختیاری دراین شرط بیان می شود. کشوری که می خواهد اینگونه شرط های اختیاری را بپذیرد باید پذیرش ورضایتش را دربیانیه جداگانه اظهارکند.
تفاوت شرط های اختیاری معاهده با پروتوکول های اختیاری این است که شرط های اختیاری اصول اختیاری را در خود همان معاهده بیان می کند وزمانی که کشورها معاهده را تصویب می کنند همزمان بند های اختیاری این معاهده را نیزمی پذیرند یا انکار می کنند. اما پروتوکول های اختیاری، اصول اختیاری را در سند حقوقی دیگر به طور جداگانه بیان می کند. وکشورهای که این پروتوکول را می پذیرند باید آن را جداگانه تصویب کنند معمولا کشورها پروتوکول را بعد از تصویب معاهده ، تصویب می کنند.

شأن و شرف انسان- Honor and Dignity

شأن ، شرف و حیثیت انسان یکی از غایه های اساسی است که بر مبنای آن حفظ حقوق انسان پایه گذاری شده است.هیچ کس نباید از آن محروم گردد.
حیثیت ذاتی و حقو ق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشر بر مبنای آزادی ، عدالت و صلح در جهان است. حقوق مذکور ناشی از حیثیت شخص انسان است. کمال مطلوب انسان آزاد و رهائی یافته از ترس وفقر فقط در صورتی حاصل می شود که شرایط استفاده برای هرکس ا ز حقوق مدنی و سیاسی خود و هم چنین از حقوق اقتصادی ـــ اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود.

شکنجه- Torture

هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از اوویا شخص سوم اعمال می شود، شکنجه نام دارد. همچنین مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می رود که انجام دهد ،یا تهدید و تخویف نمودن وی یا شخص سوم ویا به هر علت دیگر بر اساس تبعیض از هر نوعیکه باشد، وارد گردد.این نوع درد و رنج ویا به تحریک و ترغیب ویارضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می شود.
برای جلو گیری از شکنجه ضرور است تا :
1ـ اقدامات لازم و مأثر قانونی ، اجرائی ، قضائی ودیگر امکانات جهت ممانعت از اعمال شکنجه به عمل آید.
2 ـ هیچ حالت استثنائی مانند جنگ ویا تهدید و جنگ ، بی ثباتی سیاسی داخلی ویا هر گونه وضعیت اضطراری دیگر ، مجوز و توجیه کننده اعمال شکنجه نمی باشد.
3 ـ دستور و حکم مقامات مافوق (حکومتی) ویا مرجع دولتی ، نمی تواند توجیه کننده عمل شکنجه باشد.
شکنجه انواع مختلفی دارد که یک تعداد آن ها عبارت است از :
1 ـ استنطاق باشکنجه وغذاب .
2 ـ استفاده از جریان برق .
3ـ لت و کوب .
4 ـ معیوب ساختن ، بریدن ، کندن پوست یا جراحت .
5 ـ آویختن .
6ـ از نقاط مرتفع پرتاب نمودن .
7ـ سوختن اعضای بدن .
8- استعمال ادویه مضره .
9ـ استعمال ادویه جهت زایل شدن عقل برای گرفتن اقرار.
10 ـ تجاوز به نا موس .
11 ـ در آب غرق کردن .
12 ـ عذاب و شکنجه روحی .
13 ـ امضاء اسناد به فشار و تهدید.
14 ـ تحقیر و رفتار بی رحمانه.

صلاحیت مشورتی Advisory Jurisdiction

صلاحیت یا قدرت یک محکمه یا دیوان نظر به درخواست یک دولت یا یک سازمان بین الحکومتی جهت صدور یک نظریه مشورتی در مورد تفسیر یا تطبیق قواعد یک پیمان در زمانیکه هیچ قضیه اتهامی وجود نداشته باشد. متباین با این اصطلاح صلاحیت متنازع فیه که یک موضوع اتهامی مربوط به ادعای تخلف از قواعد یک پیمان میباشد، است.

www.TPTG.ir

صدمه بیش از اندازه ضرورت -Superfluous Injury

در قانون بشر دوستانه این اصل به زخمی استعمال می شود که جنگجویان، بیش از اندازه ضرورت، به دشمنان شان برای ازپا درآوردن آنان وارد می کنند، متحاربین، برای عاجزکردن دشمنان شان تاکتیک یا سلاحی را به کار می برند که آسیب وزخم بیش از درجه ضرورت، به آن ها وارد می کند،زخم های فراتر وزیاد تر از زخم های ضروری برای حاصل کردن مقاصد نظامی.
طبق این اصل قانون بشر دوستانه، کارگرفتن از تاکتیک ها یا اسلحه هایی که به نیروی انسانی حریف چنین زخم را وارد کند،غیرقانونی است.بمباران منطقه ای یا استفاده از گازهای خفه کننده را می توان از جمله این تاکتیک های غیرقانونی شمرد. درقانون بشر دوستانه، این اصل به طور مسلم این نکته را بیان می کند که رساندن رنج های ضروری به انسان ها باید تا آخرین درجه ممکن کاهش داده شود.

صلاحیت قضایی خودکار (اتوماتیک) - Automatic Jurisdiction

این اصطلاح در زمینه محکمه جزایی بین المللی استفاده میشود که در جولای 1998 تاسیس گردید تا به موضوع اصلی صلاحیت قضایی رجوع شود (مثلا اینکه کدام نوع جرایم بین المللی توسط محکمه باید رسیدگی شود) که بعد از تصدیق اساسنامه و امضاء محکمه توسط کشور عضو بطور اتومات به محکمه داده میشود.
محکمه صلاحیت اتوماتیک بالای جرایم مثل جنایات نسل کسی (ژنوسید)، جنایات جنگی و جنایات برعلیه بشریت را دارد.همچنان صلاحیت بالای جنایت مثل تجاوز را دارد در صورتیکه تعریف کامل از جنایت تجاوز وجود داشته باشد.

صلاحیت قضاوت داخلی - Domestic Jurisdiction

عبارت است از اختیار حقوقی یک کشور برتمام افراد واموری که در قلمرو ارضی این کشور قرار دارند و هیچ کشور دیگر یا جامعه جهانی حق قانونی برای مداخله در این امور ودر باره این افراد را ندارند.در قانون بین الملل ،نقض حقوق بشر، خارج از اختیارات قانونی داخلی یک کشور می باشد وهیچ کشور حق تخطی از حقوق بشر را ندارد.

صحت عامه - Public Health

مساله ای که صحت عامه را متاثر می سازد از قبیل شیوع بیماری خاص .حفظ صحت عامه یکی از هدف هایی است که قیودات وتحدیدات را در معاهده های حقوق بشر قانونی می سازد. یعنی برای حفظ صحت عامه حق دارد برای بعض حقوق بشر محدودیت وقید ایجاد کند.

صلاحیت - Competence

1. اختیارات محکمه،کمیسیون ویا کمیته برای اداره وحل دعوا یا قضیه خاص که به آن ها سپرده شده باشد. این شبیه به " موضوع دعوای اختیارات قضایی" است که درکشورهایی که دارای قانون مشترک هستند، به وجود می آید.
2. صلاحیت در صلاحیت Competence-Competence:
این یک اصطلاحی قضایی است، یعنی اختیار فطری وذاتی محکمه در تصمیم گیری در مورد صلاحیت وعدم صلاحیتش در قضیه خاص. این صلاحیت محکمه است تا بررسی کند که قضیه،در حوزه قضاوت واختیارات محکمه است یا خارج از حوزه قضاوت واختیارات محکمه؟ آیا محکمه می تواند در مورد قضیه خاص حکم کند یا نه؟

صلاحیت جهانی - Universal Jurisdiction

در قانونی جنایی بین المللی هر کشوری می تواند با استفاده از صلاحیت قانونی قانون داخلی اش کسانی را که مرتکب جرم بین المللی شده اند مورد پیگرد قانونی قراردهند. جرایم بین المللی از قبیل نسل کشی، جنایت جنگی، شکنجه و غیره به

کشورها اجازه می دهد تا با استفاده از اختیارات قانونی جهانی شان عاملین این جرم را مورد تعقیب قانونی قراردهند زیرا این جرایم، جرایمی اند که بر خلاف تمام انسانیت ارتکاب شده است.

ضرورت دموکراتیک - Democratic necessity

عبارت است از اصل قابل اجرا برمحدودساختن ومنحصر کردن حقوق بشر حقیقی.طبق این اصل برای مشروعیت ومجازبودن هر نوع محدودسازی وانحصارسازی حقوق بشر این مشروعیت ها باید پاسخ گوی نیازهای جامعه دموکراتیک باشد و به گونه ای با ید نیازمندی های جامعه را بر آورده سازد.این به این معنا است که تدابیر محدودیت سازی باید نیازهای عاجل جامعه را که از مدارک معتبر تایید شده اند بر آورده کنند. ایجادهر نوع قیودات در حقوق بشرباید مناسب ومطابق مقاصد ونیازمندی های جامعه باشد. قیوداتی که با این اصل مطابقت نداشته باشد فاقد اعتباراست.

ضوابط رفتاری - Code of Conduct

مجموعه از قوانین نوشتاری تهیه شده توسط سازمانی مثل ملل متحد برای مقامات دولت های مختلف به منظور کمک کردن این دولت ها در مورد هماهنگ کردن اعمال شان با اصول جهانی حقوق بشر.
برای مثال *ضوابط اخلاقی ملل متحد برای مسوولین نیروی اجرای قانون(1979)* به منظورانکشاف احترام به حقوق بشر، که برای مقامات مقامات مجری قانون، نقش کتاب راهنما را بازی می کند.

ضروری در جامعه دموکراتیک
Necessary in Democratic Society

این اصطلاح دربعض پیمانهای حقوق بشر که ماده های شرطی یا تحدیدی را در بردارد دیده می شود. طبق این اصل برای معتبربودن استثنا یا محدودیت، اولا این استثنا یا محدودیت باید نیازمندی های جامعه دموکراتیک را برآورده کند یعنی در شرایط خاص وبرای رسیدن به هدف های مشروع وقانونی از قبیل صحت عامه،امنیت عامه، آسایش ونظم یک کشورمی تواند بعض حقوق بشر را از قبیل آزادی بیان وغیره نادیده بگیرد واین حقوق را به طور موقت از افراد سلب کند اما درغیر این صورت محدود کردن دایره حقوق بشر برای کشور جنبه مشروعیت ندارد.برای معلومات بیشتر به ماده 9.2 پیمان حقوق بشر اروپا وماده IACHR 15 را مراجعه شود.
محدودیت ضروری به بیان دیگر به این معنا است که بقا ی جامعه دموکراتیک به این محدودیت ها بسته گی دارد واین محدودیت نیازهای فوری وعاجل این جامعه را برآورده می سازد.دربعض پیمان ها لفظ "دموکراتیک ، ذکر نشده است وتنها اصطلاح "ضروری برای حفاظت" استعمال شده است.

ضرورت نظامی – Military Necessity

یک اصل کلی قانون برخورد های مسلحانه صراحت دارد که استفاده نیرو قانونی میباشد و مقدار نیروی بکار رفته تنها وقتی میتواند قابل توجیه باشد که لازم دانسته شود و یا بخاطر انجام یک هدف نظامی آمرانه درخواست شود. ضرورت نظامی باید در تمام حملات مسلحانه تطبیق گردد خواه تعرضی باشد خواه دفاعی. تخریب، اسارت یا محو پرسونل یا اموال فقط میتواند در تحت قانون بین المللی برخوردهای مسلحانه تنظیم شود. در صورتیکه اگر چنین عملی بخاطر نیل به هدف نظامی ضروری باشد. این یک تعادل قوا دکترین جنگ عمومی (در حال حاضر غیر قانونی است) میباشد و صراحت دارد که یک دولت متحارب میتواند بدون محدودیت بالای هریکی حمله کند و به هرچیزی خسارت برساند که مربوط کشور دشمن باشد. این عمل نظر به قانون معاصر بین المللی جنگ به کلی مجاز نیست. نورمهای قانون بین المللی بشری یک موازنه تذکر یافته بین اصل ضرورت نظامی و اصل بشری میباشد. این دو اصل در کشمکش پیوسته ای با یکدیگر در جریان برخورد های مسلحانه میباشد. ضرورت نظامی فقط همان مقدار و نوع نیروی میباشد که ممکن است در عمل تطبیق شود و توسط قانون برخوردهای مسلحانه منع قرار داده نشده و برای تسلیم شدن نیروی دشمن با صرف کمترین وقت، زندگی و منابع مادی در جز و در کل لازمی میباشد.

www.TPTG.ir

طی مراحل قانونی – Due Process (of Law)

یک جریان عمل رسمی (چون اقدامات قانونی) که بطور منظم اجرا میگردد و در مطابقت با قواعد و اصول حاکم میباشد. همچنان طی مراحل قانونی نیز گفته میشود.
بنابریک ضرورت قضایی که قوانین وضع می گردد، ممکن است هیچ حکمی در آن وجود نداشته باشد که منتج به رفتار غیر منصفانه، مستبدانه یا نا معقول به یک شخص گردد. تشریفات صحیح قانونی را همچنان طی مراحل ماهوی نیز گفته میشود.
طی مراحل قانونی از مراحلی میباشد که اکثراً در زمینه حقوق بشر ارجاع میگردد و در عموم به معنای بیطرفی یا بیطرفی بنیادی برای مدعی علیهم در مراحل جزایی یا برای تمام اشخاص در یک حرکت ملکی میباشد.
مثالهای عبارتند از: حق داشن وکیل مدافع، حق آگاهی داشتن از تاریخ اظهارات شهود، حق داشتن وقت کافی برای تهیه دفاعیه، حق د یدن شهود و حق اینکه در یک محکمه مستقل و بیطرف ،به اظهارات شخص گوش داده شود.

طرزالعمل1235 (سازمان ملل متحد) 1235 Procedure (UN)

به اساس قطعنامه شماره ECOSOC 1235 سال 1967، این طرزالعمل حقوق بشر ملل متحد اساس مذاکرات عمومی بین المللی در داخل کمیسیون روی حقوق بشر میباشد که بالای تخطی های بزرگ حقوق بشر در یکتعداد کشورها تمرکز مینماید. هردو، دولت های مرکزی و سازمان های غیر دولتی میتوانند تا یک اندازه معین، در جلسه سالانه کمیسیون روی حقوق بشر که بمنظور تشخیص اوضاع مشخص کشورها، که تصور میشود این کمیسیون باید به آن توجه کند، اشتراک نمایند.
این طرزالعمل همچنان ممکن است که کمیسیون و کمیسیون های فرعی را وارد مطالعات و تحقیقات از اوضاع ویژه ای تخطی های بزرگ از طریق هر وسیله که کمیسیون انتخاب کند، بنماید. مثلاً مطالعات، گزارشات و تحقیقات از محل.

طرزالعمل 1503 (سازمان ملل متحد) 1503 Procedure (UN)

طرزالعمل که توسط ECOSOC در قطعنامه شماره 1503 سال (1970) روی قطعنامه شماره ECOSOC 1235 سال (1967) تهیه شد.
این یک طرزالعمل/میکانیرم غیر معاهده ای حقوق بشر جهت تحقیق توسط کمیسیون فرعی ملل متحد روی جلوگیری از تبعیض و محافظت از اقلیت ها و اوضاع ویژه تخطی های بزرگ و سیستماتیک حقوق بشر میباشد.
این قطعنامه به کمسیون فرعی صلاحیت میدهد تا اطلاعاتی را که از یک منبع غیر دولتی مثل یک گروه/سازمان غیر دولتی/ یا فردیکه ادعا دارد قربانی کدام گونه تخطی میباشد یا آگاهی مستقیم و قابل اطمینان از تخطی هایی را دارد، مورد ملاحظه قرار بدهد.
در لغات این قطعنامه، لغت اطلاعات در آغاز توسط سرمنشی ملل متحد پذیرفته شد "معلوم شد که یک نمونه سازگار از تخطی های بزرگ تصدیق شده حقوق بشر و آزادی بنیادی را در وجائب و مکلفیتهای کمیسیون فرعی آشکار نمود." بدین گونه که حتی اگر یک چنین اطلاعاتی توسط یک فرد متضرر، یک خشونت ارائه میگردد، این اطلاعات نباید در باره یک نوع خشونت یا مربوط یک شخص باشد، بلکه باید گوناگون، سیستماتیک و شامل بسیار افراد و خشونت ها گردد. بعلاوه، این تخطی ها باید عبارت "تخطی بزرگ" را که عبارتی است تا هنوز تشریح نگردیده است اما به تخطی های جدی حقوق بشر، مثل برادر کشی، آپارتاید، مجازات بدون تاخیر، شکنجه و برده گی اطلاق میشود، در بر داشته باشد. وقتیکه کمیسیون فرعی موجودیت همچو نمونه سازگار خشونت ها را تثبیت کند، بعداً این وضعیت به کمیسیون حقوق بشر راجع میگردد که در عوض آنرا ملاحظه نموده و راه کار را تعیین میکند. این اقدامات ممکن است برعلیه هر کشوری در جهان صورت گیرد و محرمانه میباشد و در جلسات محرمانه بحث
خواهند شد.

طرزالعمل/گزارش یا میکانیزم موضوعی

www.TPTG.ir

Thematic Procedure/Report/Mechanism

طرزالعمل،گذارش یا میکانیزم سازمان بین المللی وبین الدولی برای تطبیق معیارهای حقوق بشر،عبارت است از طرزالعمل،گزارش یا میکانیزمی که تنها موضوعات خاص ومعین ازقبیل تعصبات مذهبی وغیره را در برمی گیرد.شورای حقوق بشر ملل متحد یکی ازاین سازمان هایی است که طرزالعمل، میکانیزم یا گزارش موضوعی در باره حقوق بشر را به عهده دارد این کمیسیون با موضوعات عمده از قبیل تعصب مذهبی،شکنجه،تبعیض علیه زنان ومردم بومی، سرو کار دارد. طرزالعمل،گزارش یا میکانیزم موضوعی درمقایسه با طرزالعمل،گزارش یا میکانیزم کشوری استعمال می شود که در دومی، بررسی وضعیت حقوق بشر وتطبیق آن براساس کشورهای خاص بر رسی می شود نه براساس موضوعات خاص.

طرزالعمل حقوقی- De Plano

عبارت است از اصطلاح قضایی بیانگر طرزالعمل حقوقی که طبق آن محکمه برای رسیده گی به شکایت مطرح شده بدون کدام پیش شرط وتشریفات بیشتر، اقدام می کند

طفل دختر – Girl Child

یک اصطلاحی که به دختر خردسال مربوط میگردد که اکثرا در زمینه های حقوق بشری مثل سوء استفاده جنسی، برده گی، بهره برداری، هرزه نگاری، کارگر طفل، ختنه کردن مونث، سن قابل ازدواج و دیگر مسائل مربوط به دختران جوان بکار میرود. سن طفل پائینتر از 18 ساله میباشد مگر اینکه در قوانین ملی سن بلوغ کمتر ذکر شده باشد.

Category - طبقه

در نظام ملل متحد قبل از 1996،تمام سازمان های غیر دولتی بر اساس روابط آن ها با ملل متحد توصیف و مشخص می شد. به هرکدام از این سازمان های غیر دولتی موقعیت طبقاتی خاص داده شده بود.سیستم جدید ،این سازمان ها را به عنوان دارنده موقعیت مشورتی عمومی توصیف می کند. به "موقعیت مشورتی عمومی" طبقه 1 وبه "موقعیت مشورتی خاص" طبقه 2 گفته می شود. و طبقه،در باره ما هیت موقعیت مشورتی سازمان های غیر دولتی تصمیم می گیرد.
طبقه 1: یعنی تمام سازمان های غیر دولتی طبق اختیارات شخصی شان ، در تمام فعالیت های حقوق بشر سهم و بهره دارند.
طبقه 2 : یعنی سازمان های غیر دولتی با اختیارات خاص که دارند، تنها در یک بخش از فعالیت های حقوق بشر ECOSOC سهم و بهره دارند و می توانند به فعالیت های ECOSOC ،کمک های لازم نمایند.
طبقه 3: فهرستی از بقیه سازمان های غیر دولتی که در طبقه Roster قرار دارند. ارگان های "ECOSOC" ازقبیل کمیسیون حقوق بشر می توانند با این سازمان ها مشوره نمایند.

طرفین معظمین متعاقدین
High Contracting Party(To a Treaty)

این پیمان دربعضی از پیمان های بین المللی حقوق بشر برای معین کردن کشورهایی که معاهده را تایید، ازآن حمایت، وآن را قبول می کنند ودرنتیجه به آن متعهد ومسوول می شوند، استعمال می شود. برای معلومات بیشتر ماده 1 " پیمان اروپا در باره حقوق بشر" را مطالعه شود.

www.TPTG.ir

Party- طرف

مراد ازاین اصطلاح دولتی است که با امضاء پیمان بین المللی حقوق بشر به آن ملزم ومتعهد می شود.قبل ازبررسی تعهد یک کشور به معاهده حقوق بشر یا نقض آن معاهده توسط آن کشور، اول عضویت وعدم عضویت آن کشور در معاهده باید مشخص شود.دربعض پیمانها به کشور عضو،عبارت های چون" طرف پیمانکننده" "طرف عالی پیمان کننده" نیز استعمال می شود.وقتی می گوییم فلان کشور طرف معاهده است این به این معنا است که آن کشور به طورداوطلبانه وبه رضایت خودش معاهده را امضا نموده وخودرا به آن ملزم نموده است، تعهدش را در سند کتبی رسما اعلان کرده است وآن را به نهاد تسلیم شونده یا امانت دار تسلیم نموده است.بعد ازسپردن سند کتبی به نهاد تسلیم شونده یا امانت دار، کشور به طوررسمی وبلا فاصله طرف معاهده قرارمی گیرد ولی گاهی کشورها بعد از سپردن سند به نهاد امانت دار، فورا عضویت معاهده را حاصل نمی کنند بلکه بعد از فاصله زمانی معین طرف معاهده قرار می گیرند.

Rebellion -طغیان/شورش

در اصطلاح، بروز فتنه عام و نا آرامی در نظام سیاسی است ویا عمل یا حالت مقاومت آشکارا بر ضد حکومت مسلط در کشور یا بر علیه یک قسمتی از آن میباشد. شورش همچنین میتواند به شکل سر کشی آشکارا یا مخالفت در برابر هرگونه اجرااات دولتی باشد. اگر چنین اعمال دوام یا تقویت یابند آنگاه شورش میتواند شکلی جنگ داخلی یا انقلاب را بگیرد.

Due Process -طی مراحل قانونی

مقدمه: حقوق قانونی، یک سلسله ای از حقوق بنیادی در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می باشد مانند حق زندگی، منع تبعیض، حق مساوی در برابر قانون، حمایت مساویانه قانونی، آزادی و امنیت فرد و جبران خساره از تجاوز به حقوق را شامل میباشد.

پنج کتگوری از حقوق مربوط به تشریفات درست قانونی عبارت اند از گرفتاری، توقیف ، محاکمه، بعد از محاکمه، و مجازات. در کتگوری بازداشت، یک هیئت عالی رتبه در حقوق عامه این موضوع را که آیا شخص باز داشت شده محاکمه گردد و یا نه تصمیم میگیرد. در قوانین بین المللی حقوق بشر در رابطه به هیئت عالی رتبه کدام مقرراتی خاصی وجود ندارد. در کتگوری محاکمه، هیئت تحقیق و دلایل اثبات را بررسی میکند در حالیکه قاضی، قانون را در نظر میگیرد. در قوانین بین المللی حقوق بشر در رابطه به هیئت مقررات خاص وجود ندارد. منابع این حقوق میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است، در حالیکه از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی های اساسی سال 1953 و منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم نیز سه بار ذکر به عمل آمده است.

الف: گرفتاری در طی مراحل قانونی

1. عدم توقیف و یا بازداشت غیر قانونی .
2. عدم گرفتاری خود سرانه.

ب: بازداشت به دلیل معقول

1. دلایل اساسی برای گرفتاری ، (کنوانسیون اروپایی حفاظت از حقوق بشر و آزادی های اساسی).
2. اطلاعات در رابطه به دلایل گرفتاری و اتهامات.
3. حق (habeus corpus)* نگاه کنید به توضیح این اصطلاح.
4. استماع نزد مقامات قضایی.
5. استماع بدون تأخیر.
6. بدون اجبار.
7. ضمانت.

www.TPTG.ir

8. تصمیم قضایی محکمه.
9. جبران اشتباه.
10. شرایط بازداشت.

ج: محاکمه

1. مقررات اساسی
   a. اصل برائت.
   b. مساوات در نزد محاکمات.
   c. استماع علنی و درست (استثناء محاکمه علنی: امنیت عامه، نظم عامه، اخلاقیات، و غیره موارد).
   d. محکمه با صلاحیت، مستقل و بیطرف.
2. اطلاعات در باره ای هرگونه اتهامات جزایی.
3. اطلاعات در باره نوعیت اتهام و دلیل آن.
4. اطلاعات به زبانی که مدعی علیه صحبت میکند.
5. مدت زمان برای تهیه دفاعیه.
6. امکانات برای تهیه دفاعیه .
7. محاکمه بدون تأخیر.
8. محاکمه در حضور مدعی علیه.
9. مصاعدت حقوقی.
10. اطلاعات در باره مصاعدت حقوقی.
11. مصاعدت حقوقی رایگان در صورتیکه مدعی علیه امکانات نداشته باشد.
12. حق دفاع برای مدعی علیه.
13. معاینه شهود بر علیه مدعی علیه.
14. در یافت شهود به نفع مدعی علیه.
15. مصاعدت در قسمت ترجمه به شکل رایگان (اگر ضرورت باشد).
16. عدم جبر واکراه بالای مدعی علیه تا بر خلاف خویش شهادت دهد .
17. عدم زور بالای مدعی علیه برای گرفتن اقرار.
18. محکمه علنی.
19. مجازات باید قانونی باشد.
20. مجازات باید شخصی باشد.
21. اصول محاکمات برای نو جوانان .

د: بعد از محکمه

1. جبران اشتباه.
2. حفاظت از دو بار محاکمه.
3. حق مرافعه خواهی.

ه: مجازات

1. مجازات حبس باید انسانی و با احترام به وقار و حیثیت بشریت صورت گیرد.
2. عدم مجازات ظالمانه .
3. عدم مجازات اعدام مگردر مورد مهمترین جنایات طبق قانون لازم الاجراء در زمان ارتکاب. جنایت که آن هم نباید با مقررات میثاق بین المللی حقوق ومدنی وسیاسی وسایر اسناد بین المللی. منافات داشته باشد . تطبیق مجازات اعدام جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی یا نهائی . محکمه با صلاحیت و منظوری مقام عالی دولتی..
4. تنها مجازات مجرم

www.TPTG.ir

5. رعایت مقررات بازداشت مربوط به اطفال. اطفال متهم باید از بزرگسالان جدا بوده وباید در اسرع وقت ممکن در مورد آنان تصمیم اتخاذ گردد. اطفال متخلف باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظام متناسب با سن ووضع قانونی شان باشند.
6. هدف از سیستم دارالتأدیب اصلاح وتربیت مجدد اطفال است.

طرز حکومت/اداره سالم – Good Governance

یک اصل رو به رشد که تقریباً به معنی وقار ذاتی افراد و تصرف جمعی حقوق بشری آنها را به طرز حکومت/نظارت خوب ملقب میسازد و در کلیه کشورها بدین معنی است که آنها مستحق یک حکومتی میباشند که حاکمیت قانون در آن وجود دارد، دارای اساس سیاسی دموکراتیک بوده (از طریق اراء عمومی انتخاب شده است) و به مردم پاسخگو میباشد. طرز حکومت خوب همچنان شامل تاسیس ساختارهای کافی همراه با موثریت و شفافیت نهادها و طرزالعمل ها میباشد و نیز تمام مقامات حکومتی را ملزم به احترام حقوق بشری تمام افراد شامل در قلمرو همان کشور، با دسترسی افراد به وسائل جبران خسارت به نسبت تخطی قانون، حسابده بودن مامورین خدمات عامه در صورت خلاف کاری، خطای اداری، و تخطی های حقوق بشر و سکتور های عامه با یک جامعه ملکی و آزاد میباشد.

ظرفیت فردی- Individual Capacity

این واژه برکسی استعمال می شود که دریک کمیسیون،شبه کمیسیون یا گروه کاری به عنوان فرد مستقل وشخص غیر دولتی عضویت دارد نه به عنوان نماینده از جانب کدام کشور.این شخص حداقل درسطح تیوری ونظری می تواند آنطوری که خودش درست می پندارد مستقلانه رای دهد نه اینکه به نماینده گی از یک کشور، دیکته های آن را بیان کند،این افراد برخلاف آن هایی که مقام وظرفیت نماینده گی را دارند ماهران ومتخصصانی اند که به خاطربی طرفی، تجربه خاص،ظرفیت ولیاقت فردی شان در کمیسیون یا گروه کاری عضویت دارند.

ظلم - Oppression

حالتیست که در آن همه طبقه های اجتماعی از امتیاز ها محروم میشوند نه به سبب آنکه مخالف دولت اند یا خیر.
ویا ظلم عملی است که در نقطه مقابل عدالت قرار داشته به حقوق اجتماعی، اقتصادی،فرهنگی وسیاسی افراد صدمه می زند.

عمل دکترین دولت - Act-of-State Doctrine

یک دکترین قضایی که از آنگونه اعمال جلوگیری میکند که بعنوان بخش استعمال قدرت مطلقه که قابل نسبت دادن به افراد نیست و هم اینکه قابل دعوی بر علیه کشور در کشور دیگر یا برعلیه نماینده گان آن کشور بدون موافقت کشور متخلف نمیتواند باشد.

عمل ؛اقدام مثبت - Affirmative Action

اقدامی که منحیث یک روش، اصل، قاعده اداری یا قانون توسط دولت یا یک نهاد برای جبران تبعیضات گذشته در عرصه تعلیم و تربیه، کار و ترقی برعلیه زنان یا اقوام معین، نژادها، ادیان یا دیگر ناتوانیها، از طریق ارجحیت دادن و مورد ملاحظه قرار دادن آنعده اشخاصی که دارای چنین مشخصات هستند، صورت میگیرد تا بتوان تاثیرات تبعیضات گذشته را از بین ببرد. حرکت مثبت سعی میکند چیزها را به حالتی نشان دهد که اگر تبعیض نمیبود اینها صورت میگرفت.

عمل متقابل – Reciprocal

اصل کلاسیک قانون بین المللی بدین معنی است که هر دولت باید به مفاد دولت دیگر طوری کار کند که مفاد بعدی خود را نیز در آن داشته باشد. غیر از این صراحت دارد، کشور "الف" باید تعهدهای خویشرا در مقابل کشور "ب" انجام دهد بخاطریکه در انجام چنین کاری کشور "الف" در پیشبرد مفاد خود کمک خواهد کرد. در تحت اصل "عمل متقابل"، قانون بین المللی در نظر گرفته شده که از تعهدهای متقابل دولتها آماده گردد.

عملیات امداد – Relief Operation

تهیه مواد توسط یک دولت/سازمان بین الدولتی/سازمان غیر دولتی مثل غذا، لباس، و ادویه و دیگر چیزهای ضروری برای زنده ماندن مردمانی که به این مواد نیاز دارند اما به نسبت حالت اضطراری مثلا برخورد مسلحانه یا مصیبت طبیعی که آنها را تهدید میکند، نمیتوانند این مواد را بدست بیاورند.

عرض حال - Communication

یعنی سند نوشتاری رسمی که توسط آن یک فرد یا یک گروه (برای مثال سازمای غیر دولتی) از کدام ارگان بین المللی (برای مثال حقوق بشر) یا محکمه یا از کشور متخلف می خواهد تا در باره پیمان یا تعهد قانونی نقض شده توسط آن کشورمتخلف، توجه نمایند.
الفاظ چون دادخواهی، عریضه وشکایت همه به همین معنا استعمال می شوند وهر نظام حقوق بشر یکی ازاین اصطلاحات را به کار می برند.

عقد(پیمان) - Conclusion

یعنی روند انتخاب،تصدیق یک متن به عنوان متن لازم الاجرا واظهار رضایت اعضا ازاین انتخاب.

عدم مداخله -Noninterference

اصل بنیادی حقوق بین الملل که درماده 2.7 منشور سازمان ملل متحد مقدس وگرامی شمرده شده است.این اصل به تمام کشورها اعلان می کنند که درسیاست خارجی وروابط بین الملل شان از مداخله درمسایلی که به طورعمده در حوزه اختیارات کشور دیگر است خودداری کنند. کشورهایی که به نقض حقوق بشر متهم می شوند ازاین اصل به عنوان دفاع استفاده می کنند واتهام یا انتقاد دیگران را مداخله در اموردا‌خلی کشورشان می دانند.البته این نوع دفاع دردنیای امروز هیچ گونه اعتبارندارد زیرا نقض حقوق بشر از مسایل داخلی نیست که مداخله درآن جایزنباشد واین نکته قبلا نیز بیان شده است که در صورت نقض حقوق بشر توسط یک کشور کشورهای دیگر می توانند با بلند کردن صدای اعتراض شان در این امر دخالت کنند وهیچ کشور حق ندارد در قلمرو اختیارات خودش مرتکب نقض حقوق بشر شود.

عدم رجعت قانون جزا به ماقبل
Non retroactivity of Criminal\Penal Law

طبق این اصل حقوقی قانون جزایی،قانون گذاران نمی توانند قوانین جنایی را وضع کنند که اعمال مجاز گذشته را به جرم تبدیل کند.یعنی اعمالی که در هنگام ارتکاب جرم نبود با وضع قانون بعدی، جرم بودن آن درهنگام ارتکاب ثابت نمی شود و کسانی که این عمل راانجام داده اند مورد پیگرد قانونی قرارنمی گیرند.

تنها چیزی که جرم بودن یک عمل را ثابت می کند قانونی جزایی است که به طور مناسب وبه جا وضع شده باشد نه اراده خودسرانه یک رهبر.تنها کسانی به جرم اعمال گذشته شان مورد پیگرد قرارمی گیرند که در هنگام ارتکاب ،جرم بودن آن عمل به طورواضح وقابل دسترس برای همه،توسط قانون تصویب شده باشد.

عدلی- Juridical

آنچه مربوط به مدیریت عدالت یا دفتر قضات،مربوط به قانون وحقوق باشد.

عملکرد دولت- State Practice

یعنی منبع مشخص کردن آنچه معیار قانون بین المللی به حساب می آید یاکیفیت وچگونگی تفسیر یک اصل قانون بین المللی. اقدام عملی دولت، قانون داخلی آن، اظهارات رسمی آن وحتی کیفیت رای دهی آن در سازمان بین المللی همه باهم اقدام دولت را تشکیل می دهد.

عاملین غیر دولتی- Non State Actors

به طورسنتی حقوق بشر به عنوان جزء حقوق بین الملل،عاملین دولتی وغیردولتی را ازهم جدا می سازد.درمجموع مدعی غیردولتی به کسی گفته می شود که در جامعه به طور یک دولت به رسمیت شناخته شده نباشد از قبیل سازمان غیردولتی،حرکت آزادی خواهی ملی،موسسه های چند ملیتی وحتی افرادعادی.گاهی به سازمان بین المللی نیز عاملین غیردولتی گفته می شود با آنکه این سازمان ها دارای شخصیت حقوقی بین المللی می باشند.
در نظریه کلاسیک حقوق بشر،حقوق بشر پیمانی وحقوق بشر در قانون عرفی بین المللی تنها بالای دولت لازم الاجرا بود وبالای هیچ فردغیر دولتی لازم الاجرا به حساب نمی آمد.
این اصطلاح بیشتر به معنای" اثرشخص سوم" نظریه تعهد حقوق بشراستعمال می شود یعنی آیا حکومت در قبال اعمال عاملین غیر حکومتی مسوولیت دارد یا نه؟آیا ازلحاظ حقوقی عاملین غیردولتی به تعهدات بین المللی حقوق بشر ملزم می باشند یا نه؟ آیا ارتش آزادخواه غیردولتی درجنگ علیه حکومت به قرارداد ژینو ملزم می باشد یا نه؟آیا دولت برای قتل هایی که توسط دسته شبه نظامی غیردولتی صورت گرفته مسوول است یا نه؟
بیشتر مسایلی که به عاملین غیردولتی مربوط می شود وظیفه دولت را برای تضمین حفاظت حق افراد ازپامال شدن توسط گروه سوم،معین می کند.دولت برای جلوگیری گروه سوم از نقض حقوق افراد، اقدام های لازم را اتخاذ می کند.

عینیت (در بررسی وضع حقوق بشر)-Objectivity

این اصل به این معنا است که در بررسی عملکرد حقوق بشر توسط دولت ها، باید بیشتر روی عناصر خارجی واقعیت ها تکیه شده و ادراکات وتوهمات ذهنی یا شخصی باید نادیده گرفته شود. این اصل برای بیان رفتار کشور یا هیات بررسی کننده اوضاع حقوق بشر درروند بررسی،به کار گرفته می شود.یعنی بررسی کننده هیچگاهی درباره هیچ کشوری براساس تصورات قبلی،تعصب یا قضاوت قبلی، به مراعات یا نقض حقوق بشرحکم نکند.وبراساس این مبناهای نادرست از هیچ کشوری ستایش نکرده وهیچ کشوری را متهم نکند بلکه واقعیت ها عینی وخارجی را اساس قضاوتش قراردهد.
اصل واقع بینی به شکایت های مطرح شده در باره بررسی تبعیض آمیزاوضاع حقوق بشر در کشورها،پاسخ می دهد.این اصطلاح گاهی همراه با اصطلاح های مربوط دیگر از قبیل اصل بی طرفی،اصل گزینشی نبودن وغیره نیز استعمال می شود.

عهد نامه –Pact

لفظ مترادف معاهده.یکی ازاصطلاحاتی که سند حقوقی بین المللی رابیان می کند. عهد رسمی به معاهده ای گفته می شود که بین دو یاچند کشور صورت گرفته وتوسط قانون بین المللی اداره شود.

عریضه -Petition

عبارت است ازدرخواست کتبی که درآن، شاکی ازحکومت تقاضا می کند تا مقامات، ازاحتیاراتش برای جلوگیری ازنقض حقوق بشر،جبران نقض حقوق بشر یا حد اقل شناسای کردن مورد نقض حقوق بشر،استفاده کند.افراد یا گروه، باراه اندازی چنین شکایت برخلاف کشوری، آن کشوررا به نقض تعهدش درباره حقوق بشرمتهم می کنند وتقاضا می کنند تا حقوق پامال شده شان جبران شود.الفاظی ازقبیل درخواست،شکایت وارتباط همه به همین معنا استعمال می شود.نظام های متفاوت حقوق بشر، هرکدام، یکی ازاین اصطلاحات را به طورجداگانه استعمال می کنند.

عدم استعمال - Desuetude

درقانون بین الملل این لفظ به معنای کهنه گی و عدم استعمال پیمان استعمال می شود.یعنی پیمان در شرف کهنه گی است وبیشتر بالای کشورهای تصویب کننده لازم الاجرا نمی باشد.این وقتی است که پیروی ازپیمان ناممکن باشد یا اینکه کشورها بدون مواجه شدن با اعتراض برای مدت طولانی به پیمان عمل نکنند .عدم استعمال، یک نوع پایان دادن غیررسمی به پیماناست بدون آنکه به طوررسمی به پیمان پایان داده شود.چنانچه کشورهای تصویب کننده طوری رفتار کنند که گویا هیچ پیمانی وجود نداشته.

عملی واقعی- DE Facto

واقعه کاملا حقیقی و واقعی که ریشه در واقعیت دارد.چیزی که واقعیت خارجی دارد، چیزی که وجودش توسط انسان ها در خارج تحقق پیدا می کند نه توسط قانون. به عبارت دیگر چیزی که وجود حقیقی داشته باشد نه وجود قانونی.برای مثال تبعیض واقعی تبعیضی است که در بین مردم وجود داشته باشد ومردم با اعمال ورفتارهای شان این تبعیض را به وجودآورده باشند درست برخلاف تبعیض حقوقی که توسط قانون به وجود می آید چنانچه قانون به نژاد مخصوص اجازه استفاده از وسایل عمومی را ندهد.خلاصه، واقعی (DE Facto)، به چیزهای گفته می شود که درجامعه وجود خارجی دارند نه به چیزهایی که از نظر قانونی باید وجود داشته باشند.

عبارت نمونه ، ماخذ معمول – Locus Classicus

یک اصطلاح لاتین که به معنای جایی است که یک شخص نقطه مبنا یا متن صریح یک چیز را پیدا میکند. عبارت نمونه ادبی میتواند به تصمیم یک قضیه، یک رساله معین، قصه یا گزارش یا حتی یک واقعه راجع گردد. یک مثال عبارت نمونه ادبی قضیه کارولاین میباشد که قانونیت تصرف و تخریب کشتی کارولاین امریکایی است که بخاطر اشتراک آن کشتی در شورش کانادا در سال 1837 بود. قضیه کارولاین در حال حاضر منحیث یک دکترین حقوق دولتها بخاطر استفاده دفاع مشروع در مقابل حمله نظامی مطرح میشود. این معیارهای اساسی را برای محدودیت های آن حقوق بنا مینهد.

عدم تبعیض در تطبیق قانون
Indiscrimination while practicing law

همه افراد بشر با کرامت و حقوق مساوی به دنیا آمده اند .کارمندان مجری قوانین باید حثیت و وقار انسانی را احترام و حمایت کرده وحقوق انسانی تمام اشخاص را پشتبانی و حفاظت نمایند.
مسئو لیت همه افراد دربرابر قانون یکسان بوده وبدون تبعیض باید از حمایت مساویانه بر خوردار باشند.کارمندان مجری قانون در حین حمایت و خدمت به جامعه ، نباید بطور غیر قانونی از تبعیض بر اساس نژاد ، جنس ،دین ، زبان ، اندیشه سیاسی ، اصل قومی ، دارائی ، تولد یا دیگر مشخصات کار بگیرد.

www.TPTG.ir

اتخاذ تدابیر معین وویژه توسط مجریان قانون جهت بر آورده ساختن نیاز ، مطابق به وضع خاص زنان (به شمول زنان حامله و تازه مادر شده) نوجوانان ، مریضان وکهن سالان که نیاز به حمایت و مراقبت های ویژه مطابق به معیار های حقوق بشر بین المللی دارند ، تبعیض غیر قانونی شمرده نمی شود.

غیرنظامی - Civilian

ساکنان یک کشورکه درجریان تنش های مسلحانه هیچگونه سهم نداشته باشند.غیرنظامیان برای شرکت مستقیم در تنش های مسلحانه و خصومت ها هیچ گونه حق قانونی ندارند واین نکته در قانون جنگی خصوصا قانون بشری اهمیت بسیار دارد.اینکه از نظر قانونی چه کسانی حق سهم گیری در خصومت هارا دارند و چه کسانی به عنوان اسیر جنگی نگهداشته می شوند، با ید گفته شود که غیر نظامیان معمولا مورد حمله قرار نه گیرند و از حفاظت و امنیت خاص بر خوردار باشند.

غیر جانبداری - Impartiality

اصلی که در مورد تطبیق حقوق بشر ونظارت بر آن مورد استفاده قرارمی گیرد. طبق این اصل تمام سازمان ها و ارگان های بین المللی در جریان مراقبت از حقوق بشر، تطبیق اصول حقوق بشر، از هیچ کشوری جانب داری و با هیچ کشوری جبهه گیری نکنند. این سازمان های نظارتی با همه دولت ها مساویانه و بی طرفانه رفتار می کنند ومعیار های بی طرفانه و بدون نظر خصوصی شان را بر همه کشور ها تطبیق می کنند.

غیرالتزامی - Nonbinding

پیمانی که نیرو و قوت حقوقی ندارد، تعهد یا وظیفه ای راکه از لحاظ حقوقی بالای یک کشور لازم وضروری باشد تشکیل ندهد. لفظ متضاد آن تعهدی (Binding) میباشد.

غرامت - Indemnity

جبران نقض حقوق بشر از طریق پرداخت پولی به خانواده های قربانی برای جبران خسارت ها و زخم های وارده برآنان.

غیر لازم الاجرا فی نفسه – Non-self-executing

این اصطلاح به پیمان های گفته می شود که تمام یا برخی مواد آن خود به خود به قانون شهری یا داخلی یک کشور تبدیل نمی شود.بلکه برای این کار، به اقدام خاص ورسمی دولت نیازاست.یعنی برای یکی کردن قانون گنجانده شده درپیمان با قانون شهری یا به عبارت دیگر تبدیل کردن ماده های پیمان به قانون شهری به اقدام های دولت نیازمی باشد.پیمان های ازاین قبیل برای تبدیل شدن به قانون شهری به قانون گذاری اجرایی نیازدارد.

فصل هفتم/!!Chapter V

اقدام عملی شورای امنیت ملل متحد به تعقیب ماده 25 و 39-51 قطعنامه این سازمان برای شناسایی نمودن موارد نقض صلح،تهدید صلح،ظلم یا تجاوز.از لحاظ قانونی، قطعنامه فصل هفتم لازم الاجرا است وهر کشور عضو ، به پیروی از این قطعنامه متعهد می باشند.

فاشیزم- Fascism

عبارت است از مکتب فکری سیاسی راست گرایان افراطی که خواهان جامعه ای است خودمختار که توسط قانون نخبه ها وطبقه ممتاز جامعه مشخص شده باشد واختیارات کامل این جامعه به دست یک رهبر عالی باشد.برای مثال کشور ایتالیا که زمانی تحت رهبری موسولونی بود.این نظام به طور عکس العمل درمقابل تهدید چپ گرایان و گروه های شورشی دیگر برای به دست گرفتن اختیارات کشور،به وجود می آید.این مکتب فکری، منافع ملی را بر حقوق افراد یا فرد گرایی مقدم می بیند وبرای به دست آوردن منافع ملی ،حقوق افراد را به طور خشونت آمیز سرکوب و پامال می کند.

فرهنگ - Culture

فرهنگ عبارت است از مجموعه ای به هم بافته از علم،هنر،عقیده و رفتار انسان، که این مجوعه وابسته است به ظرفیت انسان برای آموختن وانتقال اندوخته ها به نسل بعدی. چیزهایی را که فرهنگ در بر دارد عبارت است از: عقیده رایج، وجهه و تصویرهای اجتماعی، زبان، هنر، ویژه گی های مادی گروه های نژادی، مذهبی واجتماعی که همه این ها باعث رشد طرز تفکر مشترک، هدف وارزش های مشترک واعمالی که یک جامعه را ترسیم می کند، می شوند.

فرعی - Subsidiary

چیزی که برای مقام اول واصلی، موقعیت ورتبه ثانوی وفرعی را داشته باشد
1. ارگان دومی: ارگان دومی به ارگانی گفته می شود که ازمتن ارگان اولی سرچشمه گرفته باشد از قبیل هیات شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد،برای حمایت از اقلیت ها وجلوگیری از تبعیض که بخش شورای حقوق بشر ملل متحد وارگان فرعی آن به حساب می آید.
2 .معاهده فرعی: معاهده فرعی به معاهده ای موضوع یا گروه فرعی را در برداشته باشد از قبیل کنوانسیون پناهنده گان یا معاهد های سازمان بین المللی کار که همه معاهده های فرعی به حساب می آیند.

3. منبع ثانوی(قانون) منبع دومی قانون بین الملل را تصمیم های محاکم بین المللی ونوشته های دانشمندان حقوقی تشکیل می دهد.این منبع ثانوی قانون،نسبت به قانون پیمانی،قانون عرفی واصول عمومی قانون، منبع فرعی یا دومی به حساب می آید.

فرهنگ حقوق بشر- Culture of human rights

نظریه که توسط جامعه جهانی حقوق بشر به وجود آمد.این نظریه به هر فرد از جامعه می فهماند تا درباره حقوق شان آگاه و هوشیار باشند وبرای حقوق دیگران مطالبه،کار نموده و از حقوق آنان دفاع کنند.این نظریه، فرهنگی از جامعه انسانی را ترسیم می کند که در آن حقوق افراد به طور بارز توسط قانون حفاظت وحمایت می شود و هر عضو جامعه از جمله قوه اجراییه، قوه مقننه وقضائیه دولت مسوولیت دارند به حقوق بشری که خودشان احترام می کنند واحترام حقوق بشر را نیز تضمین می کنند.
درفرهنگ حقوق بشر همه نسبت به آگاهی از نقض حقوق بشر مسوولیت فردی دارند.
فرهنگ حقوق بشربه شکل نتیجه تعلیم و تربیه حقوق بشر در سطح جامعه به میان می اید. گاهی فرهنگ حقوق بشر در مقابل فرهنگ مصونیت قرار می گیرد.

فرضی/غیر واقعی – In Abstracto

قید لاتینی است که درقانون" قرار داد حقوق بشر اروپا" دیده می شود.این لفظ بیشتر به پذیرش ورودی یا قابل ملاحظه بودن عریضه ها و شکایت های مطرح شده در محاکم بین المللی مربوط می شود.یعنی آیا درعریضه این نکته بیان شده که شاکی قربانی تخطی است یا نه این مطلب در عریضه ذکر نشده است. طبق ماده 25 " قرار داد حقوق بشر اروپا،" ،کمیسیون یا محکمه حقوق بشر اروپا با ادعا های فرضی در مورد نقض حقوق بشر معامله نمی کنند. در صورتی که هیچ نقض واقعی

حقوق بشرو قضیه متنازع فیه وجود نداشته باشد به ادعا های نقض احتمالی یا فرضی حقوق بشر توجه نمی شود. این اصطلاح به معناهای دیگر به چیزهای فرضی که وجود خا ر جی ندارند نیز استعمال می شود.
این لفظ بیانگر شکایات و ادعا هایی است که در آن هیچ قضیه متنازع فیه وجود نداشته باشد و شکایات یا ادعا ها براساس قضیه های تصوری و تخطی های فرضی دایر شده باشد.

فرهنگ معافیت - Culture of impunity

در فرهنگ مصونیت، به حقوق بشر هیچ احترام نمی شود وهیچ گونه مسئولیت ملی یا بین المللی برای نقض حقوق بشر وجود ندارد وهرکسی می تواند بدون کدام عواقب یا مجازات شدید، مرتکب نقض حقوق بشر شود.
این نظریه در بسیاری از افراد وجود دارد که یک فرد می تواند بدون دیدن پیامد قانونی یا کدام پیامد دیگر حقوق بشر را نقض کند وآن هم به مقدار زیاد وچشم گیر. این اصطلاح شامل طرز تفکر مرتکبین نقض قانون نیز می شود که آن ها چنین می پندارند که برای نقض حقوق بشر در محاکم داخلی و بین المللی مسوول نخواهند بود وهر آنچه راکه آنها انجام می دهند کاملا درست وحق است. فرهنگ مصونیت معمولا در مقابل فرهنگ حقوق بشر استعمال می شود.

فطری (شأن/حق) - Inherent(Dignity/Right)

عبارت است از حق یا امتیازی که به طور فطری در خصوصیت ذاتی انسان ها موجود می باشد.این واژه برای توصیف خصوصیت های دایمی حق یا بزرگی انسان ها استعمال می شود.این حقوق یا خصوصیت ،به انسان به خاطر انسانیت انسان تعلق دارد واز جانب کسی به کسی داده وازکسی گرفته نمی شود.

فریب –Perfidy

رفتارمتظاهرانه توسط نیروهای مسلح به منظور جلب اعتماد دشمن. یعنی نیروهای مسلحانه به منظورفریب دادن دشمنان شان وآسیب رساندن بیشتربه آنها، طوری رفتار کنند که دشمن شان باورکنند که این ها(نیروی مسلح) واقعا می خواهند به تعهد شان به معاهده عقد شده عمل کنند. نشان دادن پرچم سفید به دشمن به علامه تسلیم شدن به منظور کاهش دادن تدابیر حفاظتی دشمن ووارد کردن حمله شدید تر، فریب وخیانت به حساب می آیدوطبق قانون بین الملل چنین رفتاری غیرقانونی است زیرا به توهین حقوق بشردوستانه منجر می شود.

فرد غیرنظامی - Noncombatant

درقانون بشردوستانه، این اصطلاح به کسانی گفته می شود که در منطقه جنگی سکونت دارند اما در جنگ یا برخوردمسلحانه سهم نمی گیرند. افراد غیر نظامی برای وارد شدن در فعالیت های جنگی حق قانونی ندارند.

فی نفسه،به خودی خود -Per Se

این لفظ لاتینی وبه معناهای"خود به خود"،"توسط خود"،"ازخود"،"فطرتا وذاتا" استعمال می شود.برای مثال: به گلوله بستن اسیرجنگی بدون دلیل، درنفس خود(Per Se) نقض معاهده GCS (1949) است.

www.TPTG.ir

Acceptance (Of Treaty) – قبول (پیمان)

یک عملکرد بین المللی که بموجب آن یک دولت در یک سطح بین المللی پیمانی را امضاء مینماید. هدف از این عملکرد موافقت بر کسب عضویت و مکلفیت داشتن در انجام یک پیمان میباشد. این چنین قبولی در یک سند بین المللی نوشته میشود که در معنا مشابه به یک سند قبولی یا تصدیقنامه، تصویب، الحاق یا دسترسی میباشد. بعضی اوقات دولت ها یک پیمانی را "بمنظور قبولی" به امضاء میرسانند که به معنای این است که امضاء قبلی هنوز هم قابل قبول میباشد.
ارائه یا سپردن یک سند فاقد شرایط لازم قبولی در موقع امضاء، دولتین را بطور قانونی مکلف به اطاعت از مواد پیمان میکند. در غیر آن سند قبولی که متعاقب سند اولی میباید، همچو شرایط را مستلزم خواهد ساخت.

Admissibility, Admissible - قابل قبول

ضوابط که بنابرآن یک شکایتنامه تحریری که ادعای تخطی حقوق بشر را توسط یک دولت مینماید، مورد قبول بخاطر ملاحظه/قضاوت توسط یک اجتماع حقوق بشری مثل یک کمیسیون یا محکمه قرار میگیرد. اگر یک شکایتنامه تمام معیارهای "قابل قبول بودن" را که در یک کنوانسیون، قواعد و قانون قبلی ذکر گردیده تکمیل نماید، در اینصورت شکایتنامه قابل قبول پنداشته میشود و محکمه یا کمیسیون خود را درگیر یا متصرف قضیه خواهد دانست. اگر چنین نباشد، این شکایتنامه قابل قبول پنداشته نمیشود.

Atrocity - قساوت

یک یا یک سلسله اعمالیکه معمولا توسط انسان علیه انسان انجام میابد که کاملا وحشیانه، شریر، سنگد لی بربری و تنفر آمیز میباشد؛ معمولا در خشونت های فزیکی استفاده میشود مثل شکنجه و قتل عام.

Beijing Rules - قواعد پکنگ

یک اسم که برای حد اقل قواعد ملل متحد برای عدل و اداره تخلفات اطفال استفاده میگردد. این قواعد در پکنگ به همین اسم پذیرفته شد، که اصول و قواعد بیشری را در رابطه به رفتار با اطفال میباشد تا بتوان حقوق بشری آنها را در یک کشوریکه سیستم عدلی برای اطفال را دارد، محافظت نمود.

Breach - قانون شکنی

نقض تعهد حقوقی یک کشور، ناکا می آن در اطاعت از اصل حقوقی جهانی است. به کشوری که رفتارها یش طبق اصل حقوقی جهانی نباشد، قانون شکن و ناقض تعهد گفته می شود. این لفظ در مورد قوانین جنگی خوبتر و مناسبتر استعمال می شود. خصوصا طبق GCS 1949 که بنیاد چهار قرارداد را گذاشت که آن ها یا قانون شکنی منظم بودند ویا شمارش مشخص قانون شکنی های جدی می باشد.
قانون شکنی،شامل مسوولیت های بین المللی کشورهای متخلف وگماشته های آن ها است. با توجه به قانون و تعهد پامال شده،قانون شکنی ،گاهی نقض تعهد و اصل قانونی خاص است و گاهی نقض قانون عرفی جهانی.
تحرک و بی تحرکی دولت، هر کدام میتواند با عث نقض قانون شود واین زمانی رخ می دهد که مدعی های غیر دولتی ،در تضاد با دولت و یا با همدستی دولت و یا همزمان با ناکامی دولت در جلوگیری اعمال خلاف قانون، کارها را انجام می دهند.
ا گر قانون شکنی از قبیل قانون شکنی مادی با شد،این به این معنا است که دولت یا رسما تعهد را رد می کند و یا اینکه شرط لازم برای تکمیل اهداف ومقاصد تعهد را انجام نمی دهد.

Red Cross Law – قانون صلیب سرخ

عین "کنوانسیون ژینو" به قسم پیشوند. اصطلاحی که برای تعریف سندهای قانون بین المللی بشری، که در پرتو کمیته صلیب سرخ بین المللی اتخاذ گردیده است و از اینرو آنرا "قانون صلیب سرخ" مینامند استفاده میگردد. این قانون قربانیان برخوردهای مسلحانه را تحت پوشش قرار داده و تا اندازه ای، میتودهای جنگی را نیز عیار میسازد. اصطلاح فوق بخاطری استفاده میگردد تا تفکیک بین قانون هاگ صورت گیرد.

قاعده - Rule

راهنمای نوشتاری و تجویز شده رفتار یا اعمال. معیار دقیق وقانونی رفتار که در قانون بین الملل، قطعی ولازم الاجرا است. پیروی از قاعده های معیارهای حقوق بشر، باعث تحقق بخشیدن وتطبیق این حقوق می شود. قاعده طوری نوشته می شود که با اصول عمومی در تضاد نباشد.

قاعده های طرزالعمل - Rules of Procedures

قاعده های نوشتاری که براساس آن، هیات،کمیسیون یا کمیته کارهای روزانه شان را انجام می دهند. این قاعده ها کیفیت انتخاب اعضا و وظیفه هیات را تشریح می کند. بطور مثال : چگونه شکایت ها صلاحیت ارایه شدن را دارند؟ و در باره چگونه شکایت ها باید تصمیم گیری شود؟ چگونه پیشنهادات وطرح ها باید مطرح وشنیده شود؟ هدف ازتمام قاعده های آیین دادرسی این است تا هیات دادرسی ، وظایف شان را به وجه بهتر وموثرتر انجام دهند.

قضیه محکوم بها - Res Judicata

دکترین حقوقی که به اساس آن یک تصمیم نهایی قضایی یک محکمه باصلاحیت بالای تمام طرفین در هر قضیه بعدی که در مورد عین مسئله حقوقی باشد قطعی پنداشته میشود.

قطعنامه- Resolution

یعنی ابراز نظر،ابراز نیت یا ابراز عقیده رسمی که هیات رسمی یا گروه مجتمع به آن رای می دهند . اکثر فعالیت های حقوق بشر سازمان های غیردولتی از طریق همین رای دهی صورت می گیرد.قراررای عبارت است از نظر تصویب شده توسط کشورهای عضو. وقتی که یک تصمیم به عنوان رای متفق انتخاب می شود، این به یک فرد اختیارقانونی اعطا می کند تا اقدام معین را انجام دهد.
پیمان های سازمان ملل ودیگر سازمان های بین المللی به طور معمول لازم الاجرا نیستند.این پیمان نه معاهده است ونه اصل قانونی اما با مرور زمان قطعنامه های بعض سازمان های بین المللی به طور بخش از قوانین انعطاف پذیر پذیرفته می شود.

قرارداد اجتماعی- Social Contract

طبق این نظریه سیاسی که نویسنده گان معروف ازآن حمایت می کند انسان ها آزاد و مستقل آفریده شده اند وبرای برآوردن نیازهای دوجانبه شان حق دارند نظام ونهادی را ایجاد نمایند وقرارداد اجتماعی را عقد نمایند.تشکیل دادن پولیس، اطفا ئیه ونیروهای مسلح را می توان از جمله قرارداد اجتماعی به حساب آورد.این نظریه برای تاسیس اختیارات حکومت ودولت پایه فلسفی به حساب می آید.افراد مکلفیت قرارداد اجتماعی شان را از طریق رای دهی وشرکت در انتخاب وانتخاب رهبر به جا می آورند.

قانون انعطاف پذیر - Soft Law

این اصطلاح در داکترین قانون بین المللی موقعیت حقوقی بیانیه ها،پیمان ها و راهنماهای مربوط به حقوق بشر را بیان می کند..این داکترین برای سازمان های بین المللی چون ملل متحد اصول غیر لازم الاجرا اما نهایت مهم را بیان می کند. وجه تسمیه این اصول به قانون انعطاف پذیر از این جهت است که این اصول از نظر حقوقی لازم الاجرا نیستند.
این اصطلاح همچنین به قوانین غیر لازم الاجرا،غیر صریح و مبهم که در سند های حقوقی گنجانده شده اند وبیشتر جنبه مشورتی دارند، نیز استعمال می شود.معیار ملل متحد برای رفتار حد اقل با زندانیان را می توان از جمله قوانین مبهم ذکر کرد.

قاعده اختصاص- Specialty

طبق این قاعده که به طرزالعمل استرداد مجرم مربوط می شود، کشوری که از کشور دیگر استرداد مجرم را تقاضا می کند باید صرف فرد مجرم را به خاطر جرم معینش محاکمه کند.حکومت حق ندارد کس دیگر را یا مجرم را به جرمی که آن را مرتکب نشده است محاکمه کند.

قانون موضوعه ؛ اصولنامه- Statute

قانونی که از بخش قانونگذاری یک حکومت یا از یک سند حقوقی بین المللی مورد قبول سازمان جهانی، منشا گرفته باشد، ازقبیل قانون مدون محکمه بین المللی عدالت، قانون مدون محکمه حقوق بشر امریکا وقانون مدون محکمه بین المللی جنایی. قانون مدون، برای تاسیس محکمه،دستگاه قضایی یا شبه قضایی وبرای تنظیم کردن حوزه اختیارات وقاعده های ساختاری آن ازجانب بخش قانونگذاری حکومت ویا از جانب سازمان بین المللی ایجاد می شود.

قواعد توکیو- Tokyo Rules

این اصطلاح به مجموع قوانینی که توسط سازمان ملل متحد تدوین شده است اشاره دارد. این قوانین معیارهای ضروری ولازم را برای اقدام های غیر توقیف خانگی به جای زندان وغیره که از جانب مقامات حکومتی مثل پولیس وغیره وضع شده است، تعیین می کند. این قوانین که درشهر توکیو در سال 1990 انتخاب شد اگر چه از لحاظ حقوقی لازم الاجرا نیست اما به کشورها توصیه شده است تا این قوانین را به عنوان بخشی از قوانین داخلی شان بپذیرند.

قربانی/متضرر- Victim

فرد یا گروهی که به خاطر نقض حقوق بشر شان توسط دولت ، آسیب دیده اند. به طور معمول تنها قربانیان نقض حقوق بشر برای ارایه کردن شکایت کتبی در محکمه حقوق بشر حق قانونی دارند اما بعض نظام های شکایت، به غیر قربانی مثل سازمان غیر دولتی نیز اجازه می دهد تا برخلاف نقض ارایه شکایت کند . فرد قربانی گاهی به طور مستقیم قربانی نقض می گردد مثل کسی که به طور غیرقانونی اعدام می شود وگاهی به طور غیرمستقیم -مثلا به خاطر قتل همسرش- قربانی به شمار می آید.

قانون اساسی - Constitution

قانون بنیادی که توسط آن یک دولت یا یک سازمان بنیانگذاری واداره می شود.قانون اساسی معمولا دلیل های تاسیس یک سازمان یا یک دولت ،مقاصد و آرگان های دایمی آن هارا (از قبیل قوه مقننه، قوه اجراییه،نظام قضایی، ادارات، مجلس عمومی، محکمه یا دبیرخانه) بیان می کند. بعضی اوقات قانون اساسی اصول وحقوق بنیادی را که بر اساس آن دولت یا سازمان استواراست بیان می کند. قانون اساسی همچنان حقوق بشری خاص را نیز بیان می کند. چنانچه امروز عده از قانون های اساسی ملی این کار را می کنند.

www.TPTG.ir

قانون اساسی معمولا حوزه قدرت ووظیفه های دولت را تعیین یا محدود می سازد.

قضاوت قضیه متنازع فیه- Contentious jurisdiction

قضاوت محکمه درجایی که واقعا یک مساله مورد نزاع بین دوگروه به وجود آمده باشد که هر کدام از دوگروه خواهان حل قضایی مساله مورد اختلاف اند، صورت می گیرد. این وقتی به وجود می آید که یک شکایت درمورد نقض حقوق بشر به محکمه تسلیم می شود. شکایت ممکن است از طرف فرد باشد هم چنان ممکن است از طرف گروه یا یک کشور در مقابل کشور دیگر باشد
قضاوت متنازع فیه درمقابل قضاوت مشورتی قراردارد که در آن یک ارگان یا یک سازمان از محکمه می خواهد تا درمورد تفسیر و کاربرد یک قانون اظهار نظر نماید. دراین نوع از قضاوت هیچ دعوا و قضیه خصمانه وجود ندارد. از قضاوت قضیه متنازع فیه در اقدام قانونی قضیه خصمانه در محکمه استفاده می شود.

قانون پیمانی بین الملل - Conventional(international) law

این اصطلاح برخلاف قوانین عادی و اصول عمومی قانون به قانون های بین المللی که در معاهده ها (پروتوکول ها) وجود دارد، اشاره میکند. بر خلاف قوانین عادی بین المللی و اصول عمومی قانون، قانون پیمانی منبع (مثل معاهده) اصل قانونی را بیان می کند در حالیکه قانون غیر پیمانی که به منبع قانون اشاره ندارد، به قانون پیمانی، قانون "نامه سیاه" و"قانون بین المللی مثبت" نیز گفته می شود.

قانون عرف بین المللی - Customary International law

درقانون بین الملل این اصطلاح به منبع اصول قانون که در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده وبر مبنای رضایت کشورهای خود مختار باشد،دلالت دارد. اصول قانون عرفی بین المللی، توسط دو عنصر که یکی کمی ودیگری کیفی است،ساخته شده است:

1. جریان کار دایمی(استعمال): استعمال یا جریان کاردایمی ،پی هم ویک شکل دولت ها در مسایل خاصی که در حوزه ارتباط جهانی واقع می شوند، در ظرف مدت قابل ملاحظه اما نا معلوم.
2. عنصر دوم: دولت ها با ید چنان اعمال را اجرا کنند. زیرا آن ها این کار را لازمه تعهد حقوق بین الملل می دانند که تعهد به قانون جهانی، عنصر درونی در قانون بین الملل به حساب می آید. البته این، بیرون از ضرورت و نزاکت صورت نمی گیرد بلکه بیرون از ادراک در عرصه تعهد قانونی بین المللی صورت می گیرد. وقتی جریان کار دایمی وعمومی توسط یک کشورهمراه با عنصر دوم از جانب کشورهای متمدن صورت می گیرد،آن وقت آن جریان کار به شکل اصل قانونی رایج بین المللی ظاهر می شود که این اصل بالای همه کشورها ی جهان لازم الاجرا می شود. بعد از اصل های قانونی عرفی، این دومین منبع اصل قانونی حقوق بشر است.

قانون سازی درباره اعمال گذشته- Ex post facto law

عبارت است از هرقانونی که عمل مجازگذشته را غیرقانونی اعلان نماید و مرتکبین آن عمل را مجازات کند،مثلا عملی را که در حین ارتکاب جرم نبود یا جرم اعلان نشده بود، اکنون جرم به حساب بی آورد وبه مجازات کردن مرتکب این عمل حکم نماید.طبق حقوق بین الملل، بر اساس اصل حقوقی "قانون جزایی وجنایی غیر مربوط به اصول گذشته" ویا عدم رجعت قانون به ما قبل، قانون سازی در باره اعمال گذشته" ممنوع وغیرقانونی می باشد. این اصل در این جمله لاتینی نیز اظهار شده است:
"NULLUM CRIMEN, NULLA POENA SINE LEGE" یعنی بدون وجود واعلان قانون سابق، هیچ جرم ومجازاتی وجود ندارد.

قانون هاگ – Hague Law

اصطلاحی است که برای توصیف هیات پیمان و قانون متعارف بین المللی در قانون برخورد های های مسلحانه استعمال می شود. این قانون در شهر Hague کشور هلند به تصویب رسید.این هیات قانون بشری، به طور عمده پیمان 1907 شهر Hague را در بر می گیرد و این پیمان مختصر ومدونی از" حقوق متعارف موجود وبیانیه های 1899 در باره گازهای خفه کننده و مرمی های دم دم (Dum-Dum Bullets)" است که به قانون و روال جنگ احترام می گذارد. هدف عمده از قانون شهرHague محدود کردن وسایل وروش هایی است که جنگجویان در جریان برخورد های مسلحانه از آن کار می گیرند.این قانون با قانون ژنیومقایسه می شود که هدف عمده از قانون ژینو،توجه به قربانیان برخورد های مسلحانه از قبیل اسیران جنگی، می باشد.

قاعده هاگ – Hague Regulation

قواعدی قانون بین المللی بشری که در کنوانسیون چهارم هاگ ضمیمه میباشد. این آیین نامه روش ها و وسایلی را که در جریان جنگ از آنها استفاده می شود بیان می کند. این قواعد حالا به قانون متعارف بین المللی تبدیل شده که زیرپا گذاشتن این قانون مسوولیت بین المللی را به دنبال دارد. این قواعد در اول تنها در برخوردهای مسلحانه بین المللی تطبیق می شد. ولی حالا این قواعد در برخوردهای غیر بین المللی نیز در حال لازم الاجرا شدن است. این قواعد در حوزه قضایی محکمه جنایی بین المللی تحت عنوان جنایات جنگی عنوان شده است.

قانون گذاری اجرایی- Implementing Legislation

قوانینی که از جانب مقامات قانون گذاری یک کشور به منظور تبدیل کردن اصول حقوق بین المللی به اصول حقوق داخلی یا ملی وضع می شود.این قانون وضع شده، توسط افراد برای اجرای حقوق بشر وبرآورده کردن تعهدات دولت به انفاذ قانون و جبران های که قبلا وجود نداشت،استعمال می شود قانون گذاری اجرایی همیشه ضروری به حساب می آید مگر زمانی که اصول بین المللی خود به خود قابل اجرا باشد که دراین صورت به قانون گذاری اجرایی نیاز نیست.

قابل قبول نبودن- Inadmissible/Inadmissibility

عبارت است از معیارهای که بر اساس آن، بعضی از شکایت ها یا درخواست ها در مورد نقض حقوق بشر مورد ملاحظه قرارنمی گیرد و ازطرف محکمه رد می شود ومحکمه از ملاحظه و حکم کردن در باره آن خود داری می کند دلایلی که درخواست را از قابل ملاحظه بودن خارج می کند عبارت است از ناسازگاری درخواست یا شکایت با پیمان ،ناکامی شاکی در انجام دادن راه حل های داخلی که این ناکامی راه ورودی شکایت رادر محاکم داخلی می بندد.در صورتی که شکایت یا درخواست شرایط لازم برای ملاحظه را نداشته باشد هیات قضایی یا شبه قضایی توانایی وصلاحیت ارزیابی یا ملاحظه آن شکایت را ندارند وشکایت از جانت محکمه بین المللی رد می شود و نوبت به تطبیق قانون نمی رسد.

قوه قضاییه بی طرف ومستقل
Independent and Impartial Judiciary

این لفظ برای توصیف وضعیت قوه قضاییی استعمال می شود که قضات خصوصیات ذیل را دارا باشند:

1. قضات باید مستقل،جدا وآزاد از نفوذ خارجی باشند. نفوذ خارجی از قبیل مقامات وافراد حکومتی،احزاب سیاسی و هرچیز دیگری که در تصمیم گیری قضات نفوذ کند وآن را متاثر بسازد.
2. در تصمیم گیری قضایی شان بی طرف باشند وبراساس تعصب به نفع یا ضرر هیچ طرفی قضاوت نکنند و قضات صرف برمبنای قانون، ارزش های قانونی وحقیقت باید تصمیم بگیرند. خصوصا مستقل بودن از حکومت وبی طرفی نسبت به حکومت که درمحاکم ملکی وجنایی حقوق بشر پیش شرط عمده به حساب می آید.

قابل تقسیم نبودن(حقوق بشر)

www.TPTG.ir

Indivisibility(of Human Rights)

عبارت است از اصل بین المللی حقوق بشر که طبق این اصل تمام حقوق بشر(حقوق سیاسی؛اقتصادی،فرهنگی اجتماعی)همه باهم حقوق بشرتام وبسیط را تشکیل می دهند دو حقوق بشررا به بخش های مختلف نمی توان تجزیه یا تقسیم کرد. کشور ها حق ندارند یک تعداد خاصی از حقوق بشر را به عنوان حقوق بشر بپذیرند وتعداد دیگر را رد وازحقوق بشر خارج کنند.برای مثال یک کشور نمی تواند حقوق بشر فرهنگی واجتماعی را بپذیرد اما همزمان حقوق بشر سیاسی واجتماعی را از حقوق بشر خارج کند وآن را جز حقوق بشر نداند.
این نظریه، از حقوق بشر جهانی در مقابل حقوق بشر نسبی دفاع می کند که در حقوق بشر نسبی، حقوق بشر بر اساس فرهنگ های مختلف، مختلف می باشند و حقوق بشر ثابت که در همه فرهنگ ها یکسان باشد، وجود ندارد.
برای ناقابل تقسیم بودن حقوق بشر اصطلاحات دیگری چون"به هم گره خورده"،"به هم پیوسته" نیز وجود دارد.

قلمرو؛صلاحیت ذاتی(کشور/محکمه)
Inherent Jurisdiction(of country/Court)

عبارت است از موضوع اصلی محکمه که این موضوع در اختیارات ولایحه وظایف آن پیمان یا قانون مدونی که محکمه را به وجود آورده بیان می شود. قلمرو قدرت ذاتی ،مسایلی را شامل می شود که محکمه حق حکم کردن درباره آن را دارد.برای مثال نسل کشی در حوزه قضاوت فطری محکمه قراردارد ومحکمه می تواند در باره آن حکم کند واین اختیارات قانونی بالای کشورهایی که درحوزه قدرت محکمه قراردارند لازم الاجرا است واختیاری نیست.

قانون بین المللی حقوق بشر
International Human Rights Law

قانون بین المللی حقوق بشر برای حفظ حقوق بشر و حفظ عظمت ذاتی انسان، اصولی را بیان می کند واز دوعنصربزرگ تشکیل یافته است.

1. اصول حقوق بشر که در دوران صلح وامنیت قابل اجرا باشد.
2. اصول حقوق بشر که دردوران تعرض های مسلحانه قابل اجرا باشد. به این،حقوق بشر دوستانه نیز گفته می شود.بین این دوعنصر قانون حقوق بشر، نکته های مشترک وجود دارد وعده ای از دانشمندان حقوق بشر دوستانه را بخشی از قانون حقوق بشر نمی داند.

مواردی را که این قانون شامل می شود عبارت است از: اصول حقوق بین المللی یا حقوق پیمانی که منبع شان پیمانهای بین المللی است،قانون عرفی بین المللی،اصول عمومی حقوق،درجه پایین قانون های نرم که از نظر قانونی به مرحله لازم الاجرا نرسیده باشد.
این نوع از قانون برای محدود کردن رفتار حکومت درحوزه اختیارات قانونی اش در مقابل حقوق بشر،اصولی را به وجود می آورد.

قضاوت- Judgment

تصمیم نهایی محکمه یا دیوان برای تصمیم گیری در باره موضوعات اصلی بین دو طرف دعوا.

قضایی - Judicial

اداره عدالت یا بخشی از یک سازمان که مسوولیت فیصله دعاوی حقوقی از طریق تطبیق دادن قانون با واقعیت،تفسیر قانون را به عهده دارد.قضاییه، محکمه یا هیاتی است که به مقامات آن قضات گفته می شود.محکمه یا دیوان مجتمع یا هیات قضایی را تشکیل می دهند.محکمه بین المللی عدالت هیات قضایی به حساب می آید.

در مقایسه با قضاییه،"شبه قضایی" به ارگانی گفته می شود که مدیران آن قضات نمی باشند وبه عنوان های دیگر چون اعضای کمیته یا اعضای کمیسیون یاد می شوند.مدیران شبه قضایی اتهام های راجع به نقض حقوق بشررا مورد بررسی قرارمی دهد واقدام دولت را طبق استانداردهای حقوقی بین المللی ارزیابی می کنند.کمیسیون سابق حقوق بشر اروپا وکمیسیون کشورهای امریکایی حقوق بشر دو مثال خوب برای "شبه قضایی" می باشند.این دو کمیسیون در باره قضیه تحقیق وبررسی می کنند ودرشرایط تصمیمات و نظریه های شان به محکمه یا قضاییه برای بررسی دقیق ارسال می کنند وتصمیم نهایی یا قضاوت در باره قضیه ها توسط محکمه اعمال می شود.از نظر حقوقی تصمیمات هیات شبه قضایی لازم الاجرا نیست.

Law – قانون

قواعد تعهدی یا اجراات یک جامعه؛ یک قاعده اجراات یا اعمال که رسما تجویز شده و به منحیث تعهد و اجبار توسط مقامات کنترل کننده به رسمیت شناخته شده است؛ چیزیکه توسط قوه قانونگذار اعلام یا تصویب میگردد.

Law of Armed Conflict – قانون برخورد مسلحانه

بدنه نورمهای حقوقی بین المللی یک پیمان، قاعده و اصول عمومی که در رابطه به برخورد مسلحانه قابل تطبیق میباشد. قبلی آن راجع میشود به حق قانونی بین المللی در مورد استفاده از نیروی مسلح و بعدی آن راجع میشود به بدنه اصول و قواعدی که چگونگی استفاده نیرو (میتود و وسایل جنگی) را تنظیم میکند و نیز اینکه با متضرین چطور رفتار صورت گیرد.اصطلاح قانون برخورد مسلحانه بیشتر از اصطلاح قانون جنگ استفاده میشود بخاطریکه شامل برخوردهای مسلحانه غیر بین المللی و دیگر برخوردهایی که تخنیک جنگ را شامل نمیشود، میباشد. جنگ یک وضع حقوقی بین دولتها میباشد که ارتباط خویشرا تحت قانون بین المللی تعریف میکنند نه موجودیت محض خصومات را در بین آن ها.

Law of Nations – قانون ملتها

قانون بین المللی نیز به مثابه قانون ملتها تلقی میشود اگرچه قانون بین المللی به منظور نظارت بر ارتباط بین دولتها میباشد و نه ملتها و در مفهوم بین المللی، قانون ملتها بحیث قانون بین المللی عامه تعریف شده است. قانون ملتها یک اصطلاح عام میباشد و از اصطلاح لاتین Lex Gentium گرفته شده است. قانون بین المللی اصطلاح درستی است که امروزه استفاده میشود.

Legality – قانونیت

یک اصل قانون جرائم بین المللی صراحت دارد که هیچکس را نمیتواند بخاطر ارتکاب عملی مجازات گردد مگر اینکه ارتکاب آن عمل در قانون منع قرار گرفته و واضح وصریح باشد . بقدر لازم اعلام شده و قابل دسترس به اشخاص باشد تا که آنها اعمال و رفتار خویشرا برمبنای آن تنظیم کنند و نیز اینکه تنفیذ قانون و ارتکاب عمل در چه زمانی صورت میگیرد. این اصل قابل تطبیق در قوانین داخلی و بین المللی میباشد. بعضی اوقات در قوانین مدنی نیز دیده میشود که در شرط محدود کردن مسئولیت تطبیق میگردد و به معنای اینست که محدود سازی توسط دولتها وقتی معتبر است اگر در قوانین مشخص و قابل دسترس که توسط یک منبع با صلاحیت صادر شده، تجویز گردیده باشد. این اصل بطور مقدماتی در قانون جزاء تطبیق گردیده است.

www.TPTG.ir

قانون ملتها – Lex Tentium

یک اصطلاح لاتین که به معنای قانون ملتها میباشد. قانون باستانی رومیها که بالای شهروندان غیر رومی حاکمیت داشت. مثلا شهروندان دیگر ملتها که در روم ساکن بودند یا در میان رومیها و بیگانه ها بودند. این قانون بین المللی امپراتوری رومی بود. در قرون وسطی این اصطلاح بخاطر تفکیک کردن قانون بین المللی عامه استفاده میگردید.

قانون تولید شده – Lex Lata

یک اصطلاح لاتین بخاطر تعریف یک مفکوره مخالف که تعهدی است، در عمل نورم قانونی بصورت عموم توسط یک جامعه قبول میگردد. مثال: آزادی بیان یک قانون تولید شده میباشد در حالیکه حق یک حاکمیت دموکراتیک یک پیشنهادی میباشد. اصطلاح قانون تولید شده به حالت فاعلی استفاده میشود.

قانون خاص – Lex Speciales

یک قاعده خاص که بالای اصول عمومی حاکمیت قانون مسلط میباشد. این همچنان راجع میشود به یک قانون مشخص در یک عرصه عمومی قانون. مثلاً، آزادی بیان وعقیده میتواند ناشی از یک قانون خاص باشد که از اصل آزادی بیان پیروی میکند. این یک جایگاه ویژه ای از یک موضوع عمومی را برای رفتار هنجاری حک میکند. این اکثراً در تفسیر نورمهای یک پیمان منحیث یک قاعده تصریح میکند که یک قاعده خاص همیشه بالای یک قاعده عمومی که عین موضوع را احتوا میکند مسلط خواهد بود.

قیمومت – Mandate

محتوی یک قطعنامه یک هیئت از مردم که خواستهای یک گروه را بیان میکند تا قدرت معین محدود را به یک شخص یا یک هیئت واگذار یا محدود و مشخص گرداند تا فعالیت های معین را منحیث یک بخش برنامه یا پروژه به انجام رساند. قیمومیت در حقیقت یک صلاحیت یا دستور برای انجام بعضی کارها میباشد. به یک شخص یا یک هیئت که قیمومت برای انجام بعضی کارها به آنها سپرده شده است، تنها میتوانند در حیطه همان قیمومت عمل کنند. عمل کردن خارج از حیطه قیمومت یک فرا عمل کردن است. حیطه ای که در آن یک شخص، گروه یا هیئت قانوناً توسط یک سازمان بخاطر انجام بعضی کارها در خود همان سازمان اجازه داده میشود. مثلا: قیمومت ملل متحد در منشور ملل متحد وجود دارد.

قتل عام – Massacre

یک کشتار جسورانه و بدون تشخیص تعدادی از انسانها بطور بیرحمانه.

قصد جرمی – Mens Rea

حالت روانی ای که یک شخص باید در حین ارتکاب یا اهمال یک عمل داشته باشد تا که بتوان برای ارتکاب جرم او را مسئول شناخت. قصد جرمی معمولاً باید با عمل یا اهمال همراه باشد تا تشکیل دهنده عنصر مادی جرم گردد و شخص مرتکب جرم ،مقصر شناخته شود. علم داشتن و قصد داشتن حالت قصدی را نشان میدهد.

قانون داخلی – Municipal Law

بصورت عموم راجع میگردد به قانون ملی یک دولت که تا مرزهای قلمرو همان کشور قابل تطبیق میباشد. "قانون شهری" یا "قانون داخلی" اصطلاحاتی اند که برای تفکیک چنین قانون از قانون بین المللی استفاده میگردد که بالای کشورهای شامل در جامعه بین المللی تطبیق میگردد.

اگهی: نورمهای حقوق بشر بین المللی که در پیمان وجود دارد، میتواند در داخل قوانین شهری یا داخلی از طریق قانون اساسی تسجیل گردد که بدان وسیله در داخل سیستم قانونی ملی منحیث قانون شهری/داخلی تضمین میگردد.

قلمرو اشغالی -Occupied Territory

درقانون بین المللی جنگ، این اصطلاح به مناطقی گفته می شود که درتصرف نظامی نیروهای مسلح کشوردشمن یا کشوری است که براین مناطق فرمانروایی قانونی ندارد.این اصطلاح به تصرف ستیزه جویانه نیز یاد می شود.قسمت زیادی ازقانون جنگ (قانون بشر دوستانه)، محدودیت های نیروهای اشغال گر را بیان می کند.

قطعی ؛ معیارمطلق–Peremptory Norm

اصول نهایی قانون عمومی بین الملل به اصولی گفته می شود که جامعه جهانی تمام آن را پذیرفته وبه رسمیت شناخته باشد وهیچ گونه قابلیت الغا یا تعلیق را نداشته باشد.تنها اصول نهایی دیگر که تمام مشخصات این اصول را داراباشد می تواند جایگزین آن شود. تعهد به این اصول در حضور جامعه جهانی تعهد تام وکلی وغیر قابل استثنا است.
طبق ماده 53 معاهده وینا حقوق نهایی یا قطعی قرارذیل می باشد:

1. اصل حقوقی قانون عمومی بین الملل
2. اصل پذیرفته شده توسط تمام کشورهای جامعه جهانی.
3. مسلم وباطل نشدنی،غیر قابل فسخ یا ابطال.

کاربرد اصول نهایی بین المللی حفاظت از ارزش های نهایت مهم بین المللی ومحدود کردن قوانینی است که درتوافق بین دوکشور ایجاد شده وبه ارزش های بین المللی آسیب وارد کند.توافقی که بر خلاف این اصول باشد وتخطی از این اصول را به دنبال داشته باشد، فاقد جنبه مشروعیت می باشد.

قاعده معترض مُصِر – Persistent Objector Rule

تئوری قانون عرفی بین المللی، صراحت دارد که یک کشور توسط یک قانون عرفی بین المللی ملزم نخواهد بود در صورتیکه بطور پیوسته و از همان آغاز رای مخالف با عقاید عمومی دارد که یک طرزالعمل معین به یک نورم تعهدی تبدیل شده است. عده ای میگویند که موجودیت معترض مُصِر بعمل آمدن عرف عمومی را مانع خواهد شد؛ بعضی ها میگویند که اینطور نخواهد شد. این استدلال نظر به مفهوم قانون بین المللی است که به اساس رضایت دولت حاکم میباشد.

قانون شکنی ؛ تخلف سیاسی-Political Offence

عمل هایی که به طور مجرمانه وبه منظور رسیدن به هدف سیاسی یا با انگیزه سیاسی صورت گیرد.تقصیرهای سیاسی به طورمعمول از پیمان استرداد مجرم استثنا می باشد. این پیمانها شامل این مورد نمی شود.اگر فردی عملی را که تقصیر سیاسی به شمار می آید انجام دهد طبق قانون پیمان استرداد مجرم، اخراج وبه کشور اصلی اش تسلیم نخواهد شد.ترور شخصیت های سیاسی نمونه ای از اعمالی است که تقصیر سیاسی بودن آن ادعا می شود یعنی بعضی ها ترور چهره های سیاسی را نیز ازجمله قانون شکنی های سیاسی می شمارند. دلیل گرایش به محدود کردن دایره این دکترین و محدود کردن تعریف این اصطلاح این است تا این دکترین مورد سوءاستفاده تروریست ها قرارنگیرد وضروت محروم کردن تروریست ها از پناهگاه امن نیز چنین گرایش را به وجود می آورد.

قانون بین المللی مثبت-Positive International Law

این قانون عبارت است از قانون بین المللی که درمعاهده ها دیده میشود و مقامات باصلاحیت سازمان های بین المللی ازقبیل سازمان ملل وشورای اروپا طبق روند تاسیس معیار حقوق بشر مخصوص خودشان ،این قانون را تاسیس می کنند.قانون مثبت بین المللی در مقایسه با حقوق طبیعی ونظریه های دیگر حقوق بالاتر استعمال می شود.

قوم - Tribe

قوم یک گروه انسانی است که فرهنگ خاص خود را دارد . بر این اساس قومیت خود ، آگاهی سیاسی گرو ههای مختلف زبانی ، مذهبی و نژادی در یک سر زمین است. قومیت به عنوان یکی از عناصر فرهنگی شناخته می شود،که هویت آن به روشهای مختلف از جمله نژاد، زبان ، مذهب ویا کشور محل تولدقابل درک است ؛به نحوی که ترکیبی از این ویژگیهای قدیم ، جوامع را از یکدیگر متمایز می سازد. پس گفته می توانیم که قو میت به گروههای زبانی، نژادی و مذهبی اطلاق می گردد، که دارای فرهنگ متمایز از دیگران هستند.

کمیسیون - Commission

گروه از افراد که از طرف کدام هیات، برای بازرسی نزاع داخلی وپیشنهاد حل برای آن نزاع، گماشته شده باشند
این گروه با مسایل ازقبیل سمع شکایات در مورد نقض حقوق بشر،مطالعات وراپوردهی در مورد نقض حقوق بشر، سرو کار دارند.کمیسیون حقوق بشرملل متحد(که کنون بنام شورای حقوق بشر نامیده می شود) نمونه ای از کمیسیون است.

کمیسیون حقوق بشر - Commission on Human Rights

کمیسیون حقوق بشر ملل متحد به عنوان هیات کمکی زیرنظر شورای اقتصادی واجتماعی، برای معامله با مسایل حقوق بشروتوسعه معیارها از طریق نوشتن پیمان ها وبنیانگذاری دیگر معیارهای حقوق بشر. این، مهمترین کمیسیون حقوق بشر ملل متحد ومطرح ترین مرجع است. این کمیسیون متشکل از 53 کشورعضو است که از تمام نقاط جهان نماینده گی می کنند. کشور اعضای این کمیسیون با استفاده از ظرفیت های وکالتی شان، برای ترقی منافع کشورشان کار می کنند.

کمیته - Committee

گروهی از افراد که اداره یک قضیه، تفکر وتصمیم گیری درباره آن قضیه، مربوط به آن ها باشد.مثل هیئت مئوظف،کمیسیون یا قوه مقننه بین المللی که برای وظیفه خاص از جانب کدام سازمان جهانی نماینده گی داشته باشد.برای مثال کمیته حقوق بشر، در ماده 28 میثاق بین المللی حقوق سیاسی ومدنی(ICCPR) تاسیس وتصویب می شود، این کمیته شامل گروه از اعضای مسلکی است که براجرای پیمان توسط کشورها نظارت دارند. البته کشورهای که از لحاظ قانونی مکلف به پیروی از پیمان باشند. منبع اختیارات یا بنیانگذار یک کمیته می تواند این کمیته را به عنوان یک گروه شبه قضایی تاسیس کند. برای مثال:کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد.

کمیسیون فرعی در رابطه به جلوگیری از تبعیض و حفاظت اقلیتها
Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities

این هیات حقوق بشر که توسط کمیسیون حقوق بشر ملل متحد برای محافظت از احترام به حقوق بشر تاسیس شده است ،یکی از پسندیده ترین هیات های کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و دارای 26 عضوی است که از جانب این شورا تعیین می شود.اعضای این هیات را افرادی متخصص وخبره تشکیل می دهند که عضویت شان در این هیات بر اساس ظرفیت ولیاقت فردی شان است یعنی این اعضا ء، کاملا مستقل بوده و به نمایندگی از کشورهای شان در این کمیسیون عضویت ندارند.
این هیات برای رفع هرگونه تبعیض راجع به حقوق بشر وآزادی های اولیه وبرای حمایت از اقلیت های مذهبی،قومی ،لسانی ونژادی اقدام می کند ودر باره موضوعات گسترده حقوق بشر ازقبیل تعصبات مذهبی وغیره و وضعیت حقوق بشر

در کشورهای خاص، تحقیق می نمایند ونتیجه تحقیق شان را به شوراگزارش می دهند وبیشتر وقت شان رابرای تحقیق نقض های خاص حقوق بشر صرف می کنند.

کمیسیون حقیقت یابی- Truth Commission

عبارت است ازمحکمه ای که حکومت آن را به منظور افشا کردن عوامل نابسامانی ها وآشوب های ملی ازقبیل جنگ داخلی، رژیم نژاد پرست وغیره را تاسیس واعضای این محکمه را ازمیان طبقات مختلف جامعه انتخاب می کند. این کمیسیون به سوال های ازقبیل مقتول کیست؟ قاتل کیست؟ چه کسی دستور قتل را داده است؟ و کی ناپدید شد؟ چه کسی اورا ناپدید کرد؟ قربانی فعلی حادثه کیست؟ وغیره ، جواب می دهد وهمچنین به سوال های دیگر ازقبیل عاملین ترور مقامات حکومتی چه کسانی اند؟ قبرهای دسته جمعی درکجا واقع اند؟ مدافعین حقوق بشررا چه کسانی دستگیر کرده اند؟.
کمیسیون حقیقت یابی، گاهی ازهردوطرف قضیه شواهد ومدارک جمع آوری می کند تا مردم را ازآنچه در پشت صحنه روی می دهد باخبر سازد ومسوولیت فردی یا گروهی را تعیین کند. کمیسیون حقیقت یابی،زمانی به کار شروع می کند که پیگرد قانونی وجنایی و راه حل های مدنی به دلایل خاص، ممکن یا مرغوب نباشد.
کمیسیون حقیقت یابی که در افریقای شمالی در دوره جدایی ونفاق بین سیاه پوستان وسفید پوستان تاسیس شده بود یکی ازمثال های کلاسیک این کمیسیون است.
همانطور که تاریخ ثابت کرده است این کمیسیون علاوه بر پرده برداری از واقعیت ها می تواند عدالت را درجامعه پیاده کند ودرد های مردم را با اتحاد دوباره، بازسازی ، و درمان ضربه های روحی گذشته التیام بخشد.

کنوانسیون ویانا در باره قانون پیمانها (ملل متحد 1969)
Vienna Convention on the Law Of Treaties
(UN 1969)

عبارت است از پیمان سال 1969 ملل متحد که در سال 1980 به مرحله نفوذ وارد شد.این پیمان که به نام پیمان روی پیمان نیز یاد می شود اصول معاهده سازی واصول تفسیر آن را بیان می کند. این پیمان، بیشتر برای مشخص کردن تعهدهای بین المللی درپیمانها وقوانین تطبیق وتفسیرمتن آن ها به کاربرده می شود. این پیمان به اندازه زیاد به عنوان بیانیه قانون عرفی بین المللی پذیرفته شده است وبالای همه کشورها لازم الاجرا است حتی کشورهای که در خود این پیمان عضویت ندارند.
توجه! پیمان ویانا را که در سال 1969 تاسیس شد با بیانیه وبرنامه عملی ویانا ، خلط نشود زیرا دومی برخلاف اول، پیمان نیست بلکه تنها اعلامیه است.

کناره گیری (ازپیمان)- Withdrawal

عملی که با آن کشور متعهد، تعهد حقوقی اش را ازپیمان طبق ماده کناره گیری پیمان پس می گیرد. کشورهایی که می خواهند خودرا از معاهده کنار بکشند سند رسمی وقانونی کناره گیری را به کشوریا سازمان نگهدارنده تسلیم می کند وبدین طریق عضویت شان در معاهده را لغو می کنند.
در بسیار از معاهده ها، ماده کناره گیری در قسمت آخر معاهده گنجانده می شود.

کنوانسیون - Convention

توافق حقوقی لازم الاجرا و چند جانبه بین دولت ها برای تنظیم مسایلی که مربوط به همه آن ها می شود و این توافق توسط قانون بین المللی اداره می شود این اصطلاح در عنوان پیمان های خاص به کار برده می شود مثل کنوانسیون حقوق اطفال.
این لفظ تقریبا با الفاظی چون پیمان، میثاق وعهد هم معنا است که همه این الفاظ به معنای سند حقوقی بین المللی است.معاهده ها بیشتر چند جانبه می باشند یعنی بین بیشتر از دو دولت ومعاهده،اصولی را تاسیس می کند که از نظر حقوقی بالای همه آن کشورهای که معاهده را به تصویب رسانده اند لازم الاجرا است. البته بین الفاظ یاد شده تفاوت های کوچک ومعنا دار وجود دارد.از نظر معنای روانشناسی معاهده به معنای گرد هم آمدن است.

این سندهای جهانی برای رفتارهای دولت ها اصولی را تاسیس می کنند وبا مسایل از قبیل حقوق بشرمعامله می کنند.این سندها معمولا به روی همه کشورها به منظور شرکت کردن تمام جامعه جهانی به روی همه باز است.
این اصطلاح به معنای عمومی برای قانون معاهده مثبت نیز استعمال می شود. بعض اوقات یک اصطلاح مثل ''Convention'' به جای لفظ دیگر چون ''Treaties'' استعمال می شود تا آن پیمان ها ''Treaties'' را از دیگر منابع قانون بین المللی چون قانون عرفی جهانی واصول عمومی قانون مشخص نمایند.

کشورهای درحال توسعه- Developing Countries

عبارت است ازکشور، دولت یا ملتی که درآمد حد وسط آن کمترازدرآمد کشورهای صنعتی جهان بوده واساس عمده اقتصادش صادرات محصولات اندک باشد. که به این کشورها کشورهای توسعه نیافته نیزگفته می شود. این اصطلاح به طور ضمنی این معنا را می رساند که این کشورها برای بالابردن معیارهای زنده گی شان درروند توسعه قرار دارند.

کنوانسیون نسل کشی (ملل متحد 1948)
Genocide Convention (UN 1948)

پیمان بین المللی که توسط اعضای ملل متحد در 1948 اتخاذ گردید تا نورم پیمانی حقوقی را که مجازات را برای عمل نسل کشی تعریف میکند تاسیس نماید. عنوان کامل آن "کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرائم نسل کشی" میباشد و برعلاوه تعریف نسل کشی، مسئولیت بین المللی جنایت را برقرار میکند و در صورت اعمال تخطی گرایانه به تمام کشورهای طرف صلاحیت پیگرد این تخطی ها را در محاکم میدهد.

کمک های انسان دوستانه- Humanitarian Assistance

فراهم کردن وسایل آرامش،جعبه های غذا، ودارو به مردمی که هدف وقربانی فاجعه انسانی، عمومی یا طبیعی قرارگرفته اند. بعضی ها کمک انسان دوستانه را ازنوع "نسل سوم حقوق بشر" می دانند.

کمیته بین المللی صلیب سرخ
International Committee of the Red Cross

مقراین سازمان غیردولتی در سویزرلند و ژینو می باشد ودر زمینه های ذیل فعالیت دارد
1- تعیین معیارها وانتخاب پیمان ها در قوانین بین المللی حقوق بشر.
2- نظارت براجرای اصول حقوق بشر.
2- بازدید از اسیران جنگ .
3- نظارت بر روش کمک به غیرنظامیان در برخورد های داخلی وبین المللی.
4- فعالیت های بشر دوستانه در حالات اضطراری چون زلزله یا طوفان های دریایی.

کشور/دولت عضو – Member State

یک دولتی که عضو یک سازمان (بین المللی/منطقوی/و غیره) میباشد. عضویت دولت توسط کشور تصویب کننده منشور یا دیگر مولفه سند پیمان که سازمان را تاسیس میکند، حاصل میگردد. معمولاً تنها کشورهای عضو میتوانند در فعالیت های ذیدخل باشند و روی قطعنامه سازمان رای بدهند زیراکه آنها دارای منافع دوطرفه در یک رابطه حقوقی قرار دارند. مثال: توسط تصویب منشور سازمان ملل، یک کشور عضو ملل متحد میگردد.

کارهای مقدماتی - Preparatory Works

www.TPTG.ir

این اصطلاح مترادف اصطلاح تاریخچه قانونگذاری وعبارت است از اسناد نوشتاری کارهای دیپلوماتیک (از قبیل مذاکره وبحث در باره گزینش متن یک معاهده) که زمینه را برای تاسیس سند معاهده فراهم می کند وگاهی برای تفسیر معاهده از این اسناد نوشتاری به عنوان کمک نیز استفاده می شود.تاریخ قانونگذاری،بررسی ها،ومذاکره ها در باره الفاظ وعبارات معاهده،سیطره ومحتوای اصول معاهده که نظر نویسند گان ازآن به دست می آید، همه در این اسناد گنجانده می شود.

کمیساری عالی برای حقوق بشر
High Commissioner for Human Rights

عبارت است ازیکی از مقام های پایینتر از مقام دبیری که توسط پیمان 141/48 سال 1993 در مجلس عمومی ملل متحد تاسیس شد.مجلس عمومی ملل متحد فردی را برای نظارت تام بر تمام فعالیت های حقوق بشر ملل متحد انتخاب می کند. در سال ،1997 مقام نماینده برای حقوق بشر، به شکل مرکز حقوق بشر ملل متحد که درژینو موقعیت دارد ، تغییر شکل داده شد.
نماینده گی ملل متحد تمام فعالیت های حقوق بشر را با تکیه وتمرکز روی سه مورد هماهنگ می کند: (1) توسعه سیاست و گردآوری وتحلیل معلومات در باره حقوق بشر ; (2) تقویت هیات ها وسازمان های حقوق بشر از جمله توجیه وهماهنگ کردن میکانیزم حقوق بشر; (3) حفاظت از حقوق بشر وارتقاء آن با عمل های خاص.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
European Convention(on human Rights)

معاهده اروپایی حقوق بشر یا معاهده اروپا عنوان کوتاه معاهده در باره حفاظت از حقوق بشر وآزادی های بنیادی، است که این قرار داد توسط شورای اروپا در سال 1950 تصویب شد.این شورای اروپایی، سازمان منطقوی است که در ابتدا از کشورهای اروپای غربی تشکیل شده بود وحالا بسیاری از کشورهای اروپای شرقی نیز در این شورا عضویت دارند. این پیمان، پیمان منطقوی است که در محوطه شورای اروپا توسط کمیسیون حقوق بشر اروپا(که مرکب است ازکمیته وزیران وسیستم محکمه ای) نظارت می شود.

کشتن- Killing

از حیات محروم کردن بدون اصول لازمه حقوقی. اگر قربانی آن اهالی آسایشته و بدون سلاح باشند، یا شخصی نظامی بدون اسلحه، در آنصورت پایمال کردن حقوق انسان محسوب میگردد.

کشتار (قتل عام)- Massacre

کشتن اشخاص بی سلاح که آنها در یک محل معین و وقت معین جمع آورده میشوند. برخلاف کشتار جمعی (نسل کشی) که قربانیان آن قبلا دچار تبعیض نمیگردند. کشتار اجازه داده شده، عمل سنگدلانه و اکثرا در اثر نتیجه جبر و زور مقامات که قدرت (صلاحیت ایشان) ناشی از قوه های حربی و یا نیمه حربی بوده و در برخی عملیات رسما اجازه دارند، میباشد. قربانیان آن اهالی ملکی که بی دفاع اند و مقاومت نمیکنند، میباشند.

کشتار(قتل) نژادی- Racial Killing

کشتار از طرف نمایندگان دولت، اشخاص انفرادی و گروهای تبهکار که قربانیان آن به سبب منسوبیت نژادی یا رنگ و پوست گرفتار این عمل میگردند ، می باشند.

گزارش،میکانیزم وطرزالعمل بر اساس کشور
Country-specific procedure/mechanism/reports

www.TPTG.ir

این لفظ بیانگر میکانیزم وگذارش بین المللی وبین الدولی برای تطبیق اصول حقوق بشر است که بیشتر روی کشورها تکیه می کند تا موضوعات. میکانیزم کشوری ،مطالعه عمیق وضعیت حقوق بشر در کشورهای خاص است. هدف از میکانیزم تطبیقی کشوری ،نظارت بروضعیت در کشورهای خاص است.گذارش دهی کشوری توسط کسانی انجام می گیرند که به آنان اختیار تام برای مطالعه عمیق در مورد وضعیت یک کشور داده شده است.در مقابل این گذارش ومیکانیزم کشوری میکانیزم موضوعی قرار دارد که بیشتر موضوع ها را تحت پوشش قرار می دهد تا کشور ها را.

گزارشگر – Rapporteur

یک لغت فرانسوی عنوانی را که به یک شخص توسط یک هیات داده شده است مشخص میکند، مثلا، کمیسیون ملل متحد در مورد حقوق بشر، تعیین شخصی از بین اعضای خود که یک گزارش رسمی از کار مجمع تهیه کند. گزارشگر کسی است از جریان مسائل و ملاقاتها یادداشت ها برمیدارد تا که یک گزارش تحریری را تهیه نماید. این صطلاح یک کمی متفاوتر از "گزارشگر ویژه" میباشد که در مورد وضع حقوق بشر در یک کشور خاص یا روی یک مسئله خاص حقوق بشر گزارش تهیه میکند، طور مثال، نابرابری ها مذهبی. (رجوع شود به گزارشگر ویژه)

گزینش- Selectivity

این اصل حقوقی به معنای انتقاد گزینشی وتبعیض آمیزاستعمال می شود. بعض کشورها یا سازمان های جهانی در انتقاد از نقض حقوق بشر توسط بعض کشورها گزینشی وتبعیض آمیز عمل می کنند، این انتقاد را براساس دشمنی سیاسی یا اید یولوژیکی با آن کشورها انجام می دهند، از حقوق بشر برای فرونشاندن عقده ها ی سیاسی شان سوء استفاده می کنند وکشورهای دیگر را با آنکه مستحق انتقاد اند نا دیده می گیرند.اصل عدم تبعیض درست متضاد این اصطلاح است که به معنای بررسی وانتقاد غیرجانب دارانه استعمال می شود.طبق اصل عدم تبعیض کشورها یا سازمان های بین المللی حق ندارند به خاطرغرض های سیاسی یا ایدیولوژیکی تنها کشورهای خاص بطور مثال کشور های اسلامی،کمونیست یا غیر این ها را مورد انتقاد قراردهد بلکه در انقاد ازنقض حقوق بشر باید به همه کشورها مساویانه وواقع بینانه نگاه کنند.

گزارشگر خاص - Special Rapporteur

کسی که به اساس تجربه اش ازجانب هیات حقوق بشر برای مثال ازجانب کمیسیون حقوق بشر ملل متحد برای گزارش دهی درباره موضوع خاص از قبیل شکنجه یا خشونت علیه زنان یا در باره کشور خاص، انتخاب شده باشد. گزارش دهنده خاص گزارش را به هیاتی ارایه می کند که از گزارش، برای مذاکره،بررسی وتصمیم گیری استفاده می کنند. گذارش دهی در باره موضوع خاص به گزارش دهی موضوعی یاد می شود درحالیکه گزارش دهی در باره کشور های خاص به گزارش دهی کشوری یاد می شود.

گروهی کاری- Working Group

گروهی از افراد که برای انجام دادن وسروکار داشتن با مسایل خاص ومحدود ازجانب کدام سازمان توظیف شده باشند.این گروه معمولا از بین اعضای سازمان اصلی انتخاب می شوند وبا مسایل مربوط به حقوق بشر از قبیل ناپدید شدن اجباری، قابل ملاحظه بودن شکایات وغیره که ازجانب سازمان، تعیین می شود معامله می کنند. برای مثال گروه کاری ملل متحد برای ناپدید شدن اجباری که تحت شورای حقوق بشر ملل متحد اداره می شود یکی از گروه های کاری است که با مسایل مربوط به افراد گمشده یا ربوده شده سروکار دارد.

گفتار نفرت آور- Hate Speech

www.TPTG.ir

گفتاری که دردیگران نسبت به افراد یا گروهی از افراد به خاطر ویژه گی های نژادی، مذهبی یا ملی آن گروه یا افراد، نفرت ایجاد کند و مردم را از آن ها متنفر سازد.

گزینشی نبودن (بررسی وضع حقوق بشر)-Non selectivity

خلاصه وچکیده این اصل این است که بررسی اوضاع حقوق بشر درکشورها باید عادلانه ومساویانه باشد واز حقوق بشر برای بدنام کردن کشورهای خاص نباید سوء استفاده شود. یعنی براساس اختلافات ،عقده یا مخالفت های سیاسی یا ایدیولوژیکی با کشور یا کشورهای دیگر (برای مثال: کشورهای کمونیست یا کشورهای اسلامی) نباید آن کشوریا کشورها را به نقض حقوق بشر متهم کرد.سازمان های بین المللی نباید بررسی های شان را درباره حقوق بشر به کشورهای خاص محدود کنند وکشورهای دیگرراکه صلاحیت بررسی شدن رادارند نادیده بگیرند.طبق این اصل،در بررسی وضع حقوق بشر، به همه کشورها باید به طورمساویانه نگاه شود.

گرسنگی و سوء تغذیه- Hunger and Malnutrition

گرسنگی وضع جسمانی است که بر اثر کمبود جدی مصرف غذا رخ میدهد.شخص گرسنه بدون آنکه مداخله دیگری موجود باشد ، جان می دهد گرسنگی برای انسان مرگ آور است. تعداد مردمی که در گرسنگی به سر میبرند معلوم نیست.
سوء تغذی آنقدر جدی نیست که باعث هلاکت شخص گردد. سوء تغذی مرگ آور نیست . سوء تغذی بعضا از روی 60 % نا رسایی وزن بدن انسان، به تناسب سن و سال آن معین کرده میشود.
نگاه کنید همچنین حقوق غذا.

گروه محروم- Disadvantaged group

عبارت است از گروه اجتماعی مثل زنان،پناهنده گان،معلولین و فقرا که بیشتر قربانی رفتارهای تبعیض آمیز عمدی یا سیستماتیک قرار گرفته وبرای تعلیم،کاریابی ،امتیازات اجتماعی ودسترسی به عدالت، فرصت وموقعیت محدود داشته باشند.

گروه اقلیت- Minority Group

گروه که نسبت به دیگر اهالی دولت اقلیت را تشکیل میدهند، از امتیازهای کمتر برخوردار میباشند. اعضای گروه اقلیت هرچند تبعه کشور اند دارای تفاوت های ملی مذهبی یا زبانی میباشند که باعث جداسازی ایشان از دیگر اتباع کشور میگردد.طبعتاً اعضای چنین گروه ها را حس یکدلی و خواهش حفظ فرهنگ، عنعنه ها، مذهب وزبان متحد میسازد. اعضای چنین گروه میتواند در حالت اقلیت قرار داشته باشند باوجودیکه در عمل اکثریت را تشکیل دهند. اقلیت نه به تعداد اشخاص گروه بلکه با خصوصیت های فرق کننده آنها معین میشوند. خصوصیت خاصی فرق کننده اقلیتها اینها اند:

1. اعضای اقلیت نسبت به گروه های دیگر در حالت نامساعد میباشند،
2. اقلیت از راه علامت های اشکار فرق کننده گروه ها شناخته میشود؛
3. اقلیت گروه از اشخاص اند که خود را چنین درک میکنند و به مخصوصیت خود اطمینان کامل دارند؛
4. عادتاً اشخاص بطور اختیاری اعضای چنین گروه نمیشوند بلکه انها همینطور بدنیا میایند؛
5. اعضای اقلیت بسبب ضرورت یا انتخاب ازدواج با اعضای گروه خود را ترجیح میدهند چون گروه خود را برتر میدانند.

لازم الاجرا یا الزام آور- Binding

اصطلاح حقوقی که بیانگر نوع یک اصل قانونی است به عنوان استاندارد رفتار که یک دولت باید ازلحاظ قانونی از آن پیروی کند. این یک نیاز مندی واجب و لازم الاجرا است. این اصطلاح برای توصیف قرار دادی است که توسط حکومت تصویب شده است. بعد از تصویب معاهده توسط دولت و ورود سند به مرحله انفاذ، معاهده با لای حکومت لازم الاجرا است. وحکومت باید از آن اطاعت نماید. بعد ازتصویب معاهده، معاهده لازم الاجرا، باید با هیچ تفاهم/بیانیه و مصلحت همراه نبا شد. سر پیچی دولت از معاهده لازم الاجرا، به نقض معاهده منجر می شود.

لازم الاجرا فی نفسه – Self-executing

ماهیت حقوقی یک معاهده که ماده های آن بعد از تصویب خود به خود به قانونی داخلی یک کشور تبدیل می شود وبالای آن کشور لازم الاجرا می گردد .برای تبدیل ماده های این نوع معاهده به حقوق شهری، به هیچ اقدام مقامات باصلاحیت آن کشور نیازنیست.این نوع معاهده ها فورا بعد ازتصویب لازم الاجرا می گردد وبرای لازم الاجرا شدن این معاهده ها به قانونگذاری اجرایی در قانون ملی نیاز نیست.

لایحه وظایف -Term of Reference

لایحه وظایف یک ارگان عبارت است ازمجموعه دستورات وقوانینی که مسوولیت ها و وظیفه های یک ارگان یا یک هیات درآن بیان می شود. لایحه وظایف، اعمال وحرکت های مجاز یک ارگان رسمی واعمال مشروع وغیرمشروع آن را بیان می کند.خلاصه،لایحه وظایف کارهایی را که یک هیات باید آن را انجام دهد تعیین می کند و ارگان حق ندارد کارهایی را که در لایحه وظایف آن گنجانده نشده است انجام دهد.

لایحه ؛ اعلامیه حقوق بین المللی
International Bill of Rights

این اصطلاح درزمینه حقوق بشر برای بیان حقوق بشر،آزادی های بنیادی واولیه ومیکانیزم تطبیقی که درچهار سند کلیدی وبین المللی حقوق بشر گنجانده شده است، استعمال می شود.چهار سندی که لایحه بین المللی حقوق بشر را تشکیل می دهند قرارذیل می باشد.

1. اعلامیه جهانی حقوق بشر(1948).
2. کنوانسیون بین المللی ملل متحد در باره حقوق سیاسی ومدنی(1966).
3. پروتوکول انتخابی(اول) پیمان بین المللی ملل متحد درباره حقوق سیاسی ومدنی.
4. کنوانسیون ملل متحد در باره حقوق اقتصادی،اجتماعی وفرهنگی(1966).

بعض سکتورهای جامعه حقوق بشر، پروتوکول انتخابی دوم را در باره لغو اعدام در کنوانسیون حقوق مدنی وسیاسی شامل کرده اند.

تمام حقوق بشر و شیوه هایی که از طرف جامعه جهانی برای حفظ عظمت ووقار انسان ضروری تلقی شده است در این چهار سند بیان شده است.

منازعات مسلحانه داخلی- Internal Armed Conflict

تنش مسلحانه که تنها درمحدوده یک کشور و بین احزاب وگروه های موجود درآن کشور روی می دهد، دو طرف تنش را گاهی حکومت و فرقه دیگر و گاهی فرقه های غیر حکومتی تشکیل می دهند. بسیاری از این تنش ها در قوانین بین المللی حقوق بشر در ماده سوم قرارداد های چهارگانه ژنیو سال 1949 گنجانده شده است. و بعضی از اصول قوانین عرفی بین المللی نیز در این زمینه قابل اجرا می باشد.

موقت - Ad Hoc

www.TPTG.ir

در عموم به معنای "مربوط به هدف محدود خاص یا مدت خاص" میباشد.

1. گروه کاری موقت: یک گروه کمکی که در داخل یک سازمان ایجاد میگردد تا فقط در محدوده یک مسئله خاص کار نماید.
2. محکمه موقت: یک مجتمع قضایی که بمنظور کار بالای قضایای مشخص حقوقی ویا بالای موضوعات مشخص کار نماید. مثلاً: جنایات جنگی. محکمه نظامی بین المللی در سال 1945 یک محکمه موقت بود که فقط بخاطر بررسی جنایات نازیهای شامل در جنگ جهانی دوم ایجاد شد.
3. قاضی موقت: یک قاضی که مخصوصا برای یک قضیه خاص خواه به تنهایی و یا منحیث عضو یک گروه قضات تعیین میگردد تا بالای موضوع قضاوت نمایند. ویا

قاضی مؤقت (ویژه) محکمه جزائی بین المللی که توسط عضوی (دولت) از دیوان که هیچ قاضی از کشور خود در میان قضات مسئول در قضیه مطروحه نیست، انتخاب می شود تا بر موضوع مشخص قضاوت نماید.

مکانیزم طرزالعمل مربوط به کنوانسیون Convention(al)mechanism/procedure

میکانیزم حقوق بشرکه درسند پیمان حقوق بشر و توسط پیمان حقوق بشر تاسیس شده است. برای مثال میکانیزم شکایت بین الدولی شورای حقوق بشر ملل متحد طرز عمل پیمانی ICCPR به حساب می آید

A Fortiori - محـقق

قید لاتین که برای اظهار یک استدلال یا موضوع معین که خیلی نزدیک به واقعیت بخاطر منطق و حقایق قوی باشد، استفاده میگردد. این به معنای چیزی است که همراه با دلایل قوی باشد. مثلا: اگر یک بمب غیر اتمی باعث مرگ مردم میشود، "محقق" یک بمب اتمی اگر در عین مکان استفاده شود تلفات خیلی زیاد مردم را در پی دارد.

منشور افریقا یی حقوق بشر و مردم
African Charter on Human and Peoples' Right

یک پیمان عمومی حقوق بشر که توسط سازمان وحدت افریقا پذیرفته شده است. پیمان منطقوی افریقا که در نایروبی، کینیا در 1981 صورت گرفت. بعضی اوقات به اسم منشور افریقا یا منشور بانجول یاد میگردد. این پیمان توسط کمیسیون افریقا روی حقوق بشر و مردم نظارت می کند.

Quid Pro Quo- معاوضه

چیزی که به طورمعاوضه برای حاصل کردن چیزدیگر داده یا پذیرفته می شود.چیزی که کسی برای حاصل کردن هدف نهایی ورسیدن به آرزوی نهایی اش با آن معامله می کند یا به آن راضی می شود.بطورمثال اگر حکومت به شخص عارض مقداری پول بپردازد ودر عوض از شاکی بخواهد تا از شکایتش صرف نظر کند در این صورت به پول پرداخت شده، معاوضه(Quid Pro Quo) گفته می شود.

Restriction - محدودیت

محدود کردن حقوق بشر حقیقی، ایجاد محدودیت برای ماده های معاهده حقوق بشر در بند های شرطی یا تحدیدی آن معاهده ها. ماده های قیدی یا تحدیدی، قیدها وشرط های مجاز یک کشور را بیان می کند. این قید ها ومحدودیت ها باید مورد تایید قانون باشد وبا اهداف ومقاصد معاهده در تضاد نباشد واین قید ها یا محدودیت ها باید برای حاصل کردن مقاصد مشروع وقانونی ایجاد شده باشند.برای معلومات بیشتر تعریف Limitation را مطالعه کنید.

Self Incrimination - مجرم شمردن خود

طبق این حق بشری که درجمله لاتینی "*nemu tenetur edere contra se or non accusare se debet*" بیان شده است،حکومت نباید کسی را مجبور کند تا بر خلاف خودش چیزی بگوید،برخلاف خودش شهادت دهد یا برخلاف خودش مدارک فراهم کند ودرجریان دادخواهی جنایی حکومت نباید کسی را به شهادت و اعتراف اجباری مجبورکند. پیروی نکردن از این اصل به رد پذیرش ورودی شهادت، اعتراف اجباری منجر می شود یعنی مدارک،شواهد واعتراف اجباری ازجانب متهم برخلاف خودش، صلاحیت این راندارد که مورد ملاحظه وبررسی قراربگیرد.

مصونیت حاکمیت - Sovereign Immunity

طبق این نظریه حقوقی، قانون ملی یک کشور مستقل حق ندارد کشور مستقل دیگررا در محکمه بدون رضایت صریح یا ضمنی اش استعمال کند.این به این معنا نیز استعمال می شود که یک کشور مستقل نمی تواند از طرف کشور مدعی علیه بدون رضایتش نقش مدعی علیه را بازی کند. به طور معمول این گونه بیشتر درکارهای اجتماعی به رسمیت شناخته می شود نه در کارهای خصوصی.

مقام مشورتی خاص-Special Consultative Status

عبارت است ازمقام مشورتی که از جانب شورای اقتصادی واجتماعی ملل متحد به یک سازمان غیر دولتی اعطا می شود.سازمان غیر دولتی که این مقام را دارا است با مسایلی معامله می کنند که معامله با آن ها کار ارگان های حقوق بشر است. این مقام به یک سازمان غیردولتی اجازه می دهد تا درکار ارگان های مربوط به حقوق بشر شورای اقتصادی واجتماعی ملل متحد، سهم بگیرند.برای مثال گذارش دهی کتبی یا شفاهی ودخالت در مسایل حقوق بشر که همه کارهای ارگان های حقوق بشر شورای اقتصادی واجتماعی ملل متحد می باشند. مقام مشورتی ،لقبی است که برای تشخیص مقام طبقاتی سازمان غیر دولتی که درسال 1996 تاسیس شد وقبلا به نام **طبقه دوم** یاد می شد.

معیار- Standard

این کلمه تقریبا با کلمه هنجار (Norm) هم معنا است. استاندارد، عبارت است از معیار دقیق حقوقی که رفتار یک دولت را راجع به حقوق بشر، ارزشیابی وبررسی می کند.استاندارد، سطح رفتاری را بیان می کند که یک کشور برای برآوردن تعهد حقوقی اش نسبت به حقوق بشر، باید آن را دارا باشد.

مسوولیت دولت برای رفتار با اتباع بیگانه - State Responsibility for the treatment of Aliens

این اصل قانون کلاسیک بین المللی، درواقع زیربنای تاریخی برای حقوق بشر جدید به حساب می آید.طبق این اصل مسوولیت قانونی وتعهد حقوقی هر کشور ایجاب می کند تا رفتارهایش با اتباع بیگانه مطابق پایینترین معیارهای تمدن بشر باشد. وقتی یک تبعه خارجی در یک کشور زخمی می شود از لحاظ حقوقی این کشور مدیون کشور تبعه خارجی می شود وباید برای زخمی شدن تبعه خارجی جبران خساره یا غرامت پرداخت کند وتبعه خارجی حق دارد از کشور متخلف غرامت دریافت کند.

معنای دقیق و صریح -Sricto Sensu

مقصود ازاین قید لاتینی عبارت است از تفسیرکردن باریک ومحدود یک متن هنگام خواندن آن درمقابل تفسیر وسیع وگسترده وآزاد از یک متن، به این معنا که هنگام خواندن یک متن باید معناهای محدود را ازآن استخراج کنیم نه معنای وسیع و گسترده.

مراقبت ،نظارت محاکمه- Trial Monitoring/Observation

نوعی ازمراقبت درمحل، که توسط نمایندگان کشورهای دیگر یا سازمان غیر دولتی برای بررسی مطابق بودن محاکمه با معیارهای حقوق بشرو برای بررسی آزادانه وعادلانه بودن آن انجام داده می شود. سازمان غیردولتی یا نمایندگان کشورهای دیگر با انجام دادن این مراقبت، عادلانه بودن محاکمه را بررسی می کنند.
به طور معمول این مراقبت، توسط کسانی صورت می گیرد که با قانون ملی وبین المللی ومعیارهای بین المللی قضایی آشنایی کامل داشته باشند.این نمایند گان، نگرانی جامعه جهانی را درباره محاکمه آزاد وعادلانه به سمع محکمه می رسانند ومحکمه را از توجه ونگرانی جامعه جهانی آگاه می سازند و از حق مدافع برای محاکمه عادلانه حمایت می کنند.

منشور ملل متحد - UN Charter

منشور سازمان ملل متحد(UNCH) یک سند حقوقی بین المللی است که در 26 ژوییه سال 1945 در شهر سن فرانسیسکو به تصویب رسید، دستورات واختیارات سازمان ملل متحد در این سند بین المللی تاسیس و به طور واضح تعریف شده است. این سند بین المللی اهداف،مقاصد،کاربرد، ارگان ها ومسوولیت های این سازمان را بیان می کند.تمام کشورهای عضو سازمان ملل با امضای این سند در سازمان عضویت پیدا کردند وهمه کشورهای عضو مکلف اند تا ازتمام ماده های این منشور خصوصا ماده هایی که به حقوق بشر مربوط می شود، پیروی کنند.

موافقت - Agreement

(یک پیمان). یک سند بین المللی بین دو یا بیشتر دولتها یا نهادهای حقوقی، بطور عادی در سند های دوجانبه و بطور معمول در سند منفرد، و از یک کنوانسیون فرق دارد چون معمولا با مسائل کم دوام سرو کار دارد. مثلا: موافقت دیتون سال 1995 (بوسنیا). توافقات اکثراً نسبت به دیگر پیمانها کمتر رسمیت دارند اما هنوز هم بطور قانونی در قوانین بین المللی لازم الاجرا میباشد.

مخالف با یهودیان / یهود ستیزی- Anti-Semitism

عموماً به معنای خصومت، غیر قابل تحمل، یا اعمال یا اظهارات تبعیض آمیز برعلیه گروهای مذهبی و نژادی یهودیان میباشد. هرچند که، در واقع به معنای اعمال یا اظهارات برعلیه هریک از نژاد سامی است که شامل اعراب و یهودیان میگردد.

ماده - Article

یک بخش واضع شماره گذاری شده یا شروط یک سند حقوقی یا سیاسی مثل یک پیمان یا یک اعلامیه. ماده ها بخش های مشخص یک پیمان/اعلامیه را بعد از مقدمه و معمولاً شرط های جداگانه را مشخص نموده و حقوق ذاتی و طرزالعملی را از هم متمایز میسازد. مثلا: UDHR، ماده 18: آزادی افکار، عقیده و وجدان.

محارب - Belligerent

www.TPTG.ir

طرف درگیر برخورد مسلحانه تحت نظارت قانون بین المللی برای برخورد مسلحانه. در شرایط جنگی یا برخورد مسلحانه قرار داشتن. مخصوصا موقعیت ملت/گروه یا کشوری که از لحاظ قانونی رسما محارب شناخته شده اند.

مرکز حقوق بشر- Centre for human rights

نام سابق دفتر اداری کارمندان ملل متحد در ژینو، سیویزرلند برای مسایل مربوط به حقوق بشر که حالا به نام دفتر کمیساری عالی برای حقوق بشر، شناخته می شود.

مقدمه - CHAPEAU

مقدمه یا چند لغت که یک بخش واجب الاجرای یک ماده، یک قسمت از پیمان یا یک حصه ازیک متن را توصیف کند. این لغت، به یک بخش از اصل حقوقی جنایی که درآن شرایط خاص برای قابل اجرا بودن آن ذکر شده، نیز گفته می شود .

منشور- Charter

معاهده که توسط آن،دولت ها، سازمان بین امللی وبین الحکومتی یا گاهی پیمان سیستم حقوق بشر را تاسیس می کنند.این سند حقوقی بین المللی،برای دولت های عضو، رسمی ، معتبر ولازم الاجرا است . برای مثال سند معاهده سازمان ملل.سازمان های جهانی یا منطقوی بین الحکومتی که دارای معیارها ، مقاصد واختیارات مخصوص اند، توسط منشور یا سند معاهده تاسیس می گردند.
بعض از سندهای معاهده چون سندمعاهده عرب در باره حقوق بشر(1994)، سند معاهده افریقا در باره حقوق بشر،بدون شک از معاهده های جهانی حقوق بشر به حساب می آیند که بالای کشورهای عضو لازم الاجرا می باشند. سیستم حقوق بشر که توسط این سندهای معاهده تهیه شده، دارای اصول حقوقی و میکانیزم نظارتی برای تضمین اجرای معاهده است.

ماده قانون- Clause

ماده مشخص یک پیمان یا یک سند. ماده قانون، قاعده مشخص حقیقی یا روندی را در بر دارد.ماده قانون الغا،ماده قانون فسخ، ماده قانون آزادی بیان و ماده قانون تحدید از مثال های ماده قانون به حساب می آیند.

ماده تحدید یا انحصار – Claw Back Clause

اصطلاحی که برای ماده قانون تحدید وانحصار در قرار داد حقوق بشر به کار برده می شود. واین کلمه بیشتر در کلمات وطرز گفتاری بریتانیای کبیر شنیده می شود. ماده قانون انحصار یا تحدید، از claw back حق ماهوی است.
برای مثال ICCR article 12.3 .

مجازات دسته جمعی - Collective Punishment

مجازات افرادی که مرتکب جرم نشده اند اما جرم توسط یک یا بعض آن ها صورت گرفته باشد.هدف از مجازات دسته جمعی، ترساندن افراد برای شناسایی مجرم واقعی است تا از جرم های بیشتر جلوگیری به عمل آید. طبق قوانین جهانی حقوق بشر،مجازات دسته جمعی، فاقد جنبه مشروعیت است زیرا مجازات دسته جمعی معیارهای قانون ، مسوولیت های جنایی فردی و حق بنیادی قضایی را زیر پا می گذارد.

مسوولیت فرماندهی - Command Responsibility

مسوولیت حقوقی افسران درقانون بین المللی، درقبال جنایات جنگی و جنایت برعلیه انسانیت که توسط زیردستان آنها صورت گرفته باشد در شرایطی که افسران نمی توانند نقض قانون بشری را سرکوب کنند یا عمدا از سرکوب کردن نقض قانون بشری سرپیچی می کنند.

مسوولیت نیابتی افسران درقبال اعمال عساکر زیردست شان.

ماده سوم مشترک - Common Article 3

مراد از این لفظ، بند سوم هرکدام از چهار قرارداد سال 1949 ژنیو است، تمام این چهار قرارداد دارای الفاظ و معانی یکسان است.این مواد سوم درباره جنگ های مسلحانه غیر بین المللی است . این ماده های سوم استانداردهایی را برای رفتارهای انسانی مساویانه،حفاظت فیزیکی و اخلاقی انسجام ها وهمامنگی ها، روند مناسب حقوق غیر نظامیان ونظامیانی که اسلحه های شان را به زمین گذاشته اند، به وجود می آورد.این مواد سوم، خواهان گردآوری و توجه به مریض ها وزخمی های جنگ های بین المللی است.
بقیه موادهای چهار قرارداد ژینو همه مربوط به جنگ های مسلحانه بین المللی است.

مصالحه - Conciliation

راه صلح آمیز برای فرونشاندن اختلاف که به موجب آن طرف های دعوا به کمیسیونی مراجعه می کنند که وظیفه اش حقیقت یابی وبه توافق رساندن طرف های دعوا است.این کمیسیون پیشنهادهای غیر واجب الاجرا به طرف های نزاع می کنند. روش ها وطرزالعمل ها برای مصالحه ادعا ها واعتراض های کتبی راجع به تخلف از جانب کشور دیگر،در سیستم حقوق بشر اروپا وسیستم حقوق بشر داخلی امریکا ذکر شده است.(ماده ECHR 28 وماده ACHR 48 را بخوانید)
توافقی که بین اطراف دعوا درنتیجه این مصالحه به وجود می آید به نام توافق دوستانه یاد می شود.

ملاحظه(در پیمانها،معاهده ها وقطعنامه ها) - Consideranda

عبارت جامعی که درسرآغاز ومقدمه اسناد جهانی چون معاهده،بیانیه وقطعنامه ها وجود دارد که در آن دلیل انتخاب سند ذکر می شود. برای مثال :"تفکروملاحظه درباره تعهد دولت در قبال حفاظت اطفال"،یاد آوری وحشت های جنگ های گذشته"، "شناختن عظمت فطری، "هوشیاری از پیچیده گی یک مشکل" که همه مثال های ملاحظه به حساب می آیند.
برای معلومات بیشتر، سرآغاز پیمان میثاق بین المللی حقوق مدنی وسیاسی مطالعه شود.

ملاحظه(در باره شکایت) - Consideration

روند بررسی یک هیات قضایی یا شبه قضایی بین المللی برای یابیدن ارزش ها واعتبارات یک عریضه یا شکایت که شاکی ،آن هارادرمورد نقض حقوق بشر ادعا می کند ،بعداز تایید پذیرش وارده آن شکایت توسط آن هیات.
البته بعد ازتایید پذیرش وارده آن شکایت،محکمه در باره ارزش یابی آن ادعا اقدام می کند.

مطابقت - Compliance

یعنی مطاقت رفتار یک دولت با معیار های رفتاری که در یک اصل قانونی به وجود آمده باشد. به دولتی که رفتار هایش مطابق این معیار ها نباشد، متخلف از تعهدات هنجاری گفته می شود.

مقام مشورتی - Consultative status

مقام مشورتی که یک سازمان غیر دولتی آن را دارا است. "ECOSOC" با چنین سازمان های غیردولتی که دارای این مقام است درمورد مسایل تحت بررسی اش مشورت می کند. مقام مشورتی به سازمان غیردولتی اجازه می دهد که درمورد مسایل مربوط به حقوق بشر یا طرز تطبیق این حقوق، با بیانیه های کتبی یا شفاهی اقدام نماید.
سازمان های غیر دولتی طبقه 1 وطبقه 2 دارای چنین مقام می باشند البته اولی مقام مشورتی عمومی را دارد ودومی مقام مشورتی خاص را دارد. به تمام سازمان های غیردولتی دیگر "Roster" یا فهرست گفته می شود که ECOSOC با آن ها بر اساس فاقد عمومیت مشوره می کند.

مجازات جسمی - Corporal punishment

هرنوع ضربه جسمی به عنوان پیامد بعضی از رفتارهای نادرست ، جنایی ویا به شکل د یگر. مثلاً سیلی زدن طفل به منظور تادیب و مجازات جسمی به حساب می آید. لت و کوب، برق دادن و غیره انواع شکنجه بد ترین نوع مجازات جسمی است.

محکمه - Court

محکمه عبارت است از یک هیات قضایی برای انجام دادن امورات قضایی مثل تصمیم گیری درباره قضیه های خصمانه و اظهار نظرهای مشورتی. این محکمه توسط قضات سرپرستی می شوند که این قضات قانون را اجرا و تفسیرنموده ودرباره ارزش و واقعیت قضیه های متنازع فیه تصمیم می گیرند وبعد از ثبوت حقیقت توسط مدارک، قانون را اجرا می کنند. بعضی محاکم قضاوت هایی را عرضه می کنند که از نظرقانونی بالای گروه ها لازم الاجرا می باشند. به بعضی از محاکم "دیوان" نیزگفته می شود که در معنا با محکمه یکی است.

میثاق (معاهده ، سند) – (Covenant (treaty instrument

توافقی که توسط قانون بین المللی اداره می شود این اصطلاح در عنوان پیمان های خاص به کار برده می شود مثل کنوانسیون حقوق اطفال.
این لفظ تقریبا با الفاظی چون پیمان،میثاق وعهد هم معنا است که همه این الفاظ به معنای سند حقوقی بین المللی است.معاهده ها بیشتر چند جانبه می باشند یعنی بین بیشتر از دو دولت ومعاهده،اصولی را تاسیس می کند که از نظر حقوقی بالای همه آن کشورهای که معاهده را به تصویب رسانده اند لازم الاجرا است. البته بین الفاظ یاد شده تفاوت های کوچک ومعنا دار وجود دارد.از نظر معنای روانشناسی معاهده به معنای گرد هم آمدن است.
این سندهای جهانی برای رفتارهای دولت ها اصولی را تاسیس می کنند وبا مسایل از قبیل حقوق بشرمعامله می کنند.این سندها معمولا به روی همه کشورها به منظور شرکت کردن تمام جامعه جهانی به روی همه باز است.
این اصطلاح به معنای عمومی برای قانون معاهده مثبت نیز استعمال می شود. بعض اوقات یک اصطلاح مثل ''Convention'' به جای لفظ دیگر چون ''Treaties'' استعمال می شود تا آن پیمان ها ''Treaties'' را از دیگر منابع قانون بین المللی چون قانون متعارف جهانی واصول عمومی قانون مشخص نمایند.
پیمان از نظرتعریف به معنای سند حقوقی است وبالای کشورهای عضو، لازم الاجرا به شمار می آید.ازنگاه معنای روانشناسی، Covenant به معنای توافق وتعهد است.

مجازات مرگ- Death penalty

عبارت است ازحکم قضایی محکمه جنایی در باره شخص محکوم به خاطر جرایم سنگین، وتطبیق مجازات مجرم از طریق اعدام.

مثلث دموکراسی،انکشاف وحقوق بشر-
Democracy-Dvelopment –Human Rights Triad

دکترین حقوق بشر که ضرورت مطلق دموکراتیک،انکشاف و حقوق بشر را برای ساختن جامعه سعادت اعلان می کند وهر یک از این سه عامل را برای همدیگر شرط لازم و واجب می داند.همه این سه عامل باید توسط دولت ثمر بخش و کار ساز واقع شوند.

مسایل داخلی(در مقابل مسایل بین المللی)-Domestic Affairs

www.TPTG.ir

عبارت است ازمسایل داخلی که در داخل یک دولت وجود دارد وتوسط حقوق بین الملل تنظیم نمی شود.چنین مسایل تنها توسط قانون داخلی وملی یا قانون شهرداری اداره وتنظیم می شوند وهیچ کشور یا سازمان جهانی نمی تواند در این مسایل دخالت نموده وقضاوت شان را بر این مسایل اعمال کنند.

مخاطره دو برابر – Double Jeopardy

یک اصل قبول شده عمومی قانون جزاء که چنین صراحت دارد که یک شخص نباید دوبار برای یک جرم یا تخطی مقصر دانسته شود. این اصل در لغت لاتین چنین بیان شده است: Non Bis in Idem

موثریت – Effectiveness

یک اصل عمومی قانون بین المللی که اکثراً در تفسیر و تطبیق یک نورم به آن استناد میشود. این اصل بیان میکند که نورم های یک پیمان باید به گونه تفسیر و تطبیق گردد تا بیشترین تاثیر را در پیمان به جا گذارد و بهترین دستاوردی از تطبیق اهداف و مقاصد پیمان بوجود بیاید. این لغت در لاتین چنین است: ut res magis valeat quam pereat و به این معناست که یک چیز بتواند بیشتر موثر باشد تا اینکه از بین برود یا ضایع گردد.

مشاهده؛ نظارت انتخابات
sssstion Monitoring/Observance

فراهم سازی حضور اشخاص یا گروه های بیطرف خارج از یک دولت که در انتخابات یک کشور حضور داشته باشند تا اطمینان حاصل گردد که انتخابات به شیوه مناسب و آزاد آن برگذار میگردد. مثلاً یک انتخاباتی که در آن آزادی رای دهی وجود دارد و رای دهنده گان مطابق میل شان رای شانرا بصورت مخفی در صندوق میاندازند و هیچگونه تقلب در نتایج انتخابات وجود نداشته باشد. این یک پروسه تحقیقی میباشد. هدف از اینگونه انتخابات اینست که تا از اشتراک مردم بصورت دموکراتیک و عملی کردن حقوق بشری برای رای داند اطمینان حاصل گردد و مشروعیت یک حکومت را نظر به تعبیر مردم ارزیابی نمود.

مساوات – Equality

1. یک اصل عمومی عدالت مقدماتی که در تمام عرصه های حقوق بشر قابل تطبیق میباشد. بدین معنا که در هر سطح که بخاطر تحقق حقوق بشری در یک دولت توافق صورت گرفته باشد، این کاربرد باید در مقابل هر فردی که در همان کشور زندگی میکند، بدون کدام نوع تبعیض یکسان باشد.
2. اصل مساوات شَان و وقار و ارزش هر فرد در یک جامعه که باید در قانون و جامعه اجتماعی انعکاس و تطبیق یاید تا که با تمام مردم برخورد مساویانه صورت گیرد به استثنای حالاتی که مبنا های قانونی و عینی برای رفتار غیر از این وجود داشته باشد. (مثلاً: اتباع بیگانه، اطفال)

مساوات نیرو – Equality of Arms

یک اصل حقوق بشری چنین صراحت دارد که در جریان عمل حقوقی مخصوصا در جریان عمل جزایی، فرد دارای یک حق بشری برای احراز چیزهایی که لازم دارد تا یک استماع منصفانه و روبروی دعوی را داشته باشند، مثل یک مدرک اسنادی و دسترسی به شهود بطوریکه هر طرف در حقیقت فرصت این را دارد تا بطور کامل و مناسب آن دعوی خویشرا ارائه نمایند و هیچکدام از آنها کدام مزیت بالای دیگر شان نداشته باشد. این مربوط میشود به مفهوم طرزالعمل تامین حقوق و آزادی افراد به اساس قانون.

مصادره (املاک خارجی)
Expropriation(of foreign owned property)

www.TPTG.ir

عبارت است از مصادره وحبس املاک خارجی توسط حکومت و انتقال دادن ملکیت واستعمال آن به دولت.این یک نوع بی بهره سازی مالکان خصوصی از ملکیت آن ها برای منافع عمومی است.مصادره املاک خارجی تا وقتی جایز است که همراه با پرداخت فوری جبران باشد وبه قصد انتقام یا رفتارهای تبعیضا نه صورت نگیرد.

میکانیزم / طرزالعمل غیر پیمانی
Conventional Mechanism/Procedure Extra

عبارت است از میکانیزم حقوق بشر که در پیمان حقوق بشر وتوسط پیمان حقوق بشر تاسیس نشده باشد.برای مثال میکانیزم 1503 کمیسیون حقوق بشرملل متحد میکانیزم غیر پیمانی است.

محاکمه عادلانه- Fair Trial

عبارت است که از حقوق بشر حقیقی و میکانیزمی که دستگاه قضایی جزایی یا مدنی را به پیروی از استاندارد های حقوق بشر برای محاکمه ملزم می کند واستاندارد های حقوق بشر از قبیل حق استماع دعوای عمومی،حق آوردن شهود، حق ارائه مدارک، حق احضار کردن شهود، حق قضاوت و قضات مستقل و بی طرف.تصمیم وفیصله نهایی محکمه باید مطابق همین معیارهای جهانی عدالت باشد.

مجامع (جمع) - Forum/Fora(pl)

عبارت است از محل رسمی و مردمی، مجلس یا نهاد- فرق نمی کند این نهاد سازمان باشد یا کمیسیون و یا کمیته باشد -که در آنجا با مساله ای که اهمیت عمومی داردازطریق بحث،بر رسی ومیکانیزم های حقوقی معامله می شود. کمیسیون حقوق بشر ملل متحد نمونه از این محکمه است که درآن مسایل مربوط به حقوق بشر مورد بحث قرار می گیرد. *"pora"*، لفظ جمع مناسب برای Forum است.

مجمع عمومی – General Assembly

یکی از ارگانهای عمده ملل متحد که شامل دو نماینده از هر دولت میباشد و در خزان هر سال باهم ملاقات میکنند تا منحیث یک پارلمان بین المللی در رابطه به مذاکره روی مسایل بین المللی عمل کنند. انجمن عمومی روی فعالیت های عمده و روش کاری سازمان ملل متحد تصمیم میگیرد و در مورد قطعنامه های گوناگون رای میدهند تا از هیات ملل متحد نمایندگی کند.
دیگر سازمانهای بین المللی دولتی مثل سازمان ایالات امریکا دارای انجمن های عمومی میباشند و این اصطلاح بصورت عام بمعنی هیات مدیرتی/سیاسی پروسه و مکان که تمام اعضاء همه دور هم جمع میشوند تا در تاسیس یک امر همه با هم اشتراک ورزند. اغلباً اصطلاح "انجمن عمومی" به معنی انجمن عمومی ملل متحد راجع میگردد.

مساعی جمیله – Good Offices

روشی برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی که به موجب آن یک طرف سومی با رضایت دول دارای اختلاف به صورت وساطت د وستانه تلاش می نماید مذاکره بین د ولت های مربوط را امکان پذیر کند بدون اینکه لزوم پیشنهادات اساسی برای حل اختلاف به آنها ارایه نماید.
مساعی جمیله ملایم ترین روش نوع مشارکت دولت سومی در حل وفصل اختلافات بین المللی است. فردی که مساعی جمیله را بر عهده می گیرد امکان دارد نماینده یک دولت سومی ، عضوی از سازمان های بین المللی ، سازمان های بین المللی غیر دولتی ویا حتی فرد خصوص غیر مرتبط به دولت باشد.
اغلب مساعی جمیله با میانجیگری اشتباه می کنند. ولی تفاوت امر این است که فردی در مساعی جمیله صرفاً یک طریقه ارتباط وتماس بین طرف های قضیه حتی پس از بروز خصومت است و معمولاً با آنها به طور جداگانه ملاقات می نماید.در حالیکه میانجی به مفهوم اخص کلمه ، بطور فعال در مذاکرات طرف های ذیربط شرکت می کند

وبه یافتن راه حل مساله مورد اختلاف کمک می نماید. می توان گفت که تفاوت اصلی بین این دو حالت در میزان مشارکت و درجه دخالت در مساله است.

میکانیزم جنبه انسانی(سازمان همکاری وامنیت اروپا)
Human Dimension Mechanism

عبارت است از روند ها و میکانیزم های سازمان همکاری وامنیتی اروپا یا کنفرانس همکاری وامنیتی اروپا که این میکانیزم از میکانیزم بعدی سازمان همکاری وامنیتی اروپا یا کنفرانس همکاری وامنیتی اروپا سرچشمه گرفته وبا سند نهایی سال 1989 در شهر ویانا شروع و درسند نهایی مسکو،کپنهاگ وهلسینکی دنبال شده بود. این میکانیزم روی انجام تعهد ومکلفیت کشورهای عضو نسبت به حقوق بشر تکیه وتوجه می کرد.
این میکانیزم ها ازحقیقت یابی،میانجیگری ومذاکره متشکل شده است. فعلا دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر(ODIHR) و نماینده گی عالی در امور اقلیت های ملی نیز در این میکانیزم ها شامل می باشد.

مدافعین حقوق بشر- Human Rights Defenders

افراد،گروه ها،سازمان های غیر دولتی که با جمع آوری معلومات در باره نقض واقعی یا احتمالی حقوق بشر برای جلب توجه محکمه به موشکافی واقدام در مساله، می خواهند نقض حقوق بشررا جبران وازآن جلوگیری کنند.

مهاجرین- Immigrants

اتباع بیگانه که به قصد اقامت دایمی یا نا معلوم به یک کشور داخل می شود و کشور قبلی را که قبلا در آنجا سکونت یا تابعیت داشته، ترک می کند.مهاجر بر دو قسم است: قانونی وغیر قانونی، اولی برای حضور در کشور مقام قانونی دارد درحالی که دومی چنین مقامی را ندارد.

مصونیت (از محاکمه به جرم نقض حقوق بشر)
Impunity (From prosecution for human Rights Violation)

آزادی از ضررو مجازات یا عفو واقعی یا حقوقی کسانی که مرتکب نقض حقوق بشر شده اند.معمولا این عفو در نتیجه ناکامی دولت در اقدام اجرایی واداری بر خلاف متخلفان یا سرپیچی دولت از این اقدام،یا درنتیجه اعطای رسمی عفو عمومی که براساس آن دولت چنین جرم هایی را عفو می کند، به وجود می آید. در قانون بین المللی حقوق بشری مصونیت قابل قبول نیست.

محاکمه در غیاب(متهم) - In Absentia Trial

محاکمه بدون حضور متهم در محکمه ودلیل حضورنداشتن یا به این جهت است که مقامات به وکیل مدافع یا متهم اجازه حاضرشدن درمحکمه را نمی دهد با آنکه محل واقامت گاه متهم یا وکیل مدافع معلوم است. یا اینکه متهم به جایی پناه برده است که نمی خواهد وی را به محکمه برگرداند. تعقیب قانونی یا محاکمه متهم بدون حضور وشرکت آن در محکمه بیشتر به این جهت است که محاکمه جنبه سیاسی دارد.

مسوولیت جنایی انفرادی
Individual Criminal Responsibility

عبارت است از اصل حقوقی بین المللی که طبق آن مجازات وپیگرد جنایی شامل تمام کسانی می شوند که در طرح ریزی،تهیه واجرای اعمالی که نقض اصل جنایی بین المللی چون نسل کشی و جنایات جنگی را تشکیل می دهد،شرکت کرده اند و همه این افراد بدون درنظرداشت وابسته گی شان وبدون درنظرداشت کسانی که این افراد ازطرف آن ها این کار را انجام داده اند،موضوع مجازات وپیگرد جنایی می باشند. هدف از این اصل حقوقی، جلو گیری از جرم و پرهیز از

مجازات دسته جمعی و پرهیز از وارد کردن اتهام جرم یک عده خاص به دوش تمام جامعه است، تا اثر جرم فرد یا افراد خاص بر دوش بقیه اعضای جامعه سنگینی نکند.

محدودیت های ذاتی (حقوق)
Inherent Limitation(of Rights)

این نظریه در قوانین موضوعه نظام پیمانی اروپا دیده می شود این نظریه چنین ادعا می کند که برای بعض افراد با درنظرداشت شرایط وحالات آنان در باره حقوق بشر شان محدودیت های خاص وجود دارد یعنی این افراد در شرایط در استفاده ازبعض حقوق بشر شان محدود می باشند واین محدودیت ها مشروع ،ضروری وقانونی می باشند.برای مثال آزادی بیان وحرکت برای زندانی قانونی محدود می باشد واین شخص نمی تواند از این حق به طور کامل بهره ببرد.
البته صحت این نظریه،ضرورت ومشروعیت محدودیت های مطرح شده دراین نظریه به طور عموم مورد قبول همه واقع نشده است و تا هنوز همه آن را نپذیرفته اند.

میان چیزها ؛از جمله دیگر- Inter Alia

اصطلاح لاتینی است ومرادازاین اصطلاح این است که یک عده چیزهای مشخص ومعدود در بین چیزهای نامشخص ونا شمرده دیگر موجود می باشد.برای مثال پیمان حقوق بشراروپا" برده داری میان اشخاص دیگر" را منع می کند یا نسل دوم حقوق بشر،"حق رای میان چیزهای دیگر" را حمایت می کند.

مداخله(درامور داخلی)
Interference(with Domestic/Internal Affairs)

هرگونه درگیری حکومتی در مسایل داخلی کشور دیگر.طبق ضوابط اخلاقی وحقوقی بین المللی کشورها نباید در مسایلی که درحوزه اختیارات کشورهای دیگر قراردارد دخالت کنند.برای معلومات بیشتر به ماده 7 منشور ملل متحد مراجعه شود.
این اصل به نام اصل عدم مداخلت نیز یاد می شود.البته این اصل در صورت نقض حقوق بشر توسط کشوردیگر،جاری نمی شود.

محکمه بین المللی عدالت - International Court Of justice

ارگان قضایی ملل متحد که اختیارات قضایی اش قضیه های متنازع فیه بین کشورها را دربرمی گیرد. ارگان ها ونماینده گی های دیگر این هیات ازنظرهای مشورتی این ارگان استفاده می کنند.

مداخله - Intervention

این اصطلاح دارای دومعنا است:

1. اصطلاح سیاسی: دخالت بین المللی یا دخالت یک کشور در اموراداخلی کشوردیگر وبه کارگرفتن فشارهای مختلف برآن کشور.طبق ماده 2.7 منشور ملل متحد دخالت سازمان بین المللی یا کشورها در امور داخلی کشوردیگر جزدرصورت نقض حقوق بشر توسط آن کشور،جایزنیست.
2. بیانیه کتبی یا شفاهی که ازجانب سازمان غیردولتی به جلسه علنی محکمه بین المللی برای جلب توجه محکمه درمساله مورد نظر وتحت بررسی محکمه،تسلیم می شود.سازمان غیر دولتی برداشت ها،نظریه

های خود را درباره مساله مورد ملاحظه به آگاهی محکمه بین المللی می رساند وازمحکمه می خواهد تادرباره قضیه مورد نظر بیشتر تفکر نماید.

معنای وسیع – Latu Sensus

یک اصطلاح قیدی که به معنای "تفسیر وسیع و وافر" میباشد. وقتی که یک متن Latu Sensus خوانده میشود، یک شخص میتواند از لغات متن تفسیر وسیع داشته باشد و این اصطلاح متضاد تفسیرمحدود است که در لاتین آنرا strictu sensu میگویند.

مثبت گرایی قانونی – Legal Positivism

یک تئوری که میگوید قانون چیزی است که در واقع از یک منبع باصلاحیت قانونگذار صادر و اعلام شده است. این تئوری موجودیت هرگونه "قانون بالاتر" مثل قانون طبیعی را رد میکند. در قانون بین المللی، این بدین معناست که فقط خواست بیان شده دولتها به تنهایی میتواند یک منبع معتبر قانون بین المللی را تشکیل دهد.

مشروعیت – Legitimacy

1. سیاسی: وقتیکه یک دولت برسمیت شناخته میشود، این اصطلاح برای دلایل آرمانی یا ایدئولوژیک استفاده میگردد تا چنین مشخص شود که تحت قانون بین المللی از لحاظ قانونی معتبر و قبول شده است. مشروعیت شامل این میشود که آیا وضعیت یک دولت جدید معتبر پنداشته میشود تا که دیگر دولتها به عین شکل معامله کنند. اگر جامعه دولتی اینرا مشروع بپندارد، این منتج به برسمیت شناختن دولت توسط دیگر دولتها وپذیرفتن حکومت به مثابه یک بازیگر در ارتباطات بین المللی می شود. مشروعیت اکثراً شامل این میشود که چگونه یک حکومت جدید به قدرت رسید، چطور دولت جدید ایجاد شد یا ، اکثر اوقات، آیا حکومت جدید خواستهای مردم کشور را منعکس میسازد مثلا اینکه از طریق آراء مردم در یک انتخابات آزاد و منصفانه انتخاب شده است و یا در غیر آن در مطابقت با قانون داخلی یا بین المللی بوجود آمده است.
2. تحدید (اصل مشروعیت): چنانکه در تحدید نورمهای حقوق بشری تطبیق گردیده، اصل مشروعیت چنین میگوید که هرگونه تحدید دولت یک نورم ماهوی حقوق بشر باید بطور موثق جهت داده شود به دستاورد یک هدف مشخص قابل امکان مانند حمایت از امنیت ملی، باشد.

میزان درک قدر یا بهای چیزی – Margin of Appreciation

یک اصطلاحی که بیشتر در سیستم علم حقوقی کنوانسیون اروپا روی حقوق بشر در تفسیر عبارت "لازم برای جامعه داخلی" استفاده میگردد، یک عبارتی که در ماده های تحدید کنوانسیون اروپا روی حقوق بشر وجود دارد. در تثبیت اینکه آیا میزان یک تحدید که توسط یک دولت گرفته شده است آیا مطابق "ضرورت مبرم اجتماعی" است، محکمه و کنوانسیون اروپا با یک اندازه معین صلاحدید، دفاع، مهلت و بعضی از فواید تردید به دولت در ارزیابی قابلیت قیاس یک جریان اجرااات یک دولت مطابق به لازمه های کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. این صلاحدید منحیث "میزان درک قدر یا بهای چیزی" شناخته شده است. این مشروط به مراقبت ارگانهای کنوانسیون اروپا است تا اطمینان حاصل گردد که فراتر نمیرود و سوء استفاده صورت نمیگیرد. این اصطلاح همچنان عموماً در دیگر زمینه ها استفاده می شود که به معنی دادن مهلت یا صلاحدید بخاطر تثبیت اینکه کدام مقیاس ها را در تحدید عملی کردن حقوق بشر انجام داده میباشد. زیرا نظر براین است که دولت دارای یک موقف خوب برای دانستن حقایق و پرابلم ها میباشد.

مهاجرت جمعی – Mass Exodus/Migration

حرکت جمعی مردم به خارج از کشور به دلیل برخوردهای داخلی و خارجی یا تخطی های سیستماتیک حقوق بشری که مردم را مجبور میکند تا محل سکونت دائمی شانرا ترک گویند.

میانجیگری – Mediation

پروسه حل یک منازعه در ارتباط به تخطی های ادعا شده جائیکه طرف سوم که ذیدخل منازعه نمیباشد به طرفهای شامل منازعه کمک میکند تا اختلافات شانرا از طریق گفتگوی مسائل و راه حل های بدیل انجام دهند تا هردو طرف منازعه به یک موافقت برسند و هردو طرف راضی گردند.

میتودها یا وسایل (نبرد) – Methods or Means (of Combat)

اصطلاحی که به معنا های ذیل است:

1. میتودهای های نبرد: طریقه ای که جنگجویان بایکدیگر نبرد میکنند؛ تاکتیک ها و استراتیژیهای آنها؛ چطور یک متحارب خصومت را بوجود میاورد.
2. وسایل نبرد: سلاحها و دیگر وسایل برخورد مسلحانه که امکان دارد جنگ افزار معمولی باشد یا نباشد مثل مرمی، بمب های آتشزا، راکت های اتمی یا شیمیایی؛ یا دیگر وسایل که متحارب با استفاده از آن تلفات بوجود میاورد.

در قانون برخورد های مسلحانه این یک اصل اساسی است که میتودها و وسایل که در دسترس متحارب قرار دارد، غیر محدود نمیباشد. قانون بشری میتودها و وسایل برخورد مسلحانه را که طرفین چطور و با چه سلاحی میجنگند، محدود مینماید تا خسارات را به حد اقل برساند.

معنویات ؛ اخلاق– Morals

ارزشهای قبول شده یک جامعه چنانکه در عرفها، عادات یا عملکردها، به اساس اینکه جامعه اخلاقاً آنها را درست میشمارد، نمودار میباشد. مثلا، منع ازدواج بین خواهر و برادر، طلاق و رابطه های جنسی با اطفال میباشد. معنویات ممکن است به آن اعمالی راجع گردد که قابل قبول پنداشته میشود و قانوناً مجاز میباشد. حفظ معنویات یک هدف مشروع ماده های تحدید میباشد، مثلاً یک کشور ممکن است عملکردهای معین حقوق بشری را وقتیکه برای حفظ معنویات عامه لازم باشد، محدود نماید. (رجوع شود به ماده 19، بند 3 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی).

ملت- Nation

مردم یا افرادی که به شکل جامعه حقوقی منظم در نقطه خاصی از زمین یکجا زنده گی می کنند و به زبان مشترک سخن می گویند ویا دارای زبان رسمی مشترک می باشند، از رسم ورواج یکسان کار می گیرند و دارای پیوستگی تاریخی می باشند. اصالت و ویژه گی های نژادی، و داشتن حکومت وخود مختاری واحد (عموماً نه لزوماً) این ملت را از سایر ملت ها ممتاز ومشخص می سازد.

ملت گرایی- Nationalism

نیروی روانی که افراد یک ملت را به همدیگر پیوند می دهد وآن هارا به شکل جامعه دسته جمعی معرفی وبه سمت اهداف منفعت ملی وخودی حرکت می دهد.احساس پیوند وهمبستگی بین افراد یک ملت واحساس افتخاردر جامعه ملی دسته جمعی.

منفعت ملی- National(Self) Interest

طرزتفکر یا هدف سیاسی یک کشور که رفتار های کشوررا صرف برای حاصل کردن منافع اندک خودش درست می داند نه برای مفاد جامعه بزرگتر ملت ها وحتی اگر این رفتارها با اصول قانونی مشترک این کشور با کشور های دیگرمطابق نباشد یا این رفتار برخلاف صلح جهانی،عدالت، منفعت کشور های دیگر یا سازمان های بین المللی باشد. کشوری که دارای چنین تفکر است منفعت خودش را بر معیارهای اخلاقی جهانی برترومقدم می داند.معمولا بعض کشورها این طرزتفکر را به عنوان عامل تصمیم گیرنده در سیاست خارجی شان برای به دست آوردن ضرورت هایی که آن را حیاتی می پندارند،انتخاب می کنند وبرای حفظ ضرورت های شان(از قبیل امنیت ملی،امنیت اقتصادی،وبرقراری بر تری بازارجهانی شان) این هدف راهدف نهایی شان می دانند.

مذاکره- Negotiation

1- روندی که توسط آن مردم،کشور یا سازمان های بین المللی برای حل وفصل قضیه مورد اختلاف با هم به گفتگو می نشینند.
2- بخش رسمی یک پیمان که درآن روند جمع شدن نماینده گان با اختیار کشور ها وپیشنهاد کردن وتصویب اصول آن پیمان بیان می شود.روند واقعی بحث درباره اصل پیشنهاد شده وتصویب مواد قابل قبول درباره موضوع خاص.
مسایلی که معنای دوم مذاکره را شامل می شود عبارت است از: بررسی دقیق ماده های پیمان، پیشنهاد تبدیل واصلاح آن ها، تفسیر و تطبیق اصول پیمان که همه این ها بعدا بخش تاریخ قانون گذاری یک متن را تشکیل می دهد.

منشور/قاعده/قانون نورمبرگ
Nuremberg Charter/Rule/Law

این اصطلاح به اساس های حقوقی محکمه جنایت جنگی که درسال 1945 در شهر نورمبورگNuremberg آلمان برگزارشده بود، اشاره دارد. دراین محکمه که توسط نیروهای برنده متحدین دراین شهربرگزارشده بود یک عده از مجرمین جنگی حزب نازی طبق قانون بین المللی محاکمه شدند. منشور شهرNuremberg که به منشور لندن نیز یاد می شود اساسات جرم های بین المللی را که مسوولیت فردی به دنبال دارد بیان می کند.این منشور از 3 طبقه جرم های بین المللی شکل گرفته است

1.جنایت برعلیه صلح
2. جرایم جنگی
3.جرایم برعلیه بشریت.

این نورمهای جنایی بعضی اوقات راجع میگردد به قواعد نورمبرگ یا حتی به قانون نورمبرگ که بیشتر به اساس کنوانسیون هاگ سال 1899/1907 منحیث قانون بین المللی عرفی اساس نهاده شد.
بعدا سازمان ملل متحد این قانون را به عنوان اعلامیه قانون عرفی بین المللی تائید کرد واین منشور هنوز ازنظر قانونی به طور قانون عرفی لازم الاجرااست.

مقصود -Object

در تیوری حقوق بشر مقصود به فرد/گروه یا دولتی گفته می شود که منفعت نهایی حقوق بشر به او بر گردد وچنین فرد/گروه یا دولت، مقصود نهایی قانون به حساب می آیند.درمقایسه با این لفظ فاعل یا موضوع قانون بین الملل به فرد/گروه یا دولتی گفته می شود که مالک ودارنده حق باشد. در تیوری حقوق بشر، انسان مالک وصاحب حقوق بشر است نه دولت، یعنی ملکیت حقوق بشر از افراد است نه دولت.

مکلفیت ؛ تعهد -Obligation

گاهی فرد، دولت یا سازمان بین المللی از نظر قانونی به انجام دادن یک عمل یا خودداری از یک عمل مکلف وملزم می باشد. مکلفیت یعنی خواسته ای که ازجانب قانون بین الملل یا توافقی که طبق قانون بین الملل لازم الاجرا است، بالای کسی/گروهی/دولتی وضع میگردد واین فرد/گروه/دولت باید آن خواسته را برآورده کند. اصول حقوق بشر به منظوراحترام نهادن به حقوق بشر برای کشورها مکلفیت می آفریند.نقض حقوق بشر تدابیر اجرایی را درپی دارد وتدابیر اجرایی مطابق

شکایت مطرح شده اتخاذمی گردد. چنانچه شاکی خواهان دریافت غرامت از پامال کننده،پیگردقانونی یا تحریم اقتصادی آن شود.

مکلفیت درعمل -Obligation of Conduct

این اصطلاح ماهیت مکلفیت حقوقی یک کشوررا بیان می کند.این نوع مکلفیت، از دولت می خواهد تا به روش های مخصوص عمل کند وازروش ها وکارهای مخصوص پرهیز کند. توجه وتمرکزاین اصل، روی نفس عمل دولت است نه ثمره ونتیجه آن.برای مثال شکنجه نکردن مردم یکی از مکلفیتهای رفتاری دولت است.
عده ای از حقوق بشری،" مکلفیتهای رفتاری"را وضع می کند درحالی که عده ای دیگر حقوق بشری ، "مکلفیتها در نتیجه" را می آفریند. محو بیسوادی یکی ازمثال های مکلفیت درنتیجه است. به مکلفیت در رفتار"، مکلفیت در تاثیر" (Obligation of Effect) نیز گفته می شود.

مکلفیت درنتیجه -Obligation of Result

این اصطلاح ماهیت مکلفیت حقوقی یک کشوررا چنین بیان می کند:دولت باید با به دست آوردن نتیجه و هدف خاص ازقبیل رفع گرسنه گی،بی سوادی وبیکاری ، مکلفیت خودش به معاهده را برآورده کند . تا وقتی نتیجه مطلوب را حاصل نگردد مکلفیت دولت به معاهده برآورده نمی شود. این اصل بیشتر روی نتیجه وهدف تکیه می کند تا عمل و وسیله. گاهی به مکلفیت درنتیجه مکلفیت در اثر(Obligation of Effect) نیز گفته می شود.

مامور رسیده گی به شکایات –Ombudsman

مقام حکومتی که برای رسیده گی به شکایات افراد از عمل های بوالهوسانه بعض مقامات حکومتی وبرای اداره مسایل حقوق بشر از جانب حکومت انتصاب شده باشد.گزارش دهی،حقیقت یابی و میانجیگری برای حل وفصل صلح آمیز ازجمله وظایف این مقام حکومتی است.

مداخله لفظی -Oral Intervention

بیان شفاهی که توسط آن شخص سوم از قبیل سازمان بین المللی غیر دولتی نظریه اش را در باره حقیقت در قضیه مورداختلاف،بیان می کند.شخص سوم با اظهارنظریه اش می خواهد محکمه را به حقیقت متوجه کند .مداخله های لفظی بیشتر از جانب سازمان های غیردولتی وبرخی از سازمان های بین المللی ازقبیل سازمان ملل و ارگان های فرعی آن چون شورای حقوق بشر مطرح می گردد. مداخله لفظی، دخالت زبانی است که ازخارج برای کمک کردن هیات درانجام وظیفه اش، وارد می شود.

مثل این موضوع – Pari Materia

قاعده ای که گاهی درقانون تفسیری مراعات می شود.این اصطلاح لاتینی به معناهای "در همین موضوع/در موضوعی مثل این موضوع" استعمال می شود.منظوراین است که قوانینی که با موضوع واحد معامله می کنند باید به طوریکجا ودرارتباط با همدیگر تفسیر شود تا یک معنای ثابت به دست آید.این قاعده، هماهنگی قانون های مختلف را که با موضوع اصلی واحد سروکاردارند، تضمین می کند.

مشخصات-Particularities

ویژه گی ها یا خصوصیاتی که درافراد یا گروه های خاص مشاهده می شود.به طورمعمول این ویژه گی ها در بحث تنوع وتفاوت های فرهنگی به کار برده می شود.مشخصات فرهنگی عبارت است از ویژه گی های یک گروه که آن گروه را از گروه های دیگر ممتاز ومشخص می سازد، از قبیل مذهب،ساختار قبیله ای،نظام حقوقی یا رسم ورواج.بعضی ها دایره

مشخصات را به مشخصات زبانی،مذهبی وقومی نیزگسترش داده اند.خلاصه به هرنوع تفاوتی که یک فرد یا گروه را از دیگران ممتازکند مشخصات گفته می شود.
بعضی ادعا می کنند که حقوق بشر جهانی است ودرهرفرهنگ،هرکشور وهر منطقه باید به طور یکسان تطبیق شود اما طرفداران نسبیت فرهنگی مدعی اند که حقوق بشر در هرکشور باید مطابق فرهنگ همان کشور باشد وحقوق بشری که در همه جا یکسان باشد وجود ندارد بلکه تفاوت فرهنگی باعث تفاوت حقوق بشر نیز می شود.اما آنچه امروز بیشتروبه طورغالب مورد قبول است نظریه جهانی حقوق بشر است.

مردم/مردمان –People

قالب مفردی(مردم) این اصطلاح عبارت است ازانسانی که با حیوانات پایین(جانوران) فرق دارد و بخشی از مجموعه تمام انسان هارا تشکیل می دهد.اما قالب جمعی(مردمان) این اصطلاح دارای معانی خاص واثرهای حقوقی می باشد اما روند تعریف این لفظ جمع(مردمان) هنوزنامکمل ودرجریان است.معنای مردمان عبارت است از مجموعه از افراد که فرهنگ مشترک،سنت وسابقه قومی مشترک وگاهی نسب مشترک آن ها را متحد می سازد وگاهی به شکل گروه سازمان یافته سیاسی تشکیل می دهد.مقدمه منشور سازمان ملل با این بیان آغازمی شود:"ما مردمان ملل متحد...."
حق خودمختاری که در ماده 1 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دیده می شود، معنای حقوقی حاصل کردن مقام کلمه"مردمان" است یعنی انسان های خودمختار، به عنوان مردمان به رسمیت شناخته می شوند وخودمختاری ،حق بشری دسته جمعی مردمان است وتوسط این حق، مردمان به طورآزادانه موقعیت سیاسی شان را مشخص می کنند وانکشاف اقتصادی،اجتماعی وفرهنگی شان را باهم دنبال می کنند.برای معلومات بیشتر ماده 1 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی،اجتماعی وفرهنگی(ICESCR) را مطالعه کنید.

مرتکب(تخطی ها) –Perpetrator

مرتکب، فرد یا دولتی است که حقوق بشر را نقض می کند وگاهی این اصطلاح به کسی استعمال می شود که باعث نقض حقوق بشر می شود.مرتکب ممکن است فرد،دولت یا گروه باشد اما بیشتر این کلمه برای افراد استعمال می شود.

مقدمه - Preamble

مقدمه عبارت است از حصه اول یک معاهده یا بیانیه که درآن کشورهای عضو،سران ورهبران آنان،انگیزه مقصد وهدف کشور های تصویب کننده معاهده یا اعلان کننده بیانیه به طور واضح بیا ن می شود.ازآنجا که مقدمه، اصول ومقصد معاهده را توضیح می دهد درتفسیر معاهده وشناخت هدف آن نیز کمک می کند.در صورتی که یک متن گنگ ،نامفهوم یا دوپهلو باشد آنگاه برای تفسیر ووضاحت اصول حقیقی به مقدمه مراجعه می شود
مقدمه اگرچه به ذات خود لازم الاجرا نیست اما بخشی ازمفاد حقوق ماهوی را تشکیل می دهد وگاهی از آن برای اجرای اصول وقطعی ساختن حاصل شدن هدف معاهده ،استفاده می شود.

مقدماتی -Preliminary

عبارت است از اعتراض کشور مدافع بر صلاحیت محکمه یا بر پذیرش ورودی شکایت ارایه شده یا اعتراض های دیگر، یکی از رایج ترین اعتراضات مقدماتی این است که کشور مدافع ادعا کند که شاکی ازدرمان ها وراه حل های داخلی برای دادخواهی مایوس نگشته است وازاین جهت" قربانی" گفته نمی شود . دراین صورت، محکمه باید قبل از بررسی وارزشیابی شکایت، این اعتراض را حل وفصل کند اگر اعتراض درست ثابت شود دراین صورت شکایت ارایه شده غیرقابل ملاحظه اعلان شده ومورد بررسی قرارنمی گیرد

محاکمه زبانی -Process-verbal

مقصود ازاین اصطلاح فرانسوی سندی است که پرونده نوشتاری یک جلسه یا دادخواهی در باره معاهده را دربردارد. این اصطلاح، به پرونده تفاهم های خاص بین طرف های متعهد، اشاره دارد.

www.TPTG.ir

محافظت (ازحقوق بشر)-Protection

یعنی سپرگرفتن برای حق کسی درمقابل نقض،نجات دادن حق کسی ازپامال شدن.مداخله فعالانه بین دولت وانسان یا تنها بین انسان ها برای نجات دادن حق قربانیان احتمالی نقض حقوق بشر.

محکمه نظامی- Military Court

محکمه ای که در آن قضایای اشخاصی که در نیروهای مسلح کشور خدمت میکنند به دلیل قانون شکنی در هنگام وظیفه که از ایشان سر زده است بررسی میگردد.

منسوبیت قومی ؛ قومیت- Ethnicity

خصوصیت فرهنگی خاصی گروه معین که این خصوصیت از رفتار و کردار گرفته تا ویژگی های زبانی که از یک نسل به نسل دیگر انتقال میکند، میباشد. منسوبیت قومی هیچگاه حدود دقیق (فرهنگی یا جغرافیایی) که بتواند این گروهای قومی را همچون یک چیزی طبیعی معین بسازد ، وجود نداشته است. تفاوت های قومی که آنها اکثرا به حیث تفاوت های مذهبی یا قبیلوی دانسته میشوند و منبع اساسی نزاع های سیاسی شده می تواند، میباشند.

مهاجر- Immigrant

مهاجر شخصی است که از ترس تعقیب بر اساس، نژاد ، دین ، ملیت ،عضویت در یک سازمان معین یا اندیشه سیاسی داشته ویا نمی تواند ویا نمی خواهد به کشور اصلی خویش بر گردد.
مهاجر حق بر خوداری از همه حقوق اساسی بشری را دارا هستند .مهاجر باید مانند یک تبعه عادی که از حقوق و آزادی اجتماعات ، دین ، تعلیمات ابتدائی دسترسی به محاکم ، ملکیت و سر پناه مستفید اند ،بر خوردار باشند.هیچ شخص نباید به کشوری که وی در ان مورد تهدید یا تعقیب قراردارد ونه به کشوری دیگری که او را به چنین کشور تسلیم بدهد، بر گردانده شود.

مکلفیت ؛ تعهد – Obligation

حق یا مکلفیتعبارت از حق غیر مشروط یا مکلفیت تعهد آور است بالای تمام کشورها، که تخطی از آن نگرانی کشورها را ببار خواهد آورد. حق یا مکلفیت متوجه جامعه جهانی منحیث یک جامعه میگردد بخاطریکه در صورت تخطی تمام جامعه را متضرر میسازد، مانند قتل عام وجرایم علیه بشریت.

نظریه مشورتی - Advisory Opinion

یک نظریه حقوقی که توسط یک محکمه یا دیوان در مورد تفسیر یا تطبیق یک نورم بین المللی ارائه میگردد که البته ارائه همچو نظر بنابر تقاضای یک کشور یا یک ارگان یک سازمان بین المللی بین الحکومتی، و نه به بخاطر قضاوت در یک قضیه متنازع فیه که منازعه در آن جریان دارد، صورت میگیرد.
نظریات مشورتی منحیت مواد قانون درج نمیگردند اما ممکن است اصول و قواعد را بنا نماید. گروهی که خواستار یک نظریه مشورتی است، باید قانوناً مجاز باشند تا همچو یک تقاضا را از محکمه بنماید تا محکمه یا دیوان یک چنین نظریه مشورتی را ارائه نماید.

www.TPTG.ir

نژاد/نژادی – Race/Racial

نژاد، یک دسته بندی بشر بوده، شامل ویژگی هایی میباشد که نسل به نسل انتقال میابد و کافی است تا یک شخص یا یک گروه رامثل یک نوع بشر مشخص ساخت. این اصطلاح بیشتر بطور بی ربط برای بیان ملیت، قوم و گروه های فرهنگی بکار میرود. برای بعضی ها، اصطلاح نژاد برای مشخص شدن رنگ پوست آنها استفاده میگردد. اصطلاح نژادی به معنی وابسته بودن به، مربوط به یا نظر به یک نژاد میباشد.
در زمینه حقوق بشر، اصطلاح نژاد اکثراً خیلی وسیع تعریف گردیده است. ماده یک کنوانسیون ملل متحد روی محو هر نوع تبعیض نژادی (سال 1965) ممنوعیت اش را در مقابل تبعیض نژادی که شامل تبعیض به اساس نژاد، رنگ، نسل یا منشاء ملیتی یا قومی تعریف میکند. (رجوع کنید به تبعیض نژادی).

نژاد پرستی – Racism

یک باوری که منتج به این گرایش میگردد که نژاد، تثبیت کننده ابتدائی ویژگی و مقام انسان است و اینکه تفاوتهای نژادی یک برتری ذاتی یک قوم را تشکیل میدهد.این چنین باوری منتج میشود به نابردباری، تبعیض و آزار و اذیت به اساس نژادی می شود.

نسل دوم حقوق بشر
second Generation(Human) Rights

این اصطلاح، نوعی از حقوق بشر را بیان می کند که حقوق اقتصادی،اجتماعی وفرهنگی همه را دربرمی گیرد درحالی که نسل اول حقوق بشر حقوق مدنی وسیاسی را شامل می شود وبه نام حقوق فوری نیزیاد می شود، ونسل سوم حقوق بشر به نام حقوق همبستگی یاد می شود. معنای ضمنی کلمه نسل(Generation)، تسلسل تاریخی وترتیب وقوع زمانی نیست یعنی این کلمه به طورضمنی ترتیب وقوع زمانی این حقوق را بیان نمی کند بلکه معنای ضمنی این کلمه، تقسیم بندی حقوقی،سیاسی ونظری حقوق بشر را بیان می کند.
چیزی که این نوع از حقوق را باانوع دیگر متمایز می سازد دسته جمعی وانکشافی بودن آن است.به این معنا که برآورده شدن این حقوق به اقدام ها وبرنامه های انکشافی وتدریجی نیازدارد ودولت مکلف است تا با استفاده ازظرفیت ومنابع اقتصادی اش، برای فراهم کردن این حقوق برنامه های انکشافی را باید همیشه تعقیب کند.حق صحت، حق غذا، حق تعلیم، حق داشتن مسکن وکارهمه از نسل دوم این حقوق می باشد.نسل دوم حقوق بشر به طور مفصل در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی،اجتماعی وفرهنگی بیان شده است.

نورمها/حقوق ذاتی - Substantive Rights/Norms

مقصود ازاین حقوق حقوقی است که در معاهده ها وسندها، حقوق واقعی انسان را- از قبیل حق بیان،حق حرکت، حق وابستگی یا ارتباط، حق آزادی مذهب،حق انجام دادن یا انجام ندادن چیزی- را بیان می کند. حقوق ماهوی یا حقیقی در معاهده ها بعد ازمقدمه وقبل از حقوق رویه ای گنجانده شده است وحقوق رویه ای حقوقی است که طرز اجرا یا میکانیزم تطبیقی جبران نقض حقوق بشر را بیان می کند.حقوق حقیقی بخشی از نظم حقوقی معمولی جامعه را تشکیل می دهد.

نقض مداوم حقوق بشر
Continuing(Human Right) Violation -

اصلی که درفلسفه حقوقی بعضی محاکم بین المللی چون BCHR وکمیته حقوق بشر سازمان ملل برای ادای شرایط قابل پذیرش بودن یک شکایت ،دیده می شود. این مربوط به جایی می شود که عمل یک دولت نتایجی را بار می آورد که برای مدت طولانی فراسوی عمل های اولیه ادامه پیدامی کند وپیوسته تخطی به وجود می آورد.

این به این معنا است که وجود نقض اصل واقعی حقوق بشرفرض می شود. اگر اعمال دولت مدعی علیه پیش از تعهد کشوردیگر به یک پیمان واقع شود واثرهای عمل های آن کشور همچنان باقی بماند در این مدت آن کشور بعدا ملزم می شود.

نسبیت فرهنگی - Cultural Relativism

نظریه خاص در باره حقوق بشر وجود دارد که طبق آن تمام حقوق بشر،باید طبق ارزشی های فرهنگی وفرهنگ های مختلف، ملاحظه،تطبیق وتفسیر شوند.این نظریه در مقابل نظریه جهانی حقوق بشر قرار دارد که این نظریه می گوید: حقوق بشر در تمام نقاط دنیا باید یکسان باشد بدون درنظرداشت فرهنگ، مذهب، ایدیولوژی و سنت آن مناطق. کشورهای جهان سوم وبعض کشورهای در حال توسعه نظریه نسبیت فرهنگی را به عنوان دفاع در مقابل نظریه جهانی حقوق بشر به وجود آوردند. این کشورها می گویند که حقوق بشر بین المللی با ید با فرهنگ هر کشور هماهنگ و مطابق باشد. ممکن است یک عمل در یک فرهنگ، نقض حقوق بشر به حساب آید اما همان عمل در فرهنگ دگر نقض به حساب نه آید.ویژه گی ها یا خصوصیت های فرهنگی از قبیل زبان های مختلف،مذهب های مختلف،سنت های مختلف وحتی ویژه گی ها منطقوی همه زیر بنای نسبیت فرهنگی را تشکیل می دهند.

نیروهای خطرناک- Dangerous forces

این اصطلاح در حقوق بشر بین المللی عبارت است از کارها، تاسیسات یا مکان هایی که ذاتا یا ازلحاظ استعمال یا مقصد دارای نیروهای نهایت خطرناک باشند مثل نیروگاه های هسته ای، سد یا خندق وغیره که ویرانی یا تخریب این ها، آسیبهای خطرناک را به وجود آورده و با عث مرگ یکسان افراد و اشیای نظامی و ملکی می شوند.
طبق قانون بین المللی جنگ (LOAC)، حمله به مکان های این نیروهای خطرناک ممنوع می باشد.

نژادی ؛ قومی-Ethnic

عبارت است از گروه های بزرگ مردم که بر اساس نژاد مشترک، اصالت های ملی، قبیله ای،مذهبی،زبانی وفرهنگی مشترک، طبقه بندی شده باشند.این تعریف تعریفی نیست که در سطح جهانی قابل قبول همه باشد،برای این لفظ تعریف های گوناگونی ذکر شده است.

نسل اول (حقوق بشر)
First Generation(Human Right)

این اصطلاح برای بیان طبقه از حقوق بشر است که تمام حقوق بشر سیاسی و مدنی را در برمی گیرد: از قبیل حق رای داهی، حق بیان، حق حرکت، حق برگذاری اجتماع، حق مساوات و زنده گی."نسل اول حقوق بشر" حقوق فردی و اولیه را شامل می شود ودر مقابل "نسل دوم" و "نسل سوم" حقوق بشراستعمال می شود. حقوق اقتصادی، فرهنگی واجتماعی از نسل دوم حقوق بشر می باشند وحقوق انسجام و همبستگی از "نسل سوم حقوق بشر".
البته تاریخ وقوع زمانی وسلسله وار حقوق بشر از معنای ضمنی "نسل" (Generation) نیست و لفظ "نسل" هیچگونه دلالت ضمنی بر این معنا ندارد بلکه این تقسیم بندی، بیشتر تقسیم بندی سیاسی، ایدیولوژیکی و مفهومی است.

ناپدید شدن اجباری- Forced Disappearance

عبارت است از حبس یک فرد به دستور وتایید مقامات بالا که این مقامات بالا، شخص زندانی را بدون وسایل ارتباط، مخفی نگه می دارند واصلا گرفتاری وحبس فرد موردنظررا نیز انکارمی کنند.چنین عملی نقض آشکار حقوق بشر است.درقانون مدون محکمه جنایی بین المللی ازاین عمل به جرم جهانی تحت عنوان "نا پدید شدن اجباری" یاد شده است ودراین قانون "ناپدید شدن اجباری" چنین تعریف شده است :"بازداشت،توقیف وربودن افرادبا حمایت ،تصدیق ورضایت دولت یا سازمان

سیاسی که این دولت یا سازمان سیاسی برای محروم کردن شخص ربوده شده از حمایت قانون برای مدت دراز،بازداشت وربودن آن شخص را انکار می کنند وازدادن هرگونه اطلاعات در باره محل شخص ربوده شده خودداری می کنند".

نظریات عمومی – General Comments

بیانات تحریری که توسط اعضای هم پیمان حقوق بشری مثل کمیته حقوق بشر (ICCPR) یا کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) ملل متحد صادر میگردد که به مثابه بیانیه دسته جمعی رسمی اعضای متخصص پیمان و هیات مراقبت کننده بالای تمام دولتها میباشد که چطور به بهترین وجه تعهد های مندرج سند پیمان عملی گردد. نظریات عمومی معمولاً در رابطه به یک یا بیشتر مسائل صادر میگردد. مثل لزوم تهیه گزارش یا مربوط به یک یا بیشتر مواد پیمان. نظریات عمومی بعضی اوقات شامل تحلیل معنی، محتوی و فحوای تطبیق یک نورم ویژه قابل توجه میباشد یا تفاوتها را خاطرنشان ساخته و پیشنهاداتی را ارائه میکند که چطور گزارشاتی را که توسط دولتها ارائه گردیده است بهبود بخشیده و یا چطور لازمه های پیمان را در هر مورد واضح نماید. نظریات عمومی راه هایی را بخاطر از بین بردن موانع بخاطر بهتر برآوردن پیشنهاد میکند یا در عموم همکاریها را بین دولتها در عملی کردن پیمان تقویت میبخشد. بسیاری از نظریات عمومی به اساس مرور دوره ای گزارشاتی که توسط دولتها در مطابقت با تعهدهای گزارشدهی آنان نظر به پیمان است صورت میگیرد. آنها ممکن است به حقوق هریک از اعضاء ملاحظه کنند. از آنجائیکه نظریات عمومی از لحاظ حقوقی اجباری نمیباشند ولی آنها بخاطر کاردانی اعضای هیات دارای نیروی قوی معنوی و سیاسی هستند و دولتهای طرف باید از آن پیروی کنند.

نسل کشی – Genocide

اعمال مضر که در جریان جنگ یا صلح به مقصد از بین بردن تمامی یا یک بخش گروه نژادی، ملی، قومی یا مذهبی ارتکاب میابد. این میتواند شامل اعمالی شود که جراحات خطرناک و سوق دادن اشخاص به یک وضع خطرناک میگردد تا یک قسمت یا تمامی آن گروه نابود گردند. نسل کشی یک تخطی حقوق بشر است و یک جنایت بین المللی را تشکیل میدهد. این عمل در هردو پیمان (رجوع شود به کنوانسیون نسل کشی) و به حیث یک موضوع قانون عرفی بین المللی منع قرار داده شده است. این یک جنایت بین المللی به اساس قانون موضوعه محکمه جنایات بین المللی میباشد و نیز در حوزه صلاحیت محکمه که درست به حیث کنوانسیون نسل کشی تعریف شده است.

نماینده گي يا کميساري عالي ملل متحد در امور پناهنده گان
High Commissioner for Refugees(UNHCR)

عبارت است از مقام بالای ملل متحد که از طرف مجلس عمومی ملل متحد برای مراقبت از تمام فعالیت های ملل متحد راجع به مسایل مربوط به پناهنده گان ومهاجرت های اجباری گماشته شده است.اختیارات این نماینده گی پناهنده گان پیمانی وغیرپیمانی را دربر می گیرد.پناهنده گان پیمانی پناهنده گانی اند که در"پیمان 1951 درباره مهاجرین و پروتوکول این پیمان درسال 1967" بیان شده اند.کلمه UNHCR مخفف یا عبارت فوق راتشکیل می دهد.
توجه: نماینده گی عالی ملل متحد درامور پناهنده گان ،غیر از نماینده گی عالی برای حقوق بشر(دفتر ملل متحد) است و UNHCHR مخفف دوم را تشکیل می دهد.

ناسازگاری(عریضه)- Incompatibility

یعنی یک چیز در موقعیتی باشد که صلاحیت وابستگی، هماهنگی وهم آوایی با چیزدیگر را نداشته باشد.این کلمه درروش دادخواهی حقوق بشر به معنای مطابقت داشتن عریضه با شرایط وخواسته های اصول وروش پیمان،استعمال می شود.اگر عریضه با آن شرایط وخواسته ها/نیازمندی ها مطابق نباشد،قابل قبول نبوده ومورد بررسی قرارنمی گیرد یعنی صلاحیت این راندارد که در محکمه بین المللی ملاحظه شود.چیزهایی که به عنوان شرایط درنظرگرفته می شوند عبارت اند از: شخص عارض،زمان وقوع روی داد،مکان وقوع روی داد و اعتبار دعوای نقض پیمان وپیمان، نا امیدی از درمان های وراه حل های داخلی، فرضی بودن یا حقیقی بودن نقض حقوق بشر که شاکی آن را ادعا می کند

اگر عریضه یا دادخواهی همه شرایط را دارا نباشد،پس این عریضه، با معاهده عقد شده سازگار نیست واز جانب محکمه بین المللی برای ارزشیابی و حقیقت یابی، مورد ارزیابی قرار نمی گیرد.

نابردباری - Intolerance

نگرش یک فرد یا گروه که تفاوت زبانی،مذهبی،نژادی،ملی وتفاوت عقیده سیاسی دیگران را نمی پذیردونمی خواهد بپذیرد.نپذیرفتن دیگران آنچنانکه آن ها هستند.یعنی کسانی را با خودش همزبان،هم عقیده،هم مذهب وهمفکر نباشند ، نمی پذیرد.از آنجا که این طرزتفکر، حقوق بشر،عظمت فطری انسان ها و برابری کامل حقوقی را تهدید می کند، قابل نکوهش ومحکوم است.

نقض ماده – Material Breach

عدم موفقیت یک کشور طرف پیمان در عمل نمودن مطابق لازمه های آن، عمل کردن به یک طریقی که توسط قانون بین المللی اجازه داده نشده است و به یک طریقی که انکار خود دولت را در اجرای پیمان نشان میدهد یا نقض جدی مقرره یک پیمان توسط دولت که مطلقاً برای انجام هدف و مقصد پیمان ضروری میباشد. (رجوع شود به کنوانسیون 1969 ویانا، ماده 60). راجع به پیمانهای قانون بشری حقوق بشر، تاثیر نقض یک ماده توسط یک کشور طرف، کشورهای دیگر را از برآوردن تعهد های تحت پیمان شان نمی رهاند.

نظارت / ناظر– Monitor

دیده بانی کردن، مشاهده کردن یا بررسی کردن وضعیت اجابت یک دولت یا عدم اجابت آن با نورمهای حقوق بشری. معمولاً یک هیات بین المللی که مسئول اجرای نورم میباشد، اجابت دولتهای طرف را مراقب میکند اما سازمانهای غیر دولتی نیز کارهای مراقبتی را انجام میدهند که معمولاً همراه با گزارشات شان در مورد مشاهدات شان میباشد. این یک طریقه است تا اطمینان حاصل گردد که یک کشور تعهدهای خویشراانجام می دهد.

نهاد های ملی- National Institutions

نهاد های ملی به هیات ها،مقامات وسازمان های گفته می شود که از جانب حکومت صلاحیت انجام دادن وظیفه های کلی یا خاص رسمی واجتماعی به منظور ارتقا وحفظ داخلی حقوق بشر دریک کشور، به آنها سپرده شده باشد.نهادهای ملی با "این جی او" که به سازمان های غیر دولتی تعریف می شود فرق دارد.

نهادهای ملی، حقوق بشر را در سطح ملی ارتقا می دهد وبه طور عمده اجرای داخلی اصول بین المللی حقوق بشر را تضمین می کند،ماموریت رسیده گی به شکایات،کمیسیون های ملی،پیگرد کننده های قانونی در مسایل مخصوص همه نهاد های ملی به حساب می آیند.

نفی دوتعقیب قانونی به خاطر یک جرم
Ne(or Non) Biss in idem

اصل حقوقی بین المللی که در محاکمه های جنایی قابل اجرا است طبق این اصل یک شخص نباید برای یک جرم دوبارمورد پیگرد قانونی داخلی یا بین المللی قرارگیرد.در حقوق بین الملل این اصل به اصل مخاطره دوبرابر نیز یاد می شود.

نهاد غیر دولتی - Nongovernmental Entity

هیات سیاسی از قبیل گروه مخالف مسلح که درهیچ پیمان بین المللی عضویت ندارند ومطابق اصول فنی به هیچ یک ازآن اصول ملزم نمی باشد.بعضی ها چنین ادعامی کنند که بعض اصول حقوقی بین المللی بالای نهاد ها غیردولتی نیزواجب الاجرا می باشد برای مثال بعضی ها می گویند از نظر قانونی ماده 3 پیمان GCS درباره برخوردهای مسلحانه بالای این نهادها نیز لازم الاجرا می باشد.گروه موسوم به Republica Srpska بوسنی را می توان به عنوان نمونه از نهادهای غیردولتی برشمرد که این حزب در توافق نامه سال 1995 شهر دایتون به عنوان نهاد غیردولتی نه دولت مستقل به رسمیت شناخته شده بود.درحقوق وارتباط بین الملل نهادهای غیردولتی عاملین غیردولتی به حساب می آیند.

نظم عمومی -Ordre Public

این اصطلاح حقوقی فرانسوی درماده های محدودیت بیشتر دیده می شود وعبارت است از تصوربزرگ از کلیت وتمامیت زندگی درسطح سیاسی واداری، وسیاست عمومی که خواهان حفظ عمومی جامعه است.این،بیشتربه سیاست عمومی شباهت دارد تا نظم عمومی.این اصل برای محدودیت های مجازکه درماده های کمیسیون حقوق بشر اروپا دیده می شود نقش اساس را دارد.

نگهداری اختیاری ؛ باز داشت خود سرانه درازمدت
Prolonged Arbitrary Detention

نگهداری یک فرد درتوقیف برای مدت خیلی زیاد توسط مقامات حکومتی بدون پیگرد قانونی وبدون ارایه شدن شکایت جنایی برعلیه آن فرد ازجانب کسی.معمولا این نگهداری برخلاف کسانی است که در حالت ناآرامی اجتماعی،جنگ داخلی یا چریکی،برای جامعه یا برای رژیم برسراقتدار تهدید به حساب می آیند.معمولا نگهداری درزندان یا محبس صورت می گیرد اما نگهداری در باره کسانی که به دلایل طبی یا روانی در کمپ های چون کمپ مهاجرین بستری شده اند نیز استعمال می شود.

نیروی محافظت کننده-Protecting Power

درقانون بشردوستانه خصوصا درقرارداد های چهارگانه ژینوسال 1949،نیروی محافظت کننده به کشوری گفته می شود که در جنگ های مسلحانه هیچ گونه سهم ندارد و ازجانب یکی ازکشورهای درگیربرای انجام دادن کارهای مخصوص از قبیل بازدید از اسیران جنگی این کشور وغیره ،به طورنماینده معین شده باشد واین نمایندگی مورد پذیرش کشور دشمن نیز واقع شده باشد.کشور محافظت شده یا موکل، وظیفه های کشور محافظت کننده اش را طبق پروتوکول ها وپیمانها تعیین می کند وکشورمحافظت کننده انجام این وظیفه ها را به عهده می گیرد.کشورمحافظت کننده ازمنافع هردوطرف حمایت می کند ودر پیروی از تعهد حقوقی شان به آنان کمک می کند.
اگر هیچ کشوری این مقام را به عهده نگیرد دراین صورت کشورهای درگیر، سازمان بین المللی(مثل کمیته صلیب سرخ جهانی) را برای این کارتعیین می کنند.

نظم اجتماعی-Public Order

نظم عمومی عبارت است از نظریه وسیع تمامیت زندگی دریک جامعه در سطح اداری وسیاسی.این اصطلاح که دربسیاری از ماده های شرطی یا قیدی حقوق بشر موجود است یکی ازهدف های قانونی ومشروع محدود سازی حقوق بشر به حساب می آید.این اصطلاح تقریبا هم معنای سیاست عمومی وهدف ازآن برقراری نظم وهماهنگی درجامعه است.ناگفته نماند که حقوق بشر مطلق وفسخ ناشدنی درهیچ شرایط وحتی برای حفظ نظم عمومی، هیچ نوع محدودیت را نمی پذیرد.

www.TPTG.ir

نفرت از بیگانه گان و دولت های اجنبی،(بیگانه هراسی) Xenophobia

از کلمه یونانی "xenos" (بیگانه ، خارجی یا شخص خارجی) و phobia (ترس، هراس) بوجود آمده است. بیگانه هراسی عبارت از ترس(یا بد بینی_نا مقبول یا بیش ازحد از خارجیان یا اشخاص ناشناس) میباشد، که از جانب حکومت ها حمایت و یا تحریک میشود، هرچند آن شرط وضرور نیست.

وسعت نظر - Broad mindedness

یعنی ظرفیت داشتن ذهن باز و بردبار،نه فکر کوته بین و کم تحمل.حتی اگر نظریه و عقیده طرف نا خوشایند وغیر قابل تحمل با شد. این گونه الفاظ از قبیل کثرت گرایی حقوقی،تحمل،وسعت نظر،بیشتر در قضیه های راجع به آزادی بیان به چشم می خورد.داشتن چنین ظرفیت برای مساوی پنداشتن دیگران،صرف نظر از ارزش ذاتی وانسانی اش،یک عنصر ضروری اجتماعی برای جامعه دموکراتیک، به حسات می آید.

ویژه گی ها - Specificities

ویژه گی ها یا خصوصیاتی که درافراد یا گروه های خاص مشاهده می شود.به طورمعمول این ویژه گی ها در بحث تنوع وتفاوت های فرهنگی به کار برده می شود.مشخصات فرهنگی عبارت است از ویژه گی های یک گروه که آن گروه را از گروه های دیگر ممتاز ومشخص می سازد از قبیل مذهب،ساختار قبیله ای،نظام حقوقی یا رسم ورواج.بعضی ها دایره مشخصات را به مشخصات زبانی،مذهبی وقومی نیزگسترش داده اند.خلاصه به هرنوع تفاوتی که یک فرد یا گروه را از دیگران ممتازکند مشخصات گفته می شود.
بعضی ادعا می کنند که حقوق بشر، جهانی است ودرهرفرهنگ،هرکشور وهر منطقه باید به طور یکسان تطبیق شود اما طرفداران نسبیت فرهنگی حقوق بشر ادعا می کنند که حقوق بشر در هرکشور باید مطابق فرهنگ همان کشور باشد وحقوق بشری که در همه جا یکسان باشد وجود ندارد بلکه تفاوت فرهنگی باعث تفاوت حقوق بشر نیز می شود.اما آنچه امروز بیشتروبه طورغالب مورد قبول است نظریه جهانی حقوق بشر است.

وضعیت فوق العاده ؛حالت اضطرار- State of emergency

وضعیت فوق العاده عبارت است از وضعیتی که در یک کشور زندگی مردم را متاثر می سازد.وجود واعلان وضعیت فوق العاده در یک کشور به دولت اجازه می دهد تا به خاطر رعایت مصالح ملی برای بعض حقوق بشر محدودیت وضع کند.برای مثال دردوران وضعیت فوق العاده ، حکومت می تواند آزادی بیان را محدود کند. دوران وضعیت فوق العاده دوران استثنایی است که دراین مدت تمام حقوق بشر بالای کشور لازم الاجرا نیست. برای ایجاد وضعیت فوق العاده عوامل مختلف از قبیل انقلاب داخلی،بی قانونی گسترده وتهاجم خارجی می تواند وجود داشته باشد.

وراثت (وظایف پیمان) –Succession (to treaty obligation)

سندی که توسط آن یک حکومت نوپا، تعهدش را به معاهده ای که حکومت سابق آن کشور در آن عضو بوده است اعلان می کند.حکومت نوتشکیل، با سپردن سند ارثی به کشور یا سازمان امانت دار ونگهدارنده، تعهدش را به معاهده اعلان می کند وبعد از سپردن سند ارثی به کشور یا سازمان نگهدارنده، این حکومت نوپا نیز مانند حکومت سابق آن کشور، به معاهده متعهد وملزم می گردد.

واقعی – In Concreto

قید لاتینی است که درقانون" قرار داد حقوق بشر اروپا" دیده می شود.این لفظ بیشتر به پذیرش ورودی یا قابل ملاحظه بودن عریضه ها و شکایت های مطرح شده در محاکم بین المللی مربوط می شود وصورتی را شامل می شود که تخطی ها و نقض های که شاکی آن را ادعا می کند فرضی وخیالی نباشد بلکه عینی وواقعی باشد.یعنی آیا درعریضه این نکته بیان

www.TPTG.ir

شده که شاکی قربانی تخطی است یا نه .این مطلب در عریضه ذکر نشده است. طبق ماده 25 " قرار داد حقوق بشر اروپا،" ،کمیسیون یا محکمه حقوق بشر اروپا با ادعا های فرضی در مورد نقض فرضی حقوق بشر معامله نمی کنند. در صورتی که هیچ نقض واقعی حقوق بشرو قضیه متنازع فیه وجود نداشته باشد به ادعا های نقض احتمالی یا فرضی حقوق بشر توجه نمی شود. این اصطلاح به معناهای دیگر به چیزهای فرضی که وجود خارجی ندارند نیز استعمال می شود. به عریضه ها وشکایت هایی که موضوع شان نقض واقعی حقوق بشر باشد توجه می شود واین عریضه ها صلاحیت ملاحظه شدن را دارد.

وقوع جنگ – Casus Belli

عمل یک دولت که به دولت دیگری آن قدر آسیب و صدمه برساند که دولت صدمه رسیده حق اعلان جنگ پیدا کند.

وظیفه – Duty

یک شرط است در پیمان حقوق بشری که تکالیف تعهدی، رفتار، خدمات یا وظایف را که یک موقف ایجاب آنرا میکند یا یک مقیم حقوقی آنرا باید انجام دهد، تعیین مینماید. بعضی از اسباب حقوق بشر شامل شرطهای وظیفوی میباشد که مسئولیت یک شهروند و دیگران را در جامعه ایشان تعیین میکند. مثلاً فقره 1 ماده 29 اعلامیه جهانی حقوق بشر. هر حقوق بشر یک وظیفه لازم و ملزوم را بطور صریح و تلویحی دارد. مثلا: حق داشتن خانواده (داشن اطفال) وظیفه حمایت از آنها را در قبال دارد. موجودیت و عدم موجودیت اصلی اوضاع واقعی که در قانون بین المللی پیش بینی گردیده است در نفس خود شامل عواقب حقوقی میباشد یا امکان دارد یک حالت لازمی برای بوجود آمدن آنها باشد.

وابسته گی متقابل- Interdependence

اصل حقوق بشر به معنای وابسته گی تمام حقوق بشر نوعی وفردی به همدیگر.یعنی حقوق بشر از هرنسلی که باشد نسل دوم،نسل سوم یا اول به نسل دیگر وابسته بوده وقابل تفکیک نمی باشد.طوری که اگر وجود نسلی از حقوق بشردر معرض خطر قراربگیرد نسل دیگر نیز در معرض خطر قرارمی گیرد.حقوق بشر را می توان به خانه پر از اجناس تشبیه کرد که این اجناس طوری روی هم چیده شده باشد که برداشتن یکی ازآنها به سقوط و واژه گون شدن همه اجناس منجر می شود.
این اصطلاح همراه با دواصطلاح مترادف دگر یعنی interrelatedness (به هم گره خورده گی) وIndivisibility (قابل تجزیه نبودن) برای باطل کردن نظریه نسبیت فرهنگی حقوق بشر به کار می رود.نظریه نسبیت فرهنگی می کوشد تا بین اصول ونسل های اصول حقوق بشر تفکیک قایل شود وآن ها را ازهم جدا وبا هم بی ربط نشان دهد.

وحدت گرایی – Monism

یک سیستم وحدت گرایی حقوقی آنست که در آن هیچ تفاوتی بین قانون داخلی و بین المللی وجود ندارد. هردوی آن یک سیستم واحد را شکل میدهند. این سیستم با سیستم دوگانه نگر متباین میباشد که بین قوانین داخلی و بین المللی منحیث دو سیستم جداگانه حقوقی وجه تمایز قائل میشود. در این سیستم، قانون داخلی و بین المللی هردو مساوی هستند و در یک سطح قرار دارند. هردو قوانین بالای موضوعات داخلی/ملی قابل تطبیق میباشد.

همه سوزی (قتل عام یهودی ها توسط نازی ها)
Holocaust(World War II)

نابودی سازمان یافته 12 میلیون یهودی توسط حزب نازی آلمان در جنگ جهانی دوم براساس تعصب نژادی، مذهبی نسبت به آن ها (یهودی ها) ویا بر اساس ویژه گی های دیگرآن ها (یهودی ها). این اصطلاح به آن عده از یهودی های که قربانی

این حادثه گردیدند نیز استعمال می شود. البته تنها یهودی ها نبودند که قربانی این پدیده به یادماندنی گردیدند. بسیاری از کاتولیک ها، کشیش ها، کولی ها و همجنسگرایان نیز قربانی این حادثه گردیدند.

همکاری های فنی (وخدمات مشورتی)
Technical Cooperation (and advisory services)

میکانیزم سازمان بین المللی چون ملل متحد که با طرح پروژه های اساسی برای مستحکم کردن زیربناهای حقوق بشر ملی کشورها، سعی می کند تا انسان ها به طور موثر از حقوق بشر شان بهره مند شوند. این همکاری ها، مستحکم کردن حقوق داخلی واقدامات حکومت را نیز شامل می شود.سازمان بین المللی که این خدمات را فراهم می کند افراد خبره را برای بررسی وضعیت حقوق بشر وکمک به میکانیزم داخلی حقوق بشر به کشورهای دیگر می فرستد واین افراد، معاهده های حقوق بشر را برای مردم ترجمه می کند وازطریق انعقاد سیمینار، اعطای شهریه به محصلین حقوق، تربیه قضات وشخصیت های حقوقی وبرگزاری کورس های آموزشی، به سیستم حقوقی آن کشورها کمک می کنند.سازمان جهانی این خدمات را صرف به کشورهای ارایه می کند که چنین تقاضا را از این سازمان کرده باشد ویا به خاطر نقض حقوق بشر مورد توجه جامعه جهانی واقع شده باشد.

هیات نظارتی پیمان
Treaty(Monitoring/Supervising) Body

عبارت است از ارگان قضایی(ازقبیل محکمه) یا شبه قضایی(از قبیل کمیسیون یا کمیته) که دریک معاهده برای بررسی ونظارت براطاعت کشورها از اصول معاهده، که سازمان بین المللی وبین الدولی، آن را تاسیس می کند.این هیات نظارتی کارهای کشورهای عضو معاهده را برای تضمین پیروی ازمعاهده تحت نظر دارد وموارد تخطی ازمعاهده را نشان دهی می کند وبه کشورهای عضو در اقدام های تطبیقی آن ها کمک می کند.کمیته حقوق بشر ملل متحد که در ماده 28 میثاق بین المللی حقوق سیاسی ومدنی تصویب شده است یکی ازاین هیات های نظارتی است که کارهای کشورهای عضو این معاهده را بررسی ونظارت می کند.

هدف مشروع – Legitimate Aim

هدف صحیح از اندازه یک تحدید که در ماده تحدید/محدودیت در نورمهای معین پیمان وجود دارد، هدف مشروع آن میباشد که صریحا در یک چنین ماده برشمرده شده است مثلاً حمایت از صحت عامه، امنیت، اخلاقیات، نظم عامه، رفاه، امنیت ملی و غیره. یک مداخله با عملی کردن نورمهای بسیار مشهود حقوق بشر تنها وقتی میتواند ذیحق باشد اگر، در میان جیزهای دیگر، آن دارای یک هدف مشروع حکومتی باشد چنانکه در پیمان برشمرده شده است.

هنجار/ معیار؛ میزان –Norm

عبارت است ازمعیارمعتبرومشخص رفتار که ازلحاظ حقوقی به عنوان ماده وموضوع حقوق داخلی یا بین المللی بالای یک کشور لازم الاجرا است.معیاررفتار درست که ازلحاظ قانونی بالای کشورهای عضو معاهده لازم الاجرا است یا اصل لازم الاجرادر قانون عرفی جهانی که عمل درست وقابل قبول انسان را ترتیب وتنظیم می کند. معاهده های حقوق بشر هم اصول واقعی وماهوی حقوق بشر را دربردارد یعنی اعمال مجاز وغیرمجاز را وهم میکانیزم وطرزالعمل اجرایی حقوق واقعی را.

هنجاری ؛ معیاری -Normative

چیزی که مربوط به اصول ومعیارهای حقوقی باشدومعمولا چیزی که اصول ومعیارهای لازم الاجرای رفتاررا تعیین می کند.وقتی معاهده به مرحله نیرو ونفوذ می رسد به آن سند اصولی یا قانونی نیز گفته می شود.

هدف و مقصد (پیمان)- Object and Purpose (of Treaty)

این اصطلاح برای بیان دوعاملی که بررسی آن در تفسیر معاهده ضروری است استعمال می شود.کسی که می خواهد معاهده ای را تفسیرکند اول باید زبان معاهده را به طورکامل مطالعه کند ومعنای آن را با هدف ومقصد معاهده مقایسه وارزیابی کند.
هدف پیمان حقوق بشر تاسیس اصول حقوق بشر است وپاسداری از حقوق بشر کودکان یا مهاجرین وپایان دادن به شکنجه را می توان از مقاصد حقوق بشر برشمرد.
این اصطلاح در ماده 31 معاهده وینا(1969) دیده می شود وراجع به تفسیر پیمان های حقوق بشر، اصل عمومی قانون بین المللی به حساب می آید.

یادداشت غیر رسمی – Memorial

یک یادداشت مختصر قانون یک طرف در یک قضیه متنازع فیه بین المللی. در این یادداشت، طرف شرح ویژه حقایق مربوط و قانون، متنازع فیه نظر به مزیت داشتن و دیگر ارجاعات مربوط در ارتباط به دعوی را قرار میدهد.

ضمیمه (I)

اعلامیه جهانی حقوق بشر

مصوبه 10 دسامبر 1948 میلادی (مطابق 1327/9/19 شمسی)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مقدمه:

از آنجا که شناسايي حيثيت ذاتي کليه اعضاي خانواده بشري و حقوق يکسان و انتقال ناپذير آنان اساس آزادي و عدالت و صلح را در جهان تشکيل مي دهد ، از آنجا که عدم شناسايي وتحقير حقوق بشر منتهي به اعمال وحشيانه اي گرديده است که روح بشريت را به عصيان واداشته و ظهور دنيايي که در آن افراد بشر در بيان عقيده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترين آمال بشر اعلام شده است ، از آنجا که اساساً حقوق انساني را بايد با اجراي قانون حمايت کرد تا بشر به عنوان آخرين علاج به قيام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد ، از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بين الملل را مورد تشويق قرار داد ، از آنجا که مردم ملل متحد ايمان خود را به حقوق اساسي بشر و مقام و ارزش فرد انساني و تساوي حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده اند و تصميم راسخ گرفته اند که به پيشرفت اجتماعي کمک کنند و در محيطي آزادتر وضع زندگي بهتري به وجود آورند ، از انجاکه دولتهاي عضو متعهد شده اند که احترام جهاني و رعايت واقعي حقوق بشر و آزادي هاي اساسي را با همکاري سازمان ملل متحد تامين کنند ، از آنجا که حسن تفاهم مشترک نسبت به اين حقوق و آزاديها براي اجراي کامل اين تعهد کمال اهميت را دارد ، مجمع عمومي اين اعلاميه جهاني حقوق بشر را آرمان مشترکي براي تمام مردم و کليه ملل اعلام مي کند تا جميع افراد و کليه ارکان اجتماع اين اعلاميه را دائماً مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسيله تعليم و تربيت احترام اين حقوق و آزادي ها توسعه يابد و با تدابير تدريجي ملي و بين

www.TPTG.ir

المللي ، شناسايي و اجراي واقعي و حياتي آنها ، چه در ميان خود ملل عضو و چه در بين مردم كشورهايي كه در قلمرو آنها مي باشند ، تامين گردد.

ماده اول :

تمام افراد بشر آزاد به دنيا مي آيند و از لحاظ حيثيت و حقوق با هم برابرند . همه داراي عقل و وجدان مي باشند و بايد با يكديگر با روح برادري رفتار كنند .

ماده دوم :

1) هر كس ميتواند بدون هيچ تمايز - خصوصاً از حيث رنگ ، جنس ، نژاد ، مذهب ، عقيده سياسي يا هر عقيده ي ديگر و همچنين مليت و وضع اجتماعي ، ثروت ، ولادت يا هر موقعيت ديگر ، از تمام حقوق و كليه ي آزادي هايي كه در اعلاميه حاضر ذكر شده است بهره مند گردد .

2) به علاوه هيچ تبعيضي به عمل نخواهد آمد كه مبتني بر وضع سياسي ، اداري و قضايي يا بين المللي كشور يا سرزميني كه شخص به آن تعلق دارد . خواه اين كشور مستقل ، تحت قيوميت يا خود مختار بوده و يا حاكميت آن به شكلي محدود شده باشد .

ماده سوم : هر كس حق زندگي ، آزادي و امنيت شخصي دارد .

ماده چهارم :

احدي را نمي توان در بردگي نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شكلي كه باشد ممنوع است .

ماده پنجم :

احدي را نمي توان تحت شكنجه يا مجازات يا رفتاري قرار داد كه ظالمانه يا خلاف انسانيت و شئون انساني يا موهن باشد .

ماده ششم :

هر كس حق دارد كه شخصيت حقوقي او در همه جا به عنوان يك انسان در مقابل قانون شناخته شود .

ماده هفتم :

همه در برابر قانون مساوي هستند و حق دارند بدون تبعيض و بالسويه از حمايت قانون برخوردار شوند . همه حق دارند در مقابل هر تبعيضي كه ناقض اعلاميه حاضر باشد و هر تحريكي كه براي اعمال چنين تبعيضي انجام شود از حمايت قانون برخوردار شوند .

ماده هشتم :

در برابر اعمالي كه حقوق اساسي فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسيله ي قانون اساسي و يا قانون ديگري براي او شناخته شده باشد ، هر كس حق رجوع موثر به محاكم ملي صالحه را دارد.

ماده نهم :

احدي را نمي توان خودسرانه توقيف ، حبس يا تبعيد نمود .

ماده دهم :

هر كس با مساوات كامل حق دارد كه دعوايش بوسيله ي دادگاه مستقل و بي طرف ، منصفانه و علناً رسيدگي شود و چنين دادگاهي درباره ي حقوق و الزامات او و يا هر اتهام جزائي كه به او وارد شده باشد تصميم بگيرد .

ماده يازدهم :

www.TPTG.ir

1) هر كس كه به بزهكاري متهم شده باشد بي گناه محسوب خواهد شد تا وقتي كه در جريان يك دعواي عمومي كه كليه تضمين هاي لازم جهت دفاع او تامين شده باشد ، تقصير او قانوناً محرز گردد .

2) هيچ كس براي انجام يا عدم انجام عملي كه در موقع ارتكاب ، آن عمل به موجب حقوق ملي يا بين المللي جرم شناخته نمي شده است محكوم نخواهد شد . به همين طريق هيچ مجازاتي شديد تر از آنچه كه در موقع ارتكاب جرم بدان تعلق ميگرفت در باره ي احدي اجرا نخواهد شد .

ماده دوازدهم :

احدي در زندگي خصوصي ، امور خانوادگي ، اقامتگاه يا مكاتبات خود ، نبايد مورد مداخله هاي خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نبايد مورد حمله قرار گيرد . هر كس حق دارد در مقابل اينگونه مداخلات و حملات مورد حمايت قانون قرار گيرد .

ماده سيزدهم :

1) هر كس حق دارد كه در داخل هر كشوري آزادانه عبور و مرور كند و محل اقامت خود را انتخاب كند .

2)هر كس حق دارد هر كشوري از جمله كشور خود را ترك كند يا به آن بازگردد .

ماده چهاردهم :

1) هركس حق دارد در مقابل شكنجه ، آزار و تعقيب پناهگاهي جستجو كند و در كشورهاي ديگر پناه گزيند .

2) در مواردي كه تعقيب واقعاً مبتني به جرم عمومي و غير سياسي يا رفتارهايي مغاير با اصول و مقاصد ملل متحد باشد نميتوان از اين حق استفاده كرد .

ماده پانزدهم :

1) هر كس حق دارد كه داراي تابعيت باشد .

2) احدي را نمي توان خودسرانه از تابعيت خود يا از حق تغيير تابعيت محروم كرد .

ماده شانزدهم :

1) هر زن و مرد بالغي حق دارند بدون هيچگونه محدوديت از نظر نژاد ، مليت ، تابعيت يا مذهب با يكديگر زناشويي كنند و تشكيل خانواده دهند . در تمام مدت زناشويي و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر در كليه امور مربوط به ازدواج داراي حقوق مساوي مي باشند .

2) ازدواج بايد با رضايت كامل و آزادانه زن و مرد واقع شود .

ماده هفدهم :

1) هر كس منفرداً يا بطور دسته جمعي حق مالكيت دارد .

2) احدي را نمي توان خودسرانه از حق مالكيت محروم نمود .

ماده هيجدهم :

هر كس حق دارد كه از آزادي فكر ، وجدان و مذهب بهره مند شود . اين حق متضمن آزادي تغيير مذهب يا عقيده و نيز متضمن آزادي اظهار عقيده و ايمان ميباشد و همچنين شامل تعليمات مذهبي و اجراي مراسم ديني است . هر كس ميتواند از اين حقوق منفرداً يا اجتماعاً و به طور خصوصي يا عمومي برخوردار شود.

ماده نوزدهم :

هر كس حق آزادي عقيده و بيان دارد و حق مزبور شامل آنست كه از داشت عقايد خود بيم و اضطرابي نداشته باشد و در كسب اطلاعات و افكار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسايل ممكن و بدون ملاحظات مرزي آزاد باشد .

ماده بيستم :

1) هر كس حق دارد آزادانه مجامع و جمعيتهاي مسالمت آميز تشكيل دهد .

2) هيچكس را نميتوان مجبور به شركت در اجتماعي كرد .

ماده بيست و يكم :

1) هر كس حق دارد در اداره ي امور عمومي كشور خود ، خواه مستقيماً و خواه از طريق نمايندگاني كه آزادانه انتخاب شده باشند شركت جويد .

2) هر كس حق دارد با تساوي شرايط به مشاغل عمومي كشور خود نايل آيد .

3) اساس و منشاء قدرت حكومت اراده ي مردم است . اين اراده بايد به وسيله ي انتخاباتي ابراز گردد كه از روي صداقت و بطور ادواري صورت پذيرد . انتخابات بايد عمومي و با رعايت مساوات باشد و با راي مخفي يا طريقه اي نظير آن انجام گيرد كه آزادي راي را تضمين نمايد .

ماده بيست و دوم :

هر كس به عنوان عضو اجتماع حق امنيت اجتماعي دارد و مجاز است بوسيله ي مساعي ملي و همكاري بين المللي حقوق اقتصادي و اجتماعي و فرهنگي خود را كه لازمه ي مقام و نمو آزادانه ي شخصيت اوست با رعايت تشكيلات و منابع هر كشور بدست آورد .

ماده بيست وسوم :

1) هر كس حق دارد كار كند ، كار خود را آزادانه انتخاب نمايد ، شرايط منصفانه و رضايت بخشي براي كار خود خواستار باشد و در مقابل بيكاري مورد حمايت قرار گيرد .

2) همه حق دارند بدون هيچ تبعيضي در مقابل كار مساوي اجرت مساوي دريافت كنند .

3) هر كس كه كار مي كند به مزد منصفانه و رضايت بخشي ذيحق ميشود كه زندگي او و خانواده اش را موافق شئون انساني تامين كند و آنرا در صورت لزوم با هر نوع وسايل ديگر حمايت اجتماعي تكميل نمايد .

4) هر كس حق دارد براي دفاع از منافع خود با ديگران اتحاديه تشكيل دهد يا در اتحاديه ها شركت كند .

ماده بيست و چهارم :

هر كس حق استراحت و فراغت و تفريح دارد و به خصوص به محدوديت معقول ساعات كار و مرخصي هاي ادواري با اخذ حقوق ذيحق ميباشد .

ماده بيست و پنجم :

1)هر كس حق دارد كه سطح زندگاني او ، سلامتي و رفاه خود و خانواده اش را از حيث خوراك و مسكن و مراقبتهاي پزشكي و خدمات لازم اجتماعي تامين كند و همچنين حق دارد كه در مواقع بيكاري ، بيماري ، نقص اعضاء ، بيوگي ، پيري يا تمام موارد ديگري كه به عللي خارج از اراده ي انسان وسايل امرار معاش از دست رفته باشد ، از شرايط آبرومندانه ي زندگي برخوردار شود .

2) مادران و كودكان حق دارند از كمك و مراقبت مخصوصي بهره مند شوند . كودكان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنيا آمده باشند ، حق دارند كه همه از يكنوع حمايت اجتماعي برخوردار شوند .

ماده بيست وششم :

1) هر كس حق دارد كه از آموزش و پرورش بهره مند شود . آموزش و پرورش لااقل تا حدودي كه مربوط به تعليمات ابتدايي و اساسي است بايد رايگان باشد . آموزش ابتدايي اجباري است . آموزش حرفه اي بايد عموميت پيدا كند و آموزش عالي بايد با شرايط تساوي كامل به روي همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره گيرند .

2) آموزش و پرورش بايد طوري هدايت شود كه شخصيت انساني هر فرد را به حد كمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادي هاي بشر را تقويت كند . آموزش و پرورش بايد حس تفاهم ، گذشت و احترام به عقيده ي مخالف و دوستي بين تمام ملل و جمعيتهاي نژادي يا مذهبي و همچنين توسعه ي فعاليتهاي ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهيل نمايد .

3) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به ديگران اولويت دارند .

ماده بيست و هفتم :

1) هر كس حق دارد آزادانه در زندگي فرهنگي اجتماع شركت كند ، از فنون و هنر ها بهره گيرد و در پيشرفت علمي و فوائد آن سهيم باشد .

2) هر كس حق دارد از حمايت منافع مادي و معنوي آثار علمي ، فرهنگي يا هنري خود برخوردار شود .

ماده بيست وهشتم :

هر كس حق دارد برقراري نظمي را بخواهد كه از لحاظ اجتماعي و بين المللي ، حقوق و آزادي هايي را كه در اين اعلاميه ذكر گرديده است تامين كند و آنها را به مورد اجرا گذارد .

ماده بيست و نهم :

1) هر كس در مقابل آن جامعه اي وظيفه دارد كه رشد آزاد و كامل شخصيت او را ميسر كند .

2) هر كس در اجراي حقوق و استفاده از آزادي هاي خود فقط تابع محدوديت هايي است كه به وسيله قانون و منحصراً به منظور تامين ، شناسايي و مراعات حقوق و آزادي هاي ديگران و براي رعايت صحيح مقتضيات اخلاقي و نظم عمومي و رفاه همگاني در شرايط يك جامعه ي دمكراتيك وضع گرديده است .

ماده سي ام :

هيچ يك از مقررات اعلاميه حاضر نبايد طوري تفسير شود كه متضمن حقي براي دولت ، جمعيت يا فردي باشد كه به موجب آن بتوانند هر يك از حقوق و آزاديهاي مندرج در اين اعلاميه را از بين ببرند يا در راه آن فعاليتي نمايند

www.TPTG.ir

ضمیمه (II)

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد
مصوبه 26 دسامبر 1966/ قطعنامه 2200A قدرت اجرائی بنابر ماده 49، 23 مارس 1976

ترجمه: ن. نوریزاده

دیباچه:

دولتهای عضو این میثاق:

با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده است، شناسائی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، ·نظر به اینکه، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهائی از ترس میباشد و دستیابی به این شرایط فقط بوسیله بهره مندی هر کس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است، با توجه به منشور ملل متحد، دولتها متعهد برعایت و احترام به حقوق و آزادیهای انسان وترویج آنها در سراسر جهان میباشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسئولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق میباشند، (دولتهای عضو این میثاق) با مواد زیر موافقت میکنند:

بخش یکم

ماده اول:

1- تمام ملتها حق خودمختاری دارند. بواسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین میکنند.

2- تمام ملتها میتوانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاریهای اقتصادی بین المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین المللی، آزادانه (منعقد شده است) ثروتها و منابع طبیعی شان را مصرف نمایند. در هیچ موردی نمی توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم نمود.

3- دولتهای عضو این میثاق، از جمله دولتهای مسئول اداره کشورهای مستعمره و تحت قیمومیت، باید در تحقق حق خودمختاری و احترام به این حق، طبق مقررات منشور ملل متحد، سرعت بخشند.

بخش دوم

ماده دوم:

1- هر دولت عضو این میثاق متعهد میشود که نسبت به افراد ساکن قلمرو و تبعه حوزه قانونی خود، حقوق شناخته شده این میثاق را صرفنظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا عقیده ای دیگر، و همچنین اصل و منشاء اجتماعی یا ملی، دارائی، نسب و یا وضعیت های دیگر، محترم شمرد و تضمین نماید.

2- هر دولت عضو این میثاق در جائیکه قوانین و تدابیری پیش بینی نشده است، متعهد میباشد که اقدامات لازم را بنابر روند قانونگذاری خود و مقررات این میثاق بعمل آورد. اتخاذ چنین قوانین و تدابیری بمنظور اجرای حقوق شناخته شده این میثاق میباشد.

3- هر یک از اعضای عضو این میثاق متعهد است که:

الف: تضمین نماید، فردی که حقوق و آزادیهایش که در این میثاق برسمیت شناخته شده است، نقض گردد، باید وسیله ای جهت جبران خسارت موثر داشته باشد، هرچند این نقض بوسیله افرادی انجام گرفته باشد که در سمت رسمی خود قرار داشته اند.

ب: تضمین نماید، فردی که درخواست جبران خسارت میکند، باید بوسیله مقامات صالح قضائی، اداری و قانونگذاری و یا بوسیله هر مقام دیگری که بواسطه نظام قانونی کشور مقرر میگردد (مورد رسیدگی قرار گیرد) و همچنین امکانات جبران خسارت قضائی و حقوقی (تظلم خواهی) توسعه یابد.

www.TPTG.ir

ج: تضمین نماید که مقامات صالحه در صورت محرز شدن چنین خساراتی وادار به جبران شوند.

ماده سوم:

دولتهای عضو این میثاق تعهد مینمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده است، تضمین شود.

ماده چهارم:

1- کشورهای عضو این میثاق درزمان پیشامدهای اضطراری عمومی که حیات ملتی را تهدید میکند و وجود آن پیشامد بطور رسمی اعلام گردیده است، میتوانند اقدامات لازم را خارج از مواد این پیمان و تعهدات خود نسبت به آنرا بنا بر وضعیت و مقتضیات بعمل آورند، مشروط براینکه این اقدامات متناقض با دیگر تعهدات حقوق بین الملل خود نباشد (و نیز) تبعیض انحصاری بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، منشاء مذهبی یا اجتماعی در بر نداشته باشد.

2- (این اقدامات) نباید خارج از مواد 6-7-8 (بند 1و2) 11-15-16و18 این قانون (میثاق) انجام گیرد.

3- هر یک از کشورهای عضو این میثاق که از (حق) پیشامدهای اضطراری این پیمان استفاده میکند، باید بلافاصله موارد پیشامد اضطراری و دلایلی که موجب این اضطرار شده است را توسط دبیر کل سازمان ملل متحد به دیگر کشورهای عضو پیمان اطلاع دهد. (همچنین این کشور) اطلاعیه ای (مبنی بر ذکر) تاریخی که این پیشامد اضطراری پایان می پذیرد را صادر نماید و از طریق همان واسطه (دبیر کل) به اطلاع دیگر کشورهای عضو برساند.

ماده پنجم:

1- هیچیک (از مواد) این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که بموجب آن حقی برای کشوری یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق میگردد و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنچه که در این میثاق پیش بینی شده است، ایجاد نماید.

2- هیچ نوع محدودیت و یا تخلف از حقوق اساسی بشر که در قوانین، پیمان نامه ها، آئین نامه ها و یا عرف هر یک از کشورهای عضو این پیمان شناخته شده است و یاوجود دارد، به بهانه اینکه در این میثاق (آن حقوق) به رسمیت شناخته نشده است و یا به میزان کمتری به رسمیت شناخته شده است، پذیرفته نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ششم:

1- هر انسانی بطور ذاتی حق زندگی دارد. این حق باید بوسیله قانون محافظت گردد. هیچکس را نمیتوان بطور دلخواه و خودسرانه از حق زندگی محروم نمود.

2- در کشورهائی که مجازات اعدام لغو نشده است، حکم مرگ فقط باید برای مهمترین جنایات، آنهم بنا بر قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جرم صادر شود و (نیز این حکم) نباید با مقررات این میثاق و میثاق منع و مجازات جرم کشتار دستجمعی Genocide منافات داشته باشد.

3- هنگامیکه سلب زندگی (صدور حکم مرگ) جرم کشتار جمعی باشد، (در این صورت) بدیهی است که هیچ چیزی در این ماده مجاز نمی شمارد که کشور عضو این پیمان از تعهداتی که به قوانین میثاق منع و مجازات جرم کشتار جمعی سپرده است، تخلف ورزد.

4- هر فرد محکوم به مرگ، حق دارد که درخواست عفو و یا تخفیف جرم نماید. امکان اعطاء بخشش عمومی، بخشش فردی یا تخفیف مجازات مرگ در تمام موارد وجود دارد.

5- حکم مجازات مرگ نباید برای جرمهائی که افراد زیر 18 سال مرتکب شده اند صادر شود و (نیز این حکم) نباید در مورد زنان باردار اجرا گردد.

6- هیچ چیز در این ماده جهت به تاخیر انداختن و یا منع الغای مجازات اعدام از طرف کشور عضو این میثاق، قابل استناد نمی باشد.

ماده هفتم:

هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیر انسانی و وحشیانه قرار گیرد. بویژه کسی را نباید بدون رضایت آزادانه اش در معرض آزمایشات پزشکی و علمی قرار داد.

ماده هشتم:

www.TPTG.ir

1- هیچکس نباید در بردگی نگاه داشته شود. بردگی و تجارت برده با تمام اشکال آن ممنوع میباشد.
2- کسی نباید در خدمت اجباری نگاه داشته شود.
3- الف: هیچکس را نباید به کار اجباری و انجام عمل تحمیلی وادار نمود.
ب: بند سوم (الف) نباید برای کشورهائی که اعمال شاقه را بمثابه مجازات جرم در نظر میگیرند، مانعی ایجاد کند، بدیهی است حکم چنین مجازاتی (مجازات مجرم با اعمال شاقه) باید بوسیله دادگاه صالحه صادر گردد.
ج: برای (روشن شدن) مفاد این بند، واژه کار تحمیلی و اجباری شامل موارد زیر نمی باشد:
- Iهر کار یا خدمتی که به زیر بند (ب) عطف نشده است که معمولا به فردی که در نتیجه حکم دادگاه تحت بازداشت است و یا به فردی که در حین برخورداری مشروط از این نوع بازداشت، تکلیف میگردد.
- II هر نوع خدمت شخصی نظامی در کشورهائی که موضوع خدمت وظیفه برسمیت شناخته نشده است، هر نوع خدمت ملی مقرر شده که بوسیله قانون خدمت وظیفه پذیرفته نشده است
- IIIهر نوع خدمتی که در موارد اضطراری یا بلایائی که زندگی و رفاه جامعه را تهدید میکند، مقتضی می باشد.
- IIIIهر کار یا خدمتی که قسمتی از تعهدات (اجتماعی) مدنی را تشکیل دهد.

ماده نهم:

1- هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچکس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند.
2- هر کسی که دستگیر میشود باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و (نیز) باید بدون درنگ هر اتهامی که علیه او وجود دارد، به اطلاعش رساند.
3- هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت میگردد، باید بی درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که بوسیله قانون، قدرت قضائی را اعمال میکند، آورده شود و شایسته است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید، ولی در هر مرحله از رسیدگی قضائی، (متهم) ممکن است با تضمین آزادی (موقت) جهت حضور در دادگاه و به اقتضای حکم دادگاه موکول گردد.
4- هر کسی که بموجب دستگیری و یا بازداشت، از آزادی اش محروم میگردد، حق دارد روند دادخواهی را بدین منظور که دادگاه بدون تاخیر در مورد غیر قانونی بودن بازداشتش تصمیم گیرد، دنبال نماید تا اگر بازداشت او غیر قانونی است (قاضی) دستور به آزادی او دهد.
5- هر کس که قربانی دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی شده است، حق جبران خسارت دارد.

ماده دهم:

1- تمام افرادی که آزادی آنها سلب میگردد (زندانیان) باید با آنها با انسانیت و احترام که حقیقت ذاتی شخص انسان است، رفتار شود.
2- الف- به جزء موارد استثنائی، افراد متهم باید از محکومین جدا نگاه داشته شوند و میبایست مشمول رفتار جداگانه ای، متناسب با وضعیت افراد غیر محکوم شوند.
ب – افراد جوان متهم باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت در مورد آنها قضاوت گردد.
3- نظام ندامتگاه باید متضمن رفتار با افرادی باشد که هدف اساسی آن اصلاح آنان و اعاده حیثیت اجتماعی شان باشد. جوانان بزهکار باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و (با آنها) متناسب سن و وضعیت قانونی شان رفتار گردد.

ماده یازدهم:

هیچکس را نباید فقط بعنوان اینکه (او) قادر به انجام تعهد قراردادی خود نیست، زندانی کرد.

ماده دوازدهم:

1- هر کس بطور قانونی باید در قلمرو کشور، حق رفت و آمد آزاد و انتخاب آزادانه محل اقامت خود را داشته باشد.
2- هر کس باید برای ترک هر کشوری که شامل کشور خود (نیز) است، آزاد باشد.
3- حقوق یاد شده بالا نباید مشمول هیچ محدودیتی گردد، مگر آنکه آن (محدودیتها) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا (رعایت) حقوق و آزادیهای دیگران، ضروری بوده و بوسیله قانون مقرر گشته است و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.
4- هیچکس نباید از حق ورود به کشور خود، خودسرانه (بدون مجوز) محروم گردد.

ماده سیزدهم:

هر بیگانه ای که بطور قانونی در قلمرو کشور عضو این میثاق باشد، فقط در صورتی از آن (کشور) اخراج میگردد که (این اخراج) پیرو تصمیمی مطابق قانون باشد، در غیر اینصورت و در جائی که دلایل حتمی امنیت ملی ایجاب نکند، باید این اجازه به او داده شود که دلایل مخالفت خود را نسبت به (این اخراج) ارائه دهد. بدین منظور پرونده او با حضور نماینده

ای که قبلا تعیین کرده است و بوسیله مرجع صلاحیت دار و یا فرد یا افراد بخصوصی که از طرف مرجع صلاحیت دار تعیین شده اند، دوباره خوانی و رسیدگی میگردد.

ماده چهاردهم:

1-همه افراد در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری (از حقوق) برابر برخوردارند. در امور تصمیم گیری هر اتهامی علیه فرد و یا (علیه) حقوق و تعهدات مدنی او، هر کس باید حق داشته باشد که (اتهامات او) بوسیله یک دادگاه قانونی، صلاحیت دار، مستقل و بیطرف، بطور منصفانه و علنی، رسیدگی شود. مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه بدلایل اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار منع شوند. وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن (جلسات) را زیان آور به مصالح دادگستری بداند، (محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی) امکان دارد، اما حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد مگر آنکه مصلحت افراد جوان ایجاب نماید و یا روند دادرسی، مربوط به اختلافات زناشوئی یا سرپرستی اطفال باشد.

2-هر کس که به ارتکاب جرمی متهم شده است این حق را دارد که بیگناه فرض شود تا مگر جرم او برطبق قانون ثابت شود.

3-در مورد قطعی شدن جرم علیه فرد، هر کس حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد.

الف- بیدرنگ و به تفصیل با زبانی که او بفهمد، (باید) از نوع و علت اتهامی که به او نسبت داده شده است، آگاه گردد.

ب – وقت و تسهیلات کافی جهت تهیه دفاعیه خود و گفتگو با وکیلی که خود انتخاب کرده است، داشته باشد.

ج – بدون تاخیر موجه، دادگاهی شود.

د – در حضور خودش محاکمه شود. شخصا از خود دفاع نماید و یا از طریق وکیلی که خود انتخاب کرده است (از خود دفاع کند). او باید از حقوق خود مطلع گردد که اگر وکیل ندارد، در صورتیکه مصالح دادگستری اقتضا می نماید و (نیز) در صورتیکه او توانائی کافی برای پرداخت (دستمزد وکیل) را نداشته باشد، بدون پرداخت هزینه ای، وکیلی برای او تعیین میگردد.

ه – از شهودی که علیه او (شهادت داده اند) بازپرسی کنند و یا بخواهند که از آنها بازپرسی شوند و تحت شرایط مشابهی که علیه او شهادت داده اند، شاهدانی جهت شهادت بنفع او حاضر شوند.

و – اگر او زبانی که در دادگاه بکار می رود را نمی تواند بفهمد و یا صحبت کند (باید) بطور رایگان مترجمی جهت کمک در اختیار اوگذاشته شود.

ز – اجباری در شهادت دادن علیه خود و یا اقرار به مجرمیتش وجود نداشته باشد.

4- آئین دادرسی در مورد افراد جوان باید مطابق سن آنها، مصلحت و اعاده حیثیت آنان در نظر گرفته شود.

5- هر کس که مجرم شناخته میشود مطابق قانون (باید) حق داشته باشد که مجرمیت و محکومیت او بوسیله یک دادگاه عالیتر مورد تجدید نظر قرار گیرد.

6- هر گاه شخصی حکم نهائی محکومیت جزائی گرفته است و بعدا درنتیجه یک کشف جدید با وجود شواهد قطعی معلوم گردد که محکومیت او در نتیجه یک اشتباه قضائی بوده است و حکم او نقض شود و یا مورد عفو قرار گیرد، او یعنی شخصی که در نتیجه این محکومیت و مجازات متحمل رنج و عذاب شده است، حق دارد طبق قانون اعاده جبران خسارت نماید، مگر ثابت شود که عدم افشای بموقع و چگونکی امر نامعلوم بطور کلی و یا جزئی منتسب به خود او بوده است.

7- هیچکس را نباید بوسیله قانون دادرسی کیفری کشور، به جرمی که محکوم و یا تبرئه شده است، دوباره دادگاهی، محکوم و مجازات نمود.

ماده پانزدهم:

1-هیچکس را نباید بواسطه انجام عملی و یا ترک آن که بنا بر قوانین ملی و یا بین المللی جرم نبوده است در آن واحد محکوم نمود. همچنین نباید هیچ مجازات شدیدی را از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده است، تعیین نمود. اگر پس از ارتکاب جرم مقررات قانونی دیگری وضع شود که مجازات ملایمتری را در بر داشته باشد، مجرم باید از آن مقررات استفاده نماید.

2-هیچیک از مقررات این ماده نباید با دادرسی و مجازات شخصی که در هنگام انجام عملی یا ترک آن، بنا بر اصول کلی قوانین شناخته شده جامعه ملل، جرم نیست، منافات داشته باشد.

ماده شانزدهم:

هر کس حق دارد در هر کجا در مقابل قانون، بمثابه یک شخص (حقوقی) شناخته شود.

ماده هفدهم:

1-هیچکس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و یا مکاتبات، مورد دخالت خودسرانه (بدون مجوز قانونی) یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت او مورد تعرض غیر قانونی واقع گردد.
2-هر کس حق دارد که در مقابل این تعرضات و دخالتها از حمایت قانون برخوردار شود.

ماده هیجدهم:

1-هر کس حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب دارد. این حق شامل اختیار و آزادی در پذیرش یک مذهب و یا عقیده ای، به انتخاب خود است. همچنین هر کسی، در بیان آشکار مذهب یا عقیده خود بطور فردی یا گروهی آشکارا یا در نهان و نیز انجام تعلیمات مذهبی خود اختیار و آزادی دارد.
2-در این موارد، هیچکس نباید با زور و اجبار (روبرو گردد) و نیز نباید به آزادی او در پذیرش یک مذهب یا عقیده ای که بر اساس انتخاب خودش انجام گرفته است، آسیب رساند.
3-در صورتی ممکن است آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات کسی محدود گردد که بموجب قانون آنهم در جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران، پیش بینی شده باشد.
4-کشورهای عضو این میثاق، متعهد میگردند که آزادی والدین و سرپرستان قانونی را در مورد آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان و مطابق با عقایدشان محترم شمارند.

ماده نوزدهم:

1-هر کس حق دارد که نظرات خود را بدون دخالت و مانع (دیگران) بیان دارد.(حفظ کند)
2-هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هر نوع عقایدی، بدون توجه به چگونگی ارائه آن (آرایش) بطور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا بهر وسیله دیگری که خود انتخاب میکند، میباشد.
3-اعمال حقوق ارائه شده در بند 2 این ماده که همراه با وظائف ویژه و مسئولیت ها می باشد، ممکن است که تابع محدودیتهای معینی قرار گیرد. این (محدودیتها)، فقط باید بنا به ضرورتهای ذیل و بوسیله قانون انجام گیرد:
الف) برای احترام حقوق یا حیثیت دیگران
ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی

ماده بیستم:

1- هرگونه تبلیغ برای جنگ بموجب قانون ممنوع است.
2- هرگونه ترغیب به تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که باعث تحریک به تبعیض و یا دشمنی و خشونت گردد، بموجب قانون ممنوع می باشد.

ماده بیست و یکم:

حق تشکیل مسالمت آمیز مجامع به رسمیت شناخته میشود. هیچ محدودیتی در مورد اعمال این حق صورت نمی گیرد مگر مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری در جهت نفع (مصلحت) امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد.

ماده بیست و دوم:

1-هر کس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه ها و برای حفاظت علاقه مندیها و منافع خود می باشد.
2-اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نیست مگر اینکه این محدودیتها مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری جهت نفع (مصلحت)، امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد. (همچنین) این ماده مانع از آن نمی شود که اعضاء نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیتهای قانونی باشند.
3-هیچیک از مقررات این ماده، کشورهای عضو مقاوله نامه سازمان بین المللی کار، مورخ 1948 که مربوط به آزادی (تشکیل) اتحادیه و حمایت از حق متشکل شدن است، مجاز نمی شمارد که با اقدامات قانونگذاری و یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین های ارائه شده در این مقاوله نامه مخالفت کنند و به آن لطمه وارد آورند.

ماده بیست و سوم:

1-خانواده یک واحد گروهی و (جزء عنصر) بنیادین و طبیعی جامعه است و شایسته می باشد که بوسیله جامعه و حکومت حفاظت گردد.

2-حق ازدواج و تشکیل خانواده برای مردان و زنانی که به این سن رسیده اند، برسمیت شناخته میشود.
3-هیچ ازدواجی بدون رضایت آزادانه و کامل زوجین منعقد نمی گردد.
4-کشورهای عضو این میثاق، باید اقدامات مناسب را بمنظور تامین تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در خلال انعقاد و فسخ ازدواج بعمل آورند. در مورد فسخ ازدواج باید برای حفاظت کودکان پیش بینی های لازم انجام گیرد.

ماده بیست و چهارم:

1- هر کودکی بدون هیچگونه تبعیض (از قبیل) نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت یا منشاء اجتماعی، دارائی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت صغارت (خردسالی) ایجاد شده است، حق دارد از اقدامات حفاظتی (حمایتی) خانواده، جامعه و دولت برخوردار گردد.
2- هر کودکی باید بیدرنگ پس از تولد دارای نام گردد و به ثبت رسد.
3- هر کودکی حق کسب تابعیت دارد.

ماده بیست و پنجم:

هر شهروندی باید از فرصتها (امکانات)، بدون در نظرگرفتن محدودیتهائی که در بند 2 آمده است و (نیز) بدون محدودیتهای نامعقول، حق داشته باشد که:
الف) در اداره امور عمومی، مستقیما یا بوسیله انتخاب آزاد نمایندگان، شرکت کند.
ب) در انتخابات دوره ای صحیح که با آراء عمومی مساوی و مخفی انجام میگیرد و تضمین کننده بیان آزادانه خواسته انتخاب کنندگان است، (حق) رای دادن و انتخاب شدن دارد.
ج) (هر شهروندی) بنا بر شرایط کلی حق مساوی ورود به مشاغل عمومی در کشور خود را دارد.

ماده بیست و ششم:

تمام افراد در مقابل قانون برابر هستند و بدون تبعیض، مستحق حفاظت (حمایت) مساوی در مقابل قانون می باشند. از این لحاظ قانون باید هر نوع تبعیض را مانع شود و برای تمام افراد حفاظتهای (حمایتهای) موثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض و در هر مرحله ای مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا دیگر عقاید، منشاء ملی یا اجتماعی، دارائی، تولد (نسب) و یا هر وضعیت دیگری تضمین نماید.

ماده بیست و هفتم:

در کشورهائی که اقلیت های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، افرادی که متعلق به این اقلیتها هستند را نباید از حق (تشکیل) اجتماعات با اعضای گروه خود و (نیز) بهره مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرایض) مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان، محروم نمود.

بخش چهارم

ماده بیست و هشتم:

1- یک کمیته حقوق بشر (از این بعد در این میثاق کمیته نامیده خواهد شد) تاسیس میگردد. این کمیته شامل 18 عضو است و وظائفی که در بندهای بعدی (2و3) ارائه گردد را انجام میدهد.
2- اعضای این کمیته از اتباع کشورهای عضو این پیمان تشکیل میگردد، (یعنی) کسانیکه دارای نشانه های عالی اخلاقی بوده و صلاحیت آنان در زمینه حقوق بشر شناخته شده است. شرکت بعضی از افراد که در امور قضائی دارای تجربه هستند، مورد توجه (کمیته) می باشد.
3- اعضای کمیته، انتخابی هستند و بنا بر صلاحیت شخصی خود (در این کمیته) خدمت میکنند. (نمایندگان رسمی دولت متبوع خود نمی باشند).

ماده بیست و نهم:

1- اعضای کمیته باید با رای مخفی و از فهرست افراد واجد شرایطی که در ماده 28 آمده است و بدان منظور از طرف کشورهای عضو این پیمان نامزد شده اند، انتخاب گردند.
2- هر کشور عضو این پیمان نمی تواند بیش از 2 نفر را نامزد کند. این افراد باید تابعیت کشور نامزد کننده را دارا باشند.
3- تجدید نامزدی برای یک فرد مجاز می باشد.

ماده سی ام:

1- اولین انتخابات دیرتر از 6 ماه بعد از تاریخ به قدرت اجرائی در آمدن این میثاق انجام نخواهد گرفت.
2- حداقل چهار ماه قبل از تاریخ هر انتخاباتی در کمیته، به استثنای انتخاباتی که بنا بر ماده 34 برای پرکردن محل خالی انجام میگیرد، دبیر کل سازمان ملل متحد می بایست از کشورهای عضو این پیمان جهت معرفی عضویت نامزدهای شان، ظرف سه ماه دعوت کتبی بعمل آورد.
3- دبیر کل سازمان ملل متحد می بایست فهرستی به ترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که به این ترتیب نامزد (عضویت در کمیته) میشوند با نام کشورهائی که آنها را (جهت عضویت) نامزد کرده اند، تهیه نماید و آنرا به کشورهای عضو این پیمان، حداکثر یکماه قبل از تاریخ انتخابات ارائه دهد. انتخاب اعضاء کمیته می بایست در نشستی که دبیر کل سازمان ملل متحد از کشورهای عضو این پیمان بعمل آورده است، انجام گیرد. حد نصاب این جلسات دوسوم کشورهای عضو این پیمان می باشد و افرادی که برای (عضویت) کمیته انتخاب میشوند باید نامزدهائی باشند که بیشترین تعداد آراء را بدست آورده و حائز مطلق اکثریت آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رای دهنده باشند.

ماده سی و یکم:

1- کمیته نمی تواند بیش از یک تبعه از هر کشوری (عضو) داشته باشد.
2- در انتخابات (اعضاء) کمیته می بایست توجه به رعایت تقسیمات منصفانه جغرافیائی اعضاء و نمایندگان اشکال مختلف تمدنها و نظامهای عمده حقوقی (قانونی) نماید.

ماده سی و دوم:

1- اعضاء کمیته می بایست برای مدت 4 سال انتخاب شوند. آنها برای انتخاب مجدد مجاز هستند که نامزد شوند. اما مدت عضویت 9 نفر از اعضاء انتخاب شده در اولین انتخابات می بایست در پایان 2 سال منقضی گردد. نام این 9 عضو می بایست بیدرنگ بعد از اولین انتخابات به قید قرعه و بوسیله رئیس جلسه و بنابر ماده 30 بند 4 معین شوند.
2- انتخابات در پایان دوره خدمت، بنا بر مواد پیشین این قسمت از میثاق حاضر بعمل خواهد آمد.

ماده سی و سوم:

1- هرگاه اگر یک عضو کمیته انجام وظائف خود را به هر علتی به جزء غیبت موقت، قطع نماید (و این عمل) به اتفاق آراء (مورد تصدیق) سایر اعضاء کمیته باشد، رئیس کمیته می بایست دبیر کل سازمان ملل متحد، کسیکه می باید اعلام نماید که صندلی این عضو خالی است (بلامتصدی) را (از این موضوع) مطلع نماید.
2- در صورت فوت یا استعفای یک عضو کمیته، رئیس (کمیته) می باید بیدرنگ دبیر کل سازمان ملل متحد کسی که می بایست خالی بودن (بلامتصدی) صندلی را از تاریخ فوت یا تاریخ موثر استعفا اعلام نماید، مطلع گرداند.

ماده سی و چهارم:

1- هرگاه خالی بودن صندلی (بلا متصدی بودن) طبق ماده 33 اعلام گردد و مدت زمان تصدی عضو جایگزین، ظرف 6 ماه از تاریخ اعلام بلا متصدی بودن، منقضی نشده است دبیر کل سازمان ملل متحد به کشورهای عضو این پیمان اعلام خواهد نمود که (میتوانند) ظرف 2 ماه بنا به ماده 29 برای پرکردن صندلی خالی، نامزدهای خود را معرفی نمایند.
2- دبیر کل سازمان ملل متحد فهرستی بترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که نامزد (عضویت در کمیته) میشوند، تهیه خواهد کرد و آنرا به کشورهای عضو این پیمان ارائه خواهد داد. انتخاب برای پرکردن صندلی خالی (بلامتصدی) بنا بر مقررات مربوطه این قسمت از میثاق حاضر، انجام خواهد گرفت.
3- هر عضو کمیته ای که برای پرکردن صندلی خالی اعلام شده بنا بر ماده 33 انتخاب شود، باید برای بقیه دوره عضوی که صندلی او بنا به مقررات آن ماده (33) خالی بوده است، عضو کمیته گردد.

ماده سی و پنجم:

اعضاء کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بنا به شرایطی که مجمع عمومی تعیین میکند و با توجه به مسئولیتهای مهم کمیته، از منابع (مالی) سازمان ملل متحد حقوق دریافت خواهند داشت.

ماده سی و ششم:

دبیر کل سازمان ملل متحد کارمندان و تسهیلات لازم را برای اجرای موثر وظائفی که کمیته بموجب این پیمان بعهده دارد، در اختیار (کمیته) خواهد گذاشت.

ماده سی و هفتم:

1- دبیر کل سازمان ملل متحد اعضاء اولین نشست کمیته را به مرکز سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد.
2- بعد از نخستین نشست، کمیته در زمانهائی که در آئین نامه داخلی خود، پیش بینی میکند، تشکیل جلسه خواهد داد.
3- کمیته بطور معمول در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو نشست خواهد داشت.

ماده سی و هشتم:

هر عضو کمیته قبل از تصدی وظایف خود، می باید طی اعلام رسمی در جلسه علنی کمیته (تعهد کند) که او وظائف خود را در کمال بیطرفی و از روی وجدان انجام خواهد داد.

ماده سی و نهم:

1- کمیته می بایست (اعضاء) هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب نماید، آنها ممکن است دوباره انتخاب شوند.
2- کمیته قوانین داخلی خود را، خود تنظیم خواهد نمود اما این قوانین می باید مشتمل بر مقررات زیر باشد:
الف) حد نصاب (رسمیت) جلسات 12 نفر باشد.
ب) تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر، گرفته شود.

ماده چهلم:

1- کشورهای عضو این پیمان متعهد میشوند از اقداماتی که برای ترتیب اثر دادن حقوق شناخته شده (در این میثاق) جهت پیشرفت در بهره مندی از این حقوق انجام داده اند، گزارشهائی ارائه دهند:
الف) ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن میثاق حاضر برای کشورهای عضو مربوطه.
ب) بعد از آن هر زمان که کمیته درخواست نماید.
2- تمام گزارشها باید به دبیر کل سازمان ملل ارائه گردد و او آنها را برای رسیدگی به کمیته ارجاع خواهد داد. گزارشها می بایست به عوامل و مشکلاتی که در اجرای (مقررات) این میثاق اثر دارند، دلالت کند.
3- دبیر کل سازمان ملل ممکن است بعد از مشورت با کمیته، رونوشت قسمتهائی از گزارشها (که به امور تخصصی مربوط میشود) را به موسسات تخصصی که صلاحیت آنرا دارند، ارجاع دهد.
4- کمیته گزارشهائی را که بوسیله کشورهای عضو این میثاق ارائه گردیده است مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد داد. (سپس) گزارشهای خود و نیز پیشنهاد های کلی که ممکن است مورد توجه و مناسب باشند را به کشورهای عضو این پیمان ارسال خواهد داشت. همچنین کمیته ممکن است این پیشنهادات همراه با رونوشت گزارشهای رسیده از کشورهای عضو این پیمان را به شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه دهد.
5- کشورهای عضو این پیمان میتوانند بنا بر بند 4 این ماده نظریاتی در مورد پیشنهادات اظهارشده را به کمیته ارسال دارد.

ماده چهل و یکم:

1- هر کشور عضو این میثاق میتواند بنا بر این ماده در هر زمان (اعلام کند) که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی شکایتهایی دایر بر ادعای یک کشور عضو این میثاق، مبنی بر اینکه کشور دیگری (عضو) تعهدات خود را انجام نمی دهد، برسمیت بشناسد. بموجب این ماده شکایاتی دریافت و مورد رسیدگی قرار میگیرد که بوسیله کشور عضو این میثاق، شناسائی صلاحیت کمیته را نسبت بخود اعلام کرده باشد. هیچ شکایاتی را که مربوط به یک کشور عضو میثاق حاضر باشد و چنین اعلام شناسائی را بعمل نیاورده است، قابل پذیرش نخواهد بود. شکایاتی که بموجب این ماده دریافت میگردد بترتیب زیر نسبت به آنها اقدام خواهد شد:
الف) اگر یک کشور عضو این میثاق تشخیص دهد که کشور دیگر عضو به مقررات میثاق حاضر ترتیب اثر نمی دهد، (آن کشور) میتواند با شکایت کتبی و آوردن (طرح) موضوع، توجه کشور عضو را جلب نماید. در ظرف 3 ماه پس از دریافت شکایت (کتبی)، کشور دریافت کننده (آن) توضیح یا هرگونه اظهار کتبی دیگری جهت روشن شدن موضوع در اختیار کشور (فرستنده شکایت) خواهد گذاشت. (این توضیحات و اظهارات) تا حد امکان و بطور مناسب باید شامل اطلاعاتی عطف به قواعد دادرسی داخلی (آن کشور) و جهت جبران و اصلاح آن یا در جریان (رسیدگی به آن) یا آنچه که قابل استفاده در این موضوع است، باشند.
ب) اگر موضوع در جهت تعدیل و رضایت دو کشور عضو قرار نگرفت، در ظرف شش ماه پس از دریافت اولین شکایت، هر یک از (دو) کشور، حق خواهند داشت که موضوع را بوسیله یادداشتی به کمیته و کشور (مزبور) ارجاع نماید.

ج) کمیته به موضوع ارجاع شده، فقط در صورتی اقدام خواهد کرد که محقق شده باشد که تمام چاره جوئی های داخلی مناسب در مورد موضوع و بنا بر اصول قوانین بین المللی شناخته شده بطور کلی انجام گرفته و به نتیجه نرسیده است. این قاعده در مواردی که شکایت بطور نامعقولی طولانی گردد، اجرا نخواهد شد.
د) کمیته بنا بر این ماده، در موقع رسیدگی به شکایتها، نشست های رسیدگی تشکیل خواهد داد.
ه) پیرو مقررات زیر بند ج، کمیته اقدامات مناسب و توجهات خود، بمنظور حل دوستانه موضوع (مورد اختلاف) بر پایه احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی شناخته شده در این میثاق را در اختیار کشورهای عضو قرار خواهد گذاشت.
و) کمیته درهر موضوع ارجاع شده به خود میتواند با توجه به زیر بند ب، از کشورهای مربوطه اطلاعات مربوط را درخواست نماید.
ز) کشورهای مربوطه عضو این میثاق، بنا بر زیر بند (ب) حق خواهند داشت که در هنگام رسیدگی موضوع در کمیته، نماینده داشته باشند و نظریات و اظهارات شفاهی و یا کتبی خود را ارائه دهند.
ح) کمیته ظرف 12 ماه بعد از تاریخ دریافت یادداشت بنا بر زیر بند (ب) خواهد پذیرفت که گزارش دهد که:
1) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست آید، کمیته بطور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا و راه حل بدست آمده، منحصر خواهد کرد.
2) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست نیامده باشد، کمیته بطور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا منحصر خواهد کرد. نظریات کتبی و شفاهی که بوسیله کشورهای مربوطه انجام گرفته است ضبط خواهد شد و به گزارش، ضمیمه میگردد. برای هر موضوعی گزارشی به کشورهای مربوط و عضو میثاق ابلاغ خواهد شد.
2- مقررات این ماده زمانی قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد که 10 کشور عضو این میثاق، بنا بر بند 1 این ماده، (آنرا) اعلام کرده باشند. اعلامیه کشورهای عضو این میثاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده میشود و او رونوشت آنرا به دیگر کشورهای عضو خواهد فرستاد. یک اعلامیه در هر زمان ممکن است بوسیله یادداشتی (خطاب) به دبیر کل مسترد گردد. استرداد، شکایتی که قبلا بنا بر این ماده ارسال شده است را خدشه دار نخواهد ساخت. هیچ شکایت دیگری پس از دریافت یادداشت استرداد اعلامیه به دبیر کل، پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه کشور مربوطه اعلامیه جدیدی صادر کند.

ماده چهل و دوم:

1- (الف) اگر موضوعی بنا به ماده 41 به کمیته ارجاع شده باشد و (آن موضوع) با رضایت کشورهای عضو مربوطه حل نگردیده است، کمیته میتواند با رضایت قبلی کشورهای عضو مربوطه، یک کمیسیون ویژه توافق تعیین نماید (که از این پس کمیسیون نامیده خواهد شد). کمیسیون توجهات کافی (کمکهای مفید) را بمنظور یک راه حل مسالمت آمیز در مورد (موضوع مورد اختلاف) بر اساس احترام به میثاق حاضر، بعمل خواهد آورد.
ب) کمیسیون شامل پنج عضو است که مورد پذیرش کشورهای عضو مربوطه می باشند. اگر کشورهای عضو مربوطه برای ترکیب تمام یا قسمتی از (اعضاء) کمیسیون در مدت 3 ماه به توافق نرسیدند، آن عده از اعضاء کمیسیون که در مورد آنها توافق حاصل نشده است با رای مخفی و با اکثریت 2 سوم اعضاء کمیته از بین اعضاء انتخاب خواهند شد.
2- اعضاء کمیسیون بنا به صلاحیتهای شخصی خود، انجام وظیفه می نمایند (سمت نمایندگی از طرف کشور خود در کمیسیون را ندارند). آنها نباید تابعیت کشورهای عضو مربوطه و یا یک کشوری که عضو این پیمان نیست و یا کشوری که بنا به ماده 41 اعلامیه را صادر نکرده است، باشند.
3- کمیسیون رئیس خود را انتخاب خواهد کرد و آئین نامه داخلی خود را بتصویب خواهد رساند.
4- نشستهای کمیسیون بطور معمول می باید در مرکز سازمان ملل متحد و یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل گردد. اما آنها می توانند با مشورت دبیر کل سازمان ملل متحد و کشورهای عضو مربوطه نشستها را در مکانهای مناسب دیگری تشکیل دهند.
5- بنا بر ماده 36 دبیرخانه پیش بینی شده، خدمات (دفتری) کمیسیونهائی که تحت این ماده تعیین شده اند را انجام خواهد داد.
6- اطلاعاتی که بوسیله کمیته دریافت و بررسی میگردد می باید در اختیار و در دسترس کمیسیون قرار گیرد. کمیسیون میتواند از کشورهای عضو مربوط تهیه دیگر اطلاعات وابسته (تکمیلی) را بخواهد.
7- وقتی که کمیسیون رسیدگی کامل به موضوع نمود، در هر صورت، حداکثر در مدت 12 ماه بعد از رسیدگی کردن موضوع یک گزارش برای به اطلاع رساندن کشورهای عضو مربوط از طرف رئیس کمیته ارائه خواهد شد.
الف) اگر کمیسیون به اتمام رسیدگی به موضوع در مدت 12 ماه قادر نیست، در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر موقعیت رسیدگی موضوع خواهد کرد.
ب) اگر یک راه حل مسالمت آمیز بمنظور ملزم نمودن و براساس احترام به حقوق بشر که (قوانین آن) در این میثاق شناخته شده است، حاصل شود، کمیسیون گزارش خود را به ذکر کوتاه قضایا و راه حلی که به آن دست یافته است، منحصر میکند.

ج) اگر یک راه حل مسالمت آمیز مطابق زیربند ب حاصل نگردد کمیسیون تمام راه حل هائی که مربوط به موضوع مابین دولتهای عضو است و نظرات (پیشنهادی) خود را در مورد امکان حل مسالمت آمیز موضوع، ارائه میدهد.
این گزارش همچنین شامل صورت مجلس ملاحظات کتبی و ملاحظات شفاهی که بوسیله دولتهای عضو انجام گرفته است، می باشد.
د) اگر گزارش کمیسیون بنا بر زیربند (ج) ارائه گردد، دولتهای عضو در مدت 3 ماه پس از دریافت گزارش، (می بایست) به رئیس کمیته اعلام دارند که آیا مندرجات گزارش کمیسیون را خواهند پذیرفت یا خیر.
8- بنا به ماده 41، مقررات این ماده به مسئولیتهای کمیته خللی وارد نمیکند.
9- دولتهای عضو، کلیه هزینه های اعضاء کمیسیون را طبق برآوردی که دبیر کل سازمان ملل متحد بعمل می آورد، بطور مساوی به عهده خواهند گرفت.
10- دبیر کل سازمان ملل متحد این اختیار را دارد که در صورت لزوم هزینه های اعضاء را قبل از آنکه دولت عضوی پرداخت کند، بنا بر بند 9 این ماده، بعهده گیرد.

ماده چهل و سوم:

اعضای کمیته و (اعضای) کمیسیونهای ویژه حل اختلاف که طبق ماده 42 تعیین شده اند، محق می باشند که از تسهیلات، امتیازات و مصونیتهای کارشناسان مامور سازمان ملل متحد همانگونه که در قسمتهای (مربوط) به مقاوله نامه امتیازات و مصونیت ها وضع شده است، استفاده کنند.

ماده چهل و چهارم:

مقررات اجرائی این میثاق، به آئین نامه های دادرسی مقرر شده در زمینه حقوق بشر و اسناد تشکیل دهنده میثاقهای سازمان ملل و موسسات تخصصی خللی وارد نمی سازد و (نیز این مقررات) مانع از آن نخواهد شد که دولتهای عضو این میثاق، برای حل اختلافات (خود) طبق موافقت نامه های بین المللی عمومی یا اختصاصی (که بین آنها وجود دارد) به دیگر آئین نامه های دادرسی متوسل شوند.

ماده چهل و پنجم:

کمیته گزارش سالانه از فعالیت های خود را بوسیله شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد داد.

بخش پنجم

ماده چهل و ششم:

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه ای تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه های موسسات تخصصی که معین کننده مسئولیتهای گوناگون ویژه سازمان ملل هستند و (نیز) موسسات تخصصی مربوط به موضوعهای این میثاق، لطمه وارد آورد.

ماده چهل و هفتم:

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه ای تفسیر گردد که به حق ذاتی تمام مردم جهت بهره مندی و استفاده کامل و آزادانه از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان، لطمه ای وارد آورد.

---

www.TPTG.ir

بخش ششم

ماده چهل و هشتم:
1- این میثاق برای امضای هر دولت عضو سازمان ملل و یا عضو هر یک از موسسات تخصصی آن و یا هر دولت عضو (متعهد به) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر دولتی که (از طرف) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شود تا عضو این میثاق گردد، گشوده میباشد.
2- این میثاق تابع به تصویب (قانون اساسی هر کشور) است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.
3- این میثاق بنا بر بند اول این ماده برای پیوستن (وارد شدن) هر دولتی، گشوده شده است.
4- پیوستن بوسیله سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.
5- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولتهائی که این میثاق را امضاء کرده اند و یا به آن پیوسته اند را از سپرده شدن هر سند تصویبی یا الحاقی آگاه خواهد کرد.

ماده چهل و نهم:
1-این میثاق سه ماه پس از تاریخ سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.
2-برای هر دولتی که این میثاق را پس از سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی، تصویب کند یا به آن بپیوندد، این میثاق 3 ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویبی یا الحاقی برای آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

ماده پنجاهم:
مقررات این میثاق تمام واحدهای دولتهای فدرال (کشورهای هم عهد) را بدون محدودیت و یا استثنائی، شامل خواهد بود.

ماده پنجاه و یکم:
1- هر دولت عضو این میثاق میتواند اصلاحیه ای (برای این میثاق) پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. دبیر کل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاحی پیشنهاد شده ای را به دولتهای عضو ارسال میدارد و از آنها درخواست میکند که به او اعلام دارند، آیا مایلند کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور بررسی و تصمیم گیری (اخذ رای) در باره طرحهای پیشنهادی، تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک سوم دولتهای عضو موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل، کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد پذیرش اکثریت دولتهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، (آن اصلاح) برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد شد.
2- اصلاحات زمانی قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دوسوم دولتهای عضو، آنرا بنا به روند قانونگذاری خود (قانون اساسی) پذیرفته باشند.
3- وقتیکه اصلاحات، قدرت اجرائی پیدا میکنند، برای آن دسته از دولتهائی که آنرا پذیرفته اند (اجرای) آن الزامی خواهد شد و سایر دولتهای عضو به مقررات این میثاق و هر گونه اصلاحیه ای که قبلا آنرا پذیرفته اند، موظف می باشند.

ماده پنجاه و دوم:
صرف نظر از اطلاعیه های صادر شده در بند 5 ماده 48، دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب ویژه زیر را به تمام دولتهای مذکور در بند 1 همان ماده، اطلاع خواهد داد:
الف) امضاء ها، مصوبه ها و پیوستها بنا به ماده 48
ب) تاریخ قدرت اجرائی این میثاق بنا بر ماده 49 و تاریخ قدرت اجرائی اصلاحات بنا به ماده 51

ماده پنجاه و سوم:
1- متن های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی این میثاق دارای اعتباری برابر است و در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.
2- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت تائید شده این میثاق را برای کلیه دولتهای مذکور در ماده 48 ارسال خواهد کرد.

www.TPTG.ir

www.TPTG.ir

ضميمه (III)

ميثاق بين المللي حقوق اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي
مصوب 16 دسامبر1966 (1954/9/25)
مجمع عمومي سازمان ملل متحد.

كشورهاي طرف اين ميثاق:
با توجه به اين كه برطبق اصولي كه درمنشور ملل متحد اعلام گرديده است شناسايي حيثيت ذاتي و حقوق يكسان وغير قابل انتقال كليه اعضاي خانواده بشر برمبناي آزادي، عدالت وصلح درجهان است.
با اذعان به اين كه برطبق اعلامية جهاني حقوق بشر كمال مطلوب انسان آزاد رهايي يافته واز ترس وفقر فقط درصورتي حاصل ميشود كه شرايط تمتع هركس ازحقوق اقتصادي، اجتماعي وفرهنگي خود و همچنين ازحقوق مدني وسياسي او ايجاد شود.
با توجه به اين كه كشور ها برطبق منشور ملل متحد به ترويج احترام جهاني وموُ ثر حقوق و آزاديهاي بشر ملزم هستند.
با درنظر گرفتن اين حقيقت كه هر فرد نسبت به افراد ديگر ونيز نسبت به اجتماعي كه بدان تعلق دارد عهده دار وظايفي است ومكلف است به اين كه درترويج ورعايت حقوق شناخته شده به موجب اين ميثاق اهتمام نمايد با مواد زير موافقت دارند:

ماده يك:
1. كليه ملل داراي حق خود مختاري هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سياسي خود را آزادانه تعيين وتوسعه اقتصادي، اجتماعي وفرهنگي خود را آزدانه تأ مين ميكنند.
2. كليه ملل ميتوانند براي نيل به هدف هاي خود در منابع وثروتهاي طبيعي خود بدون اخلال به الزامات ناشي ازهمكاري اقتصادي بين المللي مبتني بر منافع مشترك وحقوق بين الملل آزادانه هرگونه تصرفي بنمايند. درهيچ مورد نمي توان ملتي را از وسايل معاش خود محروم كرد.
3. كشور هاي طرف اين ميثاق ازجمله كشورهاي مسوول اداره سرزمين هاي غير خود مختار تحت قيموميت مكلف اند، تحقق حق خود مختاري ملل را تسهيل واحترام اين حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعايت كنند.

ماده دوم:
1. هركشور طرف اين ميثاق متعهد ميگردد به سعي و اهتمام خود و ازطريق همكاري وتعاون بين المللي بويژه در طرح هاي اقتصادي و فني، بااستفاده از حد اكثر منابع موجود خود به منظور تامين تدريجي اعمال كامل حقوق شناخته شده دراين ميثاق با كليه وسايل مقتضي به خصوص با اقدامات قانون گذاري اقدام نمايند.

2. كشورهاي طرف اين ميثاق متعهد ميشوند كه اعمال حقوق مذكور دراين ميثاق را بدون هيچ نوع تبعيض ازحيث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقيده سياسي يا هر گونه عقيده ديگر. اصل و منشاء ملي يا اجتماعي، ثروت، نسب يا هر وضعيت ديگر تضمين نمايند.
3. كشور های درحال رشد با توجه لازم به حقوق بشر و وضع اقتصاد ملی خود ميتوانند تعيين كنند كه تا چه اندازه حقوق اقتصادی شناخته شده در اين ميثاق را درباره اتباع بيگانه تضمين خواهند كرد.

ماده سوم:

كشورهاي طرف اين ميثاق متعهد ميشوند كه تساوي حقوق مردان و زنان را دراستفاده از كليه حقوق اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي مقرر در اين ميثاق تامين نمايند.

ماده چهارم:

كشور هاي طرف اين ميثاق معترفند كه درتمتع ازحقوقي كه مطابق اين ميثاق درهركشوري مقررميشود آن كشور نميتواند حقوق مزبور را تابع محدود يت هايي جز به موجب قانون بنمايد وآنهم فقط تاحدودي كه با ماهيت اين حقوق سازگار بوده ومنظور آن منحصراً توسعه رفاه عامه دريک جامعه دموكراتيک باشد.

ماده پنجم:

1. هيچ يک از مقرارت اين ميثاق را نمي توان به نحوي تفسير نمود كه متضمن ايجاد حقي براي كشور يا گروهي يا فردي گردد كه به استناد آن به منظور تضييع هريک از حقوق و آزاديهاي شناخته شده دراين ميثاق ويا محدود نمودن آن پيش ازآنچه دراين ميثاق پيش بيني شده است مبادرت وفعاليتي بكند ويا اقدامي بعمل آورد.
2. هيچ گونه محدوديت يا انحراف از هريک از حقوق بشر كه به موجب قوانين،مقاوله نامه ها، لوايح يا عرف و عادات درهر كشور طرف اين ميثاق برسميت شناخته شده يا نافذ و جاري است بعذر اين كه اين ميثاق چنين حقوقي را برسميت نشناخته يا اين كه به ميزان كمتري برسميت شناخته، قابل قبول نخواهد بود.

ماده ششم:

1. كشور هاي طرف اين ميثاق حق كار كردن را كه شامل حق هركس است به اين كه فرصت يابد بوسيله و كاري كه آزادانه انتخاب يا قبول مينمايد معاش خود را تامين كند، برسميت ميشناسند واقدامات مقتضي براي حفظ اين حق معمول خواهند داشت.

اقداماتي كه كشور هاي طرف اين ميثاق به منظور تامين اعمال كامل اين حق بعمل خواهند آورد بايد شامل رهنمايي وتربيت فني وحرفه يي وطرح برنامه ها وخط مشي ها و تدابير فني باشد،كه ازلوازم تامين توسعه مداوم اقتصادي، اجتماعي وفرهنگي اشتغال تام ومولد است تحت شرايطي كه آزاديهاي اساسي سياسي واقتصادي رابراي افراد حفظ نمايد.

ماده هفتم:

كشورهاي طرف اين ميثاق حق هركس را به تمتع از شريط عادلانه ومساعد كاركه بويژه متضمن مراتب زير باشد به رسميت ميشناسند:

الف) اجرتيكه دراصل، امور ذيل را برای كليه كارگران تامين نمايد.

1. مزد منصفانه و اجرت مساوي براي كار، با ارزش مساوي و بدون هيچ نوع تمايز. بويژه اين كه زنان تضمين داشته باشند كه شرايط كارآنان پايين تر از شرايط مورد استفاده مردان نباشد وبراي كار مساوي مزد مساوي بامردان دريافت دارند.
2. مزاياي كافي براي آنان و خانواده شان طبق مقررات اين ميثاق.

ب: ايمني وبهداشت كار.

ج: تساوي فرصت براي هركس كه بتواند درخدمت خود به مدارج مناسب عاليتري ارتقاء يابد، بدون درنظر گرفتن هيچ گونه ملاحظات ديگري جز طول مدت خدمت ولياقت.

د: استراحت،فراغت ومحدوديت معقول ساعت كار و مرخصي ادواري با استفاده ازحقوق و همچنين مزد ايام تعطيل رسمي.

ماده هشتم:

1. كشور هاي طرف اين ميثاق متعهد ميشوند كه مراتب زير را تضمين كنند:

الف: حق هركس به اين كه به منظور پيشبرد وحفظ منافع اقتصادي و اجتماعي خود با رعايت مقررات سازمان ذيربط مبادرت به تشكيل اتحاديه نمايد وبه اتحاديهء مورد انتخاب خود ملحق شود. اعمال اين حق را نميتواند تابع هيچ محدوديتي نمود مگرآنچه كه به موجب قانون تجويز شده و در يک جامعه دموكراتيک براي مصالح امنيت ملي يا نظم عمومي يا حفظ حقوق وآزاديهاي افراد ديگر ضرورت داشته باشد.

ب: حق اتحادبه ها. (سنديكاها)كه به تشكيل فدراسيونهايا كنفدراسيونهاي ملي وحق كنفدراسيونها به تشكيل سازمان هاي سنديكايي بين المللي يا الحاق به آنها.
ج: حق اتحاديه ها(سنديكاها) كه آزادانه به فعاليت خود مبادرت نمايند، بدون هيچ محدوديتي جز آنچه به موجب قانون تجويز شده و دريک جامعه دموكراتيک براي مصالح امنيت ملي يا نظم عمومي يا براي حفظ حقوق وآزاديهاي ديگران ضرورت داشته باشد.
د: حق اعتصاب مشروط براين كه با رعايت مقررات كشور مربوط اعمال شود.
2. اين ماده مانع ازآن نخواهد بود كه افراد نيرو هاي مسلح يا پوليس يا مقامات اداري دولت دراعمال اين حقوق تابع محدوديتهاي قانوني شوند.
هيچ يک از مقررات اين ماده كشورهاي طرف مقاوله نامه 1948 سازمان بين المللي كارمربوط به آزادي سنديكايي وحمايت ازحق سنديكايي را مجاز نميدارد كه با اتخاذ تدابير قانونگذاري يا نحوه اجراي قوانين به تضمينات مقرر در مقاوله نامه مزبور لطمه يي وارد آورند.

ماده 9:

كشور هاي طرف اين ميثاق هر شخص را به تامين اجتماعي از جمله بيمه هاي اجتماعي به رسميت مي شناسد.

ماده 10:

كشور هاي طرف اين ميثاق اذعان (قبول) دارند كه:
1. خانواده عنصر طبيعي و اساسي جامعه است بايد از حمايت ومساعدت بحد اعلاي ممكن بر خوردار گردد، بويژه براي تشكيل و استقرار آن ومادامی كه مسووليت نگاهداري و آموزش و پرورش كودكان خود را بعهده دارد.
ازدواج بايد با رضايت آزادانه طرفين كه قصد آن را دارند واقع شود.
2. مادران در مدت معقولي پيش از زايمان وپس از آن بايد از حمايت خاص برخودار گردند، در آن مدت مادران كارگر بايد از مرخصي با استفاده از حقوق ويا مرخصي با مزاياي تامين اجتماعي كافي برخوردار گردند.
3. تدابير خاص در حمايت ومساعدت به نفع كليه اطفال غير مميز و مميز بدون هيچ گونه تبعيض به علت نسب يا علل ديگر بايد اتخاذ شود. اطفال غير مميز و مميز بايد درمقابل استثمار اقتصادي و اجتماعي حمايت شوند.
واداشتن اطفال به كار هايي كه براي جهات اخلاقي يا سلامت آنها زيان آور است ويا زنده گي آنها را به مخاطره ميياندازد يا مانع رشد طبيعي آن ميگردد بايد به موجب قانون قابل مجازات باشد.

ماده 11:

1. كشور هاي طرف اين ميثاق حق هركس را به داشتن سطح زنده گي كافي براي خود و خانواده اش شامل خوراك، پوشاك ومسكن كافي همچنين بهبود مداوم شرايط زنده گي به رسميت ميشناسند. كشور های طرف اين ميثاق به منظور تأمين تحقق اين حق تدابير مقتضی اتخاذ خواهند كرد و از اين لحاظ اهميت اساسی همكاری بين المللی بر اساس رضايت آزاد را اذعان (قبول) دارند.
2. كشور هاي طرف اين ميثاق با اذعان به حق اساسي هركس به اين كه از گرسنه گي فارغ باشد، منفرداً و از طريق همكاري بين المللي تدابير لازم از جمله برنامه هاي مشخصي به قرار ذيل اتخاذ خواهند كرد:
الف) بهبود روشهاي توليد وحفظ وتوزيع خوار بار با استفاده كامل از معلومات فني وعلمي با اشاعه اصول آموزش تغذيه و با توسعه يا اصلاح نظام زراعتي بنحوي كه حد اكثر توسعه موثر و استفاده از منابع طبيعي را تامين نمايند.
ب) تامين توزيع منصفانه ذخاير (منابع) خواربار جهان برحسب حوايج با توجه به مسايل (مبتلابه) كشور هاي صادر كننده و وارد كننده خواربار (غذا).

ماده 12:

1. كشور هاي طرف اين ميثاق حق هركس را به تمتع ازبهترين حال سلامت جسمي و روحي ممكن الحصول به رسميت ميشناسند.
2. تدابيري كه كشور هاي طرف اين ميثاق براي تامين استيفاي كامل اين حق اتخاذ خواهند كرد شامل اقدامات لازم براي تامين امور ذيل خواهد بود:
الف) تقليل ميزان مرده متولد شدن كودكان،مرگ ومير كودكان ورشد سالم آنان.
ب) بهبود بهداشت محيط و بهداشت صنعتي از جميع جهات.
ج) پيشگيري و معالجه بيماريهاي همه گير، بومي، حرفه يي وساير بيماريها و همچنين پيكار عليه اين بيماريها.
د) ايجاد شرايط مناسب براي تامين مراجع پزشكي وكمكهاي پزشكي براي عموم درصورت ابتلا به بيماري.

مادة 13:

1- كشورهاي طرف اين ميثاق حق هر كس را به آموزش و پرورش به رسميت ميشناسد كشورهاي مزبور موافقت دارند كه هدف آموزش و پرورش بايد نموي كامل شخصيت انساني و احساس حيثيت آن و تقويت احترام حقوق بشر و آزاديهاي اساسي باشد. علاوه بر اين كشورهاي طرف اين ميثاق موافقت دارند كه آموزش و پرورش بايد كلية افراد را براي ايفاي نقش سودمند در يک جامعة آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستي بين كلية ملل و كلية گروه هاي نژادي، قومي يا مذهبي را فراهم آورد و توسعة فعاليتهاي سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشويق نمايد.

2- كشورهاي طرف اين ميثاق اذعان دارند كه به منظور استيفاي اين حق:

الف) آموزش و پرورش ابتدايي بايد اجباري باشد و رايگان در دسترس عموم قرار گيرد.

ب) آموزش و پرورش متوسطه به اشكال مختلف از جمله آموزش و پرورش فني و حرفه يي متوسطه بايد تعميم يابد و به كلية وسايل مقتضي بويژه وسيلة معمول كردن تدريجي آموزش و پرورش مجاني در دسترس عمومي قرار گيرد.

ج) آموزش و پرورش عالي بايد به كليه وسايل مقتضي بويژه بوسيله معمول كردن تدريجي آموزش و پرورش مجاني به تساوي كامل براساس استعداد هر كس در دسترس عموم قرار گيرد.

د) آموزش و پرورش پايه (اساس) بايد حتي الامكان براي كساني كه فاقد آموزش و پرورش ابتدائي بوده يا آنرا تكميل نكرده باشند تشويق و تشديد شود.

ه) توسعة شبكة مدارس در كليه مدارج بايد فعالانه دنبال شود و نيز بايد يک ترتيب كافي اعطاي بورسها (هزينة تحصيلي) برقرار گردد و شرايط مادي معلمان بايد پيوسته بهبود يابد.

3- كشورهاي طرف اين ميثاق متعهد ميشوند كه آزادي والدين يا سرپرست قانوني كودكان را بر حسب مورد در انتخاب مدرسه براي كودكانش سواي مدارس دولتي محترم بشمارند مشروط به اين كه مدارس مزبور با حداقل موازين (قواعد) آموزش و پرورش، كه ممكن است دولت تجويز يا تصويب كرده باشد، مطابقت كنند و آموزش و پرورش مذهبي و اخلاقي كودكان مطابق معتقدات شخصي والدين يا سرپرستان آنان تأمين گردد.

4- هيچ يک از اعضاي اين ماده نبايد به نحوي تفسير گردد كه با آزادي افراد و اشخاص حقوقي به ايجاد و ادراة موسسات آموزشي اخلال نمايد. مشروط بر اين كه اصول مقرر در بند اول اين ماده رعايت شود و تعليماتي كه در چنين موسساتي آموزش داده ميشود باموازين حداقل كه ممكن است دولت تجويز كرده باشد مطابقت كند.

مادة 14:

هر كشور طرف اين ميثاق كه در زمان امضاي آن هنوز نتوانسته است در قلمرو اصلي خود يا ديگر سرزمينهاي تحت حاكميت خود آموزش و پرورش ابتدايي اجباري، مجاني تأمين نمايد، متعهد ميشود ظرف مدت دو سال يک طرح تفصيلي تدابير لازم براي تحقق بخشيدن تدريجي اجراي كامل اصل آموزش و پرورش اجباري مجاني براي عموم در ظرف چند سالي كه در خود طرح تصريح شود تنظيم و تصويب كند.

مادة 15:

1- كشورهاي طرف اين ميثاق حق هر كس را در امور ذيل به رسميت ميشناسند:

الف) شركت در زنده گي فرهنگي.

ب) بهره مند شدن از پيشرفتهاي علمي و مجاري آن.

ج) بهره مند شدن از حمايت منافع معنوي و مادي ناشي از هر گونه اثر علمي، ادبي يا هنري كه مصنف (يا مخترع) آن است.

2- تدابيري كه براي تأمين اعمال كامل اين حق توسط كشورهاي طرف اين ميثاق اتخاذ خواهد شد شامل تدابير لازم براي تأمين حفظ و توسعه و ترويج علم و فرهنگ باشد.

3- كشورهاي طرف اين ميثاق متعهد ميشوند كه آزادي لازم براي تحقيقات علمي و فعاليتهاي خلاقه را محترم بشمارند.

كشورهاي طرف اين ميثاق به فوايد حاصل از تشويق و توسعه، همكاري و تماسهاي بين المللي در زمينة علم و فرهنگ اعتراف مينمايند.

مادة 16:

1- كشورهاي طرف اين ميثاق متعهد ميشوند بر طبق مقررات اين بخش از ميثاق در بارة تدابيري كه به منظور تأمين و رعايت حقوق شناخته شده در اين ميثاق اتخاذ كرده باشند و از پيشرفتهايي كه در اين زمينه حاصل شده است گزارشهايي تقديم بدارند.

2- الف) كلية گزارشها به عنوان سرمنشي سازمان ملل متحد تقديم ميشود. مشاراليه رونوشت گزارشها را براي بررسي، طبق مقررات اين ميثاق به شوراي اقتصادي و اجتماعي ارسال ميدارد.

ب) سرمنشي سازمان ملل متحد همچنين رونوشت تمام يا قسمتهاي مربوط گزارشهاي و اصل از كشورهاي طرف اين ميثاق و نيز عضو موسسات تخصصي را تا جايي كه اين گزارشها با قسمتهاي مربوط آنها راجع به مسايلي باشد كه بر طبق اساسنامة موسسات تخصصي مذكور در صلاحيت آنها قرار ميگيرد براي آن موسسات ارسال ميدارد.

مادة 17:

1- كشورهاي طرف اين ميثاق گزارشهاي خود را مرحله به مرحله بر طبق برنامه يي كه شوراي اقتصادي و اجتماعي ظرف يكسال از تاريخ لازم الاجراء شدن اين ميثاق پس از مشاوره با كشورهاي طرف ميثاق و موسسات تخصصي مربوط تنظيم خواهد كرد، تقديم خواهند داشت.

2- گزارشها ممكن است حاكي از عوامل و مشكلاتي باشد كه مانع دولتها در اجراي كامل تعهدات مقرر در اين ميثاق شده است.

3-در مواردي كه اطلاعات مربوط توسط هر كشور طرف اين ميثاق قبلاً به سازمان ملل متحد يا هر يک از موسسات تخصصي فرستاده شده باشد تهية مجدد اطلاعات مزبور ضرورت نخواهد داشت بلكه اشارة صريح به اطلاعات ارسال شدة قبلي كفايت خواهد كرد.

مادة 18:

شوراي اقتصادي و اجتماعي به موجب مسئوليتهايي كه طبق منشور ملل متحد در زمينة حقوق بشر و آزاديهاي اساسي به آن محول شده است ميتواند به منظور تقديم گزارشهايي از طرف موسسات تخصصي به شورا در حدود فعاليتهاي مربوط به خود شان در بارة پيشرفتهاي حاصل در تأمين رعايت مقررات اين ميثاق با موسسات مزبور قرار هايي بگذراند. اين گزارشها ممكن است متضمن اطلاعاتي باشند در خصوص تصميمات و توصيه هايي كه اركان ذيصلاحيت موسسات مزبور راجع به عمليات اجرايي تصويب كرده اند.

مادة 19:

شوراي اقتصادي و اجتماعي ميتواند گزارشهاي مربوط به حقوق بشر را كه كشور ها بر طبق مواد 16 و 17 و موسسات تخصصي بر طبق مادة 18 تقديم ميدارند براي مطالعه و توصية كلي يا در صورت اقتضاء براي اطلاع به كميسيون حقوق بشر احاله نمايد.

مادة 20:

كشورهاي طرف اين ميثاق و موسسات تخصصي مربوط ميتوانند در بارة هر توصيه كلي كه به موجب مادة 19 شده باشد يا در بارة هر گونه ذكري كه از يک توصية كلي در يک گزارش كميسيون حقوق بشر يا در هر سند مذكور در آن گزارش شده باشد ملاحظات خود را به شوراي اقتصادي و اجتماعي تقديم دارند.

مادة 21:

شوراي اقتصادي و اجتماعي ميتواند گاه گاه گزارشهاي متضمن توصيه هاي كلي و خلاصة اطلاعات و اصل از كشور هاي طرف اين ميثاق و عضو موسسات تخصصي در بارة تدابير متخذه و پيشرفتهاي حاصله در رعايت كلي حقوق شناخته شده در اين ميثاق را به مجمع عمومي تقديم بدارد.

مادة 22:

شوراي اقتصادي و اجتماعي ميتواند توجه ساير اركان سازمان ملل متحد و اركان فرعي و موسسات تخصصي مربوط را كه عهده دار كمک فني هستند به مسايلي معطوف بدارد كه در گزارشهاي مذكور در اين بخش اين ميثاق عنوان شده و ممكن است به اين موسسات كمک كند كه هر يک در حدود صلاحيتشان راجع به مقتضي بودن اتخاذ تدابير بين الملي مفيد به اجراي موثر و تدريجي اين ميثاق اظهار نظر كند.

مادة 23:

كشورهاي طرف اين ميثاق موافقت دارند كه تدابير بين الملي به منظور تأمين و تحقق حقوق شناخته شده در اين ميثاق بالاخص شامل انعقاد مقاوله نامه ها، تصويب نامه ها، دادن كمک فني و تشكيل كنفرانسهاي منطقه يي و كنفرانسهاي فني با شركت دولتهاي مربوط به منظور مشاوره و بررسي ميباشد.

مادة 24:

هيچ يک از مقررات اين ميثاق نبايد بنحوي تفسير گردد كه به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه هاي موسسات تخصصي دايركه به تعريف مسووليتهاي مربوط به هر يک از اركان مختلف سازمان ملل متحد و موسسات تخصصي نسبت به مسايل موضوع اين ميثاق لطمه يي واردنمايد.

مادة 25:

هيچ يک از مقررات اين ميثاق نبايد بنحوي تفسير گردد که به حق ذاتي کليه ملل و تمتع و استفادة کامل و آزادانة آنان از منابع و ثروتهاي طبيعي خود شان لطمه وارد آورد.

ماده 26:

1. اين ميثاق براي امضای هرکشور عضو سازمان ملل متحد يا عضو هريك از موسسات تخصصي ملل متحد يا هرکشور طرف متعاهد اساسنامه ديوان بين المللي دادگستري يا هرکشور ديگري که مجمع عمومي سازمان ملل متحد دعوت کند که طرف اين ميثاق شود مفتوح است.
2. اين ميثاق موکول به تصويب است. اسناد تصويب بايد نزد سرمنشي سازمان ملل متحد توديع شود.
3. اين ميثاق براي الحاق هريك از کشور هاي مذکور دربند اول اين ماده مفتوح خواهد بود.
4. الحاق بوسيله توديع سند الحاق نزد سرمنشي سازمان ملل متحد صورت ميگيرد.

سرمنشي سازمان ملل متحد کليه کشورهايي را که اين ميثاق را امضا کرده اند يا به آن ملحق شده اند از توديع هرسند تصويب يا الحاق مطلع خواهد کرد.

ماده 27:

1. اين ميثاق سه ماه پس از تاريخ توديع سي وپنجمين سند تصويب يا الحاق نزد سرمنشي سازمان ملل متحد لازم الاجرا ميشود.

درباره هرکشور ي که پس از توديع سي وپنجمين سند تصويب يا الحاق اين ميثاق را تصويب کند يا به آن ملحق شود، اين ميثاق سه ماه پس از تاريخ توديع سند تصويب يا الحاق آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

ماده 28:

مقررات اين ميثاق بدون هيچ گونه محدوديت يا استثنا درباره کليه واحد هاي تشکيل دهنده کشور هاي متحد (فدرال) شمول خواهدداشت.

ماده 29:

1. هرکشور طرف اين ميثاق ميتواند اصلاح (اين ميثاقرا) پيشنهاد ومتن آن را نزد سرمنشي سازمان ملل متحد توديع کند دراين صورت سرمنشي هرطرح اصلاح پيشنهادي را براي کشور هاي طرف اين ميثاق ارسال ميدارد و از آنها درخواست مينمايد به او اعلام دارند که آيا مايلند کنفرانسي از کشور هاي طرف ميثاق به منظور بررسي و اخذ راي درباره طرحهاي پيشنهادي تشکيل گردد. در صورتيکه حد اقل يک ثلث کشور های طرف ميثاق موافق چنين کنفرانسي باشند،سرمنشي کنفرانس را زير لواي سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد هراصلاحي که مورد قبول اکثريت کشور هاي حاضر و راي دهنده درکنفرانس واقع شود براي تصويب به مجمع عمومي سازمان ملل متحد تقديم خواهد شد.
2. اصلاحات موقعي لازم الاجرا ميشود که به تصويب مجمع عمومي سازمان ملل متحد برسد و اکثريت دوثلث کشور هاي طرف اين ميثاق برطبق قواعد اساسي خود شان آن را قبول کرده باشند.

موقعي که اصلاحات لازم الاجرا ميشود براي آندسته از کشور هاي طرف ميثاق که آن را قبول کرده اند الزام آور خواهد بود. ساير کشور هاي طرف ميثاق کماکان به مقررات اين ميثاق و هرگونه اصلاح آن که قبلاً قبول کرده اند ملزم خواهند بود.

ماده 30:

قطع نظر از اعلاميه هاي مقرر دربند 5 ماده 26،سرمنشي سازمان ملل متحد مراتب زير را به کليه کشور هاي مذکور دربند اول آن ماده اطلاع خواهد داد:

الف) امضا هاي اين ميثاق و اسناد تصويب والحاق توديع شده طبق ماده 26.

ب) تاريخ لازم الاجرا شدن اين ميثاق طبق ماده 27 و تاريخ لازم الاجرا شدن اصلاحات طبق ماده 29.

ماده 31:

1. اين ميثاق که متنهاي چيني، انگليسي، فرانسوي، روسي و اسپانيايي آن داراي اعتبار مساوي است در بايگاني (آرشيف) سازمان ملل متحد توديع خواهد شد.

دبير کل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق اين ميثاق را براي کليه کشورهاي مذکور در ماده 26 ارسال خواهد داشت.

ضميمه (VI)

کنوانسيون منع شکنجه
وساير رفتارها و مجازات‌هاي ظالمانه،
غير انساني يا تحقير آميز

کنوانسيون منع شکنجه و رفتار يا مجازات خشن، غير انساني يا تحقير کننده مصوب 10 دسامبر 1984/ قطعنامه شماره 39/46 مجمع عمومي سازمان ملل متحد قدرت اجرائي کنوانسيون، 26 ژوئن 1987.

کشورهاي طرف اين کنوانسيون (ميثاق)

- با توجه به اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد که شناسائي حيثيت ذاتي و حقوق برابر و غيرقابل انتقال تمام اعضاء خانواده بشري را مبناي آزادي، عدالت و صلح در جهان اعلام داشته است.
- با توجه به اين‌که حقوق مذکور از شان و منزلت ذاتي انسان سرچشمه گرفته است.
- با توجه به تعهدات دولتهاي امضاء کننده منشور، به‌ويژه ماده 55 آن که اعتلاي رعايت و حرمت حقوق بشر و آزاديهاي اساسي را متذکر مي‌شود.
- با در نظر گرفتن ماده پنجم اعلاميه جهاني حقوق بشر و ماده هفتم کنوانسيون بين المللي حقوق مدني و سياسي که مقرر داشته است: هيچ‌کس را نمي‌توان مورد آزار و شکنجه و يا مجازات و رفتارهاي ظالمانه و غيرانساني قرار داد که سلب کننده حقوق مدني و اجتماعي فرد است.
- با توجه به اعلاميه مجمع عمومي 9 دسامبر 1975 مبني بر حمايت از انسانهائي که مورد شکنجه و اعمال ظالمانه، غيرانساني و رفتارهائي که باعث سلب حقوق مدني و اجتماعي آنها مي شود.
- با آرزو و تلاش و تاثيرگذاري بيشتر عليه شکنجه و ديگر اعمال وحشيانه و غيرانساني و مجازات و رفتارهائي که حقوق انسانها را در سراسر جهان به مخاطره مي اندازد. ما امضاء کنندگان اين کنوانسيون، اصول زير را مي پذيريم:

قسمت‌اول

ماده اول:

- از نظر اين کنوانسيون شکنجه چنين تعريف مي‌گردد: هر عمل عمدي که بر اثر آن درد يا رنج شديد جسمي يا روحي عليه فردي به منظور کسب اطلاعات يا گرفتن اقرار از او و يا شخص سوم اعمال مي‌شود، شکنجه نام دارد. (همچنين) مجازات فردي به عنوان عملي که او يا شخص سوم انجام داده است و يا احتمال مي رود که انجام دهد، با تهديد و اجبار و بر مبناي تبعيض از هر نوع و هنگامي که وارد شدن اين درد و رنج و يا به تحريک و ترغيب و يا با رضايت و عدم مخالفت مامور دولتي و يا هر صاحب مقام ديگر انجام گيرد، شکنجه تلقي مي شود.

2- اين ماده خللی نسبت به اسناد بين المللی و يا (مصوبات) قوانين داخلي کشورها که مفهوم وسيعتري براي شکنجه درنظر گرفته اند، وارد نمي کند. (بايد براساس همان مفهوم وسيعي که آن سند بين المللي و يا قانون داخلي درنظر گرفته است، عمل نمود).

ماده دوم:

1- هر دولت عضو اين کنوانسيون، موظف است اقدامات لازم و موثر قانوني، اجرائي، قضائي و ديگر امکانات را جهت ممانعت از اعمال شکنجه در قلمرو حکومت خود، به عمل آورد.

2- هيچ وضعيت استثنائي کشوری، مانند جنگ و يا تهديد به جنگ، بي ثباتي سياسي داخلي و يا هرگونه وضعيت اضطراري ديگر، مجوز و توجيه کننده اعمال شکنجه نمي باشد.

3- دستور و حکم مقام مافوق (حکومتي) و يا مرجع دولتي، نمي تواند توجيه کننده عمل شکنجه باشد.

ماده سوم:

1- هيچ دولت عضو، فردي را که جانش در خطر است و مورد شکنجه واقع خواهد شده، به دولتي که زمينه واقعي (چنين اعمالي را) دارد، مسترد نخواهد کرد.

2- به منظور پايان دادن به ايجاد زمينه های عمل شکنجه، مراجع شايسته و صلاحيت داري بايد درنظر گرفت تا بتوان بدينوسيله دولتي که وجود نمونه هاي فاحش و آشکار و عملی شکنجه و نقض مداوم حقوق بشر در آن مشاهده مي شود را بررسي کنند.

ماده چهارم:

1- هر دولت عضو، مراقب و مطمئن خواهد شد که تمام انواع شکنجه تحت قوانين جنائي، جرم محسوب گردد و براي کسي که مبادرت به انجام شکنجه مي کند و يا کسي که در انجام اين عمل با او مشارکت و همکاري مي نمايد، جرم شناخته شود
2- هر دولت عضوْ براي اين جرايم و با درنظر گرفتن نوع و اهميت آنها، کيفري مناسب تعيين خواهد کرد.

ماده پنجم:

1- هر دولت عضو، اقدامات لازم و ضروري و اختيارات قانوني براي جرم هاي که راجع به ماده چهارم است را (در دستگاه قضائي) خود به قرار زير انجام خواهد داد:

الف: هنگامي که جرمي در قلمرو قضائي و يا مرز دريايي و هوائي شناخته شده (آن کشور)، انجام گرفته است.

ب: هنگامي که متهم شهروند آن کشور باشد.

ج: هنگامي که قرباني (شکنجه) شهروند آن کشور باشد و آن دولت آن را تائيد نمايد.

2- هر دولت عضو همچنين، اقدامات لازم را در جهت کسب اختيارات قانوني در نظام قضائي خود، به عمل خواهد آورد. اين اقدامات در مواردي است که جرم هاي در قلمرو قضائي آن کشور صورت گرفته است و فرد متهم به کشور متبوعش تسليم نشده است. طبق ماده هشتم بند اول، متهم به دولت هاي که نامشان ذکر شده است، مسترد خواهد شد.

3- اين کنوانسيون از جرائم جنائي که در ارتباط با قوانين داخلي است، مستثني نمي باشد.

ماده ششم:

1- هر دولت عضو، فرد متهمي را که جرمي مطابق ماده 4 (اين کنوانسيون) مرتکب شده است، بازداشت خواهد نمود و يا اقدامات ديگري جهت اطمينان از حضور متهم به عمل خواهد آورد. (اين دولت) براي اطمينان از وضعيت متهم، اطلاعات موجود و قابل استفاده را مورد بررسي قرار خواهد داد و سپس حکم بازداشت و يا هر اقدام ديگري را مطابق قوانين خود انجام خواهد داد. اين بازداشت متهم بر حسب ضرورت، ممکن است براي مدتي ادامه داشته باشد تا روند جرم و استرداد مجرم، طي گردد.

2- دولت (مذکور) مقدمات تحقيق و رسيدگي (دوسيه متهم) را فراهم خواهد کرد.

3- فردي که در بازداشت بسر مي برد، حق خواهد داشت که طبق بند 1 اين ماده، بي درنگ با نزديکترين نمايندگي دولت متبوعش تماس حاصل نمايد. اگر فرد بازداشتي تابعيتي نداشته باشد، او حق خواهد داشت که با نمايندگي کشوري که او در آنجا معمولا اقامت داشته است، تماس گيرد.

4- هنگامي که دولتي فردي را طبق اين ماده بازداشت مي کند، مراتب امر را به دولت هاي که در ماده 5 بند 1 به آنها اشاره شده است، بي درنگ اطلاع خواهد داد و شرايط و موقعيت بازداشتي فرد متهم را بازگو خواهد نمود.

ماده هفتم:

1- دولت عضوي که تحت قلمرو قضائي خود، فرد متهم در مطابقت با ماده 4 مرتکب جرمي شده است، با درنظر گرفتن ماده 5 عمل خواهد نمود. اگر (آن دولت) فرد متهم را به (دولت متبوعش) مسترد ننمايد، مي بايد دوسيه متهم را به مراجع صلاحيت دار و شايسته به منظور تعقيب قضائي واگذار نمايد.

2- مراجع (صلاحيت دار) مذکور، مانند هر جرم عادي و در يک جريان طبيعي و جدي، تحت قوانين دولتي، نظر و تصميم خود را خواهند گرفت. مدارک قانوني و معتبر بنا به ماده 5 بند 2 براي پيگرد و تعقيب قانوني و محکوميت ضروري است. اين مدارک در تطابق با ماده 5 بند 1 مي بايست مستدل و محکم باشد؟ به طوري که تعقيب قضائي را قابل اجرا گرداند.

3- هر فردي با توجه به اقامه دعوي جرمي که عليه او و در ارتباط با ماده 4 صورت گرفته است، مي بايست در تمام مراحل قضائي رفتار مناسب با او، تضمين گردد.

ماده هشتم:

1- دولتهاي عضو جرائم مربوط به ماده چهارم که شامل استرداد مجرمين به کشور متبوع شان است و يا هر نوع اخراج و استردادي که آنها به وسيله قراردادهاي دوجانبه پذيرفته اند، تضمين خواهند کرد.

2- اگر دولت عضوي در خواست استرداد (متهمي) را از دولت عضو ديگر که معاهده اي را براي استرداد با اين دولت امضاء نکرده است، دريافت دارد، اين کنوانسيون به مثابه معاهده اي قانوني براي استرداد مجرمين به شمار ميرود.

3- دولتهاي عضوي که شرط استرداد را بنابر معاهده اي نپذيرفته اند، جرائم (مربوط به شکنجه) را به مثابه جرايم قابل استرداد در قراردادهاي دوجانبه ملحوظ خواهند داشت و آن را (جرم شکنجه) همانند يک جرم قابل استرداد و قانوني از دولت عضو خواستار ميشوند.

4- اين نوع جرائم (شکنجه) با هدف استرداد ضرورت دارد که به وسيله قرارداد دوجانبه اي بين کشورهاي عضو، انجام گردد. چنان که قرارداد دوجانبه اي بين(آنها) امضاء شده است، لازم است بنابه ماده 5 بند 1 و براساس اختيارات قضائي دولتها، نه فقط براي مکاني که جرم در آن به وقوع پيوسته است، باشد، بلکه شامل قلمرو دولتها نيز گردد.

www.TPTG.ir

ماده نهم:
1- دولتهاي عضو در فراهم كردن امكاناتي كه در ارتباط با روند پيگيري جرائم و مجرميني كه مشمول ماده چهار مي باشند، اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد و نيز يكديگر را با ارائه شواهد و اسنادي كه در اختيار دارند، جهت پيگيري روند جرايم ياري خواهند رساند.
2- دولتهاي عضو، تعهدات خويش را بنابر بند 1 اين ماده مبني بر مساعدت هاي قضائي متقابل در بين خود عمل خواهند كرد.
ماده دهم:
1- هر دولت عضو، با توجه به ممنوعيت شكنجه به مجريان قانون، پوليس و نظامي، كاركنان خدمات صحي، كارمندان و ديگر افرادي كه به نحوي در بازداشت، بازجويي و بازرسي (افراد دخالت دارند) و نيز هر رفتاري كه موجب دستگيري، بازداشت و زنداني افراد مي شود، آموزشها و اطلاعات لازم را به آنها بدهند و مطمئن شوند كه آنها از اين آموزشها و اطلاعات برخوردار خواهند شد.
2- هر دولت عضو، در قوانين و دستورها به فراخور وظايف و مسووليتهاي افراد، ممنوعيت شكنجه را ملحوظ خواهد كرد.
ماده يازدهم:
هر دولت عضو، موظف است به طور مرتب و منظم قواعد و روشهاي مربوط به بازجويي (بازپرسي) و ترتيبات راجع به نگهداري افراد را (در بازداشتگاه ها) انجام دهد. اين بازنگري و مراقبت شامل هر نوع دستگيري، زندان و در هر قلمروي كه حوزه قضائي آن دولت است، با درنظر گرفتن اصل ممنوعيت شكنجه مي باشد.
ماده دوازدهم:
هر دولت عضو، موظف است ترتيب اطمينان بخشي بدهد تا اگر قراين معقولي برانجام عمل شكنجه در مكان و يا در قلمرو قضائي آن دولت وجود داشت، مقامات صلاحيت دار بي درنگ و بي طرفانه به آنها رسيدگي نمايند.
ماده سيزدهم:
هر دولت عضو، موظف است حق شكايت فردي را كه عنوان مي كند او در قلمرو قضائي آن دولت مورد شكنجه قرار گرفته است را محفوظ بدارد و شكايت او را بي درنگ و بي طرفانه به مقامات صلاحيت دار جهت رسيدگي ارجاع دهد و نيز مطمئن گردد كه شكايت كننده و شاهدان از تهديدهاي كه نتيجه عمل آنهاست درامان خواهند بود.

ماده چهاردهم:
1- هر دولت عضو، موظف است از طريق نظام قانوني خود ترتيب اطمينان بخشي بدهد كه قرباني شكنجه حق گرفتن خسارت و جبران غرامت مناسب (عادلانه) و كافي داشته باشد. اين جبران شامل اعاده وضع اوليه قرباني شكنجه تا حدامكان نيز هست. هرگاه فردي بر اثر شكنجه بميرد، جبران خسارات شامل بستگان او مي گردد.
2- هيچ موردي از اجراي اين ماده مبني بر اعاده حقوق قرباني شكنجه و افراد ديگري كه بنابر قوانين كشوري غرامت به آنها تعلق مي گيرد، جلوگيري نخواهد كرد.
ماده پانزدهم:
هر دولت عضو، موظف است به نحوي اطمينان حاصل نمايد كه اقرار دراثر شكنجه به هيچ وجه مدرک محسوب نخواهد شد و نمي توان آن مدارک را به جز در مورد شخص شكنجه گر و درجهت پيگرد او به لحاظ ارتكاب جرم، مورد استناد قرار داد.

ماده شانزدهم:
1- هر دولت عضو، متعهد است كه در قلمرو قضائي خود اعمال وحشيانه، غيرانساني و رفتارهاي تحقيركننده و مجازات هائي را كه مشمول تعريف شكنجه و ماده يک اين كنوانسيون نيست و اين اعمال به تحريک و ترغيب و يا با رضايت و عدم مخالفت مامور دولتي و يا هر صاحب مقام ديگر انجام مي گيرد، جلوگيري به عمل آورد. اين تعهدات به ويژه، تعهداتي است كه در مواد 13- 12- 11 و 10 مبني بر تعويض و جايگزيني افرادي كه در عمل شكنجه و يا ديگر اعمال وحشيانه غيرانساني و رفتارهاي تحقيرآميز و مجازاتهاي خشن آمده است.

www.TPTG.ir

2- مقررات اين كنوانسيون نسبت به مقررات، اسناد بين المللي و قوانين ملي كه اعمال وحشيانه و غير انساني و رفتارهاي تحقيرآميز كه مربوط به استرداد يا اخراج مي باشد و ممنوع اعلام كرده اند، خللي وارد نخواهد كرد.

قسمت دوم

ماده هفدهم:

1- يک كميته ضد شكنجه تاسيس خواهد شد(از اين پس در اين كنوانسيون كميته ناميده مي شود) و وظائفي كه در مواد بعدي به آنها اشاره خواهد شد را عهده دار است. اين كميته از 10 كارشناس عاليرتبه كه برخوردار از صلاحيت اخلاقي و شايستگي در زمينه حقوق بشر مي باشند، تشكيل خواهد شد. آنها با صلاحيت شخصي خود انجام وظيفه مي نمايند(نه به عنوان نماينده دولت متبوع خويش) همچنين اين كارشناسان به وسيله دولتهاي عضو و با رعايت تقسيمات عادلانه جغرافيائي و نيز همكاريهاي سودمندانه و تجربيات حقوقي آنها انتخاب خواهند شد.

2- اعضاء كميته به وسيله راي مخفي و از فهرست نامزدهائي كه دولتهاي عضو تعيين كرده اند، انتخاب مي گردند. دولتهاي عضو درنظر خواهند داشت كه افراد سودمند و كساني از اعضاء كميته حقوق بشر تحت نظارت پيمان بين المللي حقوق مدني و سياسي و نيز افرادي كه مايل به خدمت در كميته ضد شكنجه باشند را نامزد نمايند.

3- انتخابات اعضاء كميته با دعوت به گردهمائي سرمنشي سازمان ملل متحد از دولتهاي عضو و در هر دو سال يكبار انجام خواهد گرفت. حد نصاب در اين گردهمائي، شركت دوسوم كشورهاي عضو مي باشد. افرادي كه حائز اكثريت آراء از طرف نمايندگان حاضر دولتهاي عضو باشند، انتخاب خواهند شد.

4- اولين انتخابات نبايد بيشتر از 6 ماه پس از لازم الاجرا شدن اين كنوانسيون به درازا بكشد. براي انتخابات حداقل 4 ماه پيش از تاريخ انجام آن، سرمنشي سازمان ملل متحد، از دولتهاي عضو، به وسيله نامه دعوت خواهد نمود كه نامزدهاي خود را براي عضويت در كميته ظرف 3 ماه معرفي كنند. سرمنشي سازمان ملل فهرستي به ترتيب حروف الفباء از افرادي كه نامزد شده اند، با ذكر نام كشورهاي كه آنان را معرفي كرده اند، تهيه و به دولتهاي عضو ارسال خواهد داشت.

5- اعضاء كميته براي مدت 4 سال انتخاب مي شوند و در صورتي كه مجددا نامزد شوند، تجديد انتخاب آنها مجاز خواهد بود. ليكن مدت زمان پنج عضو كميته منتخب در اولين انتخابات در پايان 2 سال منقضي مي شود. نام اين 5 عضو پس از اولين دوره انتخابات با قيد قرعه و به وسيله رئيس جلسه مذكور، بنابر بند 3 اين ماده معين مي گردد.

6- اگر عضوي از اعضاء كميته فوت كند و يا استعفا دهد و يا به هر دليل ديگري نتواند انجام وظيفه كند، دولت عضوي كه اين فرد را نامزد كرده بود، شخص كارشناس ديگري كه تبعه آن كشور باشد را جهت جايگزيني و خدمت تعيين مي كند و تصويب او را با اكثريت آراء از دولتهاي عضو خواستار مي گردد. دولتهاي عضو تصويب (عضو جديد) را مورد بررسي قرار خواهند داد، اگر نصف يا بيشتر آنها راي منفي به اين تصويب دهند، مراتب امر به اطلاع سرمنشي سازمان ملل خواهد رسيد تا در خلال 6 هفته فرد ديگري معرفي و تعيين گردد.

7- دولتهاي عضو، مسوولیت هزينه هاي اعضاء كميته را در هنگام انجام وظيفه متقبل خواهند شد.

(اصلاحيه - به تصميم عمومي 47/111، 16 دسامبر 1992 شرايط تصويب رجوع شود).

ماده هيجدهم:

1- كميته، هيأت رئيسه خود را براي مدت 2 سال انتخاب خواهد كرد، آنها مي توانند مجددا انتخاب شوند.

2- كميته آئين نامه داخلي اش را خود تنظيم مي كند. مقررات اين آئين نامه به قرار زير خواهد بود:

الف- حد نصاب رسميت جلسات حضور 6 عضو است.

ب- تصميمات كميته با اكثريت آراء اعضاء حاضر اتخاذ مي گردد.

3- سرمنشي سازمان ملل متحد، كارمندان و امكانات لازم و مورد احتياج را جهت اجراي موثر وظائفي كه كميته به موجب اين كنوانسيون به عهده دارد، در اختيار كميته خواهد گذاشت.

4- سرمنشي سازمان ملل متحد اعضاي كميته را براي تشكيل نخستين جلسه دعوت مي كند. پس از آن، كميته در اوقاتي كه در آئين نامه داخلي آن پيش بيني شده است، تشكيل جلسه خواهد داد.

5- دولتهاي عضو مسوولیت (پرداخت) هزينه هائي كه در ارتباط با گردهمائي هاي دولتهاي عضو كميته و هزينه هاي كه به وسيله سازمان ملل در اين مورد پرداخت مي شود، مانند هزينه كارمندان و تهيه امكانات بنابر بند 3 اين ماده را بعهده خواهند داشت.

(اصلاحيه - به تصميم مجمع عمومي 47/111، 16 دسامبر 1992، شرايط تصويب رجوع شود).

ماده نوزدهم:

1- دولتهاي عضو به واسطه سرمنشي سازمان ملل، اقداماتي كه در جهت اجراي تعهداتشان طبق اين كنوانسيون انجام داده اند را به كميته تقديم مي نمايند. (نخستين گزارش) يكسال پس از لازم الاجرا شدن كنوانسيون براي دولت عضو بايد به

كميته ارائه گردد و از آن پس دولتهاي عضو گزارشات تكميلي و اقدامات جديد خود در اين زمينه را هر چهار سال يكبار تقديم مي دارند.
2- سرمنشي سازمان ملل اين گزارشهاي را به دولتهاي عضو ارسال خواهد داشت.
3- هر گزارشي مورد بررسي و رسيدگي كميته قرار خواهد گرفت و كميته نظرها و پيشنهادهاي عمومي خود را نسبت به گزارش به دولتهاي مربوط اعلام مي دارد. دولت عضو مزبور مي تواند پاسخها و نظرات خود را به كميته اعلام نمايد.
4- كميته بنابر صلاحديد خود ممكن است نظرات و پيشنهادهايي كه در ارتباط با بند 3 اين ماده و مربوط به دولت عضو مذبور است و ملاحظات خود و نظر دولتها را در گزارش سالانه خود و بر طبق ماده 24 به مجمع عمومي ارائه دهد. اگر دولت عضو مزبور در خواست يک رونوشت از اين گزارش را نمايد، كميته طبق بند 1 اين ماده اين درخواست را اجابت مي نمايد.

ماده بيستم:

1- اگر كميته، اطلاعات موثق و قابل اعتمادي دريافت نمايد كه به‌وضوح نشان دهد، در قلمرو يكي از دولتهاي عضو به طور منظم شكنجه وجود دارد، كميته، دولت مربوط را دعوت مي‌كند كه براي رسيدگي و بررسي اين موضوع همكاري نمايد و در پايان نظرهاي خود را با توجه بر اطلاعات مزبور، ارائه خواهد داد.
2- با توجه به نظراتي كه دولت عضو ممكن است به كميته ارائه دهد و نيز اطلاعات قابل استناد ديگر كه كميته را به معتبر بودن اين اطلاعات متقاعد كرده است، كميته ممكن است يک يا چند عضو خود را براي رسيدگي و تحقيق به‌طور محرمانه مامور كند تا بي درنگ گزارشي براي كميته تهيه نمايند.
3- با انجام اين تحقيقات، بنابر بند 2 اين ماده، كميته از دولت عضو مربوط خواهد خواست كه در اين مورد همكاري نمايد. با توجه به تحقيقات انجام شده و توافق با دولت عضو ذيربط، بازديد (ومسافرت) از قلمرو آن دولت به‌عمل خواهد آمد.
4- كميته بعد از رسيدگي و تشخيص نظرات عضو و يا اعضاء و با توجه به بند 2 اين ماده، نظرات و تشخيص آنها را همراه با پيشنهادات و ارزيابي خود و با درنظر گرفتن موقعيت به دولت عضو مربوط، منتقل خواهد كرد.
5- تمام مراحل (تحقيق و بررسي) كه از طرف كميته انجام مي‌گيرد، بنابر بند 1 تا 4 اين ماده، محرمانه خواهد بود. همچنين در تمام مراحل تحقيق و رسيدگي، دولت عضو ذيربط به همكاري خواسته مي‌شود. پس از تكميل روند تحقيقات و با توجه به بند 2، كميته با مشورت دولت عضو مربوط، ممكن است تصميم بگيرد كه خلاصه‌اي از نتايج تحقيقات را با توجه به ماده 24، در گزارش سالانه خود (به مجمع عمومي) منعكس نمايد.

ماده بيست و يكم:

1- هر دولت عضو اين كنوانسيون، به موجب اين ماده هر زمان اعلام نمايد كه صلاحيت كميته را براي دريافت و رسيدگي به شكايات دائر بر ادعاي هر دولت عضو كه دولت عضو ديگر كنوانسيون تعهدات خود را طبق مواد اين ميثاق انجام نمي دهد، به رسميت بشناسد. به موجب اقدامات عملي كه در اين ماده قرار دارد، شكاياتي قابل دريافت و رسيدگي خواهد بود كه توسط دولت عضو صلاحيت كميته را نسبت به خود شناسائي و اعلام كند. هيچ شكايتي مربوط به يک دولت عضو اين كنوانسيون كه چنين اعلامي نكرده باشد بنابر اين ماده از طرف كميته پذيرفته نخواهد شد. نسبت به شكايات كه به موجب اين ماده دريافت مي شود، به ترتيب زير اقدام خواهد شد:
الف - اگر يک دولت عضوي تشخيص دهد كه دولت عضو ديگري به مقررات اين كنوانسيون ترتيب اثر نمي دهد، مي تواند به وسيله نامه، توجه آن دولت عضو را جهت رسيدگي به موضوع جلب كند. در ظرف 3 ماه پس از دريافت اطلاعيه، دولت دريافت كننده، توضيح يا هر گونه اظهار كتبي ديگر دائر بر روشن كردن موضوع را در اختيار دولت فرستنده اطلاعيه خواهد گذارد.توضيحات و اظهارات مزبور تا حد امكان شامل اطلاعاتي در مورد آئين دادرسي طبق قوانين داخلي آن كشور و آنچه كه براي بهبودي آن بعمل آمده يا در جريان رسيدگي است يا آنچه در اين مورد قابل اصلاح است، خواهد بود.
ب - اگر موضوعات به ترتيبي باشد كه رضايت هر دو دولت عضو پس از دريافت اولين اطلاعيه و در ظرف 6 ماه جلب ننمايد، هر يک از طرفين حق خواهد داشت با ارسال اخطاريه اي به كميته و به دولت مقابل، موضوع را پيگيري نمايد.
ج - كميته با توجه به اين ماده فقط پس از اينكه برايش محقق شد كه اقدامات چاره جويانه و قابل اصلاح طبق قوانين داخلي دو كشور، به نتيجه اي نرسيده است و دو دولت از حل موضوع بر طبق اصول متفق حقوق بين المللي عاجز مي باشند، آنگاه بموضوع مرجوعه رسيدگي خواهد كرد. اين قاعده در مواردي كه رسيدگي به شكايات بنحوي از راه هاي قانوني غير معقول و طولاني باشد و يا كمک موثر به فردي كه طبق اين ميثاق قرباني خشونت محسوب مي‌شود، غير محتمل و بعيد بنظر رسد، اجرا نخواهد شد.
د - كميته در مواقع رسيدگي به شكايت هاي دريافتي، بنابر اين ماده جلسات محرمانه تشكيل خواهد داد.

هـ - با رعايت مقررات بند (ج)، كميته بمنظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف و بر اساس احترام به تعهداتي كه در اين كنوانسيون ارائه شده است، كمكهاي قابل اجراي خود را در اختيار دولتهاي عضو مربوط خواهد گذارد. بدين منظور، در زمان مقتضي، كميته يک كميسيون حل اختلاف تخصصي تعيين خواهد كرد.
و- كميته بنا بر اين ماده، در كليه اموري كه به آن ارجاع شود ميتواند از دولتهاي طرف اختلاف موضوع زير بند (ب) هر گونه اطلاعات مربوط را خواستار گردد.
ز- دولتهاي عضو مربوط موضوع زير بند (ب) حق خواهند داشت هنگام رسيدگي بموضوع در كميته، نماينده اي داشته باشند و ملاحظات خود را بطورشفاهي و يا كتبي اظهار دارند.
ح- كميته موظف است در مدت 12ماه پس از تاريخ دريافت اخطاريه بنا به زير بند (ب) گزارش بدهد:
1) اگر راه حلي بنا به مقررات زير بند (ه) حاصل شده باشد، كميته گزارش خود را به يک خلاصه گزارش منحصر خواهد كرد.
2) اگر راه حلي بنابر مقررات زير بند (ه) حاصل نشود كميته در گزارش خود بشرح قضايا مختصرا اكتفا خواهد كرد. (همچنين) متن صورت مجلس ملاحظات كتبي و شفاهي دولتهاي عضو، ضميمه گزارش خواهد شد. در هر مورد گزارشي به دولتهاي عضو مربوط ابلاغ خواهد شد.
2- مقررات اين ماده هنگامي قابل اجرا خواهد بود كه پنج دولت عضو كنوانسيون، بنا بر بند 1 اين ماده اعلاميه هاي پيش بيني شده را داده باشند. اعلاميه هاي مذكور نزد سرمنشي سازمان ملل سپرده خواهد شد و رونوشت آن براي ساير كشورهاي عضو كنوانسيون ارسال خواهد شد. اعلاميه ممكن است در هر زمان بوسيله اخطاريه سرمنشي سازمان ملل بازپس گرفته شود. اين استرداد به رسيدگي مسئله، موضوع يک شكايت كه قبلا بموجب اين ماده ارسال شده باشد، خللي وارد نميكند. هيچ شكايت ديگري پس از دريافت اخطاريه استرداد اعلاميه به سرمنشي پذيرفته نمي شود مگر آنكه دولت عضو مربوط اعلاميه جديدي داده باشد.

ماده بيست و دوم:

1- يک دولت عضو اين كنوانسيون مي تواند بموجب اين ماده در هر زمان صلاحيت كميته را براي دريافت و رسيدگي شكايات افرادي كه مدعي قرباني خشونت توسط يک دولت عضو اين ميثاق هستند، به رسميت شناسد و آنرا اعلام دارد. هيچ شكايتي از دولت عضوي كه چنين اعلامي نسبت به آن صورت نگرفته است از جانب كميته قابل پذيرش نخواهد بود.
2- كميته شكايات بدون نام و يا ناسازگار با مقررات كنوانسيون را بنا بر اين ماده و يا شكاياتي كه در مقام سوء استفاده از اين حق مطرح شده است را نخواهد پذيرفت.
3- با رعايت مقررات بند 2، كميته بنا بر اين ماده ضمن رسيدگي كردن به شكايات دولت عضوي كه متهم به تخلف از مفاد اين كنوانسيون است، توجه آنرا نيز طبق بند 1 به اين شكايات جلب ميكند. در ظرف 6 ماه پس از وصول شكايات دولت متهم به تخلف، توضيحات كتبي و اظهاراتي مبني بر روشن نمودن موضوع و يا بهبودهاي كه توسط آن كشور انجام گرفته است را به كميته ارائه خواهد داد.
4- كميته شكايات را بنا بر اين ماده و طبق اطلاعات روشن موجود كه به نيابت فرد يا بوسيله عضو مربوط دريافت ميكند، مورد بررسي و رسيدگي قرار خواهد داد.
5- كميته به شكاياتي كه از طرف فرد و بنا بر اين ماده دريافت ميكند، مورد رسيدگي قرار نخواهد داد مگر اينكه براي كميته محقق شود كه:
الف - موضوع شكايت در ارگانهاي بين المللي ديگر مطرح و مورد رسيدگي قرار نگرفته است.
ب - فرد (شكايت كننده) از تمام اقدامات چاره جويانه در مراجع ذيصلاح داخلي نتيجه اي نگرفته است. همچنين در مواردي كه طي طريق شكايت بنحو غير معقول طولاني گشته است و با كمک موثر بر فردي كه طبق اين ميثاق قرباني خشونت شناخته مي‌شود، غير محتمل و بعيد بنظر رسد.
6- كميته در مواقع رسيدگي به شكايات دريافتي، بنابر اين ماده جلسات محرمانه تشكيل خواهد داد.
7- كميته نظرات خود را به دولت عضو مربوط و فرد(شكايت كننده) منعكس خواهد نمود.
8- مقررات اين ماده هنگامي قابل اجرا خواهد بود كه پنج دولت عضو كنوانسيون اعلاميه هاي پيش بيني شده در بند اول اين ماده را داده باشند. اعلاميه هاي مذكور توسط دولت عضو، نزد سرمنشي سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد. سرمنشي سازمان ملل، رونوشت آنرا براي ساير دولتهاي طرف ميثاق ارسال خواهد داشت. اعلاميه ممكن است در هر زمان، بوسيله اخطاريه به سرمنشي مسترد گردد، اين استرداد به رسيدگي هر مسئله، موضوع شكايتی كه قبلا بموجب اين ماده ارسال شده بود، خللي وارد نمي كند.

ماده بيست و سوم:

اعضاء كميته و كميسيونهاي مشاورين متخصص كه بنا به ماده 21 بند 1(ه) انتصاب ميشوند، سزاوار برخورداري از امتيازات و مصئونيت هاي در ماموريت هاي سازمان ملل، خواهند بود. اين موارد در قسمتهاي مربوط به كنوانسيون و بر اساس امتيازات و مصونيتهاي سازمان ملل قرار خواهد گرفت.

ماده بيست و چهارم:

كميته بموجب اين كنوانسيون، فعاليتهاي خود را در يک گزارش سالانه تقديم دولتهاي عضو و مجمع عمومي سازمان ملل متحد خواهد نمود.

قسمت سوم

ماده بيست و پنجم:

1- اين كنوانسيون براي امضاء تمام دولتها مفتوح است.

2- اين كنوانسيون موكول به تصويب دولتها است (اصلاح "تصويب" در پيمان نامه ها و پروتكل هاي بين المللي، به اين معنى است كه تصويب بايد طبق قانون اساسي و يا مراجع صلاحيت دار مثل مجلس شورا و در داخل كشور، انجام شود) اسناد تصويب يا الحاق، نزد سرمنشي سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد.

ماده بيست و ششم:

اين كنوانسيون براي الحاق تمام كشورها مفتوح خواهد بود. الحاق دولتها بوسيله سند الحاق كه نزد سرمنشي سازمان ملل سپرده خواهد شد، صورت مي‌گيرد.

ماده بيست و هفتم:

1- اين كنوانسيون 30 روز پس از سپرده شدن بيستمين سند تصويب يا الحاق نزد سرمنشي سازمان ملل متحد، قدرت اجرائي پيدا خواهد كرد.

2- براي هر دولتي كه پس از سپرده شدن بيستمين سند تصويب يا الحاق، اين كنوانسيون را تصويب كند و به آن بپيوندد، كنوانسيون 30 روز بعد از تاريخ سپرده شدن سند تصويب يا الحاق آن دولت، قدرت اجرائي (براي آن دولت) پيدا خواهد كرد.

ماده بيست و هشتم:

1- هر دولتي ممكن است در زمان امضاء يا تصويب اين كنوانسيون يا الحاق، اعلام دارد كه صلاحيت كميته را براي (وظائفي كه) در ماده 20 ارائه شده است، به رسميت نمي شناسد.

2- هر دولت عضوي كه شرط و حق محفوظي را در ارتباط با بند 1 اين ماده قائل شده است، در هر زمان مي‌تواند آنرا بوسيله نوشتن يادداشت به سرمنشي سازمان ملل متحد، استرداد كند.

ماده بيست و نهم:

1- هر دولت عضو اين كنوانسيون ميتواند اصلاحيه اي به آن، پيشنهاد كند و متن آنرا نزد سرمنشي سازمان ملل بسپارد. سرمنشي هر طرح اصلاحي پيشنهادي را براي دولتهاي عضو اين ميثاق ارسال خواهد داشت و از آنها درخواست خواهد كرد كه به او اعلام دارند آيا با تشكيل كنفرانسي از دولتهاي عضو بمنظور رسيدگي و گرفتن راي در باره طرحهاي پيشنهادي موافق هستند؟ در صورتي‌كه حداقل يک سوم دولتهاي عضو خواهان تشكيل چنين كنفرانسي باشند، سرمنشي كنفرانس را تحت نظر و توجه سازمان ملل تشكيل خواهد داد. هر اصلاحي كه مورد قبول اكثريت دولتهاي حاضر عضو و راي دهنده در كنفرانس قرار گيرد، به‌وسيله سرمنشي به تمام كشورهاي عضو براي پذيرفتن، ارسال خواهد شد.

2- اصلاحيه پذيرفته شده با توجه به بند 1 اين ماده، هنگامي قدرت اجرائي پيدا خواهد كرد كه دو سوم دولتهاي عضو اين كنوانسيون، به سرمنشي سازمان ملل متحد اطلاع دهند كه آنها بر طبق قانون اساسي خودشان آنرا پذيرفته اند.

3- وقتي مفاد اصلاحي قدرت اجرائي پيدا كردند، براي دولتهاي عضو كه آنرا پذيرفته اند، لازم الاجرا مي‌گردد. ديگر كشورهاي عضو به مقررات اين كنوانسيون و هرگونه اصلاحاتي كه پذيرفته اند، ملزم خواهند شد.

ماده سي ام:

1- هر مشاجره و اختلافي كه بين دو دولت عضو و يا بيشتر در مورد تفسير يا كاربرد اين كنوانسيون بوجود آيد و آنها نتوانند اين اختلاف را طي مذاكرات بين خود حل نمايند، با درخواست يكي از آنها اين اختلاف به (هيئت) داوري وحكميت واگذار خواهد شد. اگر پس از 6 ماه يعني از زماني‌كه درخواست به هيئت واگذار شده است، دولتها قادر به پذيرفتن راي هيئت حكميت نيستند، هر كدام از طرفين موضوع مي‌توانند اين اختلاف را به دادگاه دادگستري بين المللي ارجاع دهند.

2- هر دولتي مي‌تواند در زمان امضاء اين كنوانسيون يا الحاق آن اعلام دارد كه خود را موظف به اجراي بند 1 اين ماده نمي داند. دولتهاي عضو ديگر با احترام به هر كشوري كه اين حق و شرط را براي خود محفوظ داشته اند، خود را موظف به اجراي بند 1 اين ماده، در مورد آن كشور نمي دانند.

3- هر دولت عضوي كه شرط و حق محفوظي را در ارتباط با بند 2 اين ماده قائل شده است، در هر زمان مي‌تواند آنرا به‌وسيله يادداشت به سرمنشي سازمان ملل متحد، مسترد كند.

ماده سي و يكم:
1- يک دولت عضو مي‌تواند در هر زمان اين كنوانسيون را از طريق يادداشت كتبي به سرمنشي سازمان ملل، فسخ نمايد و خروج خود را از اين كنوانسيون (كه در واقع عدم تعهد خود به آن است) را اعلام دارد. يكسال پس از دريافت اين يادداشت به سرمنشي انصراف و خروج قطعي و لازم الاجرا خواهد شد.
2- اين فسخ و انصراف، تاثيري بر تعهدات دولت عضو نسبت به اعمالي كه قبل از تاريخ لازم الاجرا شدن خروج انجام داده است، نخواهد داشت و مانع ادامه رسيدگي كميته كه قبل از آن تاريخ شروع شده، نمي شود.
3- پس از تاريخ لازم الاجرا شدن خروج از كنوانسيون، كميته ديگر نسبت به دولت خارج شده، رسيدگي اي را انجام نخواهد داد.
ماده سي و دوم:
1- سرمنشي سازمان ملل متحد تمام دولتهاي عضو سازمان ملل و دولتهائي كه اين كنوانسيون را امضاء كرده اند و يا به آن پيوسته اند را مطلع خواهد كرد كه:
الف: امضاء ها، مصوبات (اسناد تصويب) و الحاق ها را بنا بر ماده 25 و 26
ب: تاريخ به اجرا درآمدن اين كنوانسيون طبق ماده 27 و تاريخ لازم الاجراي اصلاحات طبق ماده 29
ج: انصراف و فسخ دولتها طبق ماده 31
ماده سي و سوم:
1- متنهاي عربي، چيني، انگليسي، فرانسه، روسي و اسپانيائي اين كنوانسيون، داراي اعتباري يكسان مي باشند و آنها نزد سرمنشي سازمان ملل متحد به امانت سپرده خواهند شد.
2- سرمنشي سازمان ملل متحد رونوشت گواهي شده اين كنوانسيون را براي تمام كشورها ارسال خواهد داشت.

ضميمه (V)

كنوانيسون بين المللی حقوق اطفال

www.TPTG.ir

www.TPTG.ir

ازطرف مجمع عمومي سازمان ملل در تاريخ بيستم نوامبر سال ۱۹۸۹ ميلادي تصويب شد

نويسنده ترجمه: دكتر الف. آبشار

مقدمه :
بر اساس اصول پايه اي سازمان ملل متحد كه از طرف تمامي نمايندگان جامعه بشري عضو آن پذيرفته شده است، احترام به ارزش ذاتي و برابري خدشه ناپذير حقوقي انسانها ترسيم گر آزادي، عدالت و صلح در جهان است.
ملتهاي دنيا بر مبناي همين اعتقاد به مقام و منزلت انساني، خواهان سعادت عموم بشري در قالب پيشرفتهاي اجتماعي، بهبود وضعيت زندگي همراه آزاديهاي هر چه بيشتر هستند.
با اعلام پذيرش اعلاميه جهاني حقوق بشر از سوي سازمان ملل متحد و تضمين بهره مندي تک تک افراد بشري از حقوق مندرج در آن بدور از وابستگيهاي نژادي، جنسي، مذهبي، فرهنگي، سياسي، مالي، قومي و يا هرگونه تبعيض ديگري.
و با توجه به اينكه سازمان ملل متحد در اعلاميه جهاني حقوق بشر به رعايت حقوق ويژه ي كودكان و حمايت آنها تاكيد كرده است.
و با آگاهي به اينكه خانواده، واحد ساختاري جامعه و مكان رشد و پرورش تمام اعضاي آن و به ويژه شكل دهنده ي شخصيت كودكان است.
و اينكه كودكان براي شكوفايي خود نيازمند داشتن خانواده اي هستند سرشار از محبت، عشق، تفاهم و احترام .

و با اين يادآوري كه بايد كودک را براي فرداي جامعه آماده و او را مطابق ايده آل هاي اعلام شده از طرف سازمان ملل يعني آزاديخواه، باشخصيت، صلح جو با روحيه اي داراي تفاهم و همبستگي تربيت نمود و با توجه به ضرورت حمايت ويژه كودكان مطابق مصوبات بين المللي مختلف و از آن جمله:

قرارداد ژنو در سال ۱۹۲۴ ميلادي در باره حقوق كودكان، قرارداد رعايت حقوق كودكان از طرف مجمع عمومي سازمان ملل متحد در بيستم نوامبر ۱۹۵۹ ميلادي، اعلاميه ي جهاني حقوق بشر، پيمان بين المللي در باره حقوق سياسي و شهروندي (بخصوص در ماده ۲۳ و ۲۴ آن)، پيمان جهاني براي حقوق اجتماعي، سياسي و فرهنگي (بخصوص در ماده ۴۰)، اسناد و اساسنامه هاي ديگر تشكل هاي بين المللي كه بنفع كودكان فعاليت ميكنند.
و بدنبال آنچه در اسناد حقوق كودک ذكر شده است، مبني بر اينكه: كودک بخاطر عدم بلوغ جسمي و رواني خود، نيازمند حمايت ويژه حقوقي قبل و بعد از تولد ميباشد.
و بر اساس مصوبات و قراردادهاي مربوط به حمايت كودكان و بخشنامه هاي سازمان مل در باره تعيين حداقل سن و شرايط مجازات قانوني براي نوجوانان و حمايت از زنان و كودكان در زمان جنگ و درگيريهاي مسلحانه.
و بر پايه اين واقعيت كه در بسياري از كشورهاي دنيا، كودكان در موقعيت بد و نابساماني زندگي ميكنند و نياز به توجه فوري و ويژه دارند.
و با درک اهميت و ارزش همكاري هاي بين المللي براي بهبود شرايط زندگي كودكان در همه ي دنيا و بويژه در كشورهاي در حال رشد.

پيمان نامه اي براي حفظ و رعايت حقوق كودكان جهان به قرار زير تصويب ميشود :

ماده ۱ (تعريف)
مطابق اين پيمان نامه، يک كودک، انساني است كه سن هجده سالگي را هنوز تمام نكرده است مگر اينكه سن بلوغ از نظر حقوق جاري در كشورهاي مربوطه زودتر تعيين شده باشد .

ماده ۲ (ممنوعيت تبعيض)
۱ (حكومتهاي عضو اين پيمان، براي هر كودكي كه در قلمرو آنهاست، بدون تبعيض و يا فرق گذاري و بدور از هرگونه وابستگي به نژاد، رنگ پوست، منشاء اجتماعي و قومي و يا ملي، ميزان دارايي، معلوليت، وضعيت سرپرست و يا والدين و هر موقعيت ديگري كه كودک در آن است، اجراي حقوق مندرج در اين پيمان نامه را تضمين ميكنند .

۲ (حكومتهاي عضو اين پيمان، تمام اقدامات لازم را انجام ميدهند تا اين اطمينان كامل را بوجود آورند كه هر كودكي از همه اشكال تبعيض و فرق گذاري در امان است و بخاطر ابراز عقيده و جهان بيني و فعاليت هاي والدين يا سرپرست يا اقوام خودش مجازات نمي شود .

ماده ۳ (نفع كودک)
۱ (درانجام هر اقدامي كه به نوعي به كودک مربوط ميشود، چه در بخش عمومي، خصوصي، اداري، غير اداري و يا هر بخش ديگري، رعايت نفع و تامين سلامت كودک بر ساير مسائل تقدم دارد.
۲ (حكومتهاي عضو پيمان موظف اند با رعايت حقوق والدين و يا سرپرست، از كودكان حمايت نموده و اقدامات لازم حقوقي و قانوني را بعمل آورند.
۳ (حكومتهاي عضو پيمان، اطمينان ميدهند كه ارگانها و نهادهاي مسئول حمايت كودک، داراي استانداردهاي تعيين شده مربوط به تعداد و تخصص نيروي شاغل و تكنيک موجود در موسسات هستند و به ويژه در زمينه ايمني و بهداشت كنترل كافي وجود دارد .

ماده ۴ (وظايف دولتها)
حكومتهاي عضو پيمان، اقدامهاي ضروري و مناسب قانوني، اداري و غيره را بعمل مي آورند تا حقوق پذيرفته شده در اين عهدنامه را اجرا نمايند. حكومتها براي تحقق مفاد اين عهدنامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعي، سياسي و فرهنگي، تا آخرين حد ممكن از تمامي منابع موجود ملي خود و در صورت نياز بين المللي استفاده ميكنند .

ماده ۵ (حقوق والدين)
حكومتهاي عضو اين پيمان به وظايف، حقوق و مسئوليتهاي والدين و يا سرپرست قانوني كودک توجه لازم را مي نمايند تا نسبت به كودک در رابطه با حقوق مندرج در اين پيمان نامه كوتاهي نشود .

ماده ۶ (حق زندگي)
۱ (هر كودكي حق زندگي دارد و اين حق مادرزادي اوست كه از طرف همه حكومتهاي عضو پيمان به رسميت شناخته ميشود.
۲ (ادامه حيات و رشد كودک از طرف حكومتهاي امضاكننده اين پيمان نامه بطور كامل تضمين ميشود .

ماده ۷ (حقوق مربوط به تولد)
۱ (هر كودكي از بدو تولد حق داشتن يک نام را دارد كه بايد در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنين داشتن تابعيت حق اوست و در صورت امكان بايد والدين خود را شناخته و از سوي آنها نگهداري شود.
۲ (حكومتهاي عضو پيمان، حقوق عنوان شده در اين پيمان نامه را در رابطه با حقوق و قوانين داخلي خود و وظايف بين المللي، بخصوص در مورد كودک بدون تابعيت، تضمين نموده و اجرا مي نمايند .

ماده ۸ (حفظ هويت شخصي)
۱ (حكومتهاي عضو پيمان موظف هستند كه حقوق كودک را رعايت كرده و هويت فردي، تابعيت، نام و روابط شناخته شده خانوادگي او را مطابق قانون حفظ نمايند.
۲ (در صورتي كه تمام يا بخشي از هويت شخصي بطور غيرقانوني خدشه دار شود، حكومتها سريعا درصدد ترميم اين خسارت برمي آيند .

ماده ۹ (جدايي از پدر و مادر)
۱ (حكومتهاي امضاكننده اين پيمان نامه اطمينان ميدهند كه يک كودک برخلاف ميل والدينش از آنها جدا نميشود مگر اينكه بر طبق قوانين موجود ثابت شود كه آن جدايي به نفع كودک و لازم است. مثلا وقتي كودک مورد سوء استفاده قرار گرفته و جداي از هم زندگي كنند و تكليف اقامت كودک بايد روشن شود.
(2در موقع اجراي بند يک اين ماده، بايد امكان شركت همه ي افراد مربوطه در آن تصميم گيري را فراهم آورد.

(3حکومتها توجه دارند که حق کودک مبني بر تماس شخصي و مستقيم با پدر و مادر را در هنگامي که آنها از هم جدا شده اند، فراهم کنند مگر اينکه اين عمل با منافع کودک در تضاد باشد.
(4هرگاه جدايي نتيجه اقدام حکومت باشد، مثلا زندان، تبعيد و يا مرگ يکي از والدين يا هر دو آنها و يا مرگ کودک (مرگ به هر علتي که باشد، تعيين کننده آن است که شخص در آن هنگام به نوعي در "اسارت" قانون بوده است)، حکومت امضاکننده اين پيمان نامه موظف است برپايه درخواست والدين يا کودک و يا سرپرست قانوني او، اطلاعات لازم را در مورد محل شخص غايب در اختيار اين افراد قرار دهد، مگراينکه اين عمل به نفع کودک نباشد و به او زيان برساند. حکومتها اطمينان ميدهند که افراد با تقاضاي چنين درخواستي، از طرف حکومت در خطر قرار نمي گيرند .

ماده ۱۰ (رساندن اعضاي خانواده به هم)
۱ (بدنبال ماده ۹ بند ۱ مندرج در اين پيمان نامه، هرگاه کودک يا والدين او درخواست خروج از کشور و يا ورود به کشور ديگري را براي پيوستن به اعضاي خانواده خودشان دارند، ترتيب اين امر بطور انساني و سريع از طرف حکومت داده ميشود و چنين درخواستي داراي هيچگونه خطري از سوي حکومت براي متقاضي و يا وابستگان او نيست.
۲ (کودکي که والدين او در کشورهاي متفاوت بسر ميبرند، حق دارد با هر دوي آنها بطور شخصي، منظم و مستقيم تماس داشته باشد، مگر در صورت وجود شرايط استثنايي مثلا بخاطر حفظ امنيت ملي يا نظم و اخلاق عمومي، لطمه به آزادي و حقوق ديگري و يا نقض حقوق مندرج در اين پيمان نامه.
حکومتها بر پايه ماده ۹ بند ۱ اين پيمان نامه مکلف به رعايت حق کودک و والدين مبني بر با هم بودن آنها هستند .

ماده ۱۱ (کودک ربايي)
۱ (حکومتهاي عضو پيمان، جهت مبارزه با انتقال و اقامت غيرقانوني کودکان به خارج از کشور، اقدام لازم را مي نمايند.
۲ (حکومتها براي اين منظور، خواهان قبول توافق نامه هاي موجود از طرف يکديگر و يا تصويب توافق نامه هاي جديد دو يا چند جانبه هستند .

ماده ۱۲ (آزادي عقيده)
۱ (از سوي حکومتهاي امضاکننده اين پيمان نامه، حق کودکي که که توانايي ساختن نظر شخصي خودش را دارد، به رسميت شناخته ميشود. کودک در تمامي امور مروط به خود، آزادي بيان و اظهار عقيده شخصي را که مطابق سن و رشد اوست، دارد.
۲ (براي اين منظور، به کودک امکان داده ميشود که در دادگاهها و در تمام مراحل قانوني، مستقيم يا با کمک وکيل و يا نهاد مسوول و مناسب ديگر، مطابق قوانين موجود، محاکمه شود .

ماده ۱۳ (آزادي آگهانش)
۱ (کودک حق آزادي بيان دارد و اين حق در پيوند با آزادي آگهانش است که کودک بدون ترس از محدوديتهاي حکومتي، دانستنيها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست نويس يا چاپ، کارهاي هنري يا هر طريق و يا هر وسيله ي انتخابي ديگر، بيان کرده، دريافت نموده و يا به ديگران بدهد.
۲ (اجراي اين حق ميتواند از طرف قوانين ديگري که لازم هستند، محدود شود:
الف) بخاطر حفظ حقوق يا شهرت فردي ديگر.
ب) بخاطر حفظ امنيت ملي، نظم عمومي، اخلاق و عفت عمومي و يا سلامتي جامعه .

ماده ۱۴ (آزادي مذهب، وجدان و افکار)
۱ (حکومتها به حق کودک براي آزادي افکار، وجدان و مذهب توجه ميکنند.
۲ (حکومتها توجه به حقوق و وظايف والدين يا سرپرست کودک دارند که نقش راهنمايي خود را در رابطه با اجراي اين حق در مراحل مختلف سني کودک، ايفا کنند.
۳ (آزادي مذهب و جهان بيني تنها در شرايط قانوني تعيين شده قابل تحديد است که آنهم بخاطر حفظ امنيت ملي، نگهداري نظم اجتماعي، حفظ سلامتي و يا عفت عمومي و يا وقتي منافي حقوق اوليه و آزادي ديگري باشد .

ماده ۱۵ (آزادي تشكيل انجمن و گروه)
۱ (حكومتها حق كودک براي شركت در اجتماعات را به رسميت مي شناسند.
۲ (اجراي اين حق نبايد با امنيت ملي و نظم عمومي مبادرت داشته و منافي اخلاق عمومي و يا برخلاف حقوق اوليه و آزادي ديگري باشد .

ماده ۱۶ (حفظ محدوده خصوصي)
۱ (محدوده شخصي و خصوصي هيچ كودكي قابل تعرض نيست. اين محدوده كه شامل همه جوانب مربوط به امور خانوادگي، مسكوني، حيثيتي و مكاتبات شخصي است، نبايد بطور عمد يا غيرقانوني آسيب ببيند.
۲ (برخورداري از حمايت قانوني در مقابل چنين آسيب هايي، حق كودک است .

ماده ۱۷ (استفاده از وسايل ارتباط گروهي)
حكومتها با آگاهي از نقش مهم وسايل ارتباط جمعي، خاطرنشان ميكنند كه كودک بايد به همه منابع گوناگون ملي و بين المللي آگاهي رساني، به ويژه آنهايي كه براي سلامت جسمي- رواني او مفيدند، دسترسي يابد. براي اين منظور، حكومتهاي عضو اين پيمان:
الف) وسايل ارتباط جمعي را تشويق ميكنند تا آگهانش، كاربرد اجتماعي- فرهنگي داشته و با محتواي ماده ۲۹ همخوان باشد.
ب) خواهان همكاري بين المللي در زمينه توليد، مبادله و توزيع اين آگهانش با مراجعه به منابع رنگارنگ ملي و بين المللي هستند.
ج) توليد و پخش كتابهاي كودكان را حمايت نموده و گسترش ميدهند.
د) وسايل ارتباط جمعي را تشويق ميكنند تا به نيازهاي زباني و گفتاري كودكي كه از اقليتهاي فرهنگي- قومي است، پاسخگو باشند.
ه) قوانيني را كه حافظ كودک در مقابل آسيب هاي احتمالي ناشي از اين وسايل ارتباطي است، بررسي ميكنند بطوريكه ماده هاي ۱۳ و ۱۸ رعايت شوند .

ماده ۱۸ (نگهداري كودک توسط والدين)
۱ (حكومت ها تاكيد و تضمين ميكنند كه پدر و مادر هردو با هم مسوول تربيت و رشد كودک هستند.
۲ (حكومتهاي عضو اين پيمان، جهت اجراي حقوق مندرج در اينجا، از والدين در انجام وظايف خود در رابطه با تربيت و رشد كودک، پشتيباني ميكنند.
۳ (حكومتها تمام اقدامهاي لازم را انجام ميدهند تا براي نگهداري از كودكاني كه والدين شاغل دارند، امكانات مناسب فراهم نمايند .

ماده ۱۹ (حمايت كودكان در برابر سوء استفاده)
۱ (حكومتها با تكيه بر تمام امكانات قانوني، اداري، اجتماعي و آموزشي، كودک را در مقابل هر شكل از رفتار سهل انگارانه با آنها، سوء استفاده جنسي و تجاوز جسمي يا رواني، حمايت ميكنند.
۲ (اقدامات حمايتي حكومتها همراه اجراي روشها و برنامه هاي اجتماعي است كه براي كشف و پيشگيري اين جرايم نسبت به كودک موثر باشند. همچنين درمان آسيب وارده بركودک و كمک به والدين و يا سرپرست در رابطه با سوء استفاده هاي ذكر شده در بند 1 اين ماده بر عهده ي حكومتها است .

ماده ۲۰ (حمايت كودک در دوران جدايي از والدين)
۱ (يک كودک كه بطور موقت يا دايم از آغوش خانواده محروم شده و يا بدليل نفع خودش بايد خانواده را ترک كند، حق استفاده از كمكها و حمايت ويژه حكومتي را دارد.
۲ (حكومتها برپايه حقوق جاري و قوانين داخلي خود، اشكال مختلف كمک به چنين كودكي را بكار ميگيرند.

۳ (قبول كفالت و يا فرزندخواندگي كودک از طرف اشخاص داراي صلاحيت، شكلي از سرپرستي و مواظبت از كودک است. در اين رابطه بايد به ريشه ها و نيازهاي فرهنگي، مذهبي و قومي كودک توجه كرده و تربيت و پرورش بدون انقطاع كودک را تامين نمود .

ماده۲۱ (ضمانت هاي قانوني فرزندخواندگي)
آن دسته از حكومتهاي عضو پيمان كه سيستم كفالت و فرزندخواندگي را به رسميت شناخته يا مجاز مي دانند، با اطمينان خاطرنشان ميكنند كه در تمام اين مراحل، منافع كودک و آسايش او تامين ميشود.
اين حكومتها:
الف) تضمين ميكنند كه امور مربوط به فرزندخواندگي فقط از طرف مسئوولين و ارگانهاي تعيين شده و مجاز صورت گرفته و در چهارچوب حقوق جاري و قوانين داخلي اجرا و كنترل ميشود.
ب) شكل بين المللي فرزندخواندگي را هم به رسميت شناخته و اين امكان را در اختيار كودكاني كه داخل كشور از اين نظر تامين نيستند، مي گذارند.
ج) تضمين ميدهند كه كودک در صورت استفاده از امكان بين المللي فرزندخواندگي، همچنان تحت پوشش كامل حمايتهاي حكومتي و ملي قرار دارد.
د) تمام اقدامهاي مناسب را انجام ميدهند تا از سودجويي هاي مالي در رابطه با فرزندخواندگي بين المللي جلوگيري كنند.
ه) در اين چهارچوب، خواهان عقد قراردادهاي دو يا چند جانبه با كشورهاي ديگر هستند تا بتوانند از جريان مثبت و موفق فرزندخواندگي بين المللي اطمينان حاصل كنند .

ماده ۲۲ (حقوق پناهنده)
۱ (حكومتهاي امضاكننده اين پيمان نامه، با انجام اقدامهاي مناسب، حقوق كودكي را كه از نظر قوانين داخلي و يا بين المللي پناهنده شناخته شده است، تضمين ميكنند. اين حقوق شامل كمكهاي انساني و در جهت احقاق همه حقوق مندرج در اين پيمان نامه و همينطور ديگر پيمان هاي منطقه اي و بين المللي است كه بر پايه تامين حقوق بشر و حقوق كودک استوار هستند، صرف نظر از اينكه كودک تنها با والدين و يا همراه ديگري باشد.
۲ (براي اين منظور، حكومتهاي امضاكننده اين پيمان نامه، نهايت تلاش خود را ميكنند تا از طريق همكاري با سازمان ملل متحد و يا تشكيلات وابسته به آن و همچنين با كمک ديگر سازمانهاي مسئوول منطقه اي و يا فرامنطقه اي كه در زمينه حمايت كودک در ارتباط با سازمان ملل هستند، با تمام نيرو كودک پناهنده را نگهداري كرده و ياري رسانند تا والدين يا افراد فاميل خود را پيدا نموده و به آنها ملحق شود. در صورتيكه افراد مزبور پيدا نشوند، آن كودک مانند بقيه كودكان شامل قانون مربوطه به محروميت موقت يا دايم از آغوش خانواده ميشود. (ماده ۲۰ بند ۱)

ماده ۲۳ (حقوق كودكان معلول)
۱ (حكومتها اعلام ميدارند كه اگر يک كودک داراي نقص بدني يا عقلي است، بايد در عين معلوليت خودش، يک زندگي شايسته انساني داشته باشد. زندگي كه در آن، حيثيت او محفوظ باشد و شركت فعال و مستقل او در زندگي جمعي تسهيل گردد.
۲ (حكومتها اعلام ميكنند كه كودک معلول، داراي حق حمايت ويژه حكومتي است و بايد تا حد ممكن، براي آن كودک و والدين و يا سرپرست او امكانات مناسب را فراهم نمود.
۳ (با توجه به نيازهاي اختصاصي كودک معلول، بايد حمايتهاي مندرج در بند 2 اين ماده را در صورت امكان چنان سازمان داد كه وضعيت مالي والدين و يا سرپرست در نظر گرفته شود و خدمات ارائه شده در جهت آموزش و پرورش و شكوفايي هر چه بيشتر كودک باشند.
۴ (حكومتها، با تكيه بر همكاري بين المللي، خواهان تبادل نظرها و تجربه هاي مختلف اداري، فني، پزشكي و تربيتي در زمينه كودكان معلول هستند تا به ويژه كشورهاي در حال رشد با آشنايي با امكانات و پيشرفتهاي لازم بتوانند به آن دسته از كودكان كمكها و خدمات مفيدتري را ارائه دهند .

ماده ۲۴ (مراقبتهاي بهداشتي)
۱ (حكومتها، حق كودک براي داشتن سلامتي و استفاده از همه ي امكانات براي سلامت ماندن، بهبودي و درمان بيماري را به رسميت مي شناسند و تضمين ميكنند كه هيچ كودكي از اين حق محروم نخواهد ماند.
۲ (حكومتها براي تامين اين حق كودک، اقدامهاي مناسب را انجام ميدهند:

الف) تعداد مرگ و مير نوزادان و كودكان را كاهش ميدهند.
ب) خدمات درماني سراسري براي كودكان را سازمان ميدهند و از تامين نيازهاي اوليه بهداشتي، اطمينان حاصل ميكنند. حكومتها به سلامتي مادر قبل و بعد از زايمان توجه كرده و با بيماري ها و كمبود يا بدي تغذيه مبارزه ميكنند و در اين رابطه امكان تهيه مواد غذايي و آب آشاميدني سالم را با رعايت حفظ محيط زيست، فراهم مي نمايند.
ج) به امر آموزش همه مردم و به ويژه كودكان و والدين توجه نموده و تلاش ميكنند تا اهالي اصول اوليه بهداشتي و بهزيستي را فرگيرند. آنها مثلا با فوايد از سينه شيردادن، بهداشت شخصي و تميز نگهداشتن محيط زيست و چگونگي پيشگيري از سوانح آشنا ميشوند و در عمل هم از پشتيباني حكومتها برخوردارند.
د) مراكز مشاوره براي والدين و روشنگري در زمينه تنظيم خانواده را سازماندهي ميكنند.
۳ (حكومتها جهت مبارزه با خرافات و عادتهايي كه براي سلامتي كودک زيان بخش هستند، اقدامات لازم و مناسب را انجام ميدهند.
۴ (حكومتها خود را موظف مي دانند كه از همكاري هاي بين المللي پشتيباني نموده و آن را تقويت نمايند تا مفاد اين ماده بدون كم و كاست جامه عمل بخود بپوشاند و در اين باره بايد به نيازهاي كشورهاي در حال رشد توجه ويژه نمود .

ماده ۲۵ (كنترل و رسيدگي منظم به مكان نگهداري)
كودكي كه از طرف مسوولين امر جهت نگهداري و پرستاري و يا درمان ناراحتي جسمي يا رواني بستري ميشود، از حق كنترل و رسيدگي منظم تمام امور به نفع خودش برخوردار است و اين حق از طرف حكومتهاي عضو پيمان به رسميت شناخته ميشود .

ماده ۲۶ (بيمه و خدمات اجتماعي)
۱ (حكومتها حق كودک مبني بر استفاده از خدمات و بيمه امور اجتماعي را به رسميت مي شناسند و اقدامهاي ضروري براي نيل به اين مقصود را در هماهنگي با حقوق جاري و قوانين داخلي انجام ميدهند.
۲ (در ارائه اين خدمات و براي كمک به كودک، بايد شرايط عمومي و اقتصادي كودک و والدين يا سرپرست قانوني در نظر گرفته شود .

ماده ۲۷ (استاندارد و سطح زندگي)
۱ (حكومت حق كودک را براي داشتن سطحي از زندگي كه متناسب با موقعيت و رشد روحي، جسمي، قومي و اجتماعي اوست، به رسميت ميشناسد.
۲ (تامين شرايط مطلوب براي كودک، در مرتبه نخست، وظيفه والدين و يا سرپرست اوست.
۳ (حكومت ها بر پايه امكانات و قوانين داخلي خود، تلاش مي كنند تا به والدين و يا سرپرست قانوني كودک كمک هاي لازم را نموده و در صورت نيازمندي، براي آنها خوراک، مسكن و تن پوش فراهم كنند.
۴ (حكومت ها براي تامين خواست هاي مالي كودک در برابر والدين و يا سرپرست، چه در داخل و يا خارج از كشور، اقدامات مقتضي را انجام مي دهند .

ماده ۲۸ (حق آموزش و پرورش)
۱ (حكومت ها حق آموزش و پرورش را براي كودک به رسميت مي شناسند و بويژه براي تحقق آن:
الف) تحصيل دوره ابتدايي را براي همه اجباري و رايگان مي كنند.
ب) مدارس گوناگون آموزشي و حرفه اي را بوجود مي آورند و آنها را بطور ارزان يا رايگان در اختيار افراد كم درآمد قرار مي دهند.
ج) امكان ورود به مدارس عالي را در دسترس همه گذاشته و از آن حمايت مي كنند.
د) مشاوره شغلي و حرفه اي را براي همه كودكان ممكن و قابل دسترسي مي نمايند.
ه) براي كاهش تعداد كودكاني كه مدرسه را رها مي كنند، تلاش نموده و اقدامات مناسب را براي حضور منظم كودكان در مدرسه انجام مي دهند.
۲ (حكومت هاي عضو پيمان كوشش خود را مي كنند تا روند آموزش و پرورش در مدارس درخور منزلت انساني بوده و با محتواي اين عهدنامه هم خوان باشد.

۳ (حكومت ها از همكاري هاي بين المللي در امور آموزشي و پرورشي استقبال كرده و بخصوص هدف ريشه كني بيسوادي و گسترش فن و دانش را دنبال مي كنند و در اين مورد هم به نيازهاي كشورهاي در حال رشد بيشتر توجه مي شود .

ماده ۲۹ (اهداف تربيتي)
۱ (حكومت هاي عضو پيمان تاييد مي كنند كه تربيت بايد:
الف) شخصيت، استعداد و توانايي هاي رواني و جسمي كودک را تقويت و شكوفا نمايد.
ب) احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادي هاي پايه اي مصوب سازمان ملل متحد را، در كودک پرورش دهد.
ج) نسبت به والدين، هويت فرهنگي و زبان و ارزش هاي ملي سرزمين پدري ايجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ ديگر سرزمين ها را تقويت كند.
د) كودک را براي زندگي در يک جامعه آزاد بر پايه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و ديگرباشان، تساوي حقوق زن و مرد و دوستي خلق ها و گروههاي قومي يا ملي_ مذهبي، آماده كند.
ه) علاقه و توجه به كودک را نسبت به محيط زيست و طبيعت بيشتر كند.
۲ (اين ماده و ماده ۲۸ اجازه ندارند چنان تفسير شوند كه موجب اخلال يا خدشه در آزادي شخص حقيقي و يا شخص حقوقي ديگري شوند. در تاسيس مدارس آموزشي هم با توجه به رعايت بند 1، بايد حداقل استانداردهاي تعيين شده حكومتي موجود باشند .

ماده ۳۰ (حمايت از اقليت ها)
كودكان متعلق به اقليت هاي مذهبي، قومي و يا زباني در كشورهايي كه اين اقليت ها وجود دارند، داراي اين حق هستند كه همراه ديگر آشنايان بطور جمعي يا فردي از زبان فرهنگ و مذهب خود برخوردار بوده و از آنها استفاده كنند .
ماده ۳۱ (حق بازي و اوقات فراغت)
۱ (حكومت ها حق كودک را براي داشتن بازي، سرگرمي، وقت آسايش و استراحت به رسميت مي شناسند. كودک مي تواند بطور فعال و آزادانه در امور فرهنگي و هنري در خور سني خودش، شركت جويد.
۲ (حكومت ها به حق كودک براي فعاليت هاي هنري و فرهنگي توجه داشته و با اقدام هاي خود، آنرا پشتيباني مي كنند و امكانات مناسب را براي انجام فعاليت هاي فرهنگي_ هنري و همچنين اوقات فراغت و سرگرمي كودک فراهم مي نمايند .

ماده ۳۲ (ممنوعيت استثمار)
۱ (حكومت ها اين حق را به رسميت مي شناسند كه كودک استثمار اقتصادي نگرديده و به كاري كه براي سلامتي جسم يا جان و يا تربيت و تكامل او زيان بخش است، گمارده نشود.
۲ (حكومت ها براي تضمين و اجراي اين حق، امكانات مختلف قانوني، اجتماعي، اداري و آموزشي را بكار مي برند. حكومت ها براي اين منظور و در هماهنگي با پيمان ها و توافق نامه هاي بين المللي ديگر، ضمن تعيين سن آغاز اشتغال و تنظيم مدت و شرايط كار كودک، مجازات مختلف همراه محاصره اقتصادي دولت خاطي را بررسي مي نمايند .

ماده ۳۳ (حمايت در برابر مواد مخدر)
حكومت ها تمامي اقدامات مناسب همراه استفاده از امكانات قانوني، اداري، اجتماعي و آموزشي را بعمل مي آورند تا كودک را بر عليه موادي كه مطابق اسناد بين المللي بعنوان مواد اعتيادآور و مخدر شناخته شده اند، حمايت نمايند و از بكارگيري غيرمجاز كودكان در توليد و يا توزيع اين مواد جلوگيري مي كنند .

ماده ۳۴ (حمايت در برابر سوء استفاده جنسي)
حكومت هاي عضو پيمان، خود را موظف مي دانند كه كودک را در مقابل هرگونه استثمار سكسي و سوء استفاده جنسي حمايت كنند. حكومت ها براي اين منظور دست به اقداماتي در سطح داخل و خارج از كشور مي زنند تا:
الف) كودكان به روابط جنسي غير قانوني و يا اجباري كشانده نشوند.
ب) كودكان در زمينه فاحشه گري مورد استفاده قرار نگيرند.
ج) از كودكان در پورنوگرافي و نمايش هاي سكسي استفاده نشود .

www.TPTG.ir

ماده ۳۵ (خريد و فروش انسان)
حكومت هاي عضو پيمان با بكارگيري تمامي امكانات موجود داخلي و خارجي، منطقه اي و فرامنطقه از سرقت و خريد و فروش كودكان به هر منظوري كه باشد، جلوگيري مي كنند .

ماده ۳۶ (حمايت در برابر انواع ديگر استثمار)
حكومت هاي عضو پيمان، كودكان را در مقابل انواع استثمار كه به شكلي به زيان آنهاست، حمايت مي كنند .

ماده ۳۷ (ممنوعيت شكنجه، تضمين قانوني در اجراي مجازات)
حكومت ها تضمين مي كنند كه:
الف) هيچ كودكي مورد شكنجه قرار نگيرد و رفتار غير انساني و توهين آميز با او نشود. اجراي مجازات اعدام و حبس هاي طولاني مدت براي كودكان تا قبل از پايان سن هجده سالگي ممنوع است.
ب) توقيف و حبس هاي غيرقانوني و بر پايه ي تصميم هاي شخصي، ممنوع است. حكم زنداني شدن براي كودكان مطابق قانوني و بعنوان آخرين امكان و آنهم براي مدتي بسيار كوتاه، صادر مي شود.
ج) با هر كودكي كه در حبس بسر مي برد بايد رفتاري انساني و بدون تحقير و توهين و متناسب با سن او داشت. اين كودكان را بايد در زندان از بزرگسالان جدا نمود مگر اينكه اين عمل به نفع كودک نباشد. هر كودكي حق دارد با خانواده خود بصورت ملاقات و يا نامه ارتباط داشته باشد، مگر در شرايط فوق العاده استثنايي.
د) هر كودک زنداني حق استفاده از وكيل را براي دفاع از خود دارد و بايد در دادگاه قانوني و ناوابسته كه جانبدار دولت، حزب، فرقه يا آييني نباشد، محاكمه شود. كودک حق دارد به ديگر مراجع صلاحيت دار قانوني در مورد حكم خود شكايت كند و به كار او سريع رسيدگي شود .

ماده ۳۸ (حمايت در انجام خدمت وظيفه)
۱ (حكومت ها وظيفه قانوني دارند كه حتي در شرايط جنگي، قوانين انساني و مربوط به كودكان را رعايت كنند و بر اجراي آنها نظارت داشته باشند. حكومت ها تضمين مي كنند و براي اجراي اين تضمين همه اقدامات ضروری را انجام مي دهند كه هيچ كودكي تا قبل از پايان سن پانزده سالگي خود، در جنگ شركت داده نشود.
۲ (حكومت هاي عضو پيمان، افرادي را كه هنوز سن پانزده سالگي خود را تمام نكرده اند، به جنگ نمي فرستند و در شرايط اضطراري تنها از افراد نسبتا مسن تر استفاده مي كنند.
۳ (حكومت هاي عضو پيمان در شرايط جنگي هم تمام اقدامات را براي حمايت كودكان آسيب ديده از جنگ، انجام مي دهند .

ماده ۳۹ (بازسازي اجتماعي كودكان آسيب ديده)
براي سلامتي روحي، جسمي و اجتماعي كودكي كه قرباني نوعي از بدرفتاري، شكنجه، استثمار يا هر عمل غيرانساني شده است، حكومت هاي عضو پيمان همه اقدامات مناسب را انجام مي دهند. بازسازي جسمي و رواني بايد در محيط و شرايط مناسب، سلامتي و منزلت كودك را تامين كند .

ماده ۴۰ (بازسازي اجتماعي كودكان مجرم)
۱ (حكومت ها به هر كودكي كه بدنبال دوره حبس يا اتهام وارده آسيب ديده است، كمك و اقدامات لازم را جهت درمان او مي نمايند. بطوريكه منزلت او خدشه دار نشده و احترام به حقوق بشر و توانايي او در ايفاي نقش مثبت در جامعه با رعايت سني كه دارد، تقويت شود.
۲ (همصدا با ديگر پيمان هاي بين المللي، حكومت ها تضمين مي كنند كه هيچ كودكي با انجام عملي كه در زمان ارتكاب، مطابق قوانين جرم نموده است، مجازات نمي شود و هر كودكي كه بنوعي در مقابل قانون گناه كار شناخته شده و متهم يا مجازات مي شود، اين حداقل حقوق را دارد:
الف) تا قبل از اثبات جرم بطور قانوني، بي گناه است.
ب) بلافاصله والدين و يا سرپرست كودك بايد به موضوع اتهام واقف شده و بتوانند از ابزار حقوقي و داشتن وكيل براي دفاع از كودك برخوردار باشند.
ج) دادگاه يا نهاد حقوقي مربوطه بلافاصله به مورد كودك رسيدگي نمايد و در صورتيكه سن و شرايط كودك اجازه دهند و نفع و آسايش كودك مختل نشود، والدين يا سرپرست كودك هم در دادگاه شركت مي كنند.

د) كودك را نبايد مجبور كرد كه شهادت داده و يا خود را گناهكار بداند و يا از طريق تماس با شاهدان بر آنها تاثير بگذارد.
ه) هرگاه حكم دادگاه اوليه مبني بر مجرم شناختن و مجازات كودك بود، بايد دادگاه يا مرجع بالاتري كه جانبدار حكومت، حزب، فرقه يا آييني نبوده و كاملا ناوابسته باشد، حكم صادره قبلي را بررسي و به شكايت رسيدگي كند.
ي) اگر كودك زبان بازجو را نمي داند، بايد بطور رايگان مترجم در اختيار او گذاشت.
و) هيچگاه نبايد محدوده خصوصي كودك و شخصيت او دچار آسيب شود.
۳ (دولت ها تلاش مي كنند با استفاده از همه امكانات مختلف در جهت بهتر كردن روند دادگاه ها بكوشند وبه كودكان در اين مراكز كمك نمايند؛ بخصوص:
الف) تعيين حداقل سن براي يك كودك كه در صورت ارتكاب جرم، بتوان او را مجرم شناخت.
ب) كوشش براي حل مسايل بدون دخالت دادگاه ولي اكيدا بر پايه رعايت حقوق بشر و قوانين مدني.
۴ (براي اطمينان از سلامتي جريان حقوقي و اينكه به كودك اجحافي نشود، بايد تداركات زنجيره اي گوناگوني انجام شده يا دردست اجرا باشد مانند: تعيين سرپرست، نظارت و مشاوره آزادي مشروط و مسايل مربوط به قيم، آموزش و پرورش و بسياري نكات روانشناسي و اجتماعي ديگر .

ماده ۴۱ (برتري حقوقي برخي از كشورهاي دنيا)
اين پيمان نامه تبايني با حقوق كودكان در كشورهاي از اين نظر پيشرفته تر ندارد و در اجراي بهتر احقاق حقوق كودكان دخالتي نمي كند. حقوقي كه براي كودكان مناسب تر هستند و:
الف) جزو قوانين يك حكومت عضو اين پيمان محسوب مي شوند.
ب) جزو حقوق ملي و مدني آن كشور هستند .

بخش دوم عهدنامه

ماده ۴۲ (معرفي عهدنامه)
حكومت هاي عضو پيمان خود را موظف مي دانند كه مفاد و مصوبات اين پيمان نامه را از راههاي گوناگون و موثر در اختيار بزرگسالان و همچنين كودكان قرار دهند تا آنها با اين پيمان نامه آشنا شوند .

www.TPTG.ir

ماده ۴۳ (كميسيون حقوق كودكان)
۱ (كميسيون حقوق كودكان، براي كنترل پيشرفت اموري كه حكومت هاي عضو پيمان، تضمين آنرا داده اند، تشكيل مي شود. اين كميسيون تكاليف و وظايف زير را بر دوش مي گيرد.
۲ (كميسيون از ده نفر كه از نظر حرفه اي و اخلاقي، كارشناسان بلندپايه هستند تشكيل شده است كه از طرف حكومت هاي حاضر در اين پيمان نامه و از ميان افراد تابع همان حكومت ها انتخاب مي شوند. در تركيب افراد اين كميسيون به پراكندگي جغرافيايي و سيستم حقوقي كشورها توجه مي شود.
۳ (اعضاي كميسيون به روش مخفي از ليست پيشنهادي حكومت هاي عضو پيمان انتخاب مي شوند.
هر حكومت مي تواند فقط يك نفر از تابعين خودش را پيشنهاد كند.
۴ (اولين انتخابات كميسيون حداكثر شش ماه بعد از تصويب اين پيمان نامه برگزار مي شود و انتخابات بعدي هر دو سال يكبار انجام مي پذيرند. دبيركل بطور كتبي و حداكثر چهارماه قبل از انتخابات، از حكومت هاي عضو پيمان درخواست مي كند كه پيشنهادات خودشان را ظرف دو ماه ارايه دهند. دبيركل بر پايه اين پيشنهادات همه اسامي را برطبق حروف الفبا و ذكر نام حكومت پيشنهاد دهنده تهيه كرده و به اطلاع همه حكومت ها مي رساند.
۵ (جلسه براي انتخابات كه از طرف دبيركل سازمان ملل اعلام و تشكيل شده است در صورت حضور دوسوم حكومت هاي عضو پيمان، قدرت تصميم گيري دارد. افراد پيشنهاد شده در ليست كه اكثريت مطلق آراي حاضرين را كسب كنند بعنوان نماينده و كارشناس عضو كميسيون شناخته مي شوند.
۶ (اعضاي كميسيون براي مدت چهارسال انتخاب مي شوند و در صورت پيشنهاد مجدد، مي توانند دوباره انتخاب شوند. مدت عضويت پنج نفر از اعضاي كميسيون كه در بار اول انتخاب شده اند، بعد از دو سال تمام مي شود كه نام آنها در قرعه تعيين و بلافاصله بعد از انتخابات اعلام مي شود.
۷ (در صورت فوت يا استعفاي يكي از اعضاي كميسيون و يا اگر يك عضو به هر دليلي نتوانست انجام وظيفه كند، حكومتي كه آن عضو را پيشنهاد كرده است از بين تابعين خود، يك كارشناس را معرفي مي كند كه با موافقت كميسيون، براي مدت باقي مانده، به عضويت كميسيون درمي آيد.
۸ (كميسيون، اصول كار و فعاليت هاي خود را برنامه ريزي مي كند.
۹ (كميسيون، هيات مديره خود را براي مدت دو سال انتخاب مي كند.
۱۰ (جلسات كميسيون معمولا سالي يكبار در محل سازمان ملل يا مكان مناسب ديگري كه كميسيون مشخص كند تشكيل مي شود. مدت جلسه با توافق دبيركل سازمان ملل تعيين مي گردد.
۱۱ (مكان و نيروي انساني كه كميسيون براي انجام وظايف خود نياز دارد، از طرف دبيركل سازمان ملل متحد تامين مي شود.
۱۲ (به اعضاي اين كميسيون با موافقت مجمع عمومي حكومت هاي عضو اين پيمان نامه، درآمدي تعلق مي گيرد كه از محل صندوق سازمان ملل و طبق مقررات آن تامين مي شود .

ماده ۴۴ (گزارش دهي و گزارش گيري)
۱ (حكومت هاي عضو پيمان موظف هستند كه گزارشات خود را درباره فعاليت ها و اقدامات مربوط به تحقق و پيگيري تصميمات اين پيمان نامه تهيه و تنظيم نموده و ارايه دهند و آنهم:
الف) ظرف دو سال بعد از تصويت اين پيمان نامه براي حكومت هاي مربوطه.
ب) سپس هر پنج سال يكبار.
۲ (در گزارشات بايد مشكلا ت اصلي را كه مانع اجراي مصوبات بوده اند، ذكر نموده و تصوير كامل و دقيقي از چگونگي اجراي مصوبات ارايه نمود.
۳ (محتواي گزارشات حكومتي عرضه شده به كميسيون نبايد در گزارشات بعدي كه مطابق بند (ب) در اصل شماره (۶) اين ماده ارايه مي گردند، تكرار شوند.
۴ (كميسيون مي تواند از حكومت هاي مربوطه در مورد اجراي اين پيمان نامه، تحقيق و پرس و جو كند.
۵ (كميسيون،گزارش فعاليت هاي اقتصادي و اجتماعي خود را هر دو سال يكبار به مجمع عمومي تقديم مي كند.
۶ (حكومت هاي عضو پيمان، گزارشات ارايه شده را در سرزمين هاي خود منتشر و به اطلاع مردم مي رسانند .

ماده ۴۵ (وظايف ارگان هاي ويژه سازمان ملل)
براي پيشبرد و اجراي قاطع اين پيمان نامه و گسترش همكاري هاي بين المللي در اين رابطه:

الف) "كارگاه كمك به كودكان" و ديگر سازمان ها و تشكيلات ويژه سازمان ملل، در مسايل مربوط به زمينه كاري خودشان، نماينده سازمان ملل متحد براي اجراي پيمان هاي بين المللي هستند.
كميسيون اگر لازم بداند، مي تواند از اين ارگان هاي ويژه سازمان ملل متحد براي همكاري در زمينه هاي مربوطه دعوت نموده و ياري دريافت كند.
ب) كميسيون حقوق كودكان در صورت لزوم با ارگان هاي سازمان ملل تماس گرفته و با درخواست كتبي همراه ارايه گزارش كشورهاي طرف قرارداد، از مشاوره فني و كارشناسي آن ارگان مربوطه كمك مي گيرد.
ج) كميسيون مي تواند جهت اجراي مفاد مربوط به حقوق كودك، به مجمع عمومي پيشنهاد پرسش و درخواست از دبيركل را بنمايد.
د) كميسيون مي تواند بر پايه اطلاعاتي كه طبق ماده 44 و ماده 45 كسب كرده است، پيشنهادات و توصيه هاي لازم را به حكومت مربوطه داده و مجمع عمومي را هم در جريان بگذارد .

بخش سوم عهدنامه

اين پيمان نامه جهت امضا دراختيار همه حكومت هاي قرار دارد .
ماده ۴۷ (تاييد رسمي)
اين پيمان نامه دراختيار دبيركل سازمان ملل متحد گذاشته شده است .

ماده ۴۸ (پذيرش اين پيمان نامه)
اين پيمان نامه جهت پذيرش دراختيار همه حكومت ها قرار گرفته و سند توافق هر حكومت بطور ثبت شده و تحت عنوان "پذيرش نامه" در نزد دبيركل مي باشد .

ماده ۴۹ (قدرت اجرايي)
۱ (اين پيمان نامه درست سي روز پس از دريافت بيستمين پذيرش نامه توسط دبيركل سازمان ملل، قدرت اجرايي مي يابد.

۲ (هرگاه حكومتي بعد از دريافت بيستمين پذيرش نامه به اين پيمان نامه پيوسته و پذيرش نامه را امضا كند، تاريخ قدرت اجرايي براي آن حكومت، سي روز پس از ورود و امضاي پذيرش نامه است.
(توضيح: آغاز اعتبار و قدرت اجرايي اين پيمان نامه مطابق اين مصوبه از تاريخ دوم سپتامبر ۱۹۹۰ ميلادي است-م)

ماده ۵۰ (تغييرات)
۱ (هر حكومت عضو پيمان مي تواند پيشنهاد يك تغيير در اين پيمان نامه را داده و آنرا به دبيركل تسليم كند. دبيركل اين پيشنهاد دريافتي را به اطلاع ساير حكومت هاي عضو پيمان رسانده و درباره آن نظرخواهي مي كند. اگر چهارماه پس از اظهار يك پيشنهاد، حداقل يك سوم حكومت ها با آن پيشنهاد موافق بودند، دبيركل، تشكيل جلسه عمومي را براي طرح آن پيشنهاد اعلام مي كند. هر تغييري كه توسط اكثريت حاضرين در جلسه پذيرفته شد، جهت تصويب به مجمع عمومي ابلاغ مي شود.
۲ (تغيير پذيرفته شده در پيمان نامه پس از تصويب مجمع عمومي و توافق دوسوم اكثريت حكومت ها، قدرت اجرايي دارد.
۳ (تغييري كه اعتبار و قدرت اجرايي يافته است، تنها براي حكومت هايي كه آنرا پذيرفته اند، مي تواند پيگرد قانوني داشته باشد.

ماده ۵۱ (قيد وشرط)
۱ (دبيركل سازمان ملل متحد با تاكيد اعلام مي كند؛ هر حكومتي كه هنگام ورود و پذيرش اين پيمان نامه قيد و شرطي بگذارد، با آغوش باز پذيرفته و آنرا به اطلاع ساير حكومت ها مي رساند.
۲ (قيود و شروطي كه با هدف و منظور اين پيمان نامه منافات دارند، پذيرفته نمي شوند.
۳ (قيد و شرط ها مي توانند از طريق يادداشت كوتاه و تاريخ دار به دبيركل، در هر زماني پس گرفته شوند. دبيركل، ساير حكومت ها را از آن يادداشت مطلع مي كند.

ماده ۵۲ (استعفا)
يك حكومت مي تواند استعفاي خود را از شركت و پذيرش اين پيمان نامه از طريق نامه كتبي به دبيركل اعلام كند. يكسال بعد از دريافت آن نامه توسط دبيركل، استعفا قدرت قانوني دارد.

ماده ۵۳ (نگهداري)
دبيركل سازمان ملل متحد به عنوان نگهدارنده و حافظ اين پيمان نامه تعيين مي شود.

ماده ۵۴(امانت)
نوشته اصل اين پيمان نامه كه به زبان هاي عربي، چيني، انگليسي، فرانسوي، روسي و اسپانيايي است و همگي به يك اندازه اعتبار دارند، به رسم امانت، نزد دبيركل سازمان ملل متحد گذاشته شده است.

www.TPTG.ir

كنوانسيون رفع هر نوع تبعيض از زنان

مجمع عمومي سازمان ملل متحد كنوانسيون رفع هر نوع تبعيض از زنان را، در تاريخ 27 آذر 1358 (18 دسامبر 1979)، تصويب كرد. اين كنوانسيون براي امضا، تصويب و الحاق كشورها مفتوح شد و، بر اساس بند 1 ماده 27، در تاريخ 12 شهريور 1360 (سوم سپتامبر 1981)، لازم‌الاجرا شد.

مقدمه

دولت‌هاي عضو اين كنوانسيون، با عنايت به اين‌كه منشور ملل متحد بر پايبندي حقوق اساسي بشر، مقام و منزلت هر فرد انساني و برابري حقوق زن و مرد تأكيد دارد؛ با عنايت به اين‌كه اعلاميهٔ جهاني حقوق بشر بر اصل جايز نبودن تبعيض تأييد داشته، اعلام مي‌دارد كه كلية افراد بشر آزاد به دنيا آمده و از نظر منزلت و حقوق يكسان بوده و بدون هيچ‌گونه تمايزي، از جمله تمايزات مبتني بر جنسيت، حق دارند از كلية حقوق و آزادي‌هاي مندرج در اين اعلاميه بهره‌مند شوند؛ با عنايت به اين‌كه دول عضو ميثاق‌هاي بين‌المللي حقوق بشر متعهد به تضمين حقوق برابر زنان و مردان در هرهمندي از كلية حقوق اساسي، اجتماعي، فرهنگي، مدني و سياسي مي‌باشند؛ با در نظر گرفتن كنوانسيون‌هاي بين‌المللي كه تحت نظر سازمان ملل متحد و كارگزاري‌هاي تخصصي به منظور پيشبرد تساوي حقوق زنان و مردان منعقد گرديده‌اند؛ با عنايت به قطعنامه‌ها، اعلاميه‌ها و توصيه‌هايي كه توسط ملل متحد و كارگزاري‌هاي تخصصي براي پيشبرد تساوي حقوق زنان و مردان تصويب شده است؛ با نگراني از اين‌كه علي‌رغم اين اسناد متعدد، تبعيضات عليه زنان همچنان به‌طور گسترده ادامه دارد؛ با يادآوري اين‌كه تبعيضات عليه زنان ناقض اصول برابري حقوق و احترام به شخصيت بشر مي‌باشد و مانع شركت زنان در شرايط مساوي با مردان در زندگي سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي كشور و نيز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده و شكوفايي كامل قابليت‌ها و استعدادهاي زنان در خدمت به كشور و بشريت را دشوارتر مي‌نمايد، با نگراني از اين‌كه زنان در شرايط فقر و تنگدستي حداقل امكان دسترسي را به مواد غذايي، بهداشت، تحصيلات، آموزش و امكانات اشتغال و ساير نيازها دارند؛ با اعتقاد بر اين‌كه تشكيل نظام نوين اقتصاد بين‌الملل بر اساس مساوات و عدالت در تحقق پيشبرد برابري بين مردان و زنان نقش مهمي را ايفا مي‌نمايد؛ با تأكيد بر اين‌كه ريشه‌كن كردن آپارتايد، اشكال مختلف نژادپرستي، تبعيض نژادي، استعمار، استعمار نو، تجاوز، اشغال و سلطه و دخالت خارجي در امور دولت‌ها لازمهٔ تحقق كامل حقوق مردان و زنان مي‌باشد؛ با تأييد بر اين‌كه تحكيم صلح و امنيت بين‌المللي، تشنج‌زدايي بين‌المللي، همكاري‌هاي متقابل دول، صرف‌نظر از نظام‌هاي اجتماعي و اقتصادي آنان، خلع سلاح كامل و به‌ويژه خلع سلاح اتمي تحت نظارت و كنترل دقيق و مؤثر بين‌المللي، تأكيد بر اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بين كشورها و احقاق حق مردم تحت سلطهٔ استعمار و بيگانه و اشغال خارجي به دستيابي به حق تعيين سرنوشت و استقلال و همچنين احترام به حاكميت ملي و تماميت ارضي باعث توسعه و پيشرفت اجتماعي خواهد شد و در نتيجه به دستيابي به مساوات كامل بين مردان و زنان كمك خواهد كرد؛ با اعتقاد بر اين‌كه توسعهٔ تمام و كمال يك كشور، رفاه جهاني و برقراري صلح مستلزم شركت يكپارچهٔ زنان در تمام زمينه‌ها در شرايط مساوي با مردان است؛ با در نظر گرفتن سهم عمدهٔ زنان در تحقق رفاه خانواده و پيشرفت جامعه، كه تاكنون كاملاً شناسايي نشده است، اهميت اجتماعي و مادري و نقش والدين در خانواده و در تربيت كودكان و با آگاهي از اين‌كه نقش زنان در توليدمثل نبايد اساس تبعيض باشد، بلكه تربيت كودكان يازمند تقسيم مسئوليت بين زن و مرد و جامعه به‌طور كلي مي‌باشد؛ با اطلاع از اين‌كه تغيير در نقش سنتي مردان و زنان در جامعه و خانواده براي دستيابي به مساوات كامل ميان زنان و مردان ضروري است؛ با عزم بر اجراي اصول مندرج در اعلاميهٔ محو تبعيض عليه زنان و در اين راستا اتخاذ اقدامات ضروري براي از ميان برداشتن اين‌گونه تبعيض‌ها در كلية اشكال و صور آن، به شرح ذيل توافق كرده‌اند:

www.TPTG.ir

بخش اول

ماده 1

عبارت «تبعيض عليه زنان» در اين كنوانسيون به هرگونه تمايز، استثنا (محروميت) يا محدوديت بر اساس جنسيت كه نتيجه يا هدف آن خدشه‌دار كردن يا لغو شناسايي، بهره‌مندي، يا اعمال حقوق بشر و آزادي‌هاي اساسي در زمينه‌هاي سياسي، اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي، مدني و يا هر زمينة ديگر توسط زنان، صرف‌نظر از وضعيت زناشويي ايشان و بر اساس تساوي ميان زنان و مردان، اطلاق مي‌گردد.

ماده 2

دول عضو هرگونه تبعيض عليه زنان را محكوم كرده، موافقت مي‌نمايند كه بدون درنگ سياست رفع تبعيض از زنان را با كلية ابزارهاي مناسب دنبال كنند و با اين هدف موارد زير را متعهد مي‌شوند:
الف. گنجاندن اصل مساوات ميان زنان و مردان در قانون اساسي يا ساير قوانين مربوطة هر كشور، چنانچه تاكنون منظور نشده باشد، و تضمين تحقق عملي اين اصل به وسيلة وضع قانون يا ساير طرق مناسب ديگر؛

ب. تصويب قوانين مناسب و يا اقدامات ديگر، از جمله مجازات در صورت اقتضا، به منظور رفع تبعيض از زنان؛

ج. برقراري حمايت قانون از حقوق زنان بر مبناي برابري با مردان و حصول اطمينان از حمايت مؤثر از زنان در مقابل هرگونه اقدام تبعيض‌آميز از طريق مراجع قضايي ذيصلاح ملي و ساير مؤسسات دولتي؛
د. خودداري از انجام هرگونه عمل و حركت تبعيض‌آميز عليه زنان و تضمين رعايت اين تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتي؛

هـ. اتخاذ كلية اقدامات مناسب جهت رفع تبعيض از زنان توسط هر شخص، سازمان و يا شركت‌هاي خصوصي؛

و. اتخاذ تدابير لازم از جمله وضع قوانين به منظور اصلاح يا فسخ قوانين، مقررات، عرف يا روش‌هاي موجود كه نسبت به زنان تبعيض‌آميزند؛

ز. فسخ كلية مقررات كيفري ملي كه موجب تبعيض نسبت به زنان مي‌شود.

ماده 3

دول عضو بايد در تمام زمينه‌ها به‌ويژه زمينه‌هاي سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي كلية اقدامات مناسب از جمله وضع قوانين را براي تضمين توسعه و پيشرفت كامل زنان و نيز بهره‌مندي آنان از حقوق بشر و آزادي‌هاي اساسي بر مبناي مساوات با مردان به عمل آورند.

ماده 4

1. اتخاذ تدابير ويژه و موقتي توسط دول عضو، كه هدف آن تسريع در برقراري مساوات بين مردان و زنان است، نبايد به‌عنوان «تبعيض» به صورتي كه در اين كنوانسيون تعريف شده است، تلقي گردد. و بدون اين‌كه اين اقدامات منجر به حفظ معيارهاي نابرابر و مجزا گردد، پس از تحقق رفتار و فرصت‌هاي برابر متوقف خواهد شد.

2. اتخاذ تدابير ويژه توسط دول عضو از جمله اقداماتي كه در اين كنوانسيون براي حمايت از مادري منظور شده است تبعيض‌آميز تلقي نخواهد شد.

ماده 5

دول عضو كلية اقدامات مناسب در زمينه‌هاي زير را به عمل مي‌آورند:

الف. تعديل الگوهاي اجتماعي و فرهنگي رفتاري مردان و زنان به منظور از ميان برداشتن تعصبات و كلية روش‌هاي سنتي و غيره كه بر تفكر پست‌نگري يا برترنگري هر يك از دو جنس و يا تداوم نقش‌هاي كليشه‌اي براي مردان و زنان استوار باشد؛

ب. حصول اطمينان از اين‌كه آموزش خانواده شامل درك صحيح از وضعيت مادري به‌عنوان يك وظيفة اجتماعي و شناسايي مسئوليت مشترك زنان و مردان در پرورش و تربيت كودكان خود باشد، با اين استنباط كه منافع كودكان در تمام موارد در اولويت قرار دارد.

ماده 6

دول عضو كلية اقدامات مقتضي از جمله وضع قوانين را به منظور جلوگيري از حمل و نقل غيرقانوني و بهره‌بري از روسپي‌گري زنان به عمل خواهند آورد.

بخش دوم

ماده 7

دول عضو براي رفع تبعيض از زنان در حيات سياسي و اجتماعي كشور كلية اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد، به‌ويژه حقوق زير را در شرايط مساوي با مردان براي زنان تضمين خواهند كرد:
الف. رأي دادن در كلية انتخابات و همه‌پرسي‌هاي عمومي و داشتن شرايط نامزدي در همة اجتماعات منتخب عمومي؛

ب. مشاركت در تعيين سياست دولت و اجراي آن و انتصاب به سمت‌هاي دولتي و انجام كلية مسئوليت‌هاي دولتي در تمام سطوح دولت؛

ج. شركت در سازمان‌ها و انجمن‌هاي غيردولتي مرتبط با حيات سياسي و اجتماعي كشور.

ماده 8

دول عضو اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد تا بدون هيچ‌گونه تبعيض و در شرايط مساوي با مردان اين فرصت به زنان داده شود كه به‌عنوان نمايندة دولت خود در سطح بين‌المللي عمل نموده و در فعاليت سازمان‌هاي بين‌المللي نقش داشته باشند.

ماده 9

www.TPTG.ir

1. دول عضو در مورد كسب، تغيير يا حفظ تابعيت، حقوقي مساوي با مردان به زنان اعطا خواهند كرد. دولت‌ها به‌ويژه تضمين مي‌كنند كه ازدواج با فرد خارجي يا تغيير تابعيت شوهر در طي دوران ازدواج خود به خود باعث تغيير تابعيت زن، بي‌وطن شدن يا تحميل تابعيت شوهر به وي نگردد.
2. دول عضو به زنان و مردان در مورد تابعيت فرزندانشان حقوق مساوي اعطا خواهند كرد.

بخش سوم

ماده 10

دول عضو به منظور تضمين حقوق مساوي زنان با مردان در زمينة آموزش و پرورش هرگونه اقدامي براي رفع تبعيض از زنان به عمل خواهند آورد. به‌ويژه بر اساس مساوات بين زنان و مردان موارد زير را تضمين خواهند كرد:

الف. شرايط يكسان در زمينة آموزش‌هاي فني و حرفه‌اي، و براي دسترسي به آموزش و دريافت دانشنامه در انواع مختلف مؤسسات آموزشي در مناطق شهري و روستايي، اين تساوي بايد در آموزش پيش‌مدرسه‌اي، آموزش عمومي، فني و حرفه‌اي و آموزش عالي فني و نيز دوره‌هاي حرفه‌اي مختلف تضمين شود؛

ب. دسترسي به برنامة درسي يكسان، امتحانات يكسان، معلمين داراي مهارت‌ها و صلاحيت‌هاي هم‌طراز و محل‌ها و امكانات آموزشي با كيفيت برابر؛

ج. از بين بردن هرگونه مفهوم كليشه‌اي از نقش زنان و مردان در كلية سطوح و در اشكال مختلف آموزشي از طريق تشويق به آموزش مختلط و ساير انواع روش‌هاي آموزشي كه نيل به اين هدف را ممكن مي‌سازد و به‌ويژه از طريق تجديدنظر در كتب درسي و برنامه‌هاي آموزشي مدارس و تطبيق دادن روش‌هاي آموزشي؛

د. ايجاد فرصت‌هاي يكسان جهت بهره‌مندي از بورس‌ها و ساير مزاياي تحصيلي؛
هـ. امكانات مشابه جهت دستيابي به برنامه‌هاي مربوط به ادامة تحصيلات، از جمله برنامه‌هاي عملي سوادآموزي بزرگسالان به‌ويژه برنامه‌هايي كه با هدف كاهش هرچه سريع‌تر شكاف آموزشي موجود بين زنان و مردان تدوين يافته‌اند؛

و. كاهش درصد دانش‌آموزان دختر كه ترك تحصيل مي‌كنند، و تنظيم برنامه‌هايي براي دختران و زناني كه ترك تحصيل زودرس داشته‌اند؛

ز. امكانات يكسان براي شركت فعال زنان در ورزش و تربيت بدني؛

ج. دسترسي به اطلاعات آموزشي مشخص كه سلامتي و تندرستي خانواده را تضمين مي‌نمايند، از جمله اطلاعات و راهنمايي در مورد تنظيم خانواده.

ماده 11

1. دول عضو كلية اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد تا هرگونه تبعيض عليه زنان در اشتغال از بين برود و بر اساس اصل تساوي زنان و مردان، حقوق مشابه براي آنها تضمين شود، به‌ويژه در موارد زير:

الف. حق اشتغال به كار به‌عنوان حق لاينفك تمام افراد بشر؛

ب. حق استفاده از فرصت‌هاي استخدامي يكسان، از جمله اعمال ضوابط يكسان براي استخدام؛
ج. حق انتخاب آزادانة حرفه و پيشه، حق برخورداري از ارتقاي مقام، حق برخورداري از امنيت شغلي و تمام امتيازات و شرايط شغلي و حق استفاده از دوره‌هاي آموزش حرفه‌اي و بازآموزي از جمله كارآموزي و شركت در دوره‌هاي

آموزش حرفه‌اي پيشرفته و آموزش مرحله‌اي؛
د. حق دريافت دستمزد برابر و نيز استفاده از مزايا و حق برخورداري از رفتار يكسان در مشاغلي كه داراي ارزش برابر است و همچنين قضاوت يكسان در ارزيابي كيفيت كار مشابه؛
هـ. حق استفاده از بيمه‌هاي اجتماعي به‌ويژه در دوران بازنشستگي، دوران بيكاري، هنگام بيماري و ناتواني و دوران پيري و در ساير موارد ازكارافتادگي و نيز حق استفاده از مرخصي استحقاقي؛
و. حق حفظ سلامتي و رعايت ايمني در محيط كار، از جمله حمايت از وظيفة توليدمثل؛
2. به منظور جلوگيري از اعمال تبعيضات عليه زنان بر پاية ازدواج يا مادري (بارداري) و تضمين حق مؤثر آنان جهت كار، دول عضو اقدامات زير را به عمل خواهند آورد:
الف. ممنوعيت اخراج به دليل بارداري يا مرخصي زايمان و تبعيض در اخراج بر اساس وضعيت زناشويي و اعمال مجازات‌هاي قانوني بدين منظور؛

ب. صدور اجازة مرخصي زايمان با حقوق يا مزاياي اجتماعي مشابه بدون از دست دادن شغل قبلي، ارشديت يا مزاياي اجتماعي؛

ج. تشويق به ارائة خدمات حمايتي اجتماعي لازم به نحوي كه والدين را قادر نمايد تعهدات خانوادگي را با مسئوليت‌هاي شغلي و مشاركت در زندگي اجتماعي هماهنگ سازد، بخصوص از طريق ايجاد و توسعة شبكة تسهيلاتي براي مراقبت از كودكان؛
د. برقراري حمايت خاص از زنان هنگام بارداري در انواع مشاغلي كه براي آنان زيان‌آور محسوب مي‌گردد؛
3. قوانين حمايت‌كنندة ذكرشده در اين ماده به‌طور متناوب همگام با پيشرفت اطلاعات و دانش‌هاي علمي و تكنولوژيكي بايد مورد بررسي قرار گيرد و در صورت لزوم بازنگري، لغو يا تمديد شوند.

ماده 12

1. دول عضو براي رفع تبعيض از زنان در زمينة مراقبت بهداشتي آنان كلية اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا دسترسي به خدمات بهداشتي از جمله خدماتي كه به تنظيم خانواده مربوط مي‌شود بر اساس رعايت مساوات بين مردان و زنان تضمين شود.

2. دول عضو، صرف‌نظر از مفاد بند 1 اين ماده، ارائة خدمات مناسب در ارتباط با بارداري، بستري براي زايمان و دوران پس از زايمان را تضمين خواهند كرد و در موارد لازم خدمات رايگان و نيز تغذية كافي در دوران بارداري و دوران شيردهي در اختيار آنان قرار خواهند داد.

ماده 13

دول عضو كلية اقدامات مقتضي را به منظور رفع تبعيض از زنان در ساير زمينه‌هاي حيات اقتصادي و اجتماعي به عمل خواهند آورد تا حقوق يكسان به‌ويژه در زمينه‌هاي زير بر اساس برابري مردان و زنان تضمين شود:

الف. حق استفاده از مزاياي خانوادگي؛

ب. حق استفاده از وام‌هاي بانكي، رهن و ساير اشكال اعتبارات مالي؛

ج. حق شركت در فعاليت‌هاي تفريحي، ورزشي و كلية زمينه‌هاي حيات فرهنگي.

ماده 14

1. دول عضو مشكلات خاص زنان روستايي را مدنظر قرار داده و به نقش مهمي كه اين زنان در جهت حيات اقتصادي خانواده‌هاي خود، از جمله كار در بخش‌هاي غيرمالي اقتصاد به عهده دارند، توجه خاص مبذول خواهند داشت و كلية اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد تا مفاد اين كنوانسيون نسبت به زنان در مناطق روستايي اجرا گردد.

2. دول عضو كلية اقدامات مقتضي را جهت رفع تبعيض از زنان در مناطق روستايي به عمل خواهند آورد تا اين زنان بر اساس تساوي مردان و زنان در برنامه‌هاي عمراني و روستايي شركت نموده و از آن بهره‌مند گردند و بخصوص از حقوق زير برخوردار شوند:
الف. شركت در تدوين و اجراي برنامه‌هاي عمراني در كلية سطوح؛

ب. دسترسي به تسهيلات بهداشتي كافي از جمله اطلاعات، مشاوره و خدمات تنظيم خانواده؛
ج. استفادة مستقيم از برنامه‌هاي تأمين اجتماعي؛

د. استفاده از انواع دوره‌ها و برنامه‌هاي آموزشي رسمي و غيررسمي، از جمله سوادآموزي عملي و نيز بهره‌مندي از خدمات محلي و فوق‌العاده به منظور بالا بردن كارآيي فني آنان؛

هـ. تشكيل گروه‌ها و تعاوني‌هاي خوديار به منظور به‌دست آوردن امكان دستيابي مساوي به فرصت‌هاي اقتصادي از طريق اشتغال يا خوداشتغالي؛

و. شركت در كلية فعاليت‌هاي محلي؛

ز. دسترسي به وام‌ها و اعتبارات كشاورزي، تسهيلات بازاريابي، تكنولوژي مناسب و استفادة يكسان از زمين و برخورداري از رفتار مساوي در چارچوب اصلاحات ارضي و روستايي و نيز در برنامه‌هاي جايگزيني زمين؛

ح. بهره‌مندي از شرايط زندگي مناسب، به‌ويژه مسكن، بهداشت، آب و برق، ارتباطات، و حمل و نقل.

بخش چهارم

ماده 15

1. دول عضو به زنان حقوق مساوي با مردان در برابر قانون اعطا مي‌كنند.

2. دول عضو در امور مدني به زنان اختيارات و امكانات قانوني دقيقاً يكسان با مردان و نيز شرايط مساوي براي بهره‌برداري از اين اختيارات و امكانات اعطا خواهند كرد. دول عضو براي انعقاد قرارداد و ادارة املاك براي زنان حقوقي برابر با مردان قائل شده و با ايشان در كلية مراحل دادرسي در دادگاه‌ها و مراجع قضايي به صورت يكسان رفتار خواهند كرد.

3. دول عضو موافقت مي‌نمايند كه كلية قراردادها و ساير اسناد خصوصي از هر نوع كه داراي اثر قانوني بوده و در جهت محدود كردن امكانات قانوني زنان باشد، كان لم يكن تلقي گردد.
4. دول عضو به زنان و مردان حقوقي يكسان در برابر قانون مربوط به تردد افراد و آزادي و انتخاب مسكن و اقامتگاه اعطا خواهند كرد.

ماده 16

1. دول عضو به منظور رفع تبعيض از زنان در كلية امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگي كلية اقدامات مقتضي به عمل خواهند آورد و به‌ويژه بر اساس تساوي مردان و زنان موارد ذيل را تضمين خواهند كرد:

الف. حق يكسان براي ورود به ازدواج؛

ب. حق يكسان در انتخاب آزادانة همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضايت كامل و آزادانة دو طرف ازدواج؛

ج. حقوق و مسئوليت‌هاي يكسان در طي دوران زناشويي و به هنگام جدايي؛
د. حقوق و مسئوليت‌هاي يكسان به‌عنوان والدين، صرف‌نظر از وضع روابط زناشويي، در مسائلي كه به فرزندان آنان مربوط مي‌شود؛ در كلية موارد منافع كودكان از اولويت برخوردار خواهد بود؛
هـ. حقوق يكسان در مورد تصميم‌گيري آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصلة زماني بارداري و دسترسي به اطلاعات، آموزش و ابزار لازم كه قدرت بهره‌مندي از اين حقوق را به ايشان مي‌دهد؛
و. حقوق و مسئوليت‌هاي يكسان در مورد قيموميت، حضانت، سرپرستي و به فرزند گرفتن كودكان و يا موارد مشابه با اين مفاهيم در حقوق ملي، در كلية موارد منافع كودكان از اولويت برخوردار خواهد بود؛

ز. حقوق فردي يكسان به‌عنوان شوهر و زن منجمله حق انتخاب نام خانوادگي، شغل و حرفه؛
ح. حقوق يكسان براي زوجين نسبت به مالكيت، حق اكتساب، مديريت، سرپرستي، بهره‌مندي و انتقال ملك اعم از اين‌كه رايگان باشد و يا هزينه‌اي در بر داشته باشد.

2. نامزدي و ازدواج كودك هيچ اثر قانوني ندارد و كلية اقدامات ضروري منجمله وضع قانون براي تعيين حداقل سن ازدواج و اجباري كردن ثبت ازدواج در دفاتر رسمي مي‌بايست به عمل آيد.

بخش پنجم

ماده 17

1. به منظور بررسي پيشرفت حاصله در اجراي مفاد اين كنوانسيون، كميتة محو تبعيض عليه زنان (كه مِن‌بعد از آن به‌عنوان كميته ياد خواهد شد) شامل هجده نفر در زمان لازم‌الاجرا شدن و پس از تصويب يا پيوستن سي و پنجمين كشور عضو، بيست و سه نفر از خبرگان داراي شهرت اخلاقي والا و صلاحيت در زمينه‌هاي مربوط به كنوانسيون تشكيل مي‌شود. اين خبرگان توسط دول عضو از ميان اتباع كشورهايشان انتخاب مي‌شوند و در صلاحيت شخصي خود خدمت مي‌كنند. در انتخاب اين اشخاص به توزيع عادلانة جغرافيايي و به حضور اشكال مختلف تمدن و نظام‌هاي عمدة حقوقي توجه مي‌شود.

2. اعضاي كميته با رأي مخفي و از فهرست افرادي كه توسط دول عضو نامزد شده‌اند انتخاب مي‌شوند؛ هر دولت عضو مي‌تواند يك نفر از اتباع خود را نامزد نمايد.
3. نخستين انتخابات شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن اين كنوانسيون برگزار خواهد شد. حداقل سه ماه قبل از تاريخ هر انتخابات، دبيركل ملل متحد طي نامه‌اي از دول عضو مي‌خواهد تا ظرف دو ماه نامزدهاي خود را معرفي كنند. دبيركل، فهرست اسامي نامزدها را به ترتيب حروف الفبا و با ذكر كشور نامزدكنندة هر يك تهيه و براي دول عضو ارسال خواهد داشت.
4. انتخاب اعضاي كميته در جلسة دول عضو كه توسط دبيركل در مقر ملل متحد برگزار خواهد شد، انجام مي‌شود. در اين جلسه، كه حد نصاب تشكيل آن حضور دو سوم دول عضو مي‌باشد، اشخاص انتخاب‌شده براي عضويت در كميته آن دسته از نامزدهايي خواهند بود كه بيشترين تعداد آرا و همزمان اكثريت مطلق آراي نمايندگان دول عضو حاضر و رأي‌دهنده در جلسه را به‌دست آورند.
5. اعضاي كميته براي يك دورة چهار ساله انتخاب مي‌شوند. لكن دورة عضويت نُه نفر از اعضاي منتخب در اولين انتخابات در پايان دو سال به اتمام مي‌رسد. بلافاصله پس از اولين انتخابات، اسامي اين نُه عضو به قيد قرعه توسط

www.TPTG.ir

رئيس كميته انتخاب خواهد شد.
6. انتخاب پنج عضو ديگر كميته مطابق با بندهاي 2، 3 و 4 اين ماده و به دنبال سي و پنجمين تصويب يا الحاق صورت خواهد گرفت. دورة عضويت دو نفر از اعضاي فوق در پايان دو سال خاتمه خواهد يافت و اسامي اين دو نفر به قيد قرعه توسط رئيس كميته انتخاب خواهد شد.
7. به منظور اشغال پست‌هاي خالي احتمالي، دولتي كه فعاليت خبره‌اش به‌عنوان عضو كميته متوقف شده است، خبرة ديگري را از بين اتباع خود براي عضويت در كميتة مشروط به تأييد كميته انتخاب خواهد كرد.

8. اعضاي كميته با تأييد مجمع عمومي و بر طبق ضوابط و شرايطي كه آن مجمع مقرر مي‌دارد و با در نظر گرفتن اهميت مسئوليت‌هاي كميته از سازمان ملل متحد مقرري دريافت خواهند كرد.
9. دبيركل ملل متحد تسهيلات و كارمندان لازم را به منظور تحقق و انجام مؤثر وظايف كميته در چارچوب اين كنوانسيون تأمين خواهد نمود.

ماده 18

1. دول عضو متعهد مي‌شوند گزارشي براي بررسي كميته در مورد اقدامات تقنيني، قضايي و اجرايي و ساير اقدامات متخذه در راستاي اجراي مفاد اين كنوانسيون و پيشرفت‌هاي حاصله در اين رابطه به دبيركل ملل متحد ارائه كنند:

الف. يك سال پس از لازم‌الاجرا شدن كنوانسيون براي آن دولت؛

ب. پس از آن حداقل هر چهار سال يك‌بار و علاوه بر آن هر زماني كه كميته درخواست كند.
2. اين گزارشات مي‌تواند مبين عوامل و مشكلاتي كه بر ميزان اجراي تعهدات تحت اين كنوانسيون اثر مي‌گذارد باشد.

ماده 19

1. كميته آيين‌نامة اجرايي خود را تصويب خواهد نمود.

2. كميته مسئولان خود را براي يك دورة دو ساله انتخاب خواهد كرد.

ماده 20

1. كميته به منظور بررسي گزارشاتي كه مطابق با ماده 18 اين كنوانسيون ارائه‌شده هر ساله به مدتي كه از دو هفته تجاوز نكند تشكيل جلسه مي‌دهد.

2. جلسات كميته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد يا در هر محل مناسب ديگري كه به تصميم كميته تعيين مي‌شود برگزار خواهد شد.

ماده 21

1. كميته همه ساله از طريق شوراي اقتصادي و اجتماعي گزارشي در مورد فعاليت‌هاي خود به مجمع عمومي تسليم مي‌نمايد و مي‌تواند بر اساس گزارشات و اطلاعات واصله از دول عضو پيشنهادات و توصيه‌هاي كلي ارائه دهد. اين پيشنهادات و توصيه‌هاي كلي همراه با نظرات احتمالي دول عضو در گزارش كميته درج مي‌گردد.

2. دبيركل ملل متحد گزارشات كميته را جهت اطلاع به كميسيون مقام زن ارسال مي‌نمايد.

ماده 22

مؤسسات تخصصي مجاز خواهند بود كه از طريق نمايندگانشان اجراي موادي از پيمان‌نامة حاضر را كه در حوزة فعاليت‌هاي آنها جاي مي‌گيرند مورد بررسي قرار دهند. كميته ممكن است از مؤسسات تخصصي دعوت كند تا گزارش‌هايي دربارة نحوة اجراي پيمان‌نامه در زمينه‌هايي كه به حوزة فعاليت آنها مربوط مي‌شود ارائه نمايند.

بخش ششم

ماده 23

هيچ‌چيز در اين كنوانسيون بر مقرراتي كه براي دستيابي زنان و مردان به برابري مفيدتر و مؤثرتر وجود دارد تأثير نخواهد گذاشت؛ اين مقررات مي‌تواند شامل موارد زير باشد:
الف) قوانين يك دولت عضو؛ يا

ب) هر كنوانسيون پيمان يا موافقت‌نامة بين‌المللي ديگري كه براي آن دولت لازم‌الاجراست.

ماده 24

دول عضو متعهد مي‌گردند كلية اقدامات لازم در سطح ملي را كه هدف از آن تحقق كامل حقوق به رسميت شناخته‌شده در اين كنوانسيون مي‌باشد، به عمل آورند.

ماده 25

1. اين كنوانسيون براي امضاي كلية دول مفتوح مي‌باشد.

2. دبيركل ملل متحد به‌عنوان امين اين كنوانسيون تعيين مي‌شود.

3. تصويب اين كنوانسيون منوط به طي مراحل تصويب قانوني است. اسناد تصويب نزد دبيركل ملل متحد به امانت گذارده خواهند شد.

4. اين كنوانسيون جهت الحاق كلية دول مفتوح مي‌باشد. الحاق با سپردن سند الحاق به دبيركل ملل متحد محقق مي‌شود.

ماده 26
1. دول عضو مي‌توانند در هر زمان طي نامه‌اي خطاب به دبيركل ملل متحد درخواست تجديدنظر در اين كنوانسيون را نمايند.
2. مجمع عمومي ملل متحد در مورد اقدامات احتمالي بعدي در مورد چنين درخواستي تصميم خواهد گرفت.

ماده 27
1. اين كنوانسيون سي روز پس از تاريخ كه بيستمين سند تصويب يا الحاق آن نزد دبيركل ملل متحد به امانت گذارده شد، لازم‌الاجرا مي‌گردد.
2. پس از وديعه سپردن بيستمين سند تصويب يا الحاق، براي هر دولتي كه اين كنوانسيون را تصويب مي‌كند يا به آن ملحق مي‌گردد، كنوانسيون مذكور از سي‌امين روز تاريخي كه سند تصويب يا الحاق آن دولت به امانت گذارده شده لازم‌الاجرا مي‌گردد.

ماده 28

1. دبيركل متحد متن تحفظ كشورها در هنگام تصويب يا الحاق را دريافت نموده و آن را ميان كلية دول توزيع مي‌نمايد.

2. تحفظاتي كه با هدف و منظور اين كنوانسيون سازگار نباشد پذيرفته نخواهد شد.

3. تحفظات از طريق تسليم يادداشتي به دبيركل متحد در هر زمان قابل پس گرفتن است. نامبرده همة دولت‌ها را از اين موضوع مطلع خواهد كرد. لغو تحفظ از روزي كه يادداشت دريافت شود معتبر است.

ماده 29

1. هرگونه اختلاف در تفسير يا اجراي اين كنوانسيون بين دو يا چند دولت عضو كه از طريق مذاكره حل نگردد بنا به تقاضاي يكي از طرفين به داوري ارجاع مي‌گردد. چنانچه ظرف شش ماه از تاريخ درخواست داوري، طرفين در مورد نحوه و تشكيلات داوري به توافق نرسند، يكي از طرفين مي‌تواند خواستار ارجاع موضوع به ديوان بين‌المللي دادگستري مطابق با اساسنامة ديوان گردد.

2. هر دولت عضو مي‌تواند به هنگام امضا يا تصويب اين كنوانسيون يا الحاق به آن اعلام كند كه خود را موظف به اجراي بند يك اين ماده نمي‌داند. دول عضو ديگر در قبال دولتي كه به بند يك اين ماده اعلام تحفظ نموده است ملزم به اجراي بند يك نمي‌باشند.
3. هر دولت عضوي كه بر طبق بند 2 اين ماده اعلام تحفظ نموده باشد مي‌تواند در هر زمان از تحفظ خود از طريق اعلام رسمي به دبيركل متحد طرف‌نظر نمايد.

ماده 30

اين كنوانسيون كه متون عربي، چيني، انگليسي، فرانسه، روسي و اسپانيولي آن داراي اعتبار يكسان مي‌باشند، نزد دبيركل ملل متحد به امانت گذارده ٧مي‌شود.

مأخذ

راهنمای عفو بین الملل، چاپ هفتم.نیویورک، ،1992 ،صفحه 127 تا 139.

فرهنگ حقوق سیاه،چاپ ششم، اثر پاول

فرهنگ حقوق بین الملل، نوشته سانتا باربارا، 1987

دایرت المعارف حقوق بشر، نوشته لاسن، محل چاپ:نیویورک.

www.TPTG.ir

دایرت المعارف حقوق بین الملل عمومی،نوشته برنهارد، محل چاپ: هالند شمالی.

مرد آزاد، فرهنگ اصطلاحات مربوط به دیپلوماسی، محل چاپ: واشنگتن، طبع مطبعه نهاد صلح ایالات متحده
فرهنگ حقوق بین الملل ودیپلوماسی، اثر دوبس فیری،محل چاپ: نیو یورک.

فرهنگ استعمال جدید حقوقی،چاپ دوم ،محل اشاعت:نیویورک، طبع مطبعه آکسیفورد.
فرهنگ اصطلاحات حقوق بشر بین الملل،نوشته لاهام.

فرهنگ لغات اولیه حقوق بشر در سندهای جهانی وبین المللی،محل چاپ:پاریس

فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل،چاپ چهارم، اثر سانتا باربرا.

فرهنگ اصطلاحات حقوق بشر،محل اشاعت: لندن،سال چاپ :1997.

اصطلاحات حقوق بشر درقانون بین الملل

متن های اسناد حقوق بشر

شورای اروپا. حقوق بشر درقانون بین الملل: متن های ابتدایی،چاپ دوم، طبع مطبعه شورای اروپا. مدیریت حقوق بشر،1992.
مرکز سازمان ملل برای حقوق بشر،تالیف سندهای بین المللی،محل اشاعت: نیویورک،سازمان ملل متحد.
دانشگاه مینیسوتا ،مرکز حقوق بشر، کتابخانه حقوق بشر(www.umn.edu)

کتب درسی

خلاصه حقوق بشر بین الملل،چاپ دوم، اثر پاول

معاهده ها،قضیه ها و قانون حقوق بشر بین المللی،قانون بین المللی شهر هاگ ،1997

قانون بین المللی حقوق بشر،سیاست وروند، چاپ دوم، اثر اندیرسن.

حقوق بشر بین المللی،قانون،سیاست واخلاقیات. طبع مطبعه آکسیفورد.

قوانین برخوردهای مسلحانه

کمیته بین المللی صلیب سرخ، کنوانسیون ژینو ، 12 اگوست سال 1949.

کمیته بین المللی صلیب سرخ، پروتوکول های ضمیمه شده کنوانسیون های ژینو.

www.TPTG.ir

اسناد درباره قوانین جنگ، چاپ دوم ،طبع مطبعه کیلیروندون، سال چاپ 1989

www.TPTG.ir